



«۲۲۸»

سفرنامه  
استرآباد و مازندران و گیلان و...

مسنو و گلزاری

برای آنکه در تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران تحقیقی جامع و کامل و دقیق  
انجام بگیرد نخستین کار آن است که مآخذ و مدارک مهم و معتبر در دسترس  
محققان واقع شود .

بسیاری از این آثار که در ادوار مختلف به زبان فارسی تألیف شده هنوز  
به چاپ نرسیده و چاپ بعضی دیگر با دقتی شایسته انجام نگرفته است  
اما کتابها و رسالاتی که به زبانهای دیگر نوشته شده نیز فراوان است  
و البته هر پرده پهنه ای نمی تواند با چندین زبان بیگانه آشنائی داشته باشد .  
برای رفع این مشکل بنیاد فرهنگت ایران می گوشد کتابهای فارسی  
را که از این جهت ارزش و اهمیت دارد و نسخه های خطی آنها را دسترس  
ملا و مندان دور است منتشر کند و کتابها و رسالاتی را که بزبانی دیگر تألیف  
یافته است به فارسی در آورد و انتشار دهد .

پروژه نالی خانغری  
دیرکل بنیاد فرهنگت ایران



منابع تاریخ و جغرافیای ایران  
«۷۳»

# سفرنامه

استرآباد و مازندران و گیلان و...

به کوشش  
مسعود گلزاری



آشادات بنیاد فرهنگ ایران

«۲۳۸»

# پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی

از این کتاب

۱۲۰۰ نسخه در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

در چاپخانه زرچاپ شد.

## فهرست مطالب

	سرآغاز	۱
۱-۲	تفصیل	
۳	بخش یکم : از دارالخلافه طهران به سمنان	
۳	دولت آباد	
۴	راه دارالخلافه به خاتون آباد	
۴	دهکده خاتون آباد	
۵	راه خاتون آباد به ایوان کیف	
۵-۶	دهکده ایوان کیف	
۶	راه ایوان کیف به قشلاق	
۶-۷	دهکده قشلاق	
۸	راه قشلاق به ارادان	
۸-۱۰	بلوک ارادان	
۱۰	راه ارادان به ده نمک	
۱۱-۱۲	دهات خوار	
۱۲	دهکده ده نمک	
۱۳	راه ده نمک به لاس گرد	
۱۳-۱۵	دهکده لاس گرد	
۱۵	راه لاس گرد به سمنان	
۱۶-۱۹	شهرستان سمنان	

۲۱	بخش دوم: ازسمنان به دامغان
۲۱	راه سمنان به آهوان
۲۱-۲۲	دهکده آهوان
۲۳	راه آهوان به قوشه
۲۳	دهکده قوشه
۲۳	راه قوشه به دامغان
۲۴-۲۶	شهر دامغان
۲۷	بخش سوم: از دامغان به شاهرود
۲۷	راه از دامغان به شاهرود
۲۸-۳۰	شهر شاهرود
۳۱	بخش چهارم: از شاهرود به قریه جز
۳۱	راه شاهرود به تاش
۳۱-۳۲	دهکده تاش
۳۲	راه تاش به شاهکوی بالا
۳۳	دهکده شاه کو
۳۳-۳۴	راه شاه کوی بالا به رادکان
۳۴	دهکده رادکان
۳۴	راه رادکان به جز
۳۵-۳۶	دهکده جز
۳۶-۳۹	جزیره آشوراده
۴۱	بخش پنجم: از شاهرود به استرآباد
۴۱-۴۲	راه جز به کردمحله
۴۲-۴۳	کرد محله

۴۴-۴۵	راه کردمحل به کفشگیری
۴۵-۴۶	دهکده کفشگیری
۴۶-۴۷	راه کفشگیری به استرآباد
۴۸-۶۷	بلده استرآباد
۶۷-۷۰	آنچه بر استرآباد گذشت
۷۱-۷۰	تفصیل خوانین جعفریای
۷۱-۷۲	زن ترکمان
۷۲-۷۵	احوال قاجار ساکن استرآباد
۷۷	بخش ششم: از استرآباد به شهر اشرف
۷۷-۷۸	راه از دهکده جز به بلوک کلباد از محال مازندران
۷۸	بلوک کلباد
۷۹-۸۰	راه از بلوک کلباد به شهر اشرف
۸۱-۸۲	شهر اشرف
۸۲-۸۴	عمارت چهل ستون
۸۴	عمارت اندرونی شاه عباسی
۸۵	سه باغ دیگر
۸۷	بخش هفتم: از اشرف به شهر ساری
۸۷	قراتپه
۸۸	راه اشرف به نیکاح
۹۰-۹۱	راه از نیکاح به سیمس کننده
۹۲-۹۳	دهکده سیمس کننده از بلوک اندرود
۹۳-۹۴	راه سیمس کننده به شهر ساری
۹۵-۱۰۰	شهر ساری
۱۰۰-۱۰۶	بلوکات ساری



۱۰۷	بخش هشتم: از ساری به شهر بارفروش
۱۰۷-۱۰۸	از بابت راه از شهر ساری به فرح آباد
۱۰۸-۱۰۹	فرح آباد
۱۱۰-۱۱۱	از بابت راه از فرح آباد به مشهدسر
۱۱۱-۱۱۵	مشهدسر
۱۱۵	میربازار
۱۱۵-۱۱۶	پازوار
۱۱۶	امیرکلا
۱۱۶	حمزه کلا
۱۱۷	شهر بارفروش
۱۲۱-۱۲۴	تفصیل بلوکات بارفروش
۱۲۵-۱۲۷	بایبهای ساکن بارفروش
۱۳۱	بخش نهم: از مشهدسر به بلوک کالارستاق
۱۳۱-۱۳۲	از بابت راه مشهدسر به فریکنار
۱۳۲-۱۳۳	از بابت راه از فریکنار به محمودآباد هراز
۱۳۳	بلوک آمل
۱۳۴	شهر آمل
۱۳۴	لاریجان
۱۳۴-۱۳۶	از بابت راه از محمودآباد هراز به سلده
۱۳۶	سلده
۱۳۶-۱۳۷	نور و بلوک آن
۱۳۸	علوی کلا
۱۳۸	صلاح الدین کلا
۱۳۸-۱۴۰	چلندر

بازده	فهرست مطالب
۱۴۰-۱۴۱	کجور
۱۴۱-۱۴۲	از بابت راه از چلندر به اورنگ
۱۴۳-۱۴۴	بلوک کلارستاق
۱۴۵	بخش دهم: از بلوک کلارستاق به بلوک تنکابن
۱۴۵-۱۴۶	از بابت راه از اورنگ به عباس آباد
۱۴۶	عباس آباد
۱۴۷	از بابت راه از عباس آباد به خرم آباد
۱۴۸-۱۵۰	خرم آباد
۱۵۰-۱۵۱	سخت سر
۱۵۳	بخش یازدهم: از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان
۱۵۳	از بابت راه از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان
۱۵۴	دهکده قاسم آباد
۱۵۴-۱۵۶	بلوک سیاهکله رود
۱۵۶-۱۵۷	از بابت راه از سیاه کله رود به رودسر
۱۵۷-۱۵۸	رودسر
۱۵۸	کیکلایه
۱۵۸-۱۶۰	لنگرود
۱۶۱	از بابت راه از لنگرود به شهر لاهیجان
۱۶۲-۱۶۴	شهر لاهیجان
۱۶۵	بخش دوازدهم: از لاهیجان به شهر رشت
۱۶۵-۱۶۶	از بابت راه از شهر لاهیجان به شهر رشت
۱۶۷-۱۷۱	شهر رشت
۱۷۳	بخش سیزدهم: از رشت به دارالسلطنه قزوین

	از بابت منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنه
۱۷۳	قزوین و زنجان
۱۷۴-۱۷۷	احوال ایلات قزوین
۱۷۷-۱۷۸	از بابت راه منجیل به شهر زنجان
۱۷۸-۱۷۹	دهکده منجیل
۱۸۱	بخش چهاردهم: از منجیل به استارا
۱۸۱-۱۸۲	تفصیل احوال ولایت رحمت آباد
۱۸۳	دهات رحمت آباد
۱۸۳	بلوکات رحمت آباد
۱۸۳-۱۸۴	دهات ایل نشین رحمت آباد
۱۸۴	رودخانه های رحمت آباد
۱۸۴	بیلاق رحمت آباد
۱۸۴-۱۸۵	حدود ملک رحمت آباد
۱۸۶	احوال ولایت عمارلو
۱۸۶-۱۸۷	دهات عمارلو
۱۸۷-۱۸۸	دهات بابا منصور عمارلو
۱۸۸	طوایف عمارلو
۱۸۹-۱۹۰	احوال ولایت رودبارزیتون
۱۹۰	دهات رودبار زیتون
۱۹۱-۱۹۲	احوال ولایت شفت
۱۹۲	بیلاق شفت
۱۹۲-۱۹۳	دهات شفت
۱۹۴	احوال ولایت فومن
۱۹۵-۱۹۶	دهات فومن

۱۹۷	احوال ولایت تولم
۱۹۸	دهات تولم
۱۹۸	حاکم نشین شاندرمین
۱۹۸	حاکم نشین ماسال
۱۹۸-۱۹۹	حاکم نشین گیل گسگر
۱۹۹	حاکم نشین لشت نشا
۱۹۹	حاکم نشین دیلمان
۲۰۰-۲۰۲	احوال ولایت انزلی
۲۰۲	از بابت راه از انزلی به کپورچال
۲۰۳-۲۰۴	از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب
۲۰۴-۲۰۵	دهات گیل دولاب
۲۰۵	دهات طالش دولاب
۲۰۵-۲۰۶	ییلاق طالش دولاب
۲۰۶-۲۰۸	احوال کلی طالش دولاب
۲۰۹-۲۱۰	از بابت احوال ولایت اسالم
۲۱۰	دهات اسالم
۲۱۰-۲۱۱	ییلاق اسالم
۲۱۲-۲۱۶	احوال ولایت کرگان رود
۲۱۶	دهات کرگان رود
۲۱۷	ییلاق آق ایولر
۲۱۷	رودخانه های کرگان رود
۲۱۸-۲۱۹	آستارا
۲۲۱-۲۲۸	تعلیقات و تصحیحات و اضافات
۲۲۹-۲۳۴	فهرست عمومی

## سر آغاز

به نام آنکه او نامی ندارد

کتابی که از زیر دید خواننده گرامی می‌گذرد، کتابی است در جغرافیای سرزمینهای جنوبی دریای مازندران همراه بناها و آثار تاریخی و نرخ مواد خواروبار و تواریخ محلی و گوشه‌هایی از وقایع زمان در سالهای ۱۲۸۶ و ۱۲۷۷ ق.ه. که به دست میرزا ابراهیم نامی برای ژنرال دُرن نوشته شده است.

میرزا ابراهیم در ۲۹ رمضان ۱۲۷۶ سفر خود را آغاز کرده و در ۲ ذی‌قعدة ۱۲۷۷ به پایان رسانده است.

نسخ متعددی از این کتاب در دست است، نگارنده نخست از نسخه آکادمی علوم شوروی به شماره 1885 C خبردار شد. از روی همین نسخه، متن اصلی تهیه و بانسخ دیگر مقابله و حاضر به چاپ گردید.

متن مقابله شده را از نظر آقای دکتر خانلری - مدیر عامل بنیاد فرهنگ ایران - گذرانند. ایشان اجازه دادند که در سلسله کتب بنیاد فرهنگ ایران به چاپ برسد. از محبت ایشان تشکر و امتنان دارم.

\*\*\*

از مؤلف این کتاب اطلاع کافی در دست نداریم ولی روشن است که مدت‌زمانی در سرزمینهای جنوبی دریای نخر گذرانده است.

مؤلف سفر خود را از تهران شروع کرده شهرهای سمنان، دامغان، شاهرود، استرآباد، اشرف، ساری، بارفروش، لاهیجان، رشت، قزوین و آستارا را دیده و تمام وقایع زمان سفر را یادداشت کرده است.

\*\*\*

اوزان و نرخ و قیمت‌های اجناس و تقسیمات ایلات و طوایف به همان صورتی که در متن اصلی آمده بود هنگام چاپ به همان ترتیب چاپ شد.

در چاپ سعی کردیم عین متن خطی را نقل کنیم ولی این کتاب نظیر اغلب کتب دوران قاجاری اغلاط زیادی داشت که مجبور شدیم آنها را تصحیح کنیم.

\*\*\*

استوری در شرحی که از نسخ این کتاب داده، آن را «کتاب استرآباد و مازندران و گیلان و دامغان و سمنان» خوانده است.<sup>۱</sup>  
در فهرست نسخه‌های فارسی آکادمی علوم شوروی این کتاب به نام «کتاب استرآباد و مازندران و گیلان و دامغان و سمنان میرزا ابراهیم» خوانده شده است.<sup>۲</sup>

در فهرست میکلوخاما کلایا این کتاب به نامی که در فهرست آکادمی علوم شوروی آمده است دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

در فهرست میکروفیلیمهای دانشگاه تهران فیلم شماره ۱۶۴۱ به نام «جغرافیای مازندران و گیلان و دامغان و سمنان» ثبت شده است.<sup>۴</sup>

۱- استوری، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲- فهرست نسخه‌های فارسی آکادمی شوروی 1885 C، ص ۴۳۵.

ش ۳۳۵۱.

۳- میکلوخاما کلایا، ج ۱، ص ۹۹، ش ۸۷ و ج ۲، ص ۱۶۷.

۴- فهرست میکروفیلیمها، ج ۱، ص ۶۸.

نسخه دیگری که پس از چاپ متن به دست افتاد نسخه‌ای است متعلق به آقای ناطق به نام «سفرنامه مازندران» که بانسخه آکادمی علوم شوروی به شماره 1885 C یکی نمی‌باشد.

\*\*\*

آقای حاج محمدشیروانی - مربی فنی و کارشناس نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - که در عین صفا و صمیمیت وقت خود را در اختیار اینجانب گذاشتند و در خواندن یادداشت‌های «سیاق» مؤلف یاریم کردند، صمیمانه تشکر می‌نماید.

دوست دانشمند دکتر منوچهر ستوده متن چاپ شده را در اختیار گرفتند و پس از مروری دقیق، اعلام جغرافیایی آنرا که به صورت محلی و قدیمی ثبت شده بود به شکل امروزی آن مطابقت دادند که در «تعلیقات و تصحیحات و اضافات» آمده است. الطاف و مراحمش فراموش نشدنی است.

بر اثر کمک‌های آقای سید مهدی جاوید قسمت اعظم «تعلیقات و اضافات» گردآوری شد. از محبت‌های بی‌دریغ ایشان از صمیم قلب سپاسگزارم و توفیق بیشتری برای ایشان آرزو دارم. این کتاب در چاپخانه زر به چاپ رسید. از آقای حمید باقرزاده و سایر کارکنان که برای این کتاب زحمتی کشیده‌اند صمیمانه اظهار امتنان می‌نماید.

مسعود گلزاری

بیست و پنجم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله خالق البرايا والشكر لواجب العطايا و صلى الله على النبي  
والوصى والبتول والسبطين [و] السجاد والمباقر والكاظم والرضا والتقى  
والنقى والعسكري [و] المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم اجمعين.  
اما بعد اين رساله ايست [در] تفصيل اسامي بلد وبلوكات عرض راه از  
دارالخلافة طهران از راه سمنان.

### تفصيل

اسامي بلد و بلوكات عرض راه از دارالخلافة طهران از راه سمنان،  
دامغان وشاهرود واسترآباد مع سكنة طوايف تركمانيه و مازندران و گيلان  
الى آستارا سرحد دولت روسيه، يوم شنبه ۲۹ شهر رمضان المباركة سنة پيچى-  
ثيل خيريت دليل مطابق ۱۲۷۶ هجرى و ۲۱ اپرل ماه فرانسه ۱۸۶۰ مسيحي.

از طهران به سمنان ۳۵ فرسخ.

از سمنان به دامغان ۱۸ فرسخ.

از دامغان به شاهرود ۱۰ فرسخ.



از شاهرود به قریهٔ جزا ۲۱ فرسخ.  
از شاهرود به شهر استرآباد ۱۶ فرسخ.

[ بخش یکم ]

## [ از دارالخلافة طهران به سمنان ]

[ دولت آباد ]

از بابت دولت آباد نیم فرسخی دارالخلافة، باغی دارد که اصل بنای باغ ابتدا از مرحوم مغفور عباس میرزا است. بعد در دست ظل السلطان افتاد که محمد شاه رضوان جایگاه از او گرفت تا اینکه به پادشاه اسلامیان پسنانه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه رسیده است. که عمارات اندرونی و فوقانی و تحتانی و حوض آب و اشجار مثمره و غیر مثمره و گل و لاله و موانگور زیاد است. و شش نفر باغبان دارد. و باغبان باشی کربلای اکبر است. پارسال اجاره باغ مبلغ هفتاد و پنج تومان بود. مبلغ شصت تومان باغبانان مستمری دارند، اضافه را رد می نمایند.

و در قلعه هفتاد هشتاد خانه وار رعیت سکنی دارند. مالیات عرض سال يك قطعه مرغ و ده بیضه تخم مرغ می دهند. و تخم زراعت و زمین و آب از پادشاه است، رعیت می کارد، سه حصه مال شاه و يك حصه مال رعیت است. اسم گذاشته اند چهار کوتی.

## [ راه دارالخلافه به خاتون آباد ]

از بابت راه خاتون آباد که پنج فرسخ به دارالخلافه است، از یکسره برج یزید لعنتی و قلعه اش رد شده، دست چپ کوه است [و] بالایش نقاره-خانه و زندان یزید ملعون است. و در میان کوه قبر مطهر منور بی بی شهربانو است. و نیم فرسخ از دولت آباد گذشته قریه امین آباد است که به مقابل بی بی شهربانو واقع می باشد. و از میان قریه مزبور ربع فرسخ گذشته، دو راه دارد. و راه خاتون آباد دست چپ می باشد. [این دهکده] داخل ورامین است. و خود ورامین سیصد قریه است خالصه شاهی در دست میرزا محمد-حسین بلور<sup>۱</sup> وزیر طهران است. و آب در راه دارد. و دست راست ده اشرف-آباد، بعد محمود آباد [و] ایضاً نمرود تپه متصل به عباس آباد، خرابه است.

## [ دهکده خاتون آباد ]

از آنجا گذشته داخل خاتون آباد می شود که ملکش يك دانگ اربابی و پنج دانگ خالصه شاهی است. اگر رعیت تخم حاصل را خودش بگذارد سه کونی است، دو تامل رعیت و يك حصه مال ارباب، بدین شرط که آب و زمین از ارباب باشد. و نهر آبی که از وسط خاتون آباد می گذرد به فورون-آباد می رود. هر ساله شلتوک زیاد می کاشتنند. امسال به جهت کم آبی، شلتوک کاری را به فورون آباد برده اند. اگر به حاصل صدمه نخورد سالی دو یست خروار غله به دیوان می دهند. و آبش از جاجرود می آید. میوه جات به قدر کفاف خودشان دارند. پنجاه و سه خانه وار رعیت ساکن است. کدخدایش الله فلی بیگ [است].

## [ راه خاتون آباد به ایوان کیف ]

از بابت راه ایوان کیف که به خاتون آباد [می رود] هفت فرسخ است. و يك فرسخ از خاتون آباد گذشته طرف دست چپ، قریه آل واک در کنار راه واقع است. باغی دارد مال محمد حسن خان پسر نصر الله خان [که] سرای-دارباشی شاهی در قدیم بود. از هر اقسام میوه بسیار دارد.

يك فرسخ از آنجا گذشته دست چپ کنار راه، قریه شریف آباد است که در شمالش کوه دماوند واقع است.

سه فرسخ از خاتون آباد گذشته دورتر از راه، قریه ابراهیم آباد و کریم آباد است. پنجاه مرتبه آبی که از جاجرود می آید به دهات و رامین می رود، رد شده و از آنجا آب و آبادی ندارد الی ایوان کیف که چهار فرسخ باشد - صحرای خشک بی آب و علف است - داخل ایوان کیف می شود.

## [ دهکده ایوان کیف ]

[این دهکده] دو نفر کدخدا دارد: بزرگتر عبدالله بیگ [و آن] یکی مطلب بیگ مباشر میرزا محمد علی، تبول سرطوبله شاهی. ابواب جمع، محسن میرزا میر آخور شاه می باشد. دویست تومان نقد، سیصد خروار جو [و] ششصد خروار گاه می گیرد.

به قرار سیصد خانه وارند [که] در دو قلعه و يك محله سکنی دارند. و بیست خانه وار کرد در محله پایین می نشینند. و کاروانسرای شاه عباسی در محله پایین است که رویش بالاخانه داشت [و] رعیت منزل می کسرد، الآن خرابه است. در بیرون اسطوخ آب دارد. و میوه جات ایوان کیف زیاد است بخصوص انجیر، انار، انگور با سایر میوه وافر است.

وسمت شمالی دره‌ای دارد که دره دماوندش می‌گویند، که محل عبور مردم است به مازندران. هشت نه فرسخ درخت و باغات است، مخصوص دهی دارد [که] اسمش دیزک می‌باشد که میوه بسیار دارد. و ایوان کیف در زمستان الی ۱۳ حمل، آب دارد. و آب خوراکیشان از پنج آب انبار است. و مسجد و تکیه و حمام و امامزاده دارد. هوایش گرم است. ملکش اربابی است. مردمان حاجی و صاحب پول هم دارد. داخل در جمع و رامین است و آبش قدری شور مزه است. و رودخانه‌ای هم دارد که ایام تابستان خشک می‌شود. آنطرف رودخانه سمت شرقی، هفت هشت سال است که خانه بنا کرده‌اند. به طهران مسافت دوازده فرسخ [و] به قشلاق پسنج فرسخ [است].

#### [راه ایوان کیف به قشلاق]

از بابت راه از ایوان کیف به قشلاق که پنج فرسخ است به مسافت يك فرسخ و نیم گذشته اول سردره است. که بالای تپه، قراولخانه نادری مخروبه از آجر است. که خیابان از میان دره است. که جوی آب شور روان می‌باشد.

سه ربع فرسخ آمده دست چپ، توی دره ایضاً قراولخانه سنگی خرابه است. و این دو قراولخانه به حکم نادر شاه ساخته شده بود که هرگاه افغان بیاید مستحفظین مانع شوند [و] جنگ نمایند. و ربع فرسخ دیگر گذشته سردره تمام می‌شود. که همه این سردره يك فرسخ است.

#### [دهکده قشلاق]

از دره بیرون آمده اول خوار است. و دو راه دارد که راه دست چپ

به قشلاق می‌رود. خیابان سر راست بی آب و علف [است]. نزدیکی قشلاق زمین زراعت است و [به] کُل می‌رسد، داخل قشلاق می‌شود، که چاپارخانه شاهی در آنجا است. ضابط چاپار محمود بیگ پسر مهدی بیگ تبریزی است. کدخدای غلام حسین خان [است]. قلعه‌ای هم دارد. و دور قلعه و میان قلعه رعایا منزل دارند. به قرار یکصد و پانزده خانه دارند. زبانشان ترکی و فارسی است. و حمام و مسجد و تکیه و کاروانسرا و رودخانه آبی دارد که امسال خشک شده بود.

و ملک قشلاق اربابی است. پنجاه تومان نقد و هفتاد خروار غله به دیوان می‌دهند. و آب قشلاق از قزان چای<sup>۱</sup> و فیروز کوه<sup>۲</sup> می‌آید. میوه جات به قدر کفاف دارند.

در خوار سالی یک هزار و چهار صد خروار شلتوک و دوهزار تومان نقد از بابت صیفی، به دیوان می‌دهند، امسال یک دانه از بی آبی به عمل نیامده است. که امسال زیاد بی آبی داشتند.

شمال شمال مغرب مغرب<sup>(۱)</sup> کوه دماوند و کوه بزرگ بین شمال و مغرب اسمش کلرز<sup>۲</sup> می‌باشد، مغرب شمال مغرب سر دره. و آخر کوه مکرش<sup>۳</sup> که راه ورامین است. مغرب هشتاد کوه دوازده امام، جنوب و مغرب سیاه کوه، وسطش جنوب ده که راه نطنز<sup>۴</sup>، کاشان و اردستان است. طهران شمال مغرب پنجاه<sup>(۲)</sup> و قشلاق آب انبار هم دارد.

۱- در اصل: قزان چساره. ۲- بفتح کاف و لام و سکون راء و زاء.

۳- بفتح میم و سکون کاف و فتح زاء و سکون شین. ۴- در اصل: نطنز.

## [ راه قشلاق به ارادان ]

از بابت راه از قشلاق به ارادان که دوفرسخ است، بیست و یک جاز از آب رودخانه‌ها که از فیروزکوه و قزان‌چای<sup>۱</sup> می‌آید داخل خوار می‌شود، رد شده قلعه ارادان است.

## [ بلوک ارادان ]

و بزرگ آنجا مرتضی قلی بیگ با برادر کوچکش آقا میرزا علی اکبر است که شش نفر پسر دارد: میرزا آقا و آقا میرزا تقی، فتح‌الله، فضل‌الله، شکرالله [و] نصرالله. و ارادان مختصی خودشان می‌باشد.

غله بلوک ارادان یکهزار و پانصد خروار، نقدی ششصد و پنجاه تومان، شلتوک سیصد و ده خروار [و] صیفی هفتاد و پنج خروار. و این ارادان دو قلعه دارد. قلعه وسطی در بالای تپه‌ای بلند است. و منزل اربابان در قلعه تپه می‌باشد. و دور این قلعه تپه همه خانه‌های رعایا است. و مسجد و تسکبه و حمام و یخ‌چال و آب‌انبار بسیار بزرگ آب سرد و صاف و سبزی کاری هم دارد. و قلعه دیگر دور [از] اینهاست و کسی نشان نمی‌دهد که در چه عهد ساخته شده است. از قراری که مذکور شد باید در عهد رستم و افراسیاب بنا شده باشد.

و از قلعه تپه که نگاه می‌کنی جمیع صحرا و سبزی کار [ی] نمایان است. بسیار جای با صفا و دلگشا است. یکصدوده خانه‌وارند. خود ارادان یک بلوک است. سه قریه یکی چاده<sup>۲</sup> یکی کند<sup>۳</sup> [و] یکی ارادان. و همین قلعه

۱- در اصل: قزان چاه. ۲- بکسردال. ۳- بفتح کاف و سکون

قبل از نادرشاه، نه ماه در محاصره افغان بود تا اینکه آذوقه اهل قلعه تمام شد، به تصرف افغان درآمد.

واسم امامزاده ارادان، امامزاده سلطان شاه نظر است، و اهل خود ارادان طایفه پازوکی و آسایشلو هستند که در عهد شاه اسماعیل از روم آورده‌اند.

طوایف دیگر که در خوار سکنی دارند: اول ششصد خانه‌وار ایل اصائلو<sup>۱</sup> که ترک هستند، می‌باشند. دویست و پنجاه نفر نوکر سوار به دیوان می‌دهند. سرکرده [ایشان] جلیل خان است. گیرشان بیاید دله‌دزدی می‌نمایند. کاسبی ایشان از شتر و گوسفند و بافتن گلیم، قالی، پلاس، مفرش، خورجین و سایر چیزها است. و زبان اهل خوار ترکی و فارسی می‌باشد.

و پانزده خانه‌وار عرب و رامین در بلوک خالصه ارادان در ملک کهن<sup>۲</sup> آباد<sup>۳</sup> و فروان<sup>۴</sup> در خانه منزل دارند [و] رعیتی می‌نمایند.

دویست و پنجاه خانه‌وار طایفه علی گاهی، چادر نشینند. و سی نفر سرباز به دیوان می‌دهند. زبانشان تاتی است. کاسبی‌شان از شتر و گوسفند [است که] زیاد دارند. و از پشم اینها هم گلیم، قالی، پلاس، مفرش و خورجین با سایر چیزها، می‌بافند. مردمان فقیری هستند.

طایفه‌ای دیگر از اکراد قراچورلو در تیولات خالصه خوار نشسته‌اند [که] دویست خانه‌وارند. یکصد نفر نوکر سوار به دیوان می‌دهند. سرکرده [ایشان] کل<sup>۵</sup> بازخان [است]. همه رعیتی می‌نمایند.

و در خوار شکار آهو بسیار است بخصوص در پایین دست ارادان به

۱- بضم الف اول و سکون نون . ۲- بضم کاف و فتح هاء .

۳- بفتح فاء و سکون زاء . ۴- بضم کاف و سکون لام .



مسافت يك فرسخ در صحرای کویر، شکار زیاد دارد. و این کویر کشیده به عبدالله آباد و گذشته از عبدالله آباد هم می باشد. و می گویند دریاچه ساوه که در ظهور پیغمبر آخر الزمان صلوات الله وسلامه علیه یعنی در زمان تولد پیغمبر صلی الله علیه و آله خشک گردید، الآن همین صحرای کویر است که درجائی به قرار ده دوازده زرع آب ایستاده است. و کسی معلوم نکرد که گودی او به چه پایه است. و در صحرای خوار شغال، گرگ [و] گراز بسیار است. و قلعه ارادن بسیار جا شکسته است لیکن يك دروازه بالاتر ندارد. و مقابل دروازه در بیرون، باغ میوه جات انجیر، انار، توت، زردآلو و گل قرمز و افردارد.

کوه بزرگ شمالی ارادن سَرَحْرَ است. و سیاه کوه سمت قبله ارادن است که به کاشان و نطنز واردستان می روند. بین شرقی و شمالی کوه قالی- باف است. و پشت کوه سَرَحْرَ، خاک فیروز کوه می باشد.

#### [ راه ارادن به ده نمک ]

و از ارادن به ده نمک سه فرسخ است که صحرای کویر بی آب علف است. و در مشرق شمال مشرق ارادن واقع است.

## دهات خوار

اسامی دهات خوار به شرح ذیل است :

قشلاق	حسین آباد	کَرَنَد <sup>۱</sup>	کوشک	لارجان
ده سهراب	سنرد <sup>۲</sup>	کُهَهک	ناسار	شاه بُدَاق <sup>۳</sup>
قلعه نو	بُن کوه <sup>۴</sup>	نارحه	قاتول چهارقریه	ریکان
ارجلان	قشلاق نفر	ایضاً قشلاق پنجقریه	سلمان	شه سفید
خسرو آباد	قلعه چک	امامزاده علی اکبر	فتند <sup>۵</sup>	
امامزاده خلیل الله	یاتری	رستم آباد	حسین آباد	
حسن آباد	اوبه عرب <sup>۶</sup>	کَنَد <sup>۷</sup>	امامزاده ذوالفقار	

- ۱- بفتح کاف و راء و سکون نون و دال. ۲- بفتح سین و نون و سکون راو و دال. ۳- بضم باء. ۴- بضم باء. ۵- بفتح فاء و سکون نون و دال. ۶- بسکون تاء. ۷- بفتح عین و راء. ۸- بفتح کاف و سکون نون و دال.

ارادان	پساده	،هدی آباد	قلعه خرابه	جمال آباد
علی آباد	هاشم آباد	محمد آباد	نشوده <sup>۱</sup>	حصارك <sup>۲</sup>
محمود آباد	الله ویردی آباد	متدولك <sup>۳</sup>	جهان آباد	
میهران	امامزاده اسمعیل	امامزاده عبدالله		

## [دهكده ده نمك]

از بابت راه از ارادان به ده نمك كه سه فرسخ است، صحرای کویر بسی آب علف می باشد. و چاپارخانه آنجا هم در دست محمود بیگ است. و کاروانسرای شاه عباسی دارد كه پنج سال است حاجی علی- نقی تاجر كاشی ساكن طهران، تعمیر نموده [و] آب انبار و آبریز ساخته است كه قدری آب جاری از پهلویش روان است. و قلعه چة خرابه ای دارد [كه] دوازده خانه وار رعیت [در آن] ساكن است.

و غلة ده نمك اینقدر می شود كه به مصرف و كفاف خودشان می- رسانند. و ملك ده نمك اربابی است. كدخدایش رجبعلی می باشد. به حساب چاپارخانه [از ده نمك] به لاس گسرد هشت فرسخ است و الا مشهور هفت فرسخ می باشد.

۱- بضم نون و كسر دال. ۲- بفتح حاء و راء. ۳- بفتح میم و سکون نون و فتح لام.

## [راه ده نمك به لاس گرد]

از بابت راه از ده نمك به لاس گرد که هشت فرسخ است سه فرسخ گذشته دره ئی است که طرف راست، برج دارد که برج آدم بکش و مکشوم می گویند. يك فرسخ از آنجا گذشته قریه عبدالله است که راه نصف است و دو قلعه دارد. قلعه دست چپ خرابه است. و آبادی طرف راست می باشد که رعایا ساکنند. يك فرسخ از آنجا گذشته می رسد به سه قنطره پل يك چشمه، که هر کدام يك میدان از هم دور است. پل آخری اسمش یول کرپی است که آخر خاک عراق و اول خاک خراسان می باشد. بعد راه چنان تنگ می شود که اگر از دو سمت مال بیاید باید یکی برگردد. و اسمش باریک آب است. از آنجا رد شده وارد لاس گرد می شود که قلعه دارد.

## [دهکده لاس گرد]

در میان قلعه [لاس گرد] یکصد و پانزده خانه وار رعیت، منزل دارند. و خانه های رعایا از دو الا چهار مرتبه روی هم ساخته اند. همه اوطاقهای کوچک و نحس کثیف دارند. کدخدایش میرزا محمد حسین [است]. مالیات دیوان نقداً و جنساً یکهزار تومان است. غله یکصد خروار از قرار خرواری دو تومان و نیم، صد خروار می شود دو بیست و پنجاه تومان، از بابت گاه پنجاه تومان، از بابت صیفی و باغات هفتصد تومان که این هزار تومان به میرزا محمد خان سپه سالار می رسد.

باغات زیاد دارند: انجیر، انار و انار بیدانه و به [و] گلابی و سیب با سایر میوه جات وافر است. و حمام و مسجد و تکیه و سه آستانه امامزاده

دارد. یکی امامزاده تقی و دیگری آقا سید رضا است. و کاروانسرای شاد-عباسی هم دارد که حاجی علی نقی تاجر کاشی، تعمیر کرده است. می گویند این قلعه در عهد رستم و افراسیاب بنا شده است. دو سه چاه در میان قلعه دارد. و مذکور نمودند که زیر قلعه را نقب زده اند [و] خالی است. به جهت زلزله درست کرده اند که به قلعه آسیبی نرسد. و دور تا دور قلعه آبریز است [و] جمیع نجاست به دیوار قلعه می ریزد. از دور نزدیک، دیوار قلعه سیاه می باشد. و بسیار بی سلیقه هستند. و زنهاشان کرباس، الیجه، قندک و سایر چیزها می بافند. همگی جولایند. و صورت خوب هم یافت می شود، زیرا که بوته بوستان [اگر] از نجاست پرورش بیابد البته خربزه اش شیرین خواهد شد. و زبانشان به هیچ کتاب در نمی آید که این چه زبان است. و هیجده نفر سرباز به دیوان می دهند. و زبان فارسی هم می دانند.

و آب خوراکی از آب انبار است. و در میان قلعه یک دو چاه آب دارد. به وقت ضرورت بکنند و پاک نمایند، آب خوب در می آید. و یک سنگ آب جاری دارند که صیفی می کارند. در بالادست لاس گرد یک فرسخی، یک آبی دارد که تلخ آب می گویند. به جهت رفع امراض مختلفه [در آن] زیاد می روند، بسیار نافع است. و این تلخ آب از میان دو چاه جوشیده بیرون می آید [و] گرم است. و از زیر پلهای بول کرپی رد شده به صحرا می ریزد.

و این لاس گرد باغات زیاد دارد. و چاпарخانه در بیرون، پهلوی باغها

۱- نوعی پارچه راه راه ابریشمی که با دست بافند؛ الاجه. فرهنگ معین، جلد اول، ص ۳۴۵، س یک.

است. که در آنجا پنج سال است ده در خانه آبادی کرده‌اند. [از لاس-گرد] به شهر سمنان پنج فرسخ است لیکن چاپارخانه شش فرسخ حساب می‌کنند. ضابط چاپار [خانه] مهدی بیگ تبریزی ساکن لاس‌گرد است. و قریه تیج‌ناور در شمال لاس‌گرد واقع است. و قریه دیگر آروانه در میان کوه سمت شمالی لاس‌گرد، در چهار فرسخی است. پول کهنه [و] سکه قدیم یافت می‌شود. و از میان کوه از راه امامزاده علی‌اکبر که شش فرسخ به لاس‌گرد است، شش روزه به مازندران می‌رود. و ملک لاس‌گرد ابو اجماع میرزا محمدخان سپهسالار است. جمیع رعایا کمال رضامندی را داشتند.

#### [راه لاس‌گرد به سمنان]

از بابت راه از لاس‌گرد و به سمنان که شش فرسخ چاپارخانه است ربع فرسخ طرف دست‌چپ قریه تیج‌ناور است. بعد در دو فرسخی، قریه سرخک<sup>۱</sup> است که ده بزرگ می‌باشد و باغات زیاد دارد. بقرار دویست و هشتاد خانه دارند. و قلعه جدای هم دارد که از علامت و بنای قدیم است. و [در] کوچه‌ها آب جاری است. و دکان نانوائی و رنگ‌رزی هم دارد. الا شب عید و دو سه ماه گذشته از شب عید، خریزه و میوه‌جات سال گذشته را دارند. و خریزه آنجا زیاد شیرین است. از آنجا رد شده صحرائی است [که] می‌رسد به اول باغات سمنان که يك فرسخ باغات دارد.

۱- سکه ن راه و فتح نون .

۲- بضم سین و فتح خاء .

### [شهر سمنان]

بعد از دروازه داخل قلعه و شهر می شود. و شهر سمنان از شهرهای قدیم است. و از قراری که مذکور گردید، مسی گویند دو نفر از پسران حضرت آدم علیه السلام مسما به سیم و لان آمدند شهر سمنان را بنا کردند [و] بعد به جهت شکار رفتند، در چهار فرسخی کوهی است [که] شولان می گویند، کافرها خبردار شدند. رفتند که ایشان را به قتل برسانند. هردو در میان کوه غیب شدند. بعد خواب نماند. آنجا که غیب شدند مقبره ساختند. الآن مردم زیاد به زیارت می روند. اصل اسم سیم لان بود، از کثرت استعمال سمنان شد.

حاکم سمنان پسر سپه سالار است. نایبش مطلب بیگ تفرشی می باشد. مالیات سمنان چهار هزار و سیصد تومان است.

خانواده وار	دکا کین سر پوشیده و غیره	مدرسه	مساجد
۳۸۶۴ خانه	۳۲۰ باب	۴ باب	۴۰ باب
تکیه	کاروانسرا	حمام بزرگ و کوچک	اسطوخ آب
۴۰ باب	۱۲ باب	۲۱ باب	۵ محرا

امامزاده	منار مسجد جامع
۱۱ بقعه	۹۱ پله

[و] پنج محله دارد: اول، ناسار - دویم، چومسجد - سیم، لئی بار - چهارم، اسفنجان - پنجم، شاهجو. و چهار دروازه و سه برج بزرگ کهنه دارد که يك برج مشهور حاجی میرزا عسکری است. و بیرون شهر آبادی و خانهوار بسیار است. و در کوجها نهر آب جاری است. و کناره نهرها را درخت کاشته اند.

تاجر معتبری ندارد. همه دکان دارند. و يك میدان شاه هم دارد. و زندان داروغه در میان يك درخت چنار است. و ارگی هم دارد. در بیرون شهر کاروانسرای شاه عباسی یا قدمگاه شاه عباس، خرابه است. و کاروانسرای [بی هم] سیف الله میرزا جهت مترددین، ساخته است. و باغ شاه هم در بیرون شهر است که آب جاری دایم الاوقات از اسطلخ، از میانش روان است. و نارنج-قلعه ای مخروبه در بیرون دارد. می گویند دختری [آنرا] ساخته بود.

وارگ سمنان را بهاءالدوله پسر فتحعلی شاه مرحوم، ساخته است. الآن آبادی زیاد ندارد بلکه خرابه است. يك فوج سرباز از سمنان به دولت می دهند. و آب سمنان از يك چشمه می باشد که در يك فرسخی واقع است. و مسجد شاه سمنان را فتحعلی شاه رضوان آرامگاه، به طرح مسجد حکیم اصفهان، ساخته است. اما این بهتر و خوش صفاتر است. و دریاچه آب هم دارد. که در آنجا به دیوار مسجد نوشته اند:

حیف آن مسجد که در سمنان بود یوسفی ماند که در زندان بود

و چهار خانهوار از ایل زرگر، تازه به این ولایت آمده اند.



و اسامی امامزاده‌های مشهور سمنان از این قرار است:  
 امامزاده هلاکو - امامزاده هلاوی [و] امامزاده سی سر.  
 چند کلمه از زبان اهل سمنان مذکور می‌شود. فارسی هم می‌دانند:  
 کفش را می‌گویند له‌له کا<sup>۱</sup> - مرد، مرد کا<sup>۲</sup> - زن، ژین کا - پسر، پیر -  
 دختر، دوت - خانه، کیه<sup>۳</sup> - دوشک، نعلکی<sup>۴</sup> - متکا، نعلی<sup>۵</sup> - لحاف، دواج -  
 کوزه، دوره - کلاه، دور که<sup>۶</sup>.

و غله سمنان به کفافشان نمی‌رسد، از خوار می‌آورند. و برنج از  
 هزار جریب می‌آید. و شب گز<sup>۷</sup> داشتن سمنان، شهرتی و موزی به مثل دامغان  
 نیست لیکن یافت می‌شود. در شامیرزاد که چهار فرسخی سمنان است، شب -  
 گز زیاد دارد.

تباکو و کرباس و قدک و خشکبار زیاد عمل می‌آید. يك فرسخ  
 باغات دارد. و بادام کاغذی بسیار خوب مثل پسته خندان و فوسور است که  
 يك من تبریز دو قران و نیم می‌فروشد. و يك جور نان خشک به قدر کف  
 دست که در ایام تابستان زیاد می‌پزند به جهت فروش، که او را بکسمات<sup>۸</sup>  
 می‌گویند. به محض اشاره در چائی از هم وا می‌شود. و در سایر فصل به  
 عمل نمی‌آید مگر تابستان.

۱- بفتح لام اول و دوم. ۲- بفتح میم و دال. ۳- بکسر کاف و فتح  
 یاء و سکون هاء. ۴- بفتح نون و لام و سکون عین و فتح لام. ۵- بفتح  
 نون و سکون عین. ۶- بضم راء و فتح کاف. ۷- شب گز [= شب گزنده]  
 گونه‌ای کنه که خصوصاً در قهوه‌خانه‌های بین شهرستانها و مسافرخانه‌ها و اماکن  
 عمومی موجود و خطرناک است و به وسیله گزش خود انگل نوعی تب را جمع را وارد  
 بدن انسان می‌کند؛ غریب گز. فرهنگ معین، جلد دوم، ص ۲۰۱۹، س دوم.  
 ۸- بفتح باء و سکون کاف و ضم سین.

## مظنه جات سمنان بدوزن تبریز:

تبا کویک من	نان یک من	نان بکسمات یک من	روغن یک من
دهشاهی الادوقران هشت شاهی	سی شاهی	سی شاهی	چهارقران و دهشاهی
گوشت یک من	مرغ قطعه	تخم مرغ پنج بیضه	جو یک من
سی شاهی	هشت شاهی	دوشاهی	هشت شاهی
کاه یک من	زوغال یک من	هیزم [یک من]	
دوشاهی	پنج شاهی	دوشاهی	

و [سمنان] یک محله در بیرون شهردار دارد اسمش کوش مغان<sup>۱</sup> است. می گویند وقتی که شیطان را از بهشت آسمان بیرون کردند در چنار [ی] که در آن محله دارد، فرو رفت. حالا هر کس که شیطان خیال و مزور و محیل باشد، می گویند کوش مغانی است. و چاپارخانه دولتی در میان شهر می باشد. کوه شولان<sup>۲</sup>، غرب نزدیک به شمال است، کوه هزار جریب غربی است، که هر دو را فصل بهار برف زده بود. و دوازده فرسخ کوه بلند سمت شرقی نزدیک به شمال، چای شیرین است که چشمه آب شیرین دارد. ایضاً انجیلاب و سمت شمال کوه ابدال و سنگ سر است. و از سمنان به دهنة کوه آهوان سه فرسخ است. هر چند تا به آهوان شش فرسخ حساب می کنند، لیکن باید هفت فرسخ باشد.

۱- به ضم کاف و سکون شین و فتح میم. ۲- به ضم شین و سکون واو.



[بخش دوم]

## [از سمنان به دامغان]

[راه سمنان به آهوان]

از بابت راه سمنان به آهوان که شش فرسخ می‌گویند، قدری سر-  
بالا و سرپایین دارد. چهار فرسخ طی نموده دره چاشت‌خور می‌باشد که  
خرابه دارد. از میان دره گذشته وارد آهوان می‌شود.

[دهکده آهوان]

[آهوان] دو کاروانسرا دارد: یکی مشهور [به] شاه عباسی است که  
حاجی علینقی تاجر کاشی به سعی مشهدی غلامحسین در سنه ۱۲۷۱ تعمیر  
کرده است و بالای دروازه به اسم شاه سلیمان نوشته است و تاریخ دارد  
سنه ۱۰۹۷ که مقابلش آب‌انبار و آبریز دارد که از آجر ساخته‌اند. و  
کاروانسرای دیگر از سنگ است که هر طرف پنج برج دارد. مشهور است  
که انوشیروان بنا نهاده است. الآن مخروبه است و قلعه خرابه‌ای دارد که  
کسی ساکن نمی‌باشد.

---

و چا پارخانه هم دارد. ضابطش عبدالله بیگک دامغانی است. که پشت سر چا پارخانه تپه ای می باشد [که] ظاهراً قبرستان قدیم است. و آبش از قنات است که آقا سید حسین سمنانی در آورده است، الآن کور شده است [و] آب کمی دارد.

و قدم گاه حضرت امام رضا علیه التحیه والثناء سمت غربی نزدیک به شمال [به] مسافت يك فرسخ است. که چشمه آبی با سیصد درخت نارون دارد. کسی جرأت نمی کند درختها را ببرد. آقا سید حسین مذکور فوق آمد گفت درختها و کاروانسرا همه وقف می باشد. نجار فرستاد از درختها ببرد [و] به جهت کاروانسرا در بسازد. نجار هم رفت و برید. بعد از بریدن فی الفور ناخوش شد [و] وفات کرد.

کوه مقابل کاروانسرای انوشیروان سول خور [است]. سمت شمال بیخ کوه شش فرسخ است به آهوان، نزدیک غربیه زرشک کوه [است] و قدری که از آهوان رد می شود دو راه دارد، دست راست به قوشه می رود و دست چپ می رود به تودروا. که در توی رودخانه سه قریه واقع است، یکی تو<sup>۱</sup>، یکی دروا [و] یکی سن<sup>۲</sup> که از آنجا شش فرسخ به آهوان و دو فرسخ به قوشه است. و کوه سنگسار جنوب نزدیک به غرب است.

و اشیاء خوراکی و غیره هیچ چیز در آهوان یافت نمی شود. لازم است که هرچیز مسافر به همراه داشته باشد که گرسنه نماند. و از آهوان شش فرسخ به قوشه می باشد.

۱- به ضم سین و سکون لام و ضم خاء . ۲- به ضم تاء . ۳- به فتح

سین و سکون نون.

## [راه آهوان به قوشه]

از بابت راه از آهوان به قوشه که شش فرسخ است و راه سرازیر مانند می باشد.

## [دهسکده قوشه]

در راه آب ندارد الا منزل که آب جاری و آب انبار و کاروانسرای شاه عباسی دارد که حاجی علینقی تعمیر کرده است. و قلعه چاه ای کوچک دارد [که] اسمش سلطان آباد است [و] چند خانه وار رعایا [در آن] ساکنند. و چاپارخانه هم دارد. ضابط [آن] ابراهیم [نامی است]. و در سمت غربی قوشه دره ای دارد که به مازندران و شهر سساری می روند. اسمش کیف تنگه می باشد که سمت راستش کوه آرسک<sup>۲</sup> است و سمت شمالی قوشه کوه بیارجمند است. و از قوشه شش فرسخ به دامغان است.

## [راه قوشه به دامغان]

از بابت راه قوشه به دامغان که شش فرسخ است راه هموار می باشد. و دو سه ده خرابه هم در راه دارد. سه فرسخ طی نموده قلعه دولت آباد است که سه قلعه تودر تو است. و خندق دورش حفر نموده اند که تخت پل دارد. جائی با صفا است. و از آنجا گذشته وارد دامغان می شود.

۱- به فتح تاء و سکون نون و فتح کاف و سکون هاء. ۲- به فتح راء و سکون سین و فتح کاف

### [شهر دامغان]

و شهر دامغان از ابنیه قدیم است. می گویند هوشنگ، شاه عجم بنا نهاده است. قلعه اش مارپیچ است که از دست افغان و ترکمان خراب شده است و الآن خرابه زیاد دارد. و مسجد جامع دامغان را هارون الرشید بنا کرده است که در پهلویش مناری دارد [که دارای] یکصد پله می باشد که سرش خراب شده است. و طرف راست در مسجد جامع سنگی را لعن نامه کننده اند به تاریخ سنه ۹۷۹. و منار دیگر هم هست که نصف بیشترش خرابه است. و مدرسه مقابل مسجد جامع را حاجی فتحعلی بیگ قاجار ساخته است. سر دروازه اش تاریخ دارد سنه ۱۱۱۹. و ارگ مخروبه [ای] دارد که تولد خاقان مغفور فتحعلی شاه در آنجا شده است. و میرزا محمدخان سپه سالار هم دامغانی است که پسر عمویش علی نقی خان در ده طاق می نشیند. و دامغان سیصد قریه ده دارد. يك فوج سرباز به دیوان می دهند. نایب، محمد کریم بیگ [است و] مستوفی میرزا محمد سمنانی [است و] داروغه حاجی بیگ شیرازی [است]. و راسته بازار دامغان را مطلب بیگ ساخته است. و آب دامغان که در شهر جاری است، از چشمه علی می آید که در چهار فرسخی واقع است. و در آنجا فتحعلی شاه مغفور دریاچه و عمارت

بنا فرموده است. مردم به زیارت می‌روند. جای پای دلدل و نیزه‌ای که جناب مولای متقیان علی ابن ابی طالب علیه‌السلام زده است، چشمه آب روان است. و درشش فرسخی دامغان چشمه آب دیگر است. از قرار مشهور اگر نجاست بیندازند کولاک خواهد شد.

و از دامغان از راه چهار ده بیست و دو فرسخ به استرآباد می‌باشد. شش فرسخ از دامغان به چهار ده است. و از راه چشمه علی شش روزه به طهران می‌توان رفت. و از دامغان به اول کویر حسینان دوازده فرسخ است. که این صحرای کویر سی فرسخ می‌باشد که شتردار از این راه به یزد می‌رود.

هر چند دامغان مخروبه است، لکن سیه سالار روز به روز در بناهش می‌افزاید. چند در دکان ساخته‌اند. باز هم بنا داشت که دکان و کاروانسرا و حمام بسازد. مالیات دامغان هشتصد تومان [است].

دکاکین	مسجد	مدرسه	حمام	تکیه
یکصد و چهل باب نه باب	دویاب	چهار باب	پنج باب	

امامزاده  
ده آستانه  
خانه وار  
پانصد و پنجاه خانه

[و] چهار محله دارد: اول [محله] دباغان، دویم محله شاه، سیم محله قلعه [و] چهارم محله خوریاب [است]. شب گز دامغان زیاد موزی است. کوه شمالی دامغان که برف دارد، شاه کوه [ه] است. نزدیک به غریبه، [کوه] شاه بار. سمت غریبه، شاه دار کوه [و] سمت قبله کوه زر [است] که



معدن زیاد دارد [و] دوازده فرسخ به دامغان است. ایضاً کوه شمال دامغان، کوه محمد حنقیه است که در اینجا آمد [و] با کفتار جنگ کرد. و ده فرسخ به شاهرود است.

میوه جات و باغات زیاد دارد. و پسته بسیار خوب و بادام کاغذی زیاد دارد. کرباس و قندک هم می یافتند. ضابط چابار [خانه] محمد علی شاهرودی است.

[بخش سوم]

## [از دامغان به شاهرود]

### [راه از دامغان به شاهرود]

از بابت راه از دامغان که ده فرسخ به شاهرود است، يك فرسخ گذشته خرابه‌ای بزرگ می‌باشد، رد شده طرف چپ کنار راه بالای تپه، قلعه خرابه‌ایست. از آنجا گذشته طرف راست کنار راه امامزاده و قبرستان می‌باشد. دو فرسخ گذشته دورتر از راه طرف چپ، دهی دارد اسمش بك<sup>۱</sup> است. سه فرسخ گذشته توی خیابان آب روان است که طرف راست نزدیک راه، ده مهماندوست می‌باشد. ایضاً دست راست ده دارد.

و طرف چپ کنار راه ده بزرگی که قلعه و باغات زیاد دارد اسمش قادرآباد است. از آنجا گذشته می‌رسد به ده ملاکه شش فرسخ به دامغان و چهار فرسخ به شاهرود است. و چاهارخانه دولتی در آنجا است. و باغات و میوه‌جات بسیار دارد. و زیاد ده بزرگ است. از آنجا گذشته صحمرای بی‌آب و علف [است].

### [شهر شاهرورد]

وارد قلعه شاهرود می‌شود که شب‌گز بسیار دارد. اما کاروانسرای تازه [ای] حاجی ابوطالب ساخته است و به کامپانی تاجر دولت روسیه اجاره داده است، آنجا خالی از شب‌گز می‌باشد.

حاکم شاهرود محمد ابراهیم خان پسر محمد ناصر خان ایشیک آقاسی-باشی [و] نایبش محمد تقی بیگ [و] میرزا ایش میرزا مهدیقلی [است]. حاکم-نشین در بسطام که از بناهای هوشنگ شاه عجم است، می‌باشد.

و شهر شاهرود هم از ابنیه قدیم است. دورش قلعه است و باغات زیاد دارد. که يك سمت به دامنه کوه واقع است و گذرگاه و عبور قافله و زوار از هر سمت به شاهرود می‌شود. وارگی هم دارد.

سمت شرقی حدود میامی، غربی تاش [و] جنوب ده ملا [است]. و در میامی ده فرسخی و در صحرای کویر بیست فرسخی، معدن سنگ مس دارد، می‌آورند در شهر [و] خرواری از بانزده الا بیست تومان می‌فروشند. و بعد همان سنگ را در شهر آب می‌کنند [و] مس قرص می‌سازند که اجاره اش هزار تومان است. و از تاش از معدن سرب می‌آورند [و] در شهر يك من تبریز يك قران می‌فروشند.

و شش محله دارد: از جمله يك محله اش باغ زندان است [که] مقابلش تپه بلندی است. می گویند در میان تپه چاهی دارد که زندان عهد قدیم بوده است. و هوای شاهرود خوب و ملایم است. آبش [هم] از قنات و هم از چشمه می باشد که به جهت آشامیدن، آب چشمه بهتر است. هر ساله هشت نه من تبریز ابریشم [در شاهرود] به عمل می آید.

[از شاهرود] به خراسان دوازده منزل و به طهران دوازده منزل [و] به استرآباد شانزده فرسخ [و] به بسطام يك فرسخ [است]. و هفتصد و پنجاه خانه وارند. مالیات [شاهرود] هزار و پانصد تومان [است].

کاروانسرا	مسجد	حمام	تکیه	دکان
پنج باب	پنج باب	دو باب	چهار باب	یکصد و هفتاد باب

## مظنه جات [شاهرود]:

مغز بادام پوط	بنبه صدمن تبریز	روناس يك من تبریز	آهن پوط
دو تومان	سیزده تومان	يك قران	هفت هزار و ده شاهی
نان يك من تبریز	گوشت يك من تبریز	تخم مرغ شش بیضه	دوشاهی
چهارده شاهی	سی شاهی		
شیر يك من تبریز	ماست يك من تبریز	کاه يك من [تبریز]	دوشاهی
شش شاهی	هشت شاهی		

جو يك من تبريز	آلو بخارا يك من تبريز
دهشاهی	بيست و پنج شاهی

نان خوبی نمی‌پزند. امسال تاجر کامپانی به قرار ده هزار پوط پنبه و پنج هزار پوط روناس [و] هزار پوط مغز بادام که جملتان دوازده هزار تومان [می‌شود] خرید کرده است.

[بخش چهارم]

## [از شاهرود به قریه جز]

[راه شاهرود به تاش]

از بابت راه شاهرود که شش فرسخ به تاش است از کتله‌ای سنگی  
لاخ رد شده پل کوچکی دارد که طرف چپ درخت بزرگی است [و] بعد  
صحرائی است. يك فرسخ گذشته طرف راست ده آبادی است، رد شده  
طرف چپ، خرابه محمدآباد است که در راه آب زیاد دارد.  
به مسافت چهار فرسخ ونیم از شاهرود و صحرا گذاشته داخل دره  
می‌شود. نیم فرسخ آمده توی دره رباط تاجر است که آبادی ندارد [و]  
پنج فرسخ به شاهرود می‌باشد. از آنجا گذشته از میان دره می‌آید می‌رسد  
به دره بادپران<sup>۱</sup> که طرف چپ به مازندران می‌رود، که بالای بلندی  
کاروانسرای دیگر است. و طرف راست راه استراباد و تاش است.

[دهکده تاش]

که از آنجا وارد تاش می‌شود که قلعه‌چه [ای دارد] و بیرون قلعه‌چه

۱- نفتح پ و تاید راه.

رعایا ساکنند. بیست و دوخانه دارند. هوایش ییلاق و بسیار سرد است. اینقدر ساس دارد که به تعریف راست نمی آید. صاحب رمه و گوسفند می باشند. غیر از گندم و جو چیز دیگر عمل نمی آید. و رودخانه آب هم دارد.

و [تاش] در میان کوه واقع است. و کوه سمت جنوب کو کوشان است [که] معدن سرب دارد. کوه شرقی شاهوار [است که] معدن گوگرد دارد با سنگ زغال. کدخدایش آقا رفیع و آقا محمد است. ملکش اربابی، مال آقا موسی شاهکوئی است.

[از تاش] به شاهرود شش فرسخ، به استرآباد ده فرسخ، به چهارده شش فرسخ، به شاهکوی بالا سه فرسخ، به شاهکوی پائین چهار فرسخ است [و] به بارکلا نه فرسخ می باشد.

#### [راه تاش به شاهکوی بالا]

از بابت راه از تاش که سه فرسخ به شاه [ه] کوی بالا است، از دماغه بادپران گذشته، از میان دره و آب به مسافت يك فرسخ از تاش طی نموده جنگل درخت سرو است. دو فرسخ از تاش گذشته کتله چالچالیان [است] که قدری سربالا و سرپائین دارد [و] يك فرسخ به شاهکو است. و آبی که در دره روان است به بسطام می رود. لیکن از کتله سرازیر آبش به مازندران می رود [و] از راه شمشیر بر از زیر پل نیکاح، داخل بحر خزر می شود. کوهانش سبز [و] خرم [و] پائین شاه کوه چمن مرغزار است. کبک و بز کوهی و شکار کوهی از هر قسم بسیار است. و در توی دره دو آسیاب است. که طرف راست سربالای است که داخل شاه کو می شود.

## [دهکده شاه کوه]

و ملك شاه كو اربابی است، مال آقا موسی است. يكصد و پنججاه خانه وارند. و قلعه خرابه ای دارد [كه] سه خانه وار ساکنند. و ساس بسیار دارد. حمام و مسجد و تکیه هم دارد. و آبشان از چشمه است كه آب کمی درمی آید. و درخت هیچ ندارد. و زراعتشان توی دره است. سالی سه دست جل و نمدا سب، به دیوان می دهند. هوایش سرد و ییلاق است. گوسفند بسیار دارند. چادرشب و شله قرمز، گلیم، پلاس، جاجیم و سایر چیزها می بافند. زنهایشان همه جولایند.

کوه سمت شرقی، شله کوه و کرد کوه می باشد. جنوب [کوه] شاهوار است كه همیشه برف دارد و در زیرش تپه زرچال است. و به شهر استرآباد از راه زیارت خاصه، شش فرسخ است كه راهش بد می باشد. و از گدوكه قوزلق<sup>۱</sup> به شهر استرآباد هشت فرسخ است [كه] راهش بهتر می باشد. و به چهار ده چهار فرسخ است [و] به رادكان شش فرسخ [است].

## [راه شاه کوی بالا به رادكان]

از بابت راه از شاه کوی بالا كه شش فرسخ به رادكان است و همه این راه از میان دره [ای] می باشد كه آب روان دارد و سه آسیاب هم دارد، می رسد به چمن ساور كه بالای كوه ده حاجی آباد است. و راه چهار ده به استرآباد از چمن ساور است. بعد می رسد به يك میل آجری كه سی زرع بلندی دارد و چهل و پنج قدم دورش می شود. و دوره اش را به خط كوفی نوشته اند. و در میانش شب پره بسیار دارد و در

۱- بفتح گاف وضم قاف ولام.



طرف راست [راه]، بالای بلندی واقع است. پهلویش راهی دارد [که] سربالائی است [و] می آید داخل رادکان می شود.

### [دهکده رادکان]

کدخدایش آقا محمدرضا پسر آقا رحیم [است]. حاصلشان گندم و جو [و] میوه جات از قبیل زردآلو و آلوچه و انار و به و گلایی و توت با سایر میوه [ها] دارند.

به قرار شصت و پنج خانه وارند و مسجد و تکیه خوبی دارد که از بناهای بدیع الزمان میرزای صاحب اختیار پسر محمدقلی میرزای ملک آراء [حاکم] سابق مازندران است. حمام هم دارد. زیاد جای باصفا است، لیکن ساس بسیار دارد که به تعریف راست نمی آید. یا باید در صحرا خوابید و یا اینکه تا صبح چراغ باید روشن نمود.

کوه شمال مشک زار، جنوب زرشک خوانی، بین شسرقی و جنوب دیاریان، شسرقی زرشک چال [و] غریبه خاکسترده [است]. از رادکان هشت فرسخ به استرآباد، چهار فرسخ به کردمحل، پنج فرسخ به قریه جز [و] یک فرسخ به بارکلا است.

### [راه رادکان به جز]

از بابت راه از رادکان که پنج فرسخ به جز است اول سربالائی و گل [و] خرابه [و] جنگل است. هرگاه بیست سی قدم از درختهای دوره راه را ببرند که آفتاب به زمین بیافتد، آن وقت ایام زمستان گل خواهد شد و حالا دایم الاوقات گل دارد. و چهار فرسخ سرازیر [است که] به هزارمشقت و زحمت از گل و سنگ و کتله در آمده وارد به قریه جز می شود که سواره آمدن از این راه زیاد بد می گذرد [و] باید پیاده آمد.

## [دهکده جز]

و این قریه جز داخل در بلوک انزان است [و] ابوابجمع ذوالفقار-  
خان انزانی می باشد. مالیات دیوان مبلغ ششصد و شصت و شش تومان  
است.

و جز سه محله دارد: اول محله کردها، دویم میان محله [و] سیم مسگر-  
محله [است] که دویمست و پانزده خانه وارند. و ثلث این خانه وار هزار-  
جریبی [از] دسته و طایفه رحیم خان هزارجریبی است. و یک باب حمام و  
مسجد و تکایا هم دارند. محصولشان شالی و گندم [و] جو و پنبه و ابریشم و  
به و گردو و ازگیل می باشد. و خانه های جز را از جهت رطوبت، روی  
چوب ساخته اند. و صنعت شعربافی از ابریشم و کج اینجا به پای کلباد  
نمی رسد. و سنگ وزن انزان پنج من تبریز می باشد.

سهرودخانه از میان محلات جز می گذرد. کدخدایش محمدحسین است.

مظنه اجات جز به وزن تبریز:

روغن بدل پیه یک من	بر نسج یک من	مرغ قطعه	تخم مرغ دو بیضه
چهارقران و ده شاهی	چهارده شاهی	ده شاهی	یک شاهی
جو یک من	کاه برنج دسته	گوسفند [یک] رأس	
ده شاهی	یک شاهی	شش قران	

و از محله جز به سربندر و گمر که خانه نیم فرسخ می باشد و اجاره گمر که خانه  
سه هزار تومان [است و] ابوابجمع عباسقلی خان بارفروشی است. و سی

نفر تفنگچی ساوری ساخلوی بندرجسز می‌باشند. سرکرده [ایشان] آقا مصطفی ساوری است.

در ماه جمادی‌الثانی يك هزار و دو بیست و هفتاد و پنج هجری در بندر جز هرچه انبار و قراولخانه و گمرکخانه و انبار قدیم که به جهت کامیابی سابق ساخته بودند و مال [و] اموال تجار و جمیع صحرا و جنگل از زیر گلوگاه الی کناره در بای جز با يك نفر چوپان و يك گله گوسفند همه را آتش گرفت [و] سوزانید. به قرار یازده هزار تومان به تجار و رعیت ضرر رسید. تازه به قرار چهارده انبار كوچك و بزرگ از نی و چوب، ساخته‌اند. و قرار گمرک از تجار دولت بهیة روسیه، يك صد و پنج [تومان] است. و از تجار دولت علیه ایران، از پنبه، يك پوط هیجده شاهی. قماش و صندوق بار، [يك] پوط چهارده شاهی. و سقطبار از قبیل خشکبار، [يك] پوط شش شاهی. روناس [يك] پوط هشت شاهی و سایر [اجناس] به تفاوت است. و امسال سه چهار سال است که از محال و بلوک انزان چوب گردوی زیاد به حاجی ترخان حمل می‌نمایند. در تاریخ سنه ۱۲۷۶ قدغن شده است که بنابر از گماشته قونسول دولت علیه ایران، حاجی میرزا یوسف خان که در حاجی ترخان است، به کس دیگر چوب گردو نفرشند.

و این بندر جز زیاد بندر خوبی است. در عرض سال شصت هفتاد فروند کشتی حمل [و] نقل بار تجار می‌نمایند. و امسال نوزده سال است که بندر جز برقرار شده است.

### [جزیره آشوراده<sup>۱</sup>]

و از بندر و گمرکخانه جز به جزیره آشوراده دو فرسخ روی آب

است که گماشتگان دولت بهیة روسیه به جهت حراست اموال تجار و ولایت از طایفه ضالۀ ترکمانیه، در آنجا ساکنند.

و خانه و سر باز خانه و حکیم خانه و قراولخانه و کلیسا و انبار و دکان و توپخانه و قورخانه کلاً را از چوب و نی به ترتیب و قاعده خودشان ساخته‌اند. و چهارصد نفر سر باز دارند که همگی از عمل دریا و آهنگری و نجاری و نانوائی و کشتی سازی و خانه سازی و توپچی گری و سپاهی و غیره، کاملند. بزرگشان ایوان لی حرف دریایی می باشد که رو به روی خانه اش چهار عراده توپ با قورخانه می باشد که اسمش لیکوژن<sup>۱</sup> است. و این دریاییگی يك سنگ سیاه بزرگ دارد که پشم او مثل پوست بخارائی است و پنج خوك بزرگ سیاه و سفید و ابلق در آنجا می باشد. یکی [از آنها] دوازده بچه زائیده بود.

و پشت خانه کامپانسی تازه، قدری صحرا و آب بود [که] به حکم دریاییگی، او را خشک کردند. و قبرستان ایشان در میان کاله می باشد [که] مسافت [آن] يك فرسخ است.

شش باب انبار و مکازین دارد که اسباب پیرپاس گمیها و آرد سیاه و لباس سالدات<sup>۲</sup> و قورخانه و عرق و شراب و سایر چیزها می باشد که مقابلش بیمارخانه و دو اخانه می باشد که ده تخت جای بیمار جدا گانه با رختخواب و لباس کتان سفید و ظرف<sup>۳</sup> موجود است. و چهار نفر مستمر خدمت مریضها را می نمایند و متوجه می شوند.

و چهار باب سر باز خانه دارد [که] بسیار خوب، به قاعده روسیه ساخته اند، که تفنگها مثل آینه، پهلوی هم چیده است. و شبها دور آشور اده را

۲- در اصل: صالداد.

۱- بدضم کاف و سکون واو و راء و نون.

۳- در اصل: ظرف.

كشيك می نمایند. و در آشوراده درخت هیچ ندارد مگر چند درخت بید و انجیر جنگلی و نوت [که] کاشته اند.

يك باب دكان آهنگری، يسك باب دكان نجاری و استول سازی، يك باب دكان چكمه دوزی و دو باب دكان نانوائی که از آرد سیاه در میان فر به جهت سرباز [ان]، نان می پزند. و رختشورخانه و حمام و شش دردكان از مسلمانان جزو قرآبه، که هر چیز بخواهی دارند از قبیل: جنس مال فرنگ و قند و چائی و آرد [و] برنج و روغن و مرغ و جوجه و خشکبار و سایر مایحتاج به ما تر وسها می فروشند [و] دادوستد می نمایند.

و اهل ترکمان هم زیاد می آیند و نفت و نمک و پیه [و] قیروماهی حرام و یلم<sup>۲</sup> و غیره می آورند [و] می فروشند و دادوستد می نمایند. سالی سه چهار کشتی ماهی حرام و یلم می فروشند.

و منزل خدیر خان ترکمان هم در آشوراده می باشد [و] دو آلاچیق

دارد.

و دو گمی رنگ سیاه در آشوراده روی خشکی است: یکی را ناردان می گویند که دستاقخانه و منزل سالدات است. که نیم این گمی در خشکه و نیم دیگر در آب است. و گمی دیگر بر يك است که از تخته تا به کنار پل بسته اند. هر چند در خشکی است لیکن دورش آب می باشد، که آنهم منزل سرباز و آشپزخانه و توپخانه است. که چهار عراده توپ با گلوله و ساچمه پهلویش گذاشته بودند که توپها سه پوندی است. و این گمیها روی دریا حرکت ندارند. غیر از اینها گمی گاما می باشد که قبل از این آتشی

۱- استول *Ostul* «بیشتر نقاط گیلان» سندلی. فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده،

تهران ۱۳۳۲، ص ۹، س ۱. ۲- یلم *Yalam* سریشم ماهی است که برای

ساختن «ژله» یا «لرژانک» بکار می رود.

بود [و چون] زیاد کهنه شده بسود [آن را] واچیدند. او را هم قورخانه و توپخانه ساخته‌اند.

سوای این گمیها چهارفروند گمی دولتی در آشوراده می‌باشد. دو فروند آتشی، يك فروند اشکون [و] يك فروند بارج که همه توپ و قورخانه در میان خود دارند. و ده دوازده گمی کوچک دارند که هر یکی در میانش دو میل توپ يك پوند دارد. که ترکمان از ترس اینها هرزه گی زیاد نمی‌نماید، لیکن از کنار گوشه به وقت فرصت، دستبرد می‌زنند.

و درازای آشوراده يك ویرس و نیم [و] پهنائی نیم ویرس می‌باشد. و به جزیره سمت شرقی آشوراده دو ویرس می‌شود. و هوای آشوراده در تابستان اگر باد نباشد، جهنم است [و] زیاد پشه دارد [و] از گرما آدم بسیار ناخوش می‌شود. اگر باد بیاید بهتر است و پشه کمتر می‌شود و آب چاهها طعم شوری دارند. و يك چاه که سرش پوشیده است سردتر و بهتر می‌باشد.

و شالی زار بلوك انزان سمت کنار دریا است. و از محله جزبه کرد محله سه فرسخ سبك است.



[بخش پنجم]

## [از شاهرود باد شهر استرآباد]

[راه جز به کردمحلّه]

از بابت راه از جز که به کردمحلّه [می‌رود]، سه فرسخ است [که] از بالادست محلّه داخل خیابان شاه‌عباسی می‌شود. و [از] رودخانه [ای] که به محلّه جز می‌رود گذشته جوی آب دیگر است، بعد [از] تخته پل و رود خشک [و] دوره جنگل که آخر ملک جز باشد، رد شده می‌رسد به رودخانه پهن سنگ‌لاخ لوار<sup>۱</sup> که آبش به و لقر<sup>۲</sup> می‌رود. و دوره جنگل است [تا] می‌رسد به يك درخت کلفت بزرگ مازوی سراسر است که سی و هشت ذرع شاه، بلندی درخت است و مشهور به درخت مازوی و لقر است، که طرف راست در کنار خیابان می‌باشد. و از سه رودخانه نزدیک هم که آب اینها به سر-محلّه می‌رود، راهش خوب است. و از جوی آب دیگر هم رد شده پل آجری حاجی ابراهیم است. سی چهل قدم گذشته پل چوبی است که آب هر دو یکی شده به قریه باغو می‌رود. ایضاً جوی آب است که به کارکنده

۱- بکسر لام. ۲- بفتح واو و لام و سکون فاء.



می رود رده شده به خرابه شهر می رسد که قبرستان بزرگ دارد که از آجر خرابه شهر، سر قبرها کار کرده اند. و امامزاده [ای] دوره محصور و سفیدکاری [دارد که] اسمش امامزاده قاسم پسر امام موسی [الکاظم علیه السلام است، که سرش را سفالپوش نموده اند. و آجر بسیار ریخته است و کسی نشان نمی دهد که درچه تاریخ این شهر آباد بود و کی خراب شده است. سمت جنوبی، ده سر کلانه است که بقرار هفتاد هشتاد خانه وارند، و به کوه نزدیک است. آخر خرابه شهر و قبرستان حد سد انزان و بلوک سدن رستاق است که راه جز به کردمحلّه نصف می شود.

صد قدم گذشته روخانه کوچک الوند کیاب است. [از آن] رد شده، دوره جنگل بزرگ است که درختهای بلند صاف هموار سر به هم آمده دارد. و از جوی آبی هم گذشته طرف راست، درخت کوندل افرا است. درخت کلفتی است [که] میانش شکاف دارد [و] در زیرش چاهسی کنده اند که پهلویش سنگ ریخته است. قدری گذشته طرف چپ خیابان، راه دارد. دوره گندم زار و درخت توت [است]. و بعد رودخانه [ای] که چهارجا باید از آب گذشت، و اسم رودخانه شیرداربن است. از رودخانه و جنگل در آمده جوی آب است. و [از] شالی زار [ی] بزرگ رد شده داخل محلّه و خانه های کردمحلّه می شود.

### [کردمحلّه]

که صاحب اختیار کردمحلّه، رضا قلیخان پسر مصطفی خان، است. برادرش نظر علیخان کلانتر می باشد. و خانه های کردمحلّه از چوب و نی است، سوای خانه های مصطفی خانی که از آجر خرابه شهر ساخته اند و

سفالپوش کرده اند. نهصد و هفتاد خانه وارند. و يك باب حمام و سه باب مسجد و پانزده باب دكان دارد. و چاپارخانه دولتی در محله بالابلوك است. منال دیوان هشتصد تومان است. و حاکم سالی هفتصد خروار شالی به وزن استرآباد و سی تومان از بابت مقاطعه ابریشم، از رعایا دریافت می نماید.

[و] کرد محله پنج محله دارد: اول بالابلوك، دویم نوسکائیش، سیم پولکی و دراز کله<sup>۱</sup> و چهارم و لاقوز و شیرداربن [و] پنجم سالی کنده و ملاکیله. و [رودخانه] قراسو در نیم فرسخی است که [از آن] ماهی حرام و کپور و ماهی سفید صید می شود. اجاره اش بیست تومان [است].

و خانه های کرد محله از جهت رطوبت به مثل جز، روی چوب ساخته اند. و بیشتر حاصل کرد محله برنج است. و چهارصد من تبریز ابریشم به عمل می آید. و قلیل پنبه و جو و گندم هم می کارند. و زنهای ایشان همه شعر بافند. و صورت خوب هم یافت می شود.

و کوه مقابل کرد محله، رادکان است. و کوه شرقی شا [ه] کوه می باشد. و از کرد محله به شهر استرآباد پنج فرسخ چاپارخانه است. و سابق از این اهل کرد محله هزار رأس گا [و] میش داشتند. همه را ترکمان به سرقت برده است. [و] منحصر شده است به سیصد و پنجاه رأس.

مظنه<sup>۲</sup> اجات کرد محله به وزن تبریز:

نان يك من	روغن يك من	مرغ [يك] قطعه	تخم مرغ شش بیضه
دهشاهی	چهار هزار	هشت شاهی	دو شاهی

۱ - به ضم کاف. ۲ - در اصل: مزنه.

جو يك من شش شاهی	كلش يك دسته يك شاهی	ابريشم يك من تبريز سه تومان و نيم
---------------------	------------------------	--------------------------------------

نوکر [ان] دیوان يك صسد و سی نفرند. و این کردمحلله در جمع  
سدن رستاق است. و به کفشگیری سه فرسخ سبک است.

### [راه کردمحلله به کفشگیری]

از بابت راه که از کردمحلله به کفشگیری [می رود]، سه فرسخ است.  
از مزرعه و رودخانه کوچک گذشته دوره جنگل [است] که تک تک درخت  
توت دارد، بعد صحرائی می آید. داخل خیابان می شود که دوره گندمزار و  
درختهای بزرگ سرراست [و] دورودخانه دیگر است. ایضاً [از] پل -  
چوبی [که] زیرش آب ندارد [و] به قدر چهار پنج ذرع گسود است، رد شده  
جوی آب است. ایضاً جوی است که طرف راست مزرعه می باشد. مذکور  
شد که جای بسستقوی<sup>۱</sup> تر کمان است. بعد [از] تخته پل که رودخانه [ای]  
مثل دره است گذشته [به] دوره خیابان درخت ازگیل و انار و گندمزار و  
درخت شبخس<sup>۲</sup> و نیزار و سایر درختها، می رسد به سیاه دره که اینجا هم  
جای تاخت تر کمان است. قدری سرازیر رودخانه خشک است که راه از کرد-  
محلله به کفشگیری نصف است، می رسد به پل چوبی پایه آجر. گذشته دوره جنگل  
ازگیل و شبخس و خارستان که در میان جنگل قبرستان بود. به علامت سنگهای  
سیاه روی قبرها [که] مشهور [به] قبرستان قدیم چهاردهی است، رد شده يك  
مجرا رودخانه و يك جوی آب و دو مجرا رودخانه گل آلود که نزدیک هم می باشد،  
از میان دره می آید. و خود میان دره طرف راست دامنه کوه واقع است. به قرار

۱- بضم باء و سکون سین. ۲- درخت گل ابریشم است.

هفتاد هشتاد خانه وارند و نمایان می‌باشد. بعد پل چوبی و صحرائی که طرف دست چپ ده دنگلان می‌باشد. و طرف راست دامنه کوه ده شوریان است که شال چوخای خوب در آنجا به عمل می‌آید. بعد می‌رسد به پل چوبی که بقدر ده داوزه زرع گود می‌باشد و ایام زمستان این رودخانه آب ندارد، گذشته می‌رسد به پل آجری رد شده امامزاده روشن آباد است [که] اسمش امامزاده عبدالله می‌باشد که گنبدش سبز است [و] باین ترش سفالپوش که يك تالار سفالپوش هم دارد که قبرستان بزرگ است گذشته جنگل خار و پل چوبی که طرف چپ راه، خیابان شاه عباسی است و طرف راست راه کفشگیری می‌باشد [که] می‌رسد به صحرائی و رودخانه آب که دست چپ هم رودخانه [ای] کشیده است که از کفشگیری می‌آید. و صحرا و کسوه نمایان است. بعد درختهای نوت که دست چپ تپه [ای] بلند مثل کوه می‌باشد. بالایش درعهد قدیم قبرستان گبرها بوده است. که داخل به کفشگیری می‌شود.

### [دهکده کفشگیری]

که این قریه کفشگیری در جمع بلوک سدن رستاق است. خریداری و ملك رحیم خان هزار جریبی است. که عمارات رحیم خان همه سفالپوش می‌باشد. و يك باب مسجد و يك باب تکیه و يك باب حمام و يك درخت سرو و دو بیست و نود خانه وار در کفشگیری است. و سه در دکان هم دارد. و در دیوانخانه رحیم خان هفت درخت چنار و حوض آب دارد. و دور قریه کفشگیری را از ترس ترکمان خندق زده اند که راه آمد و شد، از راه معین باشد. و شعر بافی از قبیل چادرشپ و ایجه و پیراهن شیر-پنیر و شال چوخا با سایر چیزها، خوب می‌یافتند. محصولش کمی پنبه و گندم [و] جو و زیادتر حاصلش برنج است.

و يك صد و پنجاه من تبریز ابریشم به عمل می آید. آنچه شالی که ارباب دریافت می نماید دویست و بیست خروار به وزن استرآباد می باشد، که دومن [و] ده سیر تبریز يك من استرآباد است. و هر خروار چهل من استرآباد [است].

در اینجا حساب جریب ندارد. حساب قسمت ونی است که هر نی یازده ارش می باشد. [از هر] بیست نی مربع شش خروار شالی به ارباب می دهند.

و [راه از کفشگیری] به شهر استرآباد دو فرسخ و به قراسنگر [هم] دو فرسخ است.

#### [راه کفشگیری به استرآباد]

از بابت راه از کفشگیری که به شهر استرآباد دو فرسخ است، از رودخانه گذشته صحرائی است که صحرای ترکمان [از آن] نمایان است، و سمت شمالی واقع است. از جوی آب و گندمزار و طرف راست [که] تپه [ای] دارد رد شده داخل خیابان می شود. که طرف چپ کنار خیابان سه درخت چنار دارد و جوی آب است. پایین تر، ده کلاجان می باشد که يك خانه سفاپوشی دارد.

از پنج جوی آب و پل چوبی گذشته دوره خیابان درخت انار و حار [است]. قدری سرازیر مثل دره، رده شده دست چپ شالی زار و دوره گندمزار [است] که پائین تر [آن] تپه [ای] است [که] چهارصد قدم از خیابان دور است. و امامزاده سفاپوش و سه درخت چنار دارد. [امامزاده را] پنج امام می گویند که مشهور به امامزاده ورسن است.

از رودخانه و از میان جنگل گذشته رودخانه خشک رود است. و

دست چپ کنار راه يك درخت چنار دارد. و دو مرتبه هم از رودخانه انجیر آب رده که قلعه و شهر استرآباد نمایان می شود که از پل چوبی گذشته دوره راه الاشهر، درخت چشم و تلوی خار است. و سه جا هم از رودخانه قدم گاه خضر علیه السلام می گذرد، که طرف راست تپه بلندی است که در عهد قدیم دولت آذربایجان، قلعه بوده است که مشهور [به] قلعه خندان است. الآن سوای تپه و چاهی درمیانش، آثار دیگر ندارد. که زیرش قدم گاه خضر علیه السلام و يك برج و کوره پالانه پزی قنات می باشد. که از قبرستان گذشته از دروازه مازندران که آهن پوش است، داخل شهر استرآباد می شود.

## [بلدہ استرآباد]

از بابت بلدہ استرآباد کہ از بناهای قدیم است يك دفعه در عهد یزید ابن مہلب بنی عباسی و يك دفعه در وزارت امیر کبیر میرزا تقی خان، بسہ اہتمام محمدولیخان بیگلربیگی استرآباد، تعمیر شد. دور قلعہ اش سہ ربع فرسخ می شود. سی و چہار بُرج و چہار دروازہ دارد کہ تردد می نمایند، باز می باشد. شرقی دروازہ بسطام، جنوبی دروازہ چہل دختر، غربیہ دروازہ مازندران [و] شمالی دروازہ سبز[ہ] مشہد [است].

و بزرگی قلعہ استرآباد از شہر ساری زیادتر است لیکن خرابہ بسیار دارد. و سبزی کار[ی] و باغ [و] بستان، ہمہ در میان شہر است. و يك ہزار و سیصد و پنجاہ خانہ وارند. کہ خانہ ہا سفالپوش از خشت خام است. قلیل از خانہ ہای بربرہا، گالی پوشی است.

[استرآباد] سہ محلہ دارد محلہ اول نعلبدان [کہ] بابلوچ و حاجی لر، پانصدخانہ [وارند]. محلہ دویم سبزہ مشہد کہ آبادی دارد [و] سیصد و پنجاہ خانہ [وارند]. محلہ سیم میدان [کہ] با قاجار و سادات، پانصد خانہ [وارند]. و عمارات آقامحمدخان از آجر پختہ می باشد. جمیعاً خرابہ است. و توپخانہ کلاً مخروبه می باشد. و کوچہ ہای استرآباد سنگ فرش و آب [در

آنها] جاری است. دو مجرا آب رودخانه دارد: یکی رود زیارت خاصه [و] یکی قنات سرخواجه.

و سیصد و نود و پنج باب دکان دارد. و کاروانسرا سه باب. مدرسه هفت باب. مساجد بزرگ و کوچک چهل و هفت باب. حمام سیزده باب.

امامزاده‌های شهر دوازده آستانه [است به شرح زیر]:  
اول - امامزاده اسحق.

دویم - امامزاده بی بی سبز.

سیم - امامزاده مرادبخش.

چهارم - امامزاده چهارشنبه.

پنجم - امامزاده دوشنبه.

ششم - امامزاده سه تن.

هفتم - امامزاده توتستان.

هشتم - امامزاده قاسم.

نهم - [امامزاده] بی بی حور ، بی بی نور [و] بی بی ظهور.

دهم - امامزاده روبندبرو [که] خارج شهر است.

یازدهم - امامزاده عبدالله [که] خارج شهر است.

دوازدهم - قدم گاه خضر علیه السلام [که] خارج شهر است.

اسامی گذر نعلبدان چهار است:

اول - خیمه دوزان. ۲- پای سرو. ۳- میخچه گران. ۴- شیرکُش.

[اسامی گذر] سبز [ه] مشهد شش است:



اول - سوخته چنار. ۲ - سرچشمه. ۳ - سرپیر. ۴ - چمن‌دیوان.  
۵ - نقاره چیان. ۶ - دباغان.

محله میدان پنج‌گذر دارد:

اول - درب نو. ۲ - کاسه‌گران. ۳ - دو چناران. ۴ - باغ پلنگ.  
۵ - دوشنبه.

سامان و فراسخ:

از جرّ کلباد الی شهر استرآباد سه فرسخ، از شهر الی کتول هفت فرسخ، از کتول الی فندرسک سه فرسخ، از فندرسک الی رامیان سه فرسخ، از رامیان الی نوده چهار فرسخ، از نوده الی سنگر چهار فرسخ. از اول گو کلان الاسلمقان که اول خاک بوجنو [ر]د است، تخمیناً سی فرسخ، که سه منزل میان گو کلان و سه منزل بیابان غیر معمور است.

و شهرهای خراب استرآباد:

اول - آق قلعه که متصل بدنه شمالی آنجا به رودخانه گورگان [است].  
و پلّی از آجر، شاه عباس ساخته بود که الحال پایه‌های پل تاجای طاق باقی است، که سنه هزار و دوست و هفتاد و پنج هجری باشد. و شهر جرجان واقع در کبودجامه، الحال خراب است. گنبد قابوس و شمگیر، سقفی است مرتفع [که] واقع است در سامال گو کلان و یموت.  
و الحال هده حاکم استرآباد جعفر قلی خان ایلخانی است. و کلانتر، آقا علی اکبر می‌باشد.

ب..... ا..... ت

مالیات استرآباد از بابت ولایت و گو کلان، قیمت جنس و ابریشم و



پسر قلیخان یوز- باشی ۱۰۴ نفر	محمد علیخان ۱۹ نفر	محمد صادق خان کرد محله ۱۰۰ نفر
محمد باقرخان مقصود لسو ۵۰ نفر	گوکلان نویر- علی خان ۱۰۰ نفر	حاکم خود بگسیرد ۳۱ نفر

بیاد است

بیاده خارج نظام يك هزار و سی و شش نفر

موجب سالیانه

یازده هزار و ششصد و سی تومان و چهارقران و سیزده شاهی

کنول دسته محمد- صادق خان ۱۷۶ نفر	مقصود لوجمعی عبدالصمد خان ۱۰۰ نفر	استرآباد رستاقی جمعی احمد علی خان ۱۰۰ نفر
سدن رستاق جمعی رضاقلی خان ۱۲۵ نفر	ساوری جمعی جعفر- قلیخانی و آقا مصطفی ۸۶ نفر	شا[ه] کوئی جمعی آقا هادی و آقا محمد علی ۷۷ نفر

انزانی جمعی محمدباقرخان ۱۴۰ نفر	لیوانی وسیل سبیرا جمعی اسدالله خان ۹۱ نفر	بلوچ و حاجی لر جمعی میرزا بابا بیگ و محمد خان بیگ ۷۰ نفر
---------------------------------------	---	---

تمسکینی ۷۱ نفر	توپچی و قور- خانه جسی ۸۵ نفر	نوکر نظام فندرسک یک فوج
-------------------	------------------------------------	----------------------------

و خود استرآباد هفت بلوک است:

اول سدن رستاق:

کریم آباد	زنگی محله	اوجابن	انجیراب	لامسی لنگ
قلعه محمود	هاشم آباد	آزاد محله	للدوین	تخشی محله
قلندر محله	تمسک <sup>۲</sup>	بانه امام	ورسن	کتاجان <sup>۴</sup> چالکی
			دوقریه	دوقریه
نودیجه	حیدرآباد	مهتر کلاته	یساقی	پیشین کلاته

۱- به ضم سین دوم. ۲- به فتح لام و کسر میم. ۳- به فتح کاف.

امین آباد شاده دنگلان درودمحله<sup>۱</sup> قاسم آباد زروان محله<sup>۲</sup>

السوار چهارده<sup>۳</sup> النک کردمحله سرکلانته خرابه شهر بالا جاده  
محله دارد

قلندر عایش خرابه مسجد چقر کلامون میان دره

انگرم<sup>۴</sup> شوریان شموشک نوچمن سید میران  
دو قریه

کفشگیری اسپوخیل کلاسنگیان سدن گلوه

گرجی محله یالو سعدآباد الوفه توشن باکتر محله<sup>۵</sup>

دویم انزان:

کارکنده باغو سرمحله ولفرا جز دشتی کلوتسه

چوباکنده سوتسه ده نوکنده لیوان هشتیکه ونوش تبه

استون آباد وطن شاه پسند خرابه است.

۱- بضم دال، ۲- بکسر زاء و سکون راء، ۳- بکسر دال.

۴- بفتح الف و کسر گاف و راء، ۵- بفتح گاف و ضم لام، ۶- بفتح کاف.

سیم و چهارم - بلوک شاه کو و ساور:

شاه [ه] کسوی [ی] علیا شاه [ه] کسوی سفلی تاش	چال خانه حاجی آباد
رادکان	کندآب
نَسْوَا	رسول آباد خراب است.

پنجم - استرآباد رستاق:

محمدآباد	فوجردا	ولیک آباد	رستم کلای سادات	رستم-
کلای عباس بیگ	پُل خورده	سلطان آباد	علی آباد	
آلوکلا	نارنج آباد	مریم آباد	اوزینه	فیض آباد
نصر آباد	باغ گلبن	نومل	جلین علیا	جلین سفلی
سیاتلو	معصوم آباد	سرخون کلا	مرزن کلا	عثمان کلا
ربیع کلا	آهنگر محله	خسیرات	میرمحله	چوب لانی
ولاش آباد	تورنگ تپه	شمس آباد	قرن آباد	سومارود

نوده    اتراچال    جعفرآباد    کماسی    دودانگه  
۲ قریه

زیارت خاصه رود [است].

ششم - بلوک فخر عمادالدین و کتول:

حسین آباد    تقی آباد    نوده    میان آباد    جعفرآباد    کناره

علامن    برفتان    حاجی آباد    مزرعه    قوش کُرسی<sup>۱</sup>

سنگدوین    نوده    خارکلا    کُرد آباد<sup>۲</sup>    جنگلده

پیچاک محله    استان    ساورکلا    سیامرکو    الازمن

آلستان    بالاچلی    پائین چلی    تاور<sup>۳</sup>    سیامرکو

چه جا    کتو<sup>۴</sup>    حلیندرزه    نترسو<sup>۵</sup>    و سیر    ربق چشمه

۱- بهضم کاف.    ۲- بهضم کاف.    ۳- به کسر واو.    ۴- به فتح

کاف و ضم نون.    ۵- بهضم خاء و کسر لام و فتح دال.    ۶- بکسر نون

و ضم سین.

هفتم بلوك فندرسك سه است:

كهرسار

فندر سك

بيست قريه

خام به بن نام تلو را ميان

نوده

سنگر كبود جامه

سه قريه

ببست

ثبت خانه وار يموت و گوكلان و تكه

تكه

گوكلان

يموت

خانه ۱۰۷۱۰

خانه ۲۵۵۰

خانه ۹۲۱۵

از بابت طوايف جعفرباي كه از حد قرا سنگر و سلطان آباد و كميش تپه و

حسينقلي و اوغ و چركن و اترك و بلخان محل سكنا دارند، از دروازه

الي بلوك سدن رستاق و دولت آباد ۲۲۱۵ خانه



ب \_\_\_\_\_ ا ب \_\_\_\_\_ ت  
 یار عا \_\_\_\_\_ ی \_\_\_\_\_ ۹۵۵ خانہ \_\_\_\_\_ ہ

اَنْلُقْ قسوماج ابری تسوماج چوگ \_\_\_\_\_ ان  
 ۲۵۰ خانہ ۱۴۰ خانہ ۸۵ خانہ

ب \_\_\_\_\_ ر خاص \_\_\_\_\_ آرق \_\_\_\_\_ ک \_\_\_\_\_ ل  
 ۱۱۰ خانہ ۱۰۰ خانہ ۴۵ خانہ

کوسہ ل \_\_\_\_\_ ی \_\_\_\_\_ ق \_\_\_\_\_ زل \_\_\_\_\_ سَقَالِ سی  
 ۴۵ خانہ ۹۰ خانہ ۹۰ خانہ

ب \_\_\_\_\_ ا ب \_\_\_\_\_ ت  
 ازب ایت ط \_\_\_\_\_ و ا ی ف ن \_\_\_\_\_ و ر عا \_\_\_\_\_ ی \_\_\_\_\_ ۹۱۰ خانہ

ک \_\_\_\_\_ م \_\_\_\_\_ ک \_\_\_\_\_ ر \_\_\_\_\_ ک \_\_\_\_\_ ر د  
 ۲۲۰ خانہ ۶۰ خانہ ۶۰ خانہ

ق \_\_\_\_\_ ر نجیک \_\_\_\_\_ پان \_\_\_\_\_ ق \_\_\_\_\_ ۳ \_\_\_\_\_ ایک \_\_\_\_\_ در  
 ۲۰۰ خانہ ۱۵۰ خانہ ۵۰ خانہ

ک \_\_\_\_\_ ل \_\_\_\_\_ ہ  
 ۱۷۰ خانہ

ا \_\_\_\_\_ ق \_\_\_\_\_ و ر ج \_\_\_\_\_ ی \_\_\_\_\_ ح س ی ن ق ل ی \_\_\_\_\_ ن ش ی ن  
 ۳۵۰ خانہ

بایبست  
طوایف آق و آتابای که از دولت آباد واقسین و آق قلعه الی داراجیق<sup>۱</sup>  
سکنا دارند ۶۲۰ خانه

بایبست  
طایفه آتابای ۱۰۲۰ خانه

یان پرسی  
۴۰ خانه

سقیسی  
۷۵ خانه

سهنه  
۱۰۰ خانه

کسه  
۴۵ خانه

ساریجه لی  
۴۰ خانه

محمد انلیق  
۱۷۰ خانه

طعنسه  
۲۰۰ خانه

در کونجیسی  
۸۰ خانه

کسه حلقه  
۱۵۰ خانه

قرا داشلو  
۲۰ خانه

قولتیر  
۲۰ خانه

قانقرمه  
۸۰ خانه

بایبست  
از بابت آق [که] دو طایفه اند ۶۰۰ خانه

قسقسه آق  
۲۸۰ خانه

اوزین آق  
۳۲۰ خانه

بایبیت  
طایفه یلقی و غیره ۲۲۸۵ خانه

بایبیت  
از بابت یلقی ۵۳۰ خانه

سقّار	وکیلی	قیصر
۶۵ خانه	۱۹۵ خانه	۴۰ خانه

میرزاعالی	اراض لیلی	انالی
۶۵ خانه	۲۵ خانه	۱۴۰ خانه

بایبیت  
طایفه داز و دوجی ۱۷۵۵ خانه

طایفه داز که از حد سلطان دوین الی آق مشهد سکنا دارند متصل به دهات بلوک فخر عمادالدین ۶۵۰ خانه	طایفه دوجی که از حد آق- مشهد الی نهر گرجی سکنا دارند حد گرگان سالیان متصل به دهات کتول بلوک ایضاً
--	---

۱۱۰۵ خانه

اودک	ساریجه میوت	خیوقی
۱۴۰ خانه	۷۰ خانه	۱۰۵ خانه
کُره	ابدال و ایچمک	باقه
۱۰۰ خانه	۱۲۰ خانه	۲۰ خانه

قراچه داغی

۵۰۰ خانه

بدرآق از حد نهر گرجی الی کافر دوین و غیره  
طایفه بدرآق و غیره از حد نهر گرجی الی کافر دوین و غیره

طایفه ایمر از کافر دوین الی داشیلیم  
سکنادارند متصل به دهات فندرسک و  
کنیزک حد شمالی سنگرسوادگرگان  
۳۷۵ خانه

بدرآق از حد نهر گرجی الی کافر دوین  
سکنادارند متصل به دهات کتول حد  
شمالی معبر دیکچه گرگان  
۲۰۰ خانه

طایفه ایکدر به واسطه قلت جمعیت  
در میان کوچک می‌نشینند  
۲۰۰ خانه

طایفه کوچک از حد داشیلیم الی  
قرا تیکان سکنادارند متصل به دهات  
فندرسک و کنیزک حد شمالی  
سنگرسوادگرگان  
۳۴۵ خانه

خورطه  
۱۵۵ خانه

استاد جوق  
۱۹۰ خانه

طایفهٔ سلاخ در میان همهٔ طوایف  
بموت می‌نشینند  
۲۵۵ خانه

طایفهٔ قان یقمز در بی‌بی-  
شروان سکنا دارند و قلیلی در میان  
طایفهٔ داز می‌نشینند  
۳۰۰ خانه

طایفهٔ بهلکه محل سکناي آنها در  
حول و حوش اترك می‌باشد  
۲۶۰ خانه

قروٲی در اغلب اوقات در اترك و  
بلخان سکنا دارند  
۲۵۰ خانه

قبیلهٔ تاتار محل سکناي آنها قریب به گوکلان  
۴۵۰ خانه

تاتار جمعت زیاد  
ندارند محل سکنا

وزده  
۹۰ خانه

بصواجی  
۲۱۰ خانه

کهنکه  
۱۵۰ خانه

قریب به گوکلان  
۲۲۰ خانه

طایفهٔ آتا و محذوم  
۲۱۰ خانه

طایفهٔ آتا  
۹۰ خانه

طایفهٔ محذوم  
۱۲۰ خانه

اب ..... ت  
طوایف گوکلان [که] دو فرقه‌اند دو دُرّقهٔ و حلقه‌داغلی  
۲۵۵۰ خانه

از بابت ط ..... وایف دودر ق ..... ه  
۱۳۷۷ خانه

طایفهٔ قرق حد شرقی متصل  
به مشک عنبر وحد غربی آب‌گرگان  
۴۷۶ خانه  
طایفهٔ یابن ..... دُرّ  
۲۳۰ خانه

فرقهٔ آق -	فرقهٔ لیک	صوفیان	کنک لیک
قلیچ خانی	۱۰۰ خانه	۱۰۰ خانه	۱۰۰ خانه
۱۲۳ خانه			
فرقهٔ نفس -			
خانی			
۱۰۷ خانه			

کو کچه	دهند	چکمه
۱۰۰ خانه	۱۰۰ خانه	۷۶ خانه

طایفهٔ نیقاق حد غربی متصل  
به گنبد قاووس وحد شرقی به سنگی -  
بنهٔ کبود جامه  
۲۲۶ خانه  
طایفهٔ سنگریک حدی به درّه گز متصل  
به گرگان وحدی به کاور قلعه  
۲۹۵ خانه

خسرو شور ۱۲۰ خانه	قوشچی و قراشور ۱۳۹ خانه	اوج قونلی ۱۱۰ خانه	کوتی مجمن ۱۱۶ خانه
----------------------	----------------------------	-----------------------	-----------------------

طایفه کُرگز متصل به کنارگران  
۱۵۰ خانه

از بابت طوایف حلقه ه داغله ی  
۱۱۷۳ خانه

طایفه عرب و ایدرویش متصل به قراشیخ ۲۱۶ خانه	طایفه چاقرببگدلی حدی به سنجی - بُنه متصل به حیدرآباد و دوغ - یَلْمُ <sup>۱</sup> ۴۳۱ خانه
---	--

ایدرویش ۱۵۰ خانه	عرب ۶۶ خانه
---------------------	----------------

ارککلی به شرح ایضاً ۱۱۲ خانه	طایفه قرابلخان متصل به قران آباد و ساری سو نزدیک به منبع گرگان ۳۱۵ خانه
---------------------------------	---

بیخاری بوی لی	اشاقه بوی لی
۱۴۰ خانه	۱۶۵ خانه

غائی حد غربی متصل به مشك عنبر و  
حد شرقی به مرغزار  
۱۹۹ خانه

تمك	داری
۵۶ خانه	۵۶ خانه

قرن ساسن	بو قججه
۴۷ خانه	۴۰ خانه

طوایف تکه آخال نشین حد شرقی آن عشق آباد و حد غربی قزلرباط و  
حد جنوبی کوه متصل بوجنو [ر]د و قوچان و دره گز و حد شمالی بقوم و  
خیوق ۱۰۷۱۰ خانه

تکه آخال نشین دو طایفه اندا تمیش <sup>۱</sup> و تتمیش [که] در قلعه جات مفصله داخل یکدیگر می نشینید	تکه قوم نشین که دایماً در سرچاها توطن دارند و به اتک نمی آیند
۹۴۶۰ خانه	۱۲۵۰ خانه



قلعه عشق آباد	قلعه کوشی	کوکجه
۸۰۰ خانه	۴۰۰ خانه	۵۰۰ خانه
قبچاق	قلعه باقر	قلعه بابا عرب
۳۰۰ خانه	۷۰ خانه	۴۰۰ خانه
کاریز	پاریز	قلعه الله ویردی
۵۰ خانه	۴۰ خانه	۵۰ خانه
خرمن	نور قلعه	هری قلعه
۴۰۰ خانه	۱۵۰ خانه	۲۰۰ خانه
کله جبار	یوز مهین	نواوه
۱۰۰ خانه	۴۰۰ خانه	۴۰ خانه
مهین	مورحلی	کلاته ایشاباشی
۳۰۰ خانه	۶۰ خانه	۸۰ خانه
کلاته	ینگلی قلعه	آخال
۶۰ خانه	۲۵۰ خانه	۵۰۰ خانه

آق تپه	كوك تپه	ياراجى
۴۰۰ خانہ	۴۰۰ خانہ	۳۵۰ خانہ
قراقان	درون	برزنو
۲۵۰ خانہ	۳۵۰ خانہ	۳۰۰ خانہ
مونچہ	سونچہ	نخور
۸۰ خانہ	۸۰ خانہ	۳۰۰ خانہ
ارچمان	بام	بورمہ
۴۰۰ خانہ	۳۵۰ خانہ	۳۵۰ خانہ
قزل رباط		
۶۰۰ خانہ		

[آنچه که بر استرآباد گذشته و می گذرد]

و عالیجاه جعفرقلیخان ایلخانی که حاکم استرآباد است زیاد از جهت نظم ولایت و حراست و نگهبانی رعایا از طایفه ضالّه ترکمانیه، بسیار ساعی و جاهد می باشد. همچنانکه در ۲۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۴ امیرالامراء العظام جعفرقلیخان باجمعی از سواره و پیاده بوجنوردی و جاجرمی و نردینسی و سواره بسطامی و کسوداری با فوج صارم الدوله و دو عراده توپ عدوکوب از بسطام به عزم تاخت یموت استرآباد حرکت نموده شب را در چمن هفت چشمه شاه کو اقامت نموده اول طلوع صبح سوار شده از راه قوزلق به استرآباد آمد.

در بین راه آنچه مترددین که به شاه‌رود می‌رفتند و از شاه‌رود به استرآباد می‌آمدند، تماماً را نگاهداشت که خبر به استرآباد نرسد و يموت آگاه نگردد. يك ساعت از شب ۲۹ شهرمزبور گذشته پشت دروازه بسطام با جمعیت خود وارد گردید و هیچ يك از اهل استرآباد و محالات و ترکمان، آگاه نگردیدند. در همان شب بلافاصله با مشعل بسیار و فانوس زیاد از دروازه سبز [د] - مشهد به طرف ترکمان روانه گردید. نصف از شب گذشته به آب سیاه رسید که دوفرسخ به شهر است. در آنجا بقیه از شب را اقامت داشت که آخر قشون برسد.

اول طلوع صبح از آنجا ایلغار کرده او به‌های دریا قلیخان که خان کل طوایف جعفربای است [را] احاطه کرد. چون قبل از رسیدن ایلخانی به آن مکان، مردان او به خبردار شده فرار کردند. آنهائی که توانستند عیال خود را بردند و آنهائی که نتوانستند جریده جان خود را از میان در بردند. و لشکر بنای غارت و گرفتن اسیر گذاشتند. قریب چهارصد زن و بچه و مرد دستگیر شد و اموال زیاد به دست آمد. بقرار بیست نفر از طوایف ترکمان مقتول و پانزده نفر از لشکر اعلیحضرت پادشاهی زخم‌دار شد.

مقرب الخاقان ایلخانی به قدر يك ساعت نجومی، در آن مکان ایستاد که خلق از گرفتن مال و دستگیر نمودن اسیر فارغ‌البال گردیدند، از آنجا با مال و اسیر و اسباب، پنج ساعت از روز گذشته وارد شهر استرآباد گردیدند. اسرا را در خانه‌های اهالی بلد، سپردند و مال و اسباب که لشکریان در دست داشتند، تماماً را هیچ کس از آنها مطالبه نکرد مگر اسیرها را. بعد از آن خوانین جعفربای و اسطه‌ها تعیین کرده که در عوض اسیر - های خود اسرائی که از اهالی استرآباد در اوایل حکومت ایلخانی برده

بودند، الا مراجعت ایلخانی از طهران بدهند و اسیرهای خود را بگیرند. مقرب الخاقان معظم الیه قبول این معنی نکرده [و] خوانین جعفر بای مایوسانه به طرف او بای خود رفتند. و آنچه را که منظور داشتند از خرابی استرآباد بعد از تشریف فرمائی ایلخانی به قاری قلعه، به عمل آوردند. به قریب شصت و سه ده آتش زدند. از زن و مرد دویست نفر اسیر بردند تا بعد از مراجعت ایلخانی از قاری قلعه، اسیرهای خود را از ایلخانی گرفتند. و قلیل اسیری از اسرای ولایت رد نمودند. هر گاه میرزا آقاخان صدراعظم<sup>۱</sup> او را متهم در نزد اولیای دولت نمی ساخت، ایلخانی تلافی مسافات را از ترکمان می کرد. و بعد از آن از روی رغبت قلب در دفع ترکمان بر نیامد. و جناب فضیلت و کمالات اکتساب عمدة المجتهدین علامی آخوند ملا محمد رضا زید توفیقه، مجتهد استرآباد، زمانی که مقرب الخاقان ایلخانی به قاری قلعه تشریف برده بود و چه در سالهای سابق و لاحق با جوانان فرزانه و مران یگانه و شیعیان خاص جان باز از دشمن بیگانه، در زمان حرکت شرارت ترکمان می روند در سر راهها و گذرها و جنگلها کمین می نمایند و شر آنها را از سراهای بلد دور می گردانند. و ثبات قدمش چنان است که اگر ده نفر همراه باشد و ترکمان صد نفر روگردان نمی شود تا آن صد نفر را مقتول و یا منهزم نسازد. با وجود این نحو، روزی نمی باشد که از بلد و بلوک استرآباد ترکمان اسیر نبرد و دستبرد نزنند.

اگر سر کرده گان استرآبادی و حکام بلوکات ولایتی راست بگویند و حب الملك داشته باشند، ترکمان نمی تواند هرگز دست از پا خطا نماید و به ولایت خسارت برساند. همیشه سر کرده و حاکم این بلوک در ضد و خرابی

۱- منظور میرزا آقاخان توری دومین صدراعظم ناصرالدین شاه است.

آن بلوک است، که ترکمان را در خفا تحریک می‌نمایند به خرابی ولایت و حکومت همدیگر. و قرار باجی هم گذاشته‌اند [کسه] دریافت می‌کنند و ترکمان را به بلوک خود راه می‌دهند. هرگاه یکی بشوند و گذرگاهها را بگیرند و در فکر ولایت‌داری ساعتی تغافل و تکاهل نورزند و عبور ترکمان را مسدود نمایند، ترکمان هرگز جسارت و شرارت و دست‌اندازی به ولایت نخواهند نمود.

### [تفصیل خوانین جعفربای]

تفصیل خوانین جعفربای از عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه رضوان جایگاه، تا عهد سلطنت پادشاه اسلامیان پناه ناصر الدین شاه خلدالله ملکه:  
اول - محمد خان.

دویم - بعد از فوت محمدخان پسر عویش طغان قلیچ خان .

سیم - بعد از فوت طغان قلیچ خان، پسرش قونچه خان.

چهارم - بعد از فوت قونچه خان، سلطان محمد خان.

پنجم - بعد از فوت سلطان محمد خان، دامادش آقا خان.

ششم - بعد از عزل آقا خان، آدینه اورازخان پسر سلطان محمد خان.

هفتم - دفعه ثانی باز آقاخان حاکم و معزول شد.

هشتم - آدینه نظرخان که يك سال خانی جعفربای را کرد.

نهم - بعد از آدینه نظرخان، محمد ولیخان بیگلربیگی استرآباد درسنه يك هزار و دوویست و شصت و هشت دریاقلیخان، پسر سلطان محمد خان رابه خانی جعفربای برقرار نمود که الآن هم برقرار است.

و هرخان جعفربای يك نفر وزیر دارند. وزیر اول دریاقلیخان،

عمرخان بود [که] معزول شد؛ حال مهدیقلی بای، وزیر است.

و قبل از پانزده سال قرار مواجب و مداخل خان جعفربای از بابت باج نفت چرکن بود که اقورجلی‌ها، با نوحمل کرده به ولایت استرآباد و مازندران می‌فروختند [و] به خان جعفربای می‌دادند. بعد این قاعده موقوف شد. حال هرکس [که] خان جعفربای است از حکمران استرآباد در عرض سال مبلغ پنجاه تومان نقد و ده خسروار شالی و یک خلعت که یک ثوب جبۀ ماهوت باشد، دریافت می‌نماید. بغير از این مداخلی ندارد و نمی‌تواند دیناری از اوبه ترکمان بگیرد. و حکم چندانی هم در میان ترکمان ندارد.

#### [زن ترکمان]

و زنهای ترکمان الی سی سال گتلین<sup>۱</sup> یعنی عروس، می‌باشند [و] باید چارقند قرمز به سر خود ببندند. از سی سال که گذشت چارقند سفید سرمی‌بندند. و جمیع کارها را زنهای می‌نمایند از قبیل: [مالیدن] نمد و [بافتن] جل اسب و قالی و پلاس و خورجین و توبره و تنگ اسب و غیره.

و قاعده ترکمان این است [که] از برای زن بیوه از دختر زیادتر خرج می‌کنند، بعلت اینکه می‌گویند: زن بیوه کاملتر و عاقلتر و کاردان‌تر از دختر می‌باشد. از برای دختر دو بستِ طلا<sup>۲</sup> و از برای زن بیوه هزار طلا<sup>۳</sup> خرج می‌کنند که هر طلا سه قران بوده باشد.

و دختر اگر از حرام حامله بشود، به او چیزی نمی‌گویند. و زن شوهر دار در صورتی که شوهرش نباشد، زنا بدهد و حمل بردارد، به او هم چیزی نخواهند گفت. هرگاه شوهر زن خود را در عمل بد بادیگری ببیند باید هر دو را بکشد، اگر به تنها فاعل و یا مفعول را مقتول نماید، او را خواهند کشت.

پسر و دختر ترکمان [که] همکدیگر را بخواهند به اوبه دیگر برده عقد می نمایند. و دختر را که می گیرند چهار و یا پنج شب خانه داماد می-ماند بعد دختر را خانه پدرش می فرستند. اگر بزرگ باشد يك سال [و] اگر كچك باشد دو سه سال باید خانه پدر بماند تا كامل و بزرگ شده آن وقت می آورند [و] سه ماه خانه شوهر می ماند، [و] بازهم [به] خانه پدر می فرستند که سه چهار سال اینطور رفت و آمد می کند تا اولاد بیاورد، آنوقت [در] خانه شوهر می ماند.

#### [احوال قاجار ساکن استرآباد]

احوال قاجار استرآباد نشین [که] دوازده طایفه و دو فرقه اند، که اشاقه باش و یخاری باش.

از بابت اشاقه باش که شش طایفه اند: اول- قوانلو. دویم- عضدانلو. سیم - شام بیانی. چهارم- قرامسانلو. پنجم- زیادلو. ششم - کُروا. از بابت یخاری باش [که شش طایفه اند]: اول - دوانلو. دویم- سپانلو. سیم - داشلو. چهارم - کهنه لو. پنجم خزینسه دارلو. ششم - قیاخلو.

[قاجار در] اصل هفت طایفه بود که شاه اسماعیل به آنها خطاب قزل باش داد: اول- استاجلو. دویم شاملو. سیم - نیکالو. چهارم - بهارلو. پنجم ذوالقدر. ششم - افشار. هفتم - قاجار.

و قجر طایفه ترک بود در شام. و امیر تیمور ایشان را به ایران آورد. و در ایام شاه عباس [آنها را] سه تقسیم کردند: يك طایفه را فرستادند در گنجه گرجستان که دفع لزگی بنمایند. و طایه دویم را در مرو که سرحد خراسان

است، گذاشتند از جهت دفع اُزبک. و طایفه سیم را به استرآباد آوردند از جهت دفع ترکمان.

طایفه اول که در گنجه بودند، طرفداری نادرشاه کردند [و] به لقب قجر افشاری مشهور شدند [که] بعد از کشتن نادرشاه کمزور گردیدند. طایفه دویم که عضدانلو باشد، در مرو فرستادند [و] در آنجا وطن ساختند. طایفه سیم که در استرآباد بودند، ادعای سطنت می کردند.

بزرگ فرقه اشاقه باش، فتحعلی خان بود که در ایام شاه طهماسب سردار کل طایفه قاجار استرآباد شد و در عهد سلطنت شاه نادر به حکم پادشاه مذکور، کشته گردید. بعد نادرشاه، زمان بیگ را که از طایفه یخاری باش بود، حاکم استرآباد نمود. و این زمان بیگ همان است که به حکم رضاقلیخان، شاه طهماسب را کشت. بعد از آن محمدحسن خان پسر فتحعلیخان مذکور، در میان ترکمان گریخت و لشکر کشیده استرآباد را مسخر کرد.

چونکه نادرشاه پادشاه بالاستقلال بود، اقامت [در] استرآباد را صلاح بر خود ندیده دوباره می رود به میان ترکمان می ماند. قبل از چهار سال از کشته شدن نادرشاه، محمدحسن خان در میان ترکمان بود. بعد از کشته شدن نادرشاه، احمد شاه ابدالی با لشکر خود و از افغانان آمدند که مازندران را مسخر نمایند و محمدحسن خان جلوگیر کرد [چنان] که احمد شاه ابدالی از دست محمدحسن خان هزیمت نمود. بعد از آن محمدحسن خان با آزاد-خان جنگ کرد و شکست داد. بعد از آن بساکریم خان جنگ کرد که در جنگ اول کریم خان شکست خورده به شیراز رفت و محمدحسن خان بعد از

۱- منظور طهماسب میرزا (طهماسب ثانی) فرزند شاه سلطان حسین صفوی



گرفتن آذربایجان و اصفهان، آنوقت شیراز را محاصره کرد، لیکن نگرفت. و در میان اردوی محمدحسن خان قحطی شد و اهل طایفه زند [نیز] به ایشان اذیت می‌رسانیدند، آخر الامر بسیاری از قشون محمدحسن خان فراری شدند [و] خودش برگشت آمد به اصفهان. زیاد کم قوت شد. وقتی که به مازندران آمد، دوازده هزار نفر از عساکر محمدحسن خان باقی ماند و الباقی فرار نموده بودند. بعد کریم خان شیخعلی خان زند را با لشکر به مازندران فرستاد، وقتی که به مازندران رسید یک نفر محمد حسن خان دیگر از طایفه یخاری باش که قجر بود، طرفداری شیخعلی خان کرد [و] بسا جمعیت خسود به اردوی شیخعلی خان رفت [و با او] متفق گشته به جنگ محمدحسن خان اشاقه باش رفتند. در صحرای کرادوین من محال کلبا داشرف، او را شهید کردند [و] سرش بالای نیزه گذاشتند. و پسرهای محمدحسن خان با قوم و قبیله خود همگی فرار نموده به میان ترکمان رفتند [و] مدت چهار سال ماندند، تا اینکه به کریم خان اطاعت نمودند.

و پسرهای محمدحسن خان بزرگتر از همه آقا محمدخان بود. و آقا محمدخان همیشه طالب بود که قجر از هم متفرق نشوند و همیشه جمع بوده [و] با هم موافق و دوست باشند. چونکه خودش دیده بود که طایفه زند با هم یکی نبودند و شمشیر کشیده بکدیگر را قتل نمودند. آقا محمدخان خواست که در میان قجر این نحو سلوک نشود و همه یکی باشند. بعد که دید برادران خود به طمع پادشاهی می‌خواهند فساد بکنند چنانکه کردند، ایشان را دستگیر کرده با یک نفر سردار دیگر به قتل رسانید. و بزرگان طایفه قجر را هم به ولایات، متفرق کرد. وزن و بچه ایشان را در طهران نگاهداشت. خودش پادشاه بالاستقلال شد تا اینکه در قلعه شیشه در دست سه نفر از

نوکران خودش که اهل اصفهان و مازندران و گرجی بودند، شهید گردیدند.  
حال که تاریخ يك هزار و دو یست و هفتاد و پنج است، قاجار استرآباد از  
بلد و بلوك، دو یست خانه وارند.



[بخش ششم]

## [از استرآباد به شهر اشرف]

[راه از دهکده جرّ به بلوک کلباد از محال مازندران]

از بابت راه از قریه جرّ به عمارت تپه کلباد من محال مازندران که سه فرسخ است، از محله جرّ داخل در خیابان شاه عباس می شود، از دو جوی آب گذشته رودخانه چوباکنده است، و دوره خیابان جنگل، از دو پل چوبی و جوی آب رد شده رودخانه نوکنده می باشد، و قبرستان ایشان همه در سرراه می باشد، و درخت گردو و توت هم بسیار دارد می رسد به لیوان که چاپارخانه دولتی در آن جا است.

از پل چوبی و جوی آب و جنگل ملّو<sup>۲</sup> و کل خرابه به جرّ کلباد می رسد که حد سد استرآباد و مازندران می باشد که جای دروازه و خندق و خالکریز از دامنه کوه الی کنار دریا است.

و تحقیق این عبارت این است که در ایام شاه عباس ماضی در انتظام امر مازندران و استرآباد اهتمام تمام داشت. به ملاحظه ساخت طوایف

۱- بهضم کاف. ۲- بهفتح میم و ضم لام و سکون واو.

ترکمانیه مقرر فرمود که از حوالی کوه متصل به اشرف البلاد تا ساحل لب دریای خزر که طولاً چهار فرسنگ است، خندق عمیق کنند که سوار از آن نتواند گذشت. و راه عبور مازندران به استرآباد منحصر به آن معبر است. و هرگاه کسی در آن معبر می‌نشست راه دیگر از استرآباد به مازندران نبود. چون جرّ به معنی شکاف است، و این جرّ در حوالی کلباد واقع است، به جرّ کلباد مشهور شده، لیکن در این زمان خراب شده است. و چندین راه دارد.

### [ بلوک کلباد ]

از جرّ گذشته داخل در بلوک کلباد است. و راه خیابان اکثر جا به دامنه کوه واقع می‌باشد که در این راه باغ توت و انار بسیار است، می‌رسد به رودخانه کُرّند<sup>۱</sup> که معدن مس و آهن و سرب دارد. از قبرستان و باغ توت و جنگل گذشته دست راست آب دنگ است. و در پایه تپه عمارت واقع است. و سربالائی می‌باشد که از سنگ، فرش نموده اند [ که ] به قدر یک میدان می‌شود. می‌رسد به بنیاد تپه عمارت که دوره خندقی حفر نموده اند که دیوارش بلند و خالک ریز مثل قلعه است. از دروازه معین داخل می‌شود که عمارات اندرونی و بیرونی و حوض آب و حمام و دیوانخانه سفالپوش و چند در خانه‌های نوکران گالی پوشی است. و بیرون دروازه باغ توت و خانه‌های گالی پوشی می‌باشد. و آبش از کوه می‌آید. و بغیر از این راه که معین است راه دیگر ندارد. بسیار جای با صفا و دلگشا است. که صحرای ترکمان و دریای خزر و آشوراده و بندر جز و میان کاله و محلات کلباد و انزان، همه نمایان می‌باشد، و این عمارت تپه از بناهای میرزا محمدخان کلبادی است که

۱- به ضم کاف و فتح راه و سکون نون و دال.

حال در تصرف رضاقلیخان و مرتضی قلی خان پسرهای میرزا محمدخان می باشد. و این بلوک کلبادشش قریه ده دارد: اول - لیمراس. ۲- تیر تاش. ۳- طیل نو. ۴- سراج محله. ۵- خورشید کلا. ۶- گلو گاه. که یکهزار و هشتصد و بیست خانه وارند. و سیصد نفر تفنگچی به دیوان اعلامی دهند. که یکصد نفر از طایفه عمرانلو دسته محمد مهدیخان پسر شاهقلیخان است و طایفه عمرانلو را آقا محمد شاه مغفور از قراداغ و قراباغ و شکتی آورده در گلو گاه سکنا داده است.

و محصول کلباد ابریشم و برنج و گندم [و] جو و پنبه و کنجد می باشد. و درخت های نوچه توت را از کلباد به ولایات مازندران می برند. و انار شیرین هم زیاد بعمل می آید. و اهل کلباد بیلاق و قشلان دارند. و شعر- بافی کلباد مشهور است. از جمله چادرشب ابریشمی و شلوار قرمز و الیجه خوب و پیراهن شیرپنیر و سایر چیزها را خوب می بافند. [در] عرض سال دوازده پوط قرمز، بمصرف می رسانند.

و مالیات دیوان چهارصد و پانزده تومان و شش قران می باشد. و شالی زار این بلوک به کنار دریا نزدیک است. و مقبره ملا عمادالدین که دو درخت سرو دارد، در محله طیل نو [است] و امام زاده محمد در محله لیمراس می باشد.

### [راه از بلوک کلباد به شهر اشرف]

از بابت راه از عمارت تپه که به شهر اشرف چهار فرسخ است، از باغ توت و گندم زار و رودخانه طیل نو گذشته دست چپ مقبره و آستانه ملا عمادالدین است که دو درخت سرو سر راست، مثل شمع دارد و قبرستان بزرگ است گذشته طرف راست امام زاده محمد است. از پل آجری

گوشه شکسته و جوی آب رد شده، امامزاده سفالپوش بَلْتَنَد<sup>۱</sup> امام است که طرف چپ واقع می باشد که حد سد کَلْبَاد و اشرف است. و به شهر اشرف سه فرسخ می باشد. از پل چوبی و آجری ایضاً چوبی و پل آجری ورودخانه آب و باغ توت، که طرف چپ دامنه کوه قریه<sup>۲</sup> و ل<sup>۳</sup> موزی<sup>۴</sup> است که آستانه کوچکی است سفالپوش، اسمش امامزاده قاسم می باشد و طرف راست گندمزار قلعه پایان است.

از رودخانه آب گذشته عمارت محصور محمدباقرخان انزالی [است]. و دست راست قریه کَلَاک است. ایضاً قریه ریکابند می باشد. از پل سنگی و باغهای توت و انار و گندمزار و پنبهزار و پل چوبی رد شده و دست چپ قریه خلیل خیل است که رباط هم می گویند. که درخت سروی دارد از خیابان نمایان است. و به دامنه کوه واقع است. و از قبرستان و پل چوبی گذشته قریه پاسنگ است که طرف چپ خیابان است، می رسد به قریه صارو که امامزاده عبدالله در آنجا مدفون است. گنبدش آجری است و در میانش دو مقبره بزرگ سفیدکاری است. و دو درخت شمشاد بزرگ و یک درخت زیتون دارد که بغل دو نفر می آید و درختهای آزاد هم بسیار دارد که بقرار هشتماد نودخانهوار در محله اش ساکنند. و به شهر اشرف نیم فرسخ است.

از رودخانه صارو و جنگل و جوی آب و پنبه [زار] و گندم [زار] دوره خیابان گذشته دست چپ [در] دامنه کوه [دهی به] اسم ده علی تپه است که سی چهل خانه وار ساکنند. و سه سال است آبادی شده است و به شهر اشرف ربع فرسخ است. می رسد به پل آجری که پنج شش ذرع گودی دارد مال ملک اشرف است. از باغات انار گذشته طرف چپ، باغ تپه و باغ چشمه شاه عباسی داخل در شهر اشرف می شود.

۱- بهضم باء و فتح لام و سکون نون. ۲- بهفتح واو اول و سکون لام.

### [شهر اشرف]

و شهر اشرف از قرار مشهور ابتدا ملکئی بود از مال و سکنه پیره. زنی و مشهور به نحر کوران. شاه عباس را این ملک پسند افتاد از پیره زن ابتیاع فرمود، عمارات و باغات و شهر اشرف را بنا نهاد. بعد جمعیت متفرقه از ولایات آورده آبادی بهم رسانید. و در عهد سلاطین صفویه آبادان و معمور بود تا وقتی که محمد حسن خان پدر آقا محمد شاه مغفور را در صحرای کرادوین پائین دست گلوگاه، اهل این جا به خواهش کریم خان زند که او را کشتند، قشون زندیه به این ولایت آمدند و اشرف را خراب نمودند و جمعیتش پراکنده شد. و به همان خرابی ماند تا زمانی که آقا محمد شاه مغفور از شیراز به استرآباد آمد و پادشاه شد، کم کم اشرف را آباد کرد و جمعیتش جمع شد که حال به قرار هشتصد و چهل و پنج خانه وارند.

و [اشرف] چهار محله دارد: اول - فراش محله. دوم - بازار محله.

سیم - نقاش محله. چهارم - گرجی محله.

پنج باب مسجد و چهار باب مدرسه [و] چهار باب نکیه و پنج باب حمام و دو باب کاروانسرا [و] هفتاد باب دکان و یک آستانه امامزاده می باشد.



حاصلش گندم [و] جو و پنبه و برنج و کمی ابریشم [است]. لیکن شکر نمی کارند. دوازده سال قبل بر این اهل بارفروش يك سال آمدند کاشتند، بعد موقوف شد و امسال باز می خواهند که نی شکر بکارند. و شعر - باقی از قبیل: ایچه و چادرشب قرمز و شلوار و پیراهن شیرپنیر است. و انار شیرین بسیار خوب و مرکبات وافر است.

حاکم و سر کرده، میرزا یوسف خان پسر مرحوم میرزا مهدیخان است که دو بیست نفر تفنگچی به دیوان می دهند. مالیه دیوان سیصد و سی هشت تومان [است]. بعد از وضع ملك از بابی و سادات، شصت جریب ملك آبی و هفتاد جریب ملك خشکه دارد که خالصه شاهی است. و باغات شاه عباسی به دامنه کوه سوْت کَلُوم می باشد. بیرون باغ چهل ستون [در] طرف راست، آب انبار شاه عباسی است که پنجاه پله دارد. آبش گوارا [و] شیرین و صاف و در تابستان مثل یخ سرد است که اهل اشرف به مصرف می رسانند.

#### [عمارت چهل ستون]

از دروازه داخل باغ چهل ستون می شود که نه مرتبه و ده حوض بزرگ و کوچک دارد. که از سردروازه الی دامنه کوه نهر آب و آبشار [است] که دوره تخته سنگ کار کرده اند، که همه سوراخ جای شمع دارد. درازی باغ پانصد و بیست و دو قدم [و] پهنائی باغ دو بیست و چهل قدم [است]. و دریاچه ای دارد که طولش شصت قدم [و] عرضاً پنجاه قدم، که در زیر عمارت چهل ستون می باشد. و این چهل ستونی که می گویند دو طرف شانزده ستون بالاتر ندارد. و حوض آب روان در وسطش دارد که سمت شرقی و غربی بالا - خانه و پائین خانه دارد. و سمت شرقی گوشه سقف چهل ستون تاریخ دارد

سنه ۱۱۴۴.

زمانی که نادرشاه بر لشکر افاغنه استیلا یافت، عمارات شاه عباسی را خراب نموده آتش زدند. بعد [آن] را به فرموده نادرشاه چهل ستون بنا کردند. و پاره [ای] نقاش کاری را آقا محمد شاه نموده است. و درخت مرکبات و سرو بسیار دارد با چهار درخت کاج. و سمت شرقی باغ چهل ستون يك حوض دارد [که] مشهور [به] حوض هشت کنج است. و دروازه ای هم دارد. داخل می شوی پله است، بالا می رود به باغ دیگر که تپه باغ می گویند که در چهار کنج چهار برج [دارد]. و درختهای مرکبات و شش درخت سرو و يك باب حمام و عمارت است. و در وسطش چهار پایه آجر است که در عهد شاه عباس تالار بود. و سمت قبله پهلوی برج شرقی، دری دارد که چهل پنجاه پله سرازیر باید رفت که طرف راست مشهور [به] باغ زیتون است که در این زمان يك درخت زیتون ندارد. و سمت شرقش مشهور [به] چشمه. باغ است که هفت مرتبه [است] و آبشار [دارد] و از میان عمارتش چشمه آب زلال صاف پاکیزه از چهار سمت روان است. و عمارت بسیار پاکیزه بی مثل ساخته بودند. و در چهار مرتبه اش نقاش کاریهای بسیار خوب، گچ بر که گئل و بوته از گچ بریده و رنگ نموده بودند که الحال خراب و ویران است که [در آن] گاوهای اشرف منزل دارد. و چند درخت مرکبات و درخت جنگلی بسیار [دارد]. و روی حصارها درخت انجیر درآمده است. همین اسم چشمه باغ [بر روی باغ] مانده است.

ایضاً سمت غربی چهل ستون که دیوارش بلند است قدری سربالا [است و] دروازه ای دارد. داخل می شوی باغ دیگر است که مشهور [به] عمارت اندرونی [است]. و حرمخانه شاه عباس می باشد که سه عمارت تو

در تو به ردیف هم ساخته اند.

### [عمارات اندرونی شاه عباسی]

از سمت کوه سَوْت کَلُوم: باغ اول مشهور [به] باغ صاحب الزمان است که عمارت بی منتهای سه چهار مرتبه بود. الحال در اطاقهای تحتانی طویل و منزلگاه اهل دامغان و شاه کوم می باشد. و در مرتبه دویم اطاقهای بسیار خوب و [در] چهار گوشه تصویر آدم و غیره و صورت زن و مرد اهل چین و صورت زن و مرد انگلیس با لباس قاعده ایشان با مینای می، کشیده اند. از بسکه دود کرده اند معلوم نمی شود، باید آب زد تا ظاهر شود. و کُلّ خرابه است.

باغ دویم - در وسط باغ حرم است که يك حوض كج [و] کولی ده کُنْج بی آب دارد. و درخت مرکبات هیچ ندارد. چند درخت انار و توت کاشته اند. و عمارتش خرابه [است و در آن] اهل دامغان و غیره منزل دارند. و پشت سرباغ حرم يك حیاط کوچکی است که دو درخت نارنج و بیست و پنج درخت انار ترش دارد.

سیتم باغ شمال است که کُلّاً نارنجستان و مرکبات می باشد. و در وسطش عمارت سه چهار مرتبه خرابه است که طویل و منزلگاه اهل دامغان و شاه کوه است. که سه خانه دیگرساکنین آنجا از آجر عمارت شاه عباسی ساخته اند. و سمت غربی باغ شمال دیوارش زیاده بلند است بجهت اینکه صفی آبادی که در بالای کوه است، که چهل و هفت درخت سرو و هفت درخت نارنج دارد. و عمارات عالی شده هرگاه کسی در آنجا می ماند و نظر می کرد به باغ شمال که حرم پادشاه ساکن بودند، نمایان نمی شد.

## [سه باغ دیگر]

ایضاً سمت غربی این سه باغ سه دست عمارت به همین ردیف بنا شده بود: باغ اول سمت کوه، باغ خلوت، دویم - دیوانخانه که الآن از میانش چشمه آب جاری صاف زلال بیرون می آید که بسیار گوارا و سبک است [و] مشهور [به] آب بُرْزُوا می باشد. سیم - سبزه میدان. که هر سه خرابه و ویران [است] که هیچ در و دیوار ندارد.

و اهل غربای اشرف [با مصالح بناهای شاه عباسی] برای خودشان خانه ساخته اند. و این بناها و عمارات مذکور را باید دید و به تعریف راست نمی آید. تا آدمی به چشم خود نبیند آنچه که به نظر رسید باید پنج کرور خرج کرد تا به مثل اول بشود.



[بخش هفتم]

## [از اشرف به شهر ساری]

[قرا تپه]

و از اشرف به قرا تپه يك فرسخ است که یکصد و پنجاه خانه‌وار افغان و اهل مازندران ساکنند که از طایفه افغان هشتاد و یک نفر سوار به دیوان می‌دهند. سر کرده [آنها] محمدخان افغان است که اینها را آقا محمدشاه از افغانه آورده است. همگی سنّی مذهبند.

حاصل آن جاگندم و جو است [و] به سبب کم آبی برنج نمی‌شود. و آب شیرین خوب ندارند. و گمرکخانه [ای] هم دارد که یکصد و بیست تومان اجاره اش می‌باشد. و شاه عباس يك عمارت بسیار با صفا در قرا تپه ساخته بود، به مقابل همایون تپه صفی آباد اشرف. چنان بود که در شب روشنی چراغ نمایان می‌شد. و کاسبی ایشان از نفت و نمک است که از ترکمانها خریده به شهر ساری و اشرف می‌برند [و] به مصرف فروش می‌رسانند. و چند نفر - شان به آشوراده داد و ستد دارند. از هر قبیل خوراکی و جنس برده می‌فروشند و در آشوراده دکان هم دارند.

و از قراتپه به میان کاله يك فرسخ و به حسین آباد که سمت غربی قراتپه، دريك فرسخی واقع است منزل عبدالملکی می باشد که امسال سنه ۱۲۷۵ دو سال است [که] طایفه عبدالملکی ها را حسب الحکم میرزا آقاخان صدر اعظم، از نور و کجور کوچانیدند [و] در این محال سکنا دادند. به قرار ششصد و پنجاه خانه وارند. و دو بیست نفر نو کرسوار به دیوان می دهند. سر کرده [ایشان] محسن خان صورتیج است. و همه ایشان زراعت کارند. گیر ایشان بیاید دله دزدی [هم] می نمایند. و اصلشان از فارس می باشد. و آخر سکنه عبدالملکی ها زاغ مرز و چهار امام است. و از قراتپه به زاغ مرز و چهار امام دو فرسخ و به نوذرآباد سه فرسخ و به فرح آباد پنج فرسخ است. که اینها نزدیک به کنار دریا می باشد. و شهر اشرف بسیار جای با صفا واقع شده است. [و] نسبت به سایر جاها همه چیز ارزان می باشد. و چاپارخانه هم دارد. و از شهر اشرف به شهر ساری هشت فرسخ و به نیکاح چهار فرسخ [است].

#### [راه اشرف به نیکاح]

از بابت راه از اشرف که به نیکاح چهار فرسخ است، از باغات اشرف در آمده طرف دست چپ همایون تپه شاه صفی است. بعد محله قادی. کیاب می باشد که سی و چهل خانه [وار] گرای لی ساکنند. گذشته دست راست امامزاده و محله زیربان است، قدری سربالا دست راست تپه [ای] است که نوچه های درخت زیتون دارد، سرازیر [از] تخته پل گذشته طرف چپ آسیاب است [که] مال محله تروجن است. و پل سنگی کسوجک [و] دوره خیابان درخت توت و انار، می رسد به رودخانه کهنسان<sup>۱</sup> که به اشرف

يك فرسخ است که چهار باب طویله و کاروانسرای گالی پوش دارد. گذشته خیابان سراسر است که دوره گندمزار و درخت توت [است] که دست چپ امامزاده نمایان رستم کلا است، می رسد به قریه کُلیت<sup>۱</sup> که آخر بلوک پنجهزاری می باشد که قبرستان هم دارد. به قرار نود و پنج خانه وار طالش ساکنند که هشتاد نفر تفنگچی به دیوان می دهند. از جمله سی خانه وار طالش در شهر اشرف ساکنند. سر کرده ایشان خان باباخان است که اینها را آقا محمدشاه از ولایت لنکرکنان آورد به قریه کُلیت ساکن ساخت [که] خالصه شاهی، تیول نوکر طالش است. گذشته دامن کوه چشمه آب صاف است که شور می باشد. و طرف راست پائین تر اسم ده شوراب سر می باشد. گذشته ایضاً شیطان محله و میان کوله است. می رسد به محله ورودخانه چاله پل که سی و چهل خانه وار گرای لی سکنا دارند رد شده، و از شش جوی آب و پل آجری گذشته دست چپ آب دنگ سر است. [که در آن] شش خانه وار گرای لی ساکن است. و اینها داخل در بلوک میان درود و قراطغان است.

و طرف راست دهات گلستان و عمارت سرو محله جعفر آقا و سیاه و ش کلا و نارنجک باغ و پل دو چشمه بزرگ نیکاح است، گذشته محله قزلتی<sup>۲</sup> است که طایفه گرای لی سکنا دارند. و آب رودخانه نیکاح از شمیر- بر<sup>۳</sup> می آید و از چمن گوهر باران داخل دریا می شود. و معدن آهن در این رودخانه می باشد.

و نیکاح چند محله دارد از جمله: اومال و قلعه سر [و] دوغانلی [و]

۱- بهضم کاف و سکون تاء. ۲- بهضم قاف و تشدید لام. ۳- بهضم

باء و سکون راء.



نوديك و قزلئی که طایفه گرای لی سا کنند. و طایفه گرای لی را آقا محمد شاه از گالپوش کنار گرگان آورده است. تکلم به زبان ترکی ترکمانی می نمایند. دو بیست و چهل سوارند [و] ابواب جمع نور محمد خان قجر است. و سه نفر سر کرده دارند: یکی نظر خان بزرگ [با] صد سوار، و نظر خان کوچک [با] هفتاد سوار، و هاشم خان [با] هفتاد سوار، ابواب جمع دارند. و جمع نوکر ترک از گرای لی و اصائلو و قلیچلی و افغان پانصد سوارند. و در نیکاح، اهل مازندران کمتر سا کنند، بیشتر گرای لی است و این ملک خالصه شاهی، تیول نوکر است.

و محصول نیکاح، گندم و جو با پنبه و قلیلی ابریشم و نیشکر می باشد. و سمت شرقی نیکاح قراطان است. از نیکاح به قرا تپه دو فرسخ و به شاطره گنبدی دو فرسخ است و به شهر ساری چهار فرسخ و به کنار دریا سه فرسخ است و به سمیس کنده خالصه شاهی تیول عباس قلی میرزا، دو فرسخ و نیم می باشد.

#### [راه از نیکاح به سمیس کنده]

از بابت راه از نیکاح به سمیس کنده که دو فرسخ و نیم است از محله قزلئی و [از] پل سنگی کوچک و باغ توت رد شده، دست چپ کنار خیابان [در] دامنه کوه قبرستان و امامزاده سفالپوش [است] که یک درخت چنار کوچک دارد. [اسمش] امامزاده عبدالله است. از جوی آب گذشته دست راست نودیک است که تپه ای دارد، می رسد به چشمه سرولیچی که مرداب کوچکی دارد [که] دست راست واقع است. و باغ توت و تپه بزرگ هم می باشد. و از چهار پل چوبی گذشته میان خیابان به قدر سیصد [و] چهار قدم آب است و دوره مرزعه می باشد [و] مال قریه اثرم است. و گذشته از پل چوبی دست چپ کنار خیابان روی خشکی، پل

آجری يك چشمه [ای] دارد مشهور [به] پُل سورك است. بعد تخت پُل دار. کله رود است. و طرف چپ میان دره کوه، دهی است [که] اسمش داراب. کلا است که مال اسکندر میرزا می باشد.

از قرار مشهور پادشاهی بود داراب نام، قلعه و عمارتی بنا نهاده بود. الآن هیچ آثاری ندارد جز اینکه پنجاه شصت خانه وار رعیت ساکن است. و طرف راست قریه سورك است [و] مال آقا عبدالله ارباب می باشد. و دوره خیابان گندمزار و پنبهزار می باشد. و راه خیابان از دامنه کوه است، می رسد به تخته پل که آبش به بادیله می رود. و طرف چپ میان کوه، قریه لالیم است.

از دو تخته پل دیگر گذشته طرف راست کنار خیابان، شاطر گنبذی است که به شهر سازی دوفرسخ و به نیکاح [هم] دوفرسخ [است]. از قرار مشهور، شاطر و پیاده دهنه جلو شاه عباس بود و زیاد تُند رفتار داشت. و پادشاه از اشرف می آمد، با او عهد کرد که اگر با این سمند تیزتك تُند خرام در سر تاخت، عقب نیفتادی دختر خود را بتو می دهم و گرنه ترا خواهم کُشت. بر این قرار شد و شاه بنای تاختن اسب را گذاشت و در همه جا پیاده همراه بود و پیشاپیش می دوید.

پادشاه در فکر شد که چگونه دختر خود را به شاطر بدهم که روح را صحبت ناجنس عذاب است و الیم. فکری به خاطرش رسید، در سر تاخت و شاطر گرم عرق، تازیانه را از دست بدور انداخت و با دهم به شدت می وزید، همین که شاطر از رفتار ماند و خم شد که تازیانه را بدهد، همان ساعت خُشک شد و جان به جهان آفرین تسلیم کرد. پادشاه فرمود که گنبذی از جهت یادگار در سر قبرش بنا کردند، الله اعلم.

## [دهکده سمیس کنده از بلوک اندرود]

از شاطر گنبدی گذشته دست راست راهی دارد که از خیابان سوا می-  
شود و از میان مزرعه علوی کلا داخل سمیس کنده می گردد که سمیس کنده  
خالصه شاهی تیول عباسقلی میرزا است [و] در جمع بلوک اندرود می باشد.  
مالیه دیوان پانصد و بیست و شش تومان [و] يك قران [است].  
و [اندرود] چهار محله دارد:

اول - سمیس کنده، نود خانه وارند و يك تپه بلند مثل کوه سمت  
شمالی دارد.

دویم - شیخ محله، شانزده خانه [وارند].

سیم - علوی کلا، پانزده خانه [وارند].

چهارم - بادی له، بیست خانه [وارند]. که جمع خانه وار سمیس کنده  
یکصد و چهل و يك خانه وارند و سیصد و چهل جریب ملک آبی و دیه می دارد.  
محصولش شالی و گندم و جو و شکر و پنبه و ابریشم است. در  
عرض سال سه هزار و پانصد بار اسب شالی و چهارصد و هشتاد بار گندم  
[و] جو و چهل بار شکر و شصت بار پنبه و سی من تبریز ابریشم به عمل  
می آید.

دریافتی مباشر از يك جریب زمین، پنج خراور شالی و مبلغ پنجاه  
تومان نقد از بابت مقاطعه گندم [و] جو و مبلغ بیست تومان وجه مقاطعه  
ابریشم [است].

و از هر جریب پنبه، پنج من و مبلغ سی و هفت تومان از بابت مرتع و  
علف چر، از چوپانان هزار جریبی دریافت می کنند. و از نی شکر قسار  
مشخص ندارد هرچه تعارف بدهند.

و هر نفر رعیت که زن می‌برند پانزده قران الی دو تومان از بابت شیرینی به‌ارباب می‌دهند.

و امسال سه سال است که تخم برنج پیشاؤر را عباسقلی میرزا می‌دهد رعیت می‌کارد، سالی سی خروار به‌عمل می‌آید. لیکن بسیار کم حاصل است [و] از برای رعیت صرف ندارد. شاهزاده مزبور بخصوص برای خودش می‌کارد. بسیار برنج خوب است که به جهت قبله‌عالم به‌طهران و از برای حاکم به‌ساری می‌فرستد.

و از ده زرع زمین مربع پانزده من تبریز پنبه و بیست من تبریز شکر به‌عمل می‌آید به‌شرطی که زمینش خوب و مرغوب باشد. و زمین شکر ریگ بوم و زمین پنبه نرم باید باشد.

و سه خانه‌وار کرد مدائلو و سه خانه‌وار ترك حاجی لُر در سمیس -  
کنده ساکنند. و امامزاده [ای] هم در سمیس کنده می‌باشد [که] سفالپوش است [و] يك درخت سرو دارد. اسمش امامزاده حسن است. به‌شهر ساری يك فرسخ و نیم است.

#### [راه سمیس کنده به‌شهر ساری]

از بابت راه از سمیس کنده که يك فرسخ و نیم به‌شهر ساری است، از میان مزرعه و صحرائی گذشته داخل خیابان می‌شود. محله طرف چپ بلند اوجا می‌باشد که دور خیابان هشت در دکان و پل و جوی آب و طرف راست ده نمایان، ذوغال چال است. يك آستانه امامزاده در آن جا می‌باشد. از جوی آب و شتر گلو دوره خیابان [و] مزرعه و پل کوچک [گذشته] می‌رسد به‌آزاد کلاکه چهارده دکان گالی پوش و پل کوچک و آب انبار دارد. و مقبره امامزاده عباس [با] گنبد آجری در آن جا است. و این آزاد کلاخالصه

شاهی در جمع بلوك اندرود [و] تبول دوست علیخان معیرالممالک است. و در زمستان گوسفندهای هزارگریب رابه این ولایت زیاد می آورند و مرتع و علف چسرشان اینجا است. و در کنار رودخانه و پل تیجن واقع است. و این پل تیجن هفده چشمه دارد که آقا محمد شاه بنا نهاده است و آبش از کوهات هزارگریب می آید و از فرح آباد داخل دریا می شود. و يك صد قدم فاصله در میان رودخانه، آثار دو پایه پل آجری است که در عهد شاه عباس پل بوده است. و دو میل آجری در اول این پل برقرار می باشد. گذشته از پل، در جمع میان رود است. از هفت پل کوچک دیگر گذشته می رسد به آب دنگگ سر که طرف راست واقع است که طویل و کاروانسرای گالی پوش دوره ساخته اند که اهل ترزی هزارگریب در زمستان، در اینجا قشلاق می نمایند. گذشته طرف چپ کوره آجرپزی و باغ نارنج که يك باب تالار سفالپوش دارد. و از پل سنگی گذشته از دروازه داخل قلعه و شهرسازی می شود.

### [شهر ساری]

که شهر ساری دارالحکومه حکمران مازندران می باشد و الحالته  
هذه که سنه هزار و دو یست و هفتاد و پنج هجری است حکمران مازندران  
نواب مستطاب شاهزاده کامکار لطف الله میرزا می باشد. و شهر ساری از  
شهرهای قدیم و از بناهای کیومرث است. و آقا محمد شاه مغفور قلعه دور  
ساری را با گیل ساخته بود و مرحوم رضوان جایگاه فتحعلیشاه در جلوس  
خود به قرار سی زرع بزرگتر و از آجر ساخت. و همیشه مرحوم محمد  
قلی میرزای ملک آرا تعمیر می کرد و در عصر هر پادشاهی تعمیر می شد.  
و ملک آرای مذکور در بیرون شهر [در] سمت جنوب، باغی بنا نهاده است  
که عمارت اندرونی و بیرونی، و در وسط کلاه فرنگی، و اشجار مرکبات و  
درخت سرو بسیار و آب روان می باشد. هر گاه تعمیر نشود خرابه خواهد  
شد. مثل باغ شاه عباس که در شهر می باشد که درخت مرکبات و سرو  
دارد لیکن بی در [و] دربان خرابه افتاده است.

و دیوانخانه شهر ساری از بناهای آقا محمد شاه است. يك درخت  
خرمائی بزرگ دارد که حاصل می آورد، دانه دار و شیرین نمی باشد. و  
چهار درخت چنار، و دو درخت سرو، و درخت مرکبات و حوض آب

دارد. و عمارت اندرونی از بناهای ملك آرا است. و قلعه چهار دروازه داشت که الآن خراب است.

و [ساری] چهار محله دارد: اول - اُصانلو. دویم - چاله باغ. سیم - سی الم سر که مشهور [به] سیلاب سراسر است. و این سه محله حیدری می باشند. و محله چهارم - میر مشهد [است] که از همه بزرگتر [و] نعمتی است. یک هزار و هفت صد خانه وارند.

و [ساری] شش باب مسجد دارد از جمله مسجد جامع است که در عهد قدیم آتشکده بود که روبروی در کوچک سمت غربی، علامت گاه قبر فریدون است که هیچ آثار و مقام و مقبره [ای] ندارد. مشهور است که در این مکان بوده است. پنج باب مدرسه [و] چهارده باب تکیه [دارد].

و امام زاده های مشهور ساری: امام زاده یحیی پسر امام موسی کاظم علیه السلام و سید زین العابدین و سید ریکابی است.

چهار باب کاروانسرا دارد. يك باب کاروانسرای شاه است که امسال به دستیاری محمد حسن خان وزیر مازندران به اتمام رسیده است که سه دالان و حجر [ه] های مقطع و حوض آب جاری در وسط [دارد] که در کنل مازندران اینطور کاروانسرا ندارد.

چهار صد و ده باب دکان و چهارده باب حمام [دارد]. که در جمیع شهر ساری و کوچه ها و مساجد و خانه ها و حمام، کلاً آب جاری است. و کوچه ها سنگ فرش است.

و آب و هوای ساری از بار فروش بهتر است. مالیات شهر ساری يك هزار و دو یست تومان است.

و نوزده قسم مرکبات در شهر ساری می‌باشد: اول - نارنج.  
 ۲- لیموی ترش. ۳- لیموی شیرین. ۴- پرتقال. ۵- نارنگی. ۶-  
 توسرُح. ۷- توسبز. ۸- مینا. ۹- لیموی عباسی. ۱۰- پتاوی.  
 ۱۱- ترنج. ۱۲- بادرننگ مغز شیرین. ۱۳- بادرننگ مغز ترش.  
 ۱۴- بالنگ. ۱۵- سلطان مرکبات. ۱۶- پُنْ پَهْنَا. ۱۷- نافه.  
 ۱۸- دارابی. ۱۹- لیموی شاهی.

به قرار يك صد و پنجاه خانه وار ترك اصائلو که آقا محمد شاه از خوار  
 [و] و رامین آورد، در شهر سکنا دارند. سی و پنج خانه [وار] قلیج لسی، و  
 سی و پنج خانه [وار] بلوچ، و سی خانه وار افغان در شهر ساکنند و مشهور  
 [به] تُر کند. پانصد نفر سوار به پادشاه خدمت می‌نمایند.

و در بلوکات اندرود، میاندرود، و قراطغان هم ساکن می‌باشند. و  
 گرای لی در جمع ترك است. و پانصد نفر سوار کُرد می‌باشد از طایفه  
 جان بیگلو و مدائلو، که جملتان هزار نفر نوکر سواره است. [وسر کرده  
 ایشان] سرتیپ نورمحمد خان قجر است.

مشهور است که در شهر ساری گنبد حسام‌الدوله برقرار بود. مغفور  
 آقا محمد شاه دوسه توپ به گنبد زد، خراب نشد تا اینکه چهل سال قبل  
 از این، ملک آرا محمدقلی میرزا [آن] را خراب نمود. و اکثر بناهای  
 عمارت ساری از آجر گنبد حسام‌الدوله است.

زمانی که گنبد حسام‌الدوله برقرار بود دایم الاوقات بساد زیادی در  
 شهر ساری داشت. بعد از خراب نمودن گنبد موقوف شده است. لیکن در  
 دو فرسخی ساری در دو مکان: یکی ویزا یکی تاکسو، دو چاه دارد



که همیشه از این چاه‌ها باد زیاد بیرون می‌آید.

و دیگر گنبد سلمتور در پشت سر امامزاده یحیی و سید زین‌العابدین برقرار بود که الآن مخروبه است. و این سلم و تور با ایرج هرسه پسران فریدون گبر پارسی [و] پادشاه ایران و توران و روم بودند.

فریدون مملکت ایران را به ایرج داد [و] او را [و] لعیهد خود ساخت. و ترکستان را به تور، و روم را به سلم و آگذار نمود. هر کدام مملکت خود را تصرف نمودند و بعد حسد بردند که چرا ایرج و لعیهد شده [و] ایران را داشته باشد. سلم و تور به اطلاع همدیگر لشکر جمع آور[ی] نمودند [و] در ظاهر رواج دادند که به دیدن ایرج می‌رویم، تا اینکه هر دو وارد ورامین، من محال ری می‌شوند. و پایتخت فریدون و ایرج در ساری بود. عریضة خدمت پدر انشاء می‌نمایند که ما را آرزوی دیدار برادر خود ایرج است، روانه فرموده تا دیدن نمائیم. به محض وصول نوشته، ایرج تدارک خود را دیده روانه به خدمت برادران می‌شود. به ورود، هر دو برادر ایرج را کشته مراجعت به ولایت و حکومت خودشان می‌نمایند. و این خبر وحشت‌انگیز که به فریدون می‌رسد تاج شاهی را بر زمین می‌زند، گریه و زاری می‌کند. در آن حال به فریدون خبر می‌دهند که حرم ایرج آبستن است.

بعد از چندی دختر ماه منظری متولد می‌شود [و] بعد از بلوغ به یک نفر از کسان خود شوهر می‌دهد تا اینکه منوچهر بوجود آمد.

بعد از بلوغ و رشد کمال، منوچهر نایب مناب و لعیهد فریدون می‌شود. دوباره این خبر به سلم و تور می‌رسد. بسا هم لکشر کشیده به ورامین می‌آیند، و نوشته [ای] به جهت فریدون می‌فرستند که ماها از کرده پشیمان شده‌ایم. منوچهر را فرستاده تا با او بیعت نمائیم. بعد از رسیدن و خواندن

نوشته، منوچهر لشکر برداشته روانه ورامین می‌شود که سلم و تور می‌خواستند منوچهر را به قتل برسانند. منوچهر مطلع شده هردو را به قتل رسانید [ه] و سرایشان را بریده در ساری از برای فریزدن می‌فرستد. و فریدون مقرر نمود که دو گنبد بسازند [و] این سرها را دفن نمایند. از قرار [به] فرموده عمل نمودند و دو گنبد ساختند که حالا خرابه [است] و علامتی ندارد.

حکایت می‌کنند که در عهد قدیم يك نفر از اهل ساری به هندوستان رفت. شخص جو کسی از اهل هند ازو پرسید: که کجائی هستی؟ گفت: مازندرانی. پرسید: کدام شهر؟ گفت: شهر ساری. پرسید: گنبد سلم [و] تور در شهر ساری برقرار است؟ گفت: آری. شخص جو کسی با او قرار نمود که خرج رفتن و آمدن او را با هزار تومان پول بدهد با يك نوشته که برگردد بیاید در شهر ساری در میان گنبد سلم [و] تور سر خود را پائین گرفته نوشته را بخواند و سر بالا نکند، به جهت اینکه برنده زیادی از گنبد در آمده پرواز می‌نمایند. بعد که صدا موقوف شد از پی کار خود برو [د]. مازندرانی قبول کرد [ه] مراجعت به ساری نمود. نوشته جو کسی را برداشته در میان [دو] گنبد، بنای خواندن را گذاشت و سر بالا نکرد و صدای پرواز پرندگان را شنید، ترسیده سر بالا کرد که همان ساعت به قرار يك کوزه پول به زمین ریخت. شخص مازندرانی برای خود برداشت. بعد معلوم شد که در گنبد پول بود و جو کسی هند از طلسم گنج سر رشته داشت [ومی خواست گنج] به این شیوه به هندوستان برد. الله اعلم به حقایق الاحوال.

و مقبره شاه غازی رستم الآن در شهر ساری برقرار می‌باشد.  
و باروت کتل و لایت مازندران از شهر ساری است. و شوره  
باروت از سمنان و دامغان است.

طریقه ساختن باروت شوره: پنج من گوگرد، یک من ذغال، یک من قدری پُر زورتر، شوره را شش من میگیرند. و [در] سایر جاهای مازندران باروت درست می نمایند [ولی] به پای شهر ساری نمی رسد، که از باروت قزوین هم بهتر می شود.

### [بلوکات ساری]

بلوکات ساری سمت کوه گلستان رستاق مال میرزا مسیح مستوفی است. حاصلش برنج و گندم [و] جو و پنبه و شکر بسیار دارد. به قدر سیصد من ابریشم بعمل می آید.

بلوکات شرقی، اندرود [و] میاندرود [و] قراطغان برنج و گندم [و] جو و پنبه و نی شکر بسیار است. و نهصد و پنجاه من ابریشم بعمل می آید. خالصه شاهی، نیول نوکر و آقاییان قجراست. و ملک اربابی کم دارد. و رودخانه بزرگ شمشیر بر از میان میان درود و اندرود و قراطغان می گذرد معدن آهن دارد که رودخانه نیکاح باشد. و شکر کمتر بعمل می آید.

بلوک سمت شمالی دریا، شرخا است و میان درود که فرح آباد و سایر دهات داخلش می باشد که بیشترش خالصه شاهی است. حاصلش گندم [و] جو و پنبه و نی شکر و برنج می شود. به قرار هزار من ابریشم بعمل می آید. و مرغ و ماهی بسیار دارد. پرمرغابی را یک من سه قران الی چهار قران می فروشند. و رودخانه بزرگ تیجن از میان درود می گذرد که آبش از شش دانگ هزار جریب می آید و از فرح آباد داخل دریا می شود. و به شهر ساری نیم فرسخ است که معدن آهک دارد لیکن دربالا معدن بسیار دارد.

بلوك سمت غربی، علی آباد و کیا کلا و قادی کلا [است] که معدن نی شکر و ابریشم و گندم و [جو] و پنبه است و برنج کمتر می باشد [و] مساوی سه هزار و یکصد من ابریشم بعمل می آید که خالصه شاهی است. به شهر ساری چهار فرسخ و به بار فروش سه فرسخ [است]. و رودخانه تالار از کنار علی آباد می گذرد. در تسالاریه و علی آباد شکر زیاد بعمل می آید.

اسپه ورد شوراب میانه ساری و بار فروش [و] نزدیک به کنار دریا است. حاصلش ابریشم و پنبه و نی شکر و برنج و گندم [و] جو و کتان می باشد. خالصه شاهی است [و] ملك اربابی کم دارد.

طریقه کاشتن پنبه و نی شکر بدین قرار است: در زمستان زمین پنبه را شخم می کنند تا برف و یخ بزنند [و] دوباره در بهار شخم دیگر زده [و] در ماه حوت تخم پنبه را می کارند [و] در اواخر میزان پنبه را می چینند. و زمینش باید نرم باشد.

و زمین نی شکر را باید بکنند. در ماه حوت نی شکر را بند بند بریده توی زمین می خوابانند و در اواخر میزان بریده ابتدا به پختن می گذارند که در عقرب و قوس تمام می شود. و زمینش باید ریگ بوم باشد. و در مازندران زمین پنبه و نی شکر و گندم [و] جو را آب دستی نمی دهند باید از آب باران سیراب شده بعمل بیاید.

و از دور حوالی ساری عتاب تازه بسیار می آورند و در شهر يك من پنج شاهی می فروشد و خشك مثل ولایت خراسان نمی شود. و این احوال بلوکات دشت ساری است که مارهای سفید [و] سیاه [و] قرمز و ابلق و خاکی و غیره بسیار دارد، لیکن گزنده نمی باشد. و قرقاول در این بلوکات

بسیار است.

و يك بلوك رزین آباد است [که] به شهر ساری دو فرسخ [است]. مال حاجی مصطفی خان صورتیج است که سیصد نفر تنگچی قراچونجا به دیوان اعلی می دهد. و در آن جا شال چوخای بسیار خوب می بافند که تارش از کج و پسودش [از] پشم است. و پشم اندر پشم هم می بافند. و عبای بسیار خوب از نخ کش خالصه شاهی بعمل می آید [که] آن هم خوبش تار کج و پود پشم است. و عبادوز در شهر ساری بسیار است که دورا پست بقدر باسوزن و قلاب گلابتون می دوزند. یکی از يك تومان الی چهار تومان می فروشد.

و لباس و پارچه [ای] که در ولایت مازندران می بافند از ابریشم و کج: المیجه و چادر شب قرمز و پیراهن شیربنبر و شلوار قرمز و دستمال و چارقد و پیراهن زنانه و غیره. و از کتان: شال کمر و چارقد و دستمال گلابتونی و سارده باشمد و پیراهن و غیره. و از پشم: شال چوخا و عبا و کل نمند و جاجیم و نمند زبریا و غیره. و از پنبه: کرباس و غیره است. و بلوکات شش دانگ هزار جریب، از مقابل جزر کلباد سمت جنوب می باشد.

اول - هزار جریب چهار دانگه [که] در دست محمد رحیم خان پسر مهدی خان است. نوکر پیاده خارج نظام سیصد و بیست و دو نفر به دیوان خدمت می نمایند. مالیات [آن] ششصد تومان است. حاصلش گندم [و] جو و جازرس و روغن و پنیر و کشک بسیار است. و در رودسار کشت قدری

برنج می‌شود. تخمین به‌قرار يك کروورگوسفند و گاو دارند. و کنه و ساس زیاده از حد است. ومله اکثر جاهاش بهمی‌رسد. و مارهای گزنده بسیار دارد. و بیر و پلنگ و روباه و خرس و گرگ و موش کوهی و گاو کوهی و مرال و شکار کوهی از قبیل: بز و قوچ و قرقاول و کبک بسیار دارد. و حاکم نشین [آن] یانه‌سر می‌باشد.

هزار جریب چهار دانگه نجفقلیخانی، پسر عموی محمد رحیم خان [و] نوره حاجی محمد تقی خان [است]. نوکر پیاده خارج نظام دویست و هشتاد [و] پنج نفرند که به‌دیوان خدمت می‌نمایند. حاصل وملك و زراعت کلاً با سایر چیزها موافق هزار جریب مهدیخانی است. [و] حاکم نشین [آن] سرخه کر به می‌باشد.

و هزار جریب چهار دانگه محسن خان. نوکر پیاده خارج نظام دویست و پنجاه و سه نفرند. محصول و ملك و زراعت و گاو [و] گوسفند و شکار گاه و غیره موافق هزار جریب نجفقلیخانی است. و در اشر و ستاق کنف ریسمان [و] شهدانه زیاد می‌کارند. و در سایر جاهای مازندران هم می‌کارند لیکن به‌پای اشر و ستاق نمی‌رسد.

هزار جریب دو دانگه اکثرش خالصه شاهی است. نوکر پیاده خارج نظام سیصد نفرند. [و] سر کرده ابراهیم خان است. محصولش گندم [و] جو و جاووس و شلتوک و روغن و پنیر و کشک بسیار. و از میوه جات سیب و آلوچه و آلوی سیاه و آلبالو و گلابی بسیار دارد. به‌قرار سه کروورگوسفند و گاو دارند. و کنه و ساس زیاده از حد است. ومله اکثر جاها بهمی‌رسد. و مار گزنده و جانور درنده و شکار کوهی از هر قسم وافر است. اما ابریشم و

پنبه‌ندارند. مالیات [آن] یکهزار و هشتصد تومان است.  
 و بلوک شیرگاه پانزده قریه می‌باشد. مبلغ یکهزار پانصد تومان منال  
 دیوان می‌دهند. تیول آقا محمدحسن صندوقدار شاهسی است. محصولش  
 شلتوک و جو [و] گندم و شکر و کمی ابریشم بعمل می‌آید. گوسفند [و] گاو  
 بسیار دارند. و کتله و ساس و مارگزنده و جانور درنده و شکار کوهی از  
 هر قسم بسیار است.  
 نرخ ماکولات و غیره شهر ساری و الحاله هذا بدین قرار است: به  
 وزن يك من شاه:

پنبه عـ راق	پنبه ولایت	روناس یـ زد
۲۰ من	۲۰ من	يك بوط
هشت تومان	ده تومان و پنج قران	هشت قران
شکر قرمز	برنج	روغن کـ ره
۲۰ من	۲۰ من	يك من
شش تومان و پنج قران	دوازده قران	هفت قران
پنبه	پنبه	نـ ان
يك من	يك من	يك من
پنج قران و ده شاهى	چهار قران	يك قران

قند فرنگی	قند جوهر	چائوی
یک من	یک من	یک فوند
شانزده قران	دوازده قران	از دو قران و دهشاهی
		الی پنج قران
قهوه	تنباکوی شیراز	تنباکوی بیاری
یک من	یک من	یک من
یازده قران	یک تومان	از دو قران الی چهار قران
شمع پیله	صابون استرابیاد	عسل
یک من	۲۰ من	۲۰ من
شش قران	پنج تومان و پنج قران	ده تومان
شیرماست	باقلا	گوشت گوسفند
یک من	۲۰ من	یک من
پانزده شاهی	دو تومان	دو قران و دهشاهی
گوشت گاو میش	مرغ خانگی	مرغ آبسی
یک من	قطعه	زوج
دو قران	دو عباسی	سیزده شاهی



چنگ	ر	آلو برق	ان	پی	از
زوج	یک من	یک من	یک من	یک من	یک من
سیزده شاهی	چهار قران	چهار قران	یک قران	یک قران	یک قران
زوش	ال	هی	زم	نف	ط
یک بار	یک بار	یک بار	یک بار	یک من	یک من
یک قران	ده شاهی	چهار عباسی	چهار عباسی	چهار عباسی	چهار عباسی

الحمد لله شهر آباد و معمور و مساکن علمای امامیه [است]. و  
اهلش کلاً شیعه اثنا عشریه می باشند.

چهار مجتهد معروف و مشهور است: اول - حاجی ملا عبداللہ. دویم -  
حاجی میرزا محمد تقی. سیم - آقا میرزا محمد حسین. چهارم - حاجی ملا  
تقی هزارجریبی. و حاجی ملا محمد مجتهد ساکن شهر بار فروش است.  
و از شهر ساری از راه خیابان شاه عباسی گذر از علی آباد و از راه  
میانه [به بار فروش] هفت فرسخ می باشد. و در ایام بارندگی و زمستان عبور  
به زحمت و مشقت است. و مقبره ملا مجدالدین در بیرون دروازه ساری  
است که درخت سرو، آنجا کاشته اند. و از راه خیابان شاه عباسی به فرح آباد  
چهار فرسخ است.

[بخش هشتم]

## [از ساری به شهر بارفروش]

[از بابت راه از شهر ساری به فرح آباد]

از بابت راه از شهر ساری که به فرح آباد چهار فرسخ است از دروازه ملا مجدالدین و پل کوچک و نهر آب گذشته سر راه درخت سرو و ده دست راست، آلوکنده [است و] ایضاً [ده] دیمتوران که يك در دکان رنگ‌رزی دارد. بعد تخته پل و آب دنگ و سه در دکان و ده دست راست عاباواک است خالصه شاهی تیمول قجر، می‌رسد به فیروزکنده خالصه شاهی تیمول احمد میرزا. [از فیروزکنده] به شهر ساری يك فرسخ [و] به قرارهشتاد و پنج خانه وارند و به کنار خیابان دست راست واقع است.

ایضاً قدری دورتر از خیابان، ده بافروز است که درخت سرو و مسجد دارد. و دوره مزرعه و در راه آب بسیار دارد.

ایضاً دست راست ده آکند است [که] سی و پنج خانه وارند [و] به کنار خیابان واقع می‌باشد. از دوپل چوبی گذشته دست راست ده آب‌مال [است و] ایضاً اسفندین، که يك تپه بلند در مقابلش می‌باشد رد شده، ده دست

چپ حمید آباد [و] سکنه آن کردجان بیگک لوست، وارد به فرح آباد می شود.

### [فرح آباد]

و خود محله فرح آباد به قرار نود خانه وار است. و دو محله دیگر هم دارد: یکی دازم کنده یکی سوته. یک هزار و دوتومان مالیه دیوان است. محصولش شالی و ابریشم و مرغ [و] ماهی است. و سیصد رأس گا [و] میش و گاو و گوسفند هم بقدر کفاف دارند. کدخدایش مشهدی یوسف، تحصیلدار محمدباقر بیگ مهاجر هراتی [است].

و بناهای شاه عباس بهادر صفوی که جهان نما و راسته بازار و کاروانسرا و مسجد و حمام و دیوانخانه و عسکرخانه و سرطویله و غیره، از آجر و گچ [و] آهک ساخته بود. یکصد و هشتاد سال است که [به] دست عساکر دولت روسیه به سرداری استین کورازی خرابه و ویران گردید. به اینطور که شش فروند کشتی به عزم تجارت آمده متاع از هر قسم آوردند، از جمله ماهوت انگلیسی را ذرعی ده شاهی می فروختند. چند روز به این احوال بودند، آخر الامر یک شب در سر هر گذر سیصد چهارصد نفر گذاشتند [و] تا اهل فرح آباد خبردار شدند همه را به قتل رسانیده [و] یا اسیر نمودند و عمارات مذکور را خراب و ویران ساختند. و از آن جا به میان کاله رفتند، که اهل بلد و حکام خبردار شده با قشون آمده ایشان را تعاقب نمودند که آنها اسیر را گذاشته به سلامت به وطن خود عود نمودند. که در آن حین نوشته [ای] از دولت بهیه روسیه به دولت عیله ایران رسید: که قشون و طایفه قزاق از مایاغی شده ظاهر آبه سرحدات ایران می خواهند چشم زخمی برسانند، البته با خبر باشید و مقرر نمائید که از سرحدات غافل نباشند. زمانی که نوشته رسید آنها آمده و غارت برده بودند که از آن زمان الی

الآن خرابه افتاده است. که در میان عمارات درخت توت کاشته‌اند و گاو و گوسفند می‌خوابد.

و خانه‌های فرح آباد همه از آجر عمارات شاه عباسی است. و رودخانه تیجن از فرح آباد داخل دریا می‌شود. اجاره ماهی حلال از بابت ماهی سفید و ماهی آزاد یکصد و پنجاه تومان است. از بابت ماهی حرام که عمله‌جات اُرُس و خلخال صید می‌نمایند و اشپل می‌سازند و یلم و وزیکا می‌گیرند. [اگر] سعی بکنند در عرض سال ده هزار پوط ماهی حرام صید می‌شود که در حاجی ترخان ماهی حرام را یک پوط پنج قران، اشپل یک پوط پنج تومان، وزیکایک پوط چهار تومان، یلم یک پوط چهل تومان می‌فروشند. لیکن مخارج عمله‌جات و کرایه کشتی و اخراجات حاجی ترخان و نمک و غیره بسیار است. و دالکّا نزدیک به کنار دریا است که انبار نمک و قصاب خانه و اشپل سازخانه و انبار پیرپاس و غیره می‌باشد و متعلق به میرابو تراب خان دریا بیگی گیلانی [است] که شیلات مازندران را الی گرگان از عمید الملک امیراصلاحان خان حاکم گیلانات یک ساله در دو هزار و سیصد و پنجاه تومان اجاره کرده است. و الحال هذّه که شهر جمادی الثانی یک هزار و دویست و هفتاد و پنج است ابتدا صید ماهی حرام می‌باشد. و لب دریا بر جی بجهت حراست ولایت از ترکمان دو سال است که بنا نهاده‌اند. [و] دوازده نفر تفنگچی شب و روز مشغول کشیک می‌باشند.

ایضاً از فرح آباد الی نوذر آباد که دو فرسخ است. از قرار مذکور چهار برج دیگر ساخته‌اند و کشیکچی معین گذاشته‌اند. و از فرح آباد از کنار دریا به مشهد سر هفت فرسخ است.

## [از بابت راه از فرح آباد به مشهدسر]

از بابت راه کسه از فرح آباد به مشهدسر هفت فرسخ است. دو فرسخ آمده رودخانه سیاه رود است که از محله لاریم می آید. اجاره رودخانه از بابت ماهی اسپیک<sup>۱</sup> و ماهی سفید مبلغ هشتاد و هشت تومان است. و ترکمان باگمی های خودشان می آیند [و] درین رودخانه منزل می کنند و نبط و نمک می فروشند، عوضش شالی و سایر مایحتاج می خرند [و] به وقت فرصت در رفتن، اهل آنجا را اسیر نموده می برند. [و] از طایفه ترکمان اقورجلی می باشند.

همچنان که سه سال قبل سه نفر از اهل سواد کوه: یکی محمدقلی پسر حاجی رمضان با نوکرش شکور با خدابخش پسر الله ویردی را حق نظر با سعید نیاز ترکمان [از] طایفه اقورجلی اسیر نموده از لاریم بردند. آخر حاجی الله ویردی سواد کوهی [از] طایفه جان باز، محمدقلی و شکور را به هزار زحمت و مرارت، پول به ترکمان فرستاد [و] در یکصد و پنجاه تومان خریدند. خدابخش مرده بود. اگر اهل آنجا بخواهند می توانند از ترکمان عوض و گرو بگیرند، لیکن از حاکم می ترسند که بگوید بی اذن چرا ترکمان را گرفتید.

از سر رودخانه به محله لاریم نیم فرسخ می باشد. ربع فرسخ علف چر و مرتع خوبی دارد که در ایام زمستان حاجی الله ویردی سواد کوهی، مبلغ هفتاد تومان این چمن را هر ساله از آقا میرزا محمد حسین مجتهد اجاره می نمایند. و پنجاه روز از عید نوروز گذشته باگوسفند و مادیان به

۱- به کسر الف و سکون سین و فتح پ و سکون کاف.

بیلاق سواد کوه می‌رود. و این ایل جان‌باز پانصد خانه‌وار می‌شوند.  
 که بالا سر منزل حاجی الله‌ویردی آستانه امامزاده محمود است. ربع  
 فرسخ دیگر [که] می‌رود می‌رسد به تخته پل بزرگ [و] رد می‌شود محله  
 لاریم است. یکصد خانه‌وارند. کدخدایش مشهدی محمدعلی [است]. مالیات  
 [آن] یکصد و پنج تومان [است]. حاصلش شالی و مرغ [و] ماهی و پر  
 مرغابی بسیار و چهار پنچ من ابریشم به عمل می‌آید. ملک آقا میرزا محمدحسین  
 مجتهد ساری است.

و از میانه به مشهدسر نمی‌رود مگر از سر رودخانه سیاه‌رود، از لب  
 کنار دریا می‌رسد به رودخانه تالار. محله‌اش چپ‌رود است. و اجاره رود-  
 خانه شصت و شش تومان است.

[از آنجا] گذشته مردابی دست چپ کشیده است [که] می‌رسد [به]  
 جنگل از گیل و درخت عناب. [از آنجا] رد شده دهنة میررود است که به  
 مشهدسر یک فرسخ می‌باشد. توی جنگل راه دارد [و] دوجا از آب می‌گذرد.  
 دست چپ مرداب مرغابی‌گیری است رد شده [می‌رسد] به علامت گاه  
 کهنه محله که قبل از طاعون، محله و آبادی بود. بعد می‌رسد به محله باغ-  
 تنگه و کمره رودخانه میررود که به مشهدسر نیم فرسخ است. و اجاره رودخانه  
 میررود از بابت ماهی اسپک و غیره نود تومان است.

#### [مشهدسر]

باید مال و بنه یا لاکمه از رودخانه بگذرد. گذشته طرف راست مرداب  
 دارد که سابق گمرکخانه و بندر مشهدسر بوده است الآن مسدود شده است.  
 که طرف چپ هم مردابی می‌باشد که مرغ آبی صید می‌نمایند.  
 از سر قبرستان سبزه‌زار و بازار محله داخل به گمرکخانه مشهدسر

می‌شود که در قدیم الایام مشهور به مشهدسبز بود.

ورودخانه بابل از مشهدسر داخل دریا می‌شود و آبش از سوادکوه می‌آید. و اجازه رودخانه از بابت صید [ماهی] حلال دوست تومان و از بابت [ماهی] حرام متعلق به مباشر کل است. و اجاره گمر کخانه که در دست آقا عباسقلی و آقا حسن ارباب است دوازده هزار تومان می‌باشد.

و یک هزار تومان مالیات خود مشهدسر است. که پنج محله دارد: اول - صفی محله. دوم - سادات محله و بازار محله و کاظم آباد و میان دشت که اینها در جمع بازار محله است. سیم - بابل پشت. چهارم - باغ تنگه. پنجم - کاله.

و آستانه و مقبره آقا سید ابراهیم ابوجواب با خواهرش اولاد امام موسی کاظم علیه السلام، در بازار محله است.

از قرار مشهور حضرت امام رضا علیه التحیه و الثناء در عهد خلافت مأمون ملعون در خراسان تشریف داشتند. و هر روزه مأمون در فکر اذیت و آزار آن جناب می‌کوشید. تا آن که حضرت از خراسان به مدینه طیبه بجهت پسر و برادران و منسوبان خود از جهت امداد نوشت. به ورود نوشته دوازده هزار نفر از اولاد بنی هاشم مجتمع شده که به خراسان بروند، سرداری نداشتند. قرار بر این دادند که به زیارت قبر مطهر جناب رسول الله صله الله علیه و آله بروند و سلام نمایند، بهر کدام جواب رسید او سردار باشد. بنابر آن همه سلام کردند، جواب نشنیدند. تا نوبت به آقا سید ابراهیم رسید، به محض سلام جواب شنید. تدارک دیده روان شدند تا به ملک ری رسیدند.

خبر قتل جناب حضرت امام رضا علیه السلام را به ایشان دادند. و کفار تفرقه در میان سادات انداخته هر کدام [را] در يك ولايت و يك مكان

شهید کردند. و آقا سید ابراهیم ابوجواب را در مشهدسر [شهید کردند] که الآن آستانه و مقبره و مسجد بر قرار است. در حیاط يك درخت سرو و مرکبات دارد. جای متبر که است.

و خانه وار مشهدسر دو بیست و بیست [و] محصولش کتانوش و قلیان کدو و باقلا و نی شکر بسیار می شود و حاصل برنج ندارد. به قرار ده دوازده من ابریشم بعمل می آید. و چند نفرها هستند که کرجی دارند، به بندر انزلی و لنگرود و آشوراده و سایر جاها برای داد [و] ستد می روند که بارگیری کرجیها از پنجاه الی صد خروار شتری بار حمل [و] نقل می نمایند. و در عرض سال یکصد فروند کشتی و کرجی هر ساله به جهت خرید به این بندر می آیند. بارگیری کشتیها از پنج هزار پوط الی دوازده هزار پوط می باشد.

مظنه جات بندر مشهدسر:

برنج گـ رده	عـ سـ ل	شـ کـ ر
۲۰ من شاه	۲۰ من شاه	۲۰ من شاه
هفده قران	نه تومان و دو ریال	هفت تومان و نیم
قیـ سـ ی	پـ نـ بـ ة و لـ ایت	پـ نـ بـ ة عـ رـ اق
۵۰ من شاه	خراور	خراور
هشت تومان و نیم	دوازده تومان و نیم	ده تومان



کنج د	صا ب و ن استرآباد	با ق ل
خروار چهار تومان و نیم	خروار هشت تومان	خروار هیجده قران
گن دم	ج و	ر و غ ن
خروار سیزده قران	خروار یازده قران	یک من شاه هفت هزار و ده شاهی
ن ان	ق ن د	چ ائ ی
یک من شاه شش عباسی	یک من شاه دوازده قران	یک فوند دو ریال
گ ر دو	ن م ک ت ر ک م ان	ن ف ط ت ر ک م ان
هزار دانه سی شاهی	یک من شاه پنج شاهی	یک من شاه دوازده شاهی
ک س ل ن م د	ک ر ب ا س پ ن ب ه	ق ل ی ان ک د و
صد عدد ده تومان	یکصد توپ که هر توپ شش زرع شاه است از هفت تومان و نیم الی ده تومان	یکصد عدد از شش تومان الی ده تومان

روغن کنجد	کرایه مال
خروار	تا به شهر بارفروش
یازده تومان	یک قران

و آب رودخانه مشهدسر که [به] بابل مشهورست، از بندپی و سواد کوه می آید. و [از مشهدسر] به شهر بارفروش دو فرسخ می باشد.

[از بابت راه مشهدسر به شهر بارفروش]

از بابت راه از مشهدسر که به شهر بارفروش [می رود] دو فرسخ است که طرف راست تا به نزدیک شهر، رودخانه بابل است. از بازار محله رد شده کاظم آباد و میاندشت و بابل پشت است. و دوره راه، درخت آزاد و صحرائی است. و جنگلی که هیزم خیز باشد یعنی درخت بزرگ، ندارد. و همه کرفستان است.

[میر بازار]

[از آنجا] می رسد به میر بازار که یوم سه شنبه، بازار و جمعیت زیاد می شود. و از پهلوئی بازار راه گذر رودخانه است که آن طرف محله کتل بست می باشد که عمارت سفالپوش محصور و حمام، مال آقا عباسقلی ارباب است. و طرف میر بازار لب رودخانه یک درخت چنار صاف هموار دارد که سی ذرع بلندی او است. از او گذشته درخت گردو بسیار است.

[پازوار]

[از آنجا] می رسد به پازوار که بازار دارد، معدن قلیان کدو و کتان و شوش باقلا است. و اکثر خانه ها سفالپوش و محصور است. مرکبات از هر قسم بسیار

دارد. و تکیه و مسجد و حمام هم دارد. که اسم محله اولش کاسه گر محله [است] که دوره راه، کتانوش و باقلا می کارند.

#### [امیر کلا]

از آنجا گذشته می رسد به امیر کلا که یوم جمعه، بازار می شود. و خانه های سفالپوش و تکایای خوب و مساجد و حمام و راسته بازار مرغوب و درختهای مرکبات از هر قسم از راه که می گذری پیدا است و در وقت بهار صفا دارد. و باقلا و کتانوش و قلیان کدو، زیاد می کارند.

آخر امیر کلا قدری سرازیر لب رودخانه درختهای گردو دارد به بالا آمده کوه دماوند آشکار می شود. و طرف راست محله نال کلا می باشد.

#### [حمزه کلا]

[از آنجا] می رسد به حمزه کلا که حمام و تکیه و چاه آب و سه در دکان نمدمالی دارد.

### [شهر بارفروش]

[از حمزه کلا] می‌رسد به اول محله بارفروش که سرحمام بیج ناجی مشهور است، رد شده داخل شهر می‌شود، که سی و پنج محله دارد:

اول سرحمام بیج ناجی. ۲- قصاب کلا. ۳- قراکلا. ۴- رزیا کلا. ۵- چهارشنبه پیش. ۶- رودگر محله. ۷- آهنگر کلا. ۸- اوجاق. بند. ۹- آستانه. ۱۰- نقیب کلا. ۱۱- حصیرفروشان. ۱۲- سرحمام کاظم بیگ. ۱۳- شعریاف محله. ۱۴- باب ناظر. ۱۵- مرادبیگ. ۱۶- محله میرزا کوچک. ۱۷- شاه کلا. ۱۸- مسجد جامع شنجریه. ۱۹- قاضی کتی<sup>۱</sup>. ۲۰- یهود محله. ۲۱- بیدآباد. ۲۲- سید جلال. ۲۳- طوق داربند. ۲۴- ورز کتی<sup>۲</sup>. ۲۵- سرمیدان. ۲۶- شهدا<sup>۳</sup>. ۲۷- تکیه ارباب. ۲۸- پیا کلا. ۲۹- درویش خیل. ۳۰- دباغ خانه پیش. ۳۱- هیسکاه کلا. ۳۲- بی سرنکیه. ۳۳- سرحمام نسائی. ۳۴- ابومحله. ۳۵- شمشیرگر محله. که اینها محلات و گذر شهر بارفروش است.

---

۱- بهضم قاف. ۳۰۲- بهضم کاف. ۴- بهضم شین. ۵- به

کسره‌اء و فتح و تشدید سین.

امامزاده شش آستانه، نکایا چهل و هشت [باب]، مسجد دوازده باب، مدرسه شش باب، حمام چهارده باب، کاروانسرا یازده باب، دکاکین چهار- صد و شش باب. و يك محله يهودیها . اصل رعیت پنجاه خانه وارند. يك- صد تومان مالیات می دهند. معاش آنها از عرق فروشی و بسزای است. کدخدائی دارند [که] اسمش گرجی است. سالی بیست تومان مواجب دارد.

و این یهودیها از هر ولایت چند خانه وار آمدند [و] سیصد سال بالاتر است که در بار فروش ساکن می باشند. و دو باب تورات خانه و يك باب مکتب خانه دارد که درخت خرماي دارد [که] حاصل نمی آورد و شاخهای به هم پیچیده او را به وقت عید خودشان در ولایات برای یهودیان می فرستند [و] یکی يك تومان آنها [را] می خرند. و در دماوند هم یهودی ساکن می باشند. و يك درخت خرما هم در خانه يك نفر یهودی می باشد که سی سال است کاشته اند، او هم بار آور نمی باشد.

و کوجهای بار فروش ایام زمستان و بارندگی زیادگی می شود و هیچ سنگ بست ندارد.

و سمت قبله بار فروش آخر محلها، يك میدان سبزه زار بسی صفا، مقابلش باغ شاه است. اول شکر سازخانه دولتی است که کل دستگاه و اسبابش را حاجی میرزا محمدخان و حاجی زین العابدین از دار السلطنة مسکو آوردند و مدت هشت سال است این کارخانه برقرار شده است. يك نفر استادکار قابل از اهل بلدة اصفهان مسما به استادعباس، در آنجا می باشد. اگر نی شکر را به او بدهند که خودش در کارخانه آب بگیرد و شکر بپزد ده من از آن شکر، پنج من قند به عمل می آید. و اهل دهقان از

پختن شکر سررشته ندارند. از شکر اهل دهقان، بیست من شکر پنج من قند می‌شود که قند را يك من شاه یازده قران می‌فروشد و باقی مانده شیره را سکنجبین و حلوای قنادی می‌سازند. و قند بسیار سفید و خوش خوراك است که هیچ طعم و بوی شکر قرمز را نمی‌دهد. هر ساله قندهای سفید کله درشت با کاسه نبات و حلوای قنادی بسیار خوب ساخته به طهران از برای قبله‌عالم می‌برند. و امسال که تاریخ يك هزار و دو بیست و هفتاد و پنج هجری است دو سال می‌شود که شکر بسیار کم و گران می‌باشد. پار سال چهار هزار من تبریز شکر به کارخانه دادند، بعد از وضع کل اخراجات مبلغ سیصد تومان منفعت کرد. و شکر قرمز تحویل کارخانه، بیست من شاه مبلغ پنج تومان می‌باشد.

و این کارخانه سپرده به حاجی یعقوب می‌باشد. کارخانه اش زیاد بزرگ است. گرم‌خانه [و] سردخانه و چاه ناسوس با سایر چرخ [و] اسباب و دیگهای بزرگ و غیره می‌باشد. و چرخ [و] اسباب آب چغندرگیری هم دارد که قند درست می‌شود. لیکن الآن از آب چغندر، قند ساختن را بنا نگذاشته‌اند تا بعد چه شود. و استخوان حیوانات را سوزانیده شکر صاف می‌نمایند.

و از پهلوی گرم‌خانه و سردخانه راه باغ شاه است که دور تا دورش آب می‌باشد، مگر از راهی که پل بسته‌اند. يك صد و هشتاد و شش قدم درازی تخته پل است که بیست و سه چشمه دارد که دو طرف [آن] چهل و شش پایة آجر است که همه خراب می‌باشد. باید به احتیاط آمد و شد نمود. و باغ شاه مدور و عرض [و] طولش یکی است که دو بیست و بیست قدم می‌باشد.

در وسط، عمارت هشت در هشت و شانزده در شانزده، کلاً خرابه است. در این باغ چهل و دو درخت سرو و چهل و یک درخت نارنج [و] شش درخت گردو دارد. و [در] سمت شرقی دریاچه [ای] دارد عرضاً شش قدم [و] طولاً سی و دو قدم. مقابلش عمارت دیگر [ی] است که پایه‌های سمت شرقی [آن] در میان آب است. و اوطاقهای تحتانی و فوقانی اُرسی دار و شربت خانه و خلوت خانه و غیره دارد [و] مربع می‌باشد. عرض [و] طول چهل و شش قدم است و حوض آب و آشپزخانه و فراشخانه و در پهلویش یک باب حمام خوب [است] که الآن تعمیر می‌خواهد. با یک صد تومان می‌توان به‌مثل اول تعمیر و مرمت نمود. هرگاه تا دو سال [دیگر] دستکاری نشود، آن هم به‌مثل عمارت وسط خرابه و ویران خواهد شد. با وجود [این] هر ساله مبلغ پانصد [تومان] از بابت صرف تعمیر عمارات پادشاهی مازندران از دیوان اعلی مقرر است.

و در سمت غربی در میان آب، هیچ‌ده پایه آجر می‌باشد. و سمت جنوب باغ شاه، در وسط آب، یک میل آجر میان خالی است و یک میل ایضاً آن طرف در خشکی با زمین مساوی است و یکی هم در باغ شاه که آب را از رودخانه بابل آورده، از میلهای مذکور داخل باغ شاه می‌شد.

ایضاً سمت جنوب متصل به شرقی، سه درخت سرو بالای تپه است. مذکور شد که قبر پیرزنی است که به خدمت آقا محمد شاه مغفور به عرض آمده بود عمرش کفایت نکرد وفات نمود، حسب الاشارة پادشاه مغفور در آن جا دفن کردند تا به یادگار بماند.

و آب این مردابچه به توسط آقروود از شاخه [رودخانه] بابل است و به مصرف زراعت هم می‌رسد. و در ایام زمستان شکار [گاه] خوبی است که

باید با نوه‌های کوچک دونفری نشسته [و] شکار نمود. که مرغ آبی و چنگرو سایر مرغان [در آن] بسیار است. و چند جور ماهی هم به عمل می‌آید [که] به اصطلاح اهل مازندران - ظیلاجی - چکاب - طیل خُس - اسپک<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند. و بسیار جای با صفا و دلگشا است، چه فایده که مخروبه می‌باشد.

### [تفصیل بلوکات بارفروش]

صورت تفصیل بلوکات بارفروش:

اول - لاله آباد. ۳۳ قریه که بالا بلوک و پائین بلوک است. حاصلش برنج است و گاو [و] گوسفند هم دارند.  
دویم - بلوک بندپی شرقی و غربی. حاصلش برنج و گاو [و] گوسفند است. به قدر دوازده من ابریشم به عمل می‌آید. تیول میرزا اسمعیل خان داماد رضوان جایگاه فتحعلی شاه است.

سیم - بابل کنار شرقی [و] غربی. هفده قریه [است]. حاصلش برنج و نی شکر و پنبه و جو و گندم است. به قدر پانزده من ابریشم به عمل می‌آید. و شعر باقی هم می‌نمایند از قبیل: الیجه و چادر شب و شلوار و غیره که میرزا کریم خان در هزار تومان از دیوان اعلا قبول کرده است.

چهارم - لغور. حاصلش برنج و گاو [و] گوسفند است. دوازده من ابریشم به عمل می‌آید. در پانصد [تو] مان تیول میرزا کریم خان است.

پنجم - بلوک سوادکوه. [که] بیلاق و قشلاق، تیول میرزا کریم خان سرتیپ در یک هزار و هفتصد تومان است. یک فوج دسته نظام خواصه به دولت خدمت می‌نمایند. محصولش گندم و جو و جاورس و شالی و معدن روغن و پنیر و کشک و پشم است. به قرار یک کرو گوسفند و گاو دارند. مکه<sup>۲</sup> هیچ

۱ - به کسر الف و سکون سین و فتح پ و سکون کاف. ۲ - به فتح میم و لام و سکون هاء.



ندارد لیکن کنه و ساس و مارگزنده بسیار است. از جانوران درنده ببر و پلنگ و گرگ و خرس و روباه دارد. و مارواقعی بهمی رسد که به محض زدن آدم را هلاک می کند. و شکار کوهی از هر قسم وافر است. کبک و قرقاول و کبک دری با سایر جانورها زیاده از حد است.

و رودخانه بزرگ تالار از سواد کوه می باشد. بسیار بیلاق با صفا است.

ششم [و] هفتم - بهمنی رود بست با کتل بست. مال آقا عباسقلی ارباب است. محصولش شالی و نی شکر و کتان [است. و] به قرار دو بست من ابریشم به عمل می آید.

هشتم ونهم - دابو و جلال ازرك که اکثرش خالصه شاهی است. معدن کتانهای بسیار خوب و برنج و نی شکر و رنگ و خربزه [و] هندوانه می باشد. مال نصیر الملک است.

دهم - کیا کلا. معدن نی شکر و برنج [است].

و در مشهدسر و پازوار و طبع بارفروش کتان بسیار است. و پنبه و نی شکر و رنگ [و] حنا و باقلا و از کوکنار تریاک هم می گیرند [و] به طهران می برند [و] یک من شیرۀ تریاک را در ده تومان می فروشند. و شهر بارفروش قبل از چهارصد سال به بارفروش ده، و مامطیر، اشتهار داشت.

و منطنه جات شهر بارفروش به تاریخ یک هزار و دو بست و هفتاد و پنج هجری به وزن شاه:

روغ ————— ن يك من هفت قران	پنير يك م ————— ن دو ريال	نان يك م ————— ن شش عباسی
په يك م ————— ن شش قران	عسل يك م ————— ن پنج قران	برنج يك م ————— ن هيچده شاهی
جو يك م ————— ن شانزده شاهی	گندم يك م ————— ن چهارده شاهی	شیر و ماست يك م ————— ن شانزده شاهی
کنجد يك م ————— ن دو قران	چائی يك فون ————— د دو ريال	قند يك م ————— ن يازده قران و نیم
کج يك م ————— ن چهار تومان	ابريشم يك م ————— ن هفت تومان	موم يك م ————— ن چهارده قران
کشمش عراق يك م ————— ن سی شاهی	روناس يك پ ————— و ط هشت قران	مغز بادام يك پ ————— و ط دو تومان و دو قران
تخم مرغ پنج بيضه دو شاهی	مرغ [يك] قطعه ده شاهی	گوشت يك م ————— ن دوازده عباسی

زغال يك بــــار يك قران	مرغ آبــــی زوج دهشاهی	قیر قاول [يك] قطعه چهارده شاهی
نمك تركمان يك من شش شاهی	نقط تركمان يك من شانزده شاهی	هیزم يك بــــار ده شاهی
پوست زردابه يك جلد هشت قران	پوست شنك يك جلد يك تومان	پوست دله يك جلد شش قران
آهن يك پــــوط شش قران و نیم	گر بة كــــوهی هم هشت شاهی	پوست شغال يك جلد هشت شاهی
	سمعوار يك فوند سه قران	مس يك پــــوط پنج تومان و نیم

و داد [و] ستد بارفروش به وزن تبریز می باشد که يك من چهل سیرو  
هر سیر شانزده مثقال است. و مالیات خود بارفروش دو هزار و دو یست  
تومان است. و از شهر بارفروش به شهر رشت چهل و نه فرسخ می باشد  
[و] به مشهد سر دو فرسخ [است].

و مالیات کل ولایت مازندران يك صد و پانزده هزار تومان می باشد.

## [بایبهای ساکن بارفروش]

و در اکثر کوچه‌های بارفروش از جهت دعوای بایبها دروازه گذاشته اند. تحقیق عبارت خروج بایبها ازین قرار است:

که در اوایل سلطنت پادشاه اسلامیان پناه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه به تاریخ یکهزار و دویست و شصت و پنج هجری وقایع و گزارش احوال بایبها به دارالملک مازندران اشتهار یافت و به مجادله و مقاتله انجامید. هنوز بایبها به ولایت مازندران نیامده، شهرت داشت که مذهب بابی تازه اختراع شده است تا این که از سمت خراسان به قراقرس و یا چهل نفر باقره العین دختر حاجی ملاصالح مجتهد قزوین، وارد نیالا که چهل خانه وار در آن قریه ساکنند، گردیدند. و به اهل نیالا که در جمع ولایت هزار جریب است خبر دادند که اینها بابی هستند. اهل نیالا جمعیت کرده بایبها را زیاد زدند. آخر الامر قرة العین در آمد که مردم شما را چه می‌شود؟ مگر از دین اسلام بری شده‌اید و یا این که ما از دین بیرون رفته‌ایم؟ چرا ما را اذیت و آزار می‌نمائید؟ هر نحو بود اهل قریه را اسکات داده روانه اشرف شدند و از اشرف به ساری آمدند. چند روزی در شهر ساری متفرق شدند وضعیفه که قرة العین باشد در شهر ساری از جهت جمع آوردن مرید اقامت نمود و سایرین روانه بارفروش شده در کاروانسرای سبزه میدان منزل گرفتند. و خدمت حاجی محمدعلی بارفروش جمعیت کردند که يك سال بود. همین حاجی محمدعلی با ملاهای بارفروش گفت و شنود داشت تا این که در این زمان که ملاحسین بشرویه از سمت خراسان آمد قوت گرفت بنای مخاصمه و مکالمه را گذاشتند. ملاهای بارفروش خود را کنار کشیدند و جاهلها را روی کار آوردند و کوچه‌ها را سنگر بستند و بعد به سر بایبها در کاروانسرا سرریز کردند. و بایبها از کمین در آمده بنای دعوای و معرکه را گذاشتند.

بایبها گفتند که ما اهل اسلامیم و به شما کاری نداریم و شما هم به ما کار نداشته باشید. قدری اهل بارفروش کنار کشیدند و بایبها که چهل نفر بودند از کاروانسرا بیرون آمده که بروند همین که به سبز میدان رسیدند دوباره اهل شهر اجماع کردند. يك نفر سردار بایبها که ملاحسین خراسانی بود يك اسب داشت، الباقی پیاده بودند. اسب را یکسر تاخت آمد به مقابل مسجد جامع. در سر تاخت، سربك نفر صباغ با يك نفر ملا که پسر خود را در دوش داشت [و] می خواست داخل خانه خود بشود با سرپرش بسرید. و سه نفر دیگر را هم به قتل رسانید و کسی دیگر جرأت نکرد که به مقابلش در آید، روانه شده در باغ شاه منزل کردند. و صبح که روشن شد روانه سرفقبر شیخ طبرسی گردیدند که به کنار رودخانه تالار واقع است، [از اینجا] به شهر ساری چهار فرسخ و به شهر بارفروش سه فرسخ است منزل نمودند. همان شب را خسرو وزکریای قادی کسلائی را با پانزده نفر از بارفروش متعاقب بایبها سر قبر شیخ طبرسی فرستادند. به محض ورود پیش ملاحسین رفتند و مانع شدند که شماها نباید درین ولایت بمانید. بایبها در جواب گفتند که ماها به شما که رعیت هستید کاری نداریم و حرف ما در سردین با ملاها است. بعد ملاحسین، يك طاقه شال ترمه و يك قداره با يك قوطی فیروزه به خسرو می دهد که این را بگیر و از پی کار خود برو. طمع به خسرو قالب آمد که نمی خواهم. یعنی کم است. به مجرد حرف زدن ملاحسین چنان با شمشیر به دهن خسرو زد که با سرش به دور افتاد. و زکریا را با چند نفر دیگر به قتل می رساند. و بقیه فرار برقرار اختیار نمودند. و بایبها دور حصار بیرون شیخ طبرسی را سنگر بستند و بنای جمع آوردن سیورسات را گذاشتند. و از دهاتهای نزدیک، مرغ، ماهی، تخم مرغ و برنج و گاه [و] جو، غلیق مالها، هر

چیز که لازم داشتند جمع می کردند. هر گاه در دادن آذوقه کوتاهی می کردند همان ساعت ده را آتش می زدند.

و حاجی ملامحمد علی بارفروشی از بارفروش روانه شهر ساری گردید. دوسه روز با ملاحای شهر ساری جر [و] بحث کرد نزدیک شده که به مفسده بیانجامد [اوهم] ماندن خود را به شهر ساری صلاح ندانسته روانه سرقبر شیخ طبرسی می شود و در نزد بابیها اقامت می نمایند.

قریب چهارصد نفر جمعیت بابیها گردید که بیشترش اهل سواد کوه بودند که زودتر از همه داخل مذهب بابی می شدند. و یک نفر سواد کوهی مسما به امیر که مشهور به امیر تبردار بود، که مردم را با تبر می کشت؛ تا این که آقا عبدالله برادر حاجی مصطفی خسان صورتیج با دویست نفر تفنگچی هزار جریبی آمد [و] در افرا که یک میدان مسافت به بابیها داشت منزل نمود. یک ساعت از روز گذشته که کم کم باران می آمد، بابیها مطلع شده دست به قداره نموده در میان اردوی آقا عبدالله ریختند و بنای کشت [و] قتل را گذاشتند. قریب پنجاه نفر با آقا عبدالله مقتول گردیدند که تتمه قشون شکست خورده به شهر ساری رفتند. و این وقایع و مراتب را به دارالخلافه طهران معروض داشتند. حکم صادر گردید که دفع فتنه بابیها را بنمائید. که عباس قلیخان سواد کوهی مأمور شد و دور بابیها را محاصره نمود و خودش تغییر لباس کرده رخت گالشی پوشید. قریب چهارصد نفر جمعیت داشت.

دوباره بابیها هجوم آور شدند دست به قداره و شمشیر نموده یا صاحب الزمان گویان در میان اردو ریختند. جنگ مغلو به گردید و ملاحسین بشرویه سواره در سرتاخت هروقت که می آمد چهار پنج نفر را کشته برمی گشت. که دفعه دیگر هم خواست بیاید، در سر سواری عباس قلیخان

سردار تیرخالی نموده گلوله به او زد که جان را به مالکان دوزخ سپرد. زمان رفتن وصیت کرد که بعد از من صاحب اختیار کل، حاجی محمد علی بار-فروشی می باشد. و مرا با تفنگک و سراق دفن بنمائید که بعد از چهل روز زنده خواهم شد. و در جدال و قتال ساعی و جاهد باشید. که دو باره باینها اجماع کرده قشون عباس قلی خان را شکست دادند.

که در آن وقت از طهران توپ و قورخانه و خمپاره به ساری آوردند. که نواب اشرف و الامهدیقلی میرزا باقریب دوهزار نفر مأمور شده درقریه واسکس نزول اجلال فرمودند. که بساینها خبردار شده در نیمه شب سرریز به واسکس نمودند. خانه و منزلگاه شاهزاده را آتش زدند که نواب والا مهدیقلی میرزا را بکشند. و شاهزاده هم خوابیده بود. به مجرد اطلاع خود را از دریاچه [ای] بلندبزی برانداخته توی جنگل پنهان می شود. که دو نفر شاهزاده دیگر یکی صاحبقران میرزا با برادرزاده اش داود میرزا، که در توی خانه خوابیده بودند آتش گرفته می سوزند. به غیر از این، کشتار دیگر هم می کنند و لشکر را متفرق می سازند [و] مراجعت می نمایند.

صبح که روشن می شود يك نفر از نوکران سرکاری به شاهزاده بر می خورد و ایشان را سوار نموده به علی آباد می آورد که لشکر متفرقه و اطراف و محالات را جمع آور نموده قریب سه هزار و پانصد نفر جمعیت برداشته به دفع بابی روانه شدند. به قرار دو ماه دورایشان را محاصره نمودند و همیشه از طرفین کشت [و] قتل می شد. و اهل اردو کشته گان خود را دفن می کردند. از قضایک روز باینها دیدند که اهل اردو را به خاک می سپارند و کشته گان خود [شان] در روی زمین و در صحرا به خاک مذلت افتاده اند. شبانگاه به قبرستان کشته گان اردو رسیدند و مردگان اردو را از قبرها در آورده همگی

را سربریدند و سرهای آنها را آوردند به دور حصار و قلعه شیخ طبرسی آویزان نمودند که درد [و] داغ اهل اردورا تازه نمایند. و تا چه قدر آذوقه داشتند جدال و کشتار کردند.

بعد را نواب و الامهدیقلی میرزا ایشان رامطمئن کردند که به شما کاری نداریم از این مفسده دست برداشته پی کار خود بروید. آنها هم از تنگی معیشت راضی شدند. قریب دویست نفر بیرون آمده داخل اردو شدند و همه را عراق چین نمودند و دستگیر ساختند. هر کدام را به یک نوع به سزای عملش به هلاکت رسانیدند. و حاجی محمدعلی را با چند نفر دیگر به بارفروش برده در سبزه میدان آتش زده به درک فرستادند. و درین دعوای بابیها به مازندران، از طرفین قریب هزار و یک صد نفر کشته گردیدند.

بعد دعوای بابیهای زنجان بروز کرد که نه ماه در جنگ [و] جدال و گیر [و] دار بودند و اثری از آثارشان باقی نماند. و سید علی محمد باب را در تبریز هدف گلوله سربازان نمودند. و قره العین را هم دستگیر کرده بودند [و] در طهران در خانه محمود خان کلانتر در محبس بود تا فنا شد والسلام.





[بخش نهم]

## [از مشهدسر به بلوک کلارستاق]

[از بابت راه از مشهدسر به فریکنار]

از بابت راه از مشهدسر از کنار دریا به فریکنار دو فرسخ است. با لاکمه از رودخانه مشهد سررد می شود، صفی محله است گذشته، همه جا کنار دریا وارد سبزه زار صحرای فریکنار می گردد. و با لاکمه باید از رودخانه رد شده داخل محله و خانه های فریکنار می شود. به قرار دو یست و پنجاه خانه وارند. مبلغ ششصد تومان مالیات دارد. و آب رودخانه از هراز است. مبلغ پنجاه تومان از بابت [صید] ماهی حلال اجاره رودخانه می باشد. و حاصل برنج و شکر و ابریشم و پنبه و غیره ندارند. کاسبی ایشان از کرجی بانی است. و بزرگ فریکنار آقا لر آقا است. و دو طرف رودخانه محله و آبادی است و بیشتر به سمت غربی رودخانه می باشد، که سبزه زار و صحرائی بزرگ دارد.

در عرض سال، چهل روز بعد از عید نوروز سلطانی از ولایات برای

داد و ستد می آیند. که این صحرا و سبزه زار پر از آدم می شود و پنج روز بازار است که خمسه بازار می گویند. و از جانب حاکم مازندران شصت و پنج نفر سواره و پیاده از جهت حراست و نگهبانی بازار موکل اند. و شب تا صبح گردش می نمایند، که نبادا دزدی و یا دعوا و معرکه بشود. شخصی تعریف کرد: يك سال يك نفر تاجر از دست سه نفر زن كتان فروش مبلغ هشتصد تومان مازندران خرید، از این قبیل زیاد اهل داد و ستد از هر صنف می آیند. و این بازار شبیه بازار مکاریه است. و از فریکنار به محمود آباد هراز، چهار فرسخ سبک است.

#### [از بابت راه از فریکنار به محمود آباد هراز]

از بابت راه از فریکنار که به محمود آباد هراز چهار فرسخ است از سبزه زار و خانه های فریکنار رد شده از جنگل کوچک، رودخانه شسیرا<sup>۱</sup> است. و از جنگل پر درخت در آمده و زرا<sup>۲</sup> محله است. پانزده خانه وارند و طرف چپ واقع است، می رسد به سبزه زار سرخ رود که در دو طرف رودخانه یکصد و پنجاه خانه وارند. و آب رودخانه از هراز می باشد. و ماهی حرام زیاد صید می شود. از بابت اجاره ماهی حلال بیست تومان و مبلغ سیصد تومان مالیات می دهند. تیول احمدخان نوائی است. کدخدایش آقاسی است. و اهل سرخ رود هم صاحب کرجیهای بزرگ می باشند.

و از رودخانه و سبزه زار و جنگل کوچک و قبرستان گذشته، به کنار دریا نزدیک [رودخانه ملاکلا] محله ملاکلا است، سی خانه وارند. کدخدایش مشهدی

۱- به فتح شین و سکون باء.

۲- به کسر واو و سکون زاء.

يوسف [است]. و محله ديگر هم دارد كه پنجاه خانه وارند. كدخدائش مشهدي اسمعيل [است]. و اين دو محله يك هزار تومان ماليات مي دهند. در محله بزرگ، يك باب حمام و آبدنگ مي باشد. و اجاره رودخانه ملاكلا از بابت صيد ماهي حلال، بيست تومان است.

از رودخانه گذشته [كه] رودخانه شليت است مي رسد به رودخانه آهلمته<sup>۱</sup> كه اول خاك آمل باشد. و محله اش مسافت نيم فرسخ به كنار دريا است. گذشته رودخانه تفنگ گاه است كه دو طرف رودخانه محله مي باشد. از بابت [اجاره] صيد ماهي حلال بيست و پنج تومان. و كرجي به اين رودخانه از براي داد و ستد زياد مي آيد.

بعد رودخانه سياه رودسر است كه به محمود آباد هزار يك فرسخ سبك است كه در دو طرف رودخانه محله و خانه دارد، رد شده از جنگل زرشك و انار و آلوچه و چشم و درخت جنگلي گذشته داخل محمود آباد هزار مي شود. بيست خانه وارند. كدخدائش رضا قلي است. يك باب مسجد و قبرستان دارد. و مردم به جهت داد و ستد به اين رودخانه زياد مي آيند و آبش از هزار آمل است.

### [بلوك آمل]

و كدخدای بزرگ آمل ميرزا سعيد تليك<sup>۲</sup> سري است. و آمل هفت بلوك دارد:

اول - آهلمتستاق<sup>۳</sup>، قشلاق است مال آقا ميرزا محمد كج دماغ. دويم - هزار پي و دابوكه معدن كتان است. سيم - دشت سر [كه] قشلاق

۱- به فتح الف و سكون هاء و فتح لام و مييم. ۲- به كسر تاء و سكون كاف. ۳- به فتح الف و سكون هاء و فتح لام و مييم و سكون سين.

است. چهارم - اچی آباد. پنجم - پائین لیتکو. ششم - بالا لیتکو. دهم - شهر آمل با چلاو.

### [شهر آمل]

و شهر آمل از شهرهای قدیم و از بناهای کیومرث می باشد. یک هزار و یکصد خانه دارند. هشت محله [و] چهار باب کاروانسرای تجار نشین و دو باب مسجد از بنای قدیم و دو آستانه امامزاده مشهور دارد. یکصد و پنجاه نفر نوکر چلاوی و نوائی، جمعی شکرالله خان می باشد. و مالیات آمل هشت هزار تومان است. و برنج عراق و طهران از آمل می رود که به طهران بیست و پنج فرسخ است. و یک پل آجری بزرگ دوازده چشمه دارد که از بناهای حضرت امام حسن علیه السلام می باشد. اهلسان بیلاق و قشلاق دارند [و] صاحب رمه [و] گوسفند و گاو می باشند. برنج و روغن و عسل بسیار است. و شکر و کمی ابریشم به عمل می آید.

### [لاریجان]

ولاریجان سمت جنوب و شرقی آمل اتفاق افتاده است. یک آب گرم بسیار خوب دارد. و بزرگ لاریجان عباسقلیخان سردار و پسرش غلامعلیخان سرهنگ است. پانصد [تو] مان مواجب سرهنگ می باشد. و هشتصد و دو نفر دسته نظام و یکصد و شصت و چهار نفر نوکر سوار دارد. و از محمود آباد هراز به سله چهار فرسخ سبک است.

### [از بابت راه از محمود آباد هراز به سله]

از بابت راه که از محمود آباد هراز به سله چهار فرسخ است. از

رودخانه محمودآباد با لاکمه رد شده می‌رسد به رودخانه اهلتم رود که حد سد آمل و نور می‌باشد [و] به محله نیم فرسخ و به سلده سه فرسخ است گذشته از کنار دریا که ریگ و ماسه می‌باشد که تاگردن سُم اسب به ریگ می‌نشیند، می‌رسد به رودخانه بزرگ ایزد ده که در دو طرف [آن] خانه و آبادی و یک باب حمام سفید کاری می‌باشد. و هشتصد تومان منال دیوان می‌دهند. و کرجیها برای داد وستد زیاد به این رودخانه می‌آیند. به سلده دو فرسخ است. رد شده می‌رسد به شکرپزخانه و رودخانه هاشم رود. نزدیک به کنار دریا دستگاه نی شکرپزی است که به اصطلاح اهل مازندران کلیا می‌گویند. یک چوب کلفت میان خالی [و] بلندی [به اندازه] سه چارک شاه [که] اسمش کلیادار است نی شکر را بریده در میانش می‌ریزند و چوب دیگر [که] سرش را تیز نموده‌اند [و] یک سرش در میان کلیادار می‌باشد [که] او را کلیاتیر می‌نامند و چوب دیگر در بالایش می‌گذارند [که] او را کلیاکلا می‌خوانند و دو چوب در پهلو دارد [که] او را دو برادر می‌گویند گاو بسته‌اند و یک نفر آدم روی دو برادر می‌نشیند [و] گاو را می‌رانند که کلیاتیر آب نی شکر را در می‌آورد. و در پائین جائی ساخته‌اند که شیره نی شکر در آنجا جمع می‌شود و کوره هم بسته‌اند. یک عدد دیگ مس بالای کوره است. شیره را در میان دیگ مس ریخته زیرش را آتش می‌کنند تا شیره به قوام می‌آید. [بعد] برداشته تسوی کسوزه‌ها می‌ریزند، بعد دوباره از کوزه به میان دیگ می‌ریزند که اینقدر باید به پزد تا قوام بشود. بعد در میان مجمه و یا طبقچه ریخته با چاقو بریده تیکه تیکه می‌نمایند. هرگاه

۱- بفتح الف و سکون هاء و فتح لام و سکون میم. ۲- بفتح کاف و

شکر را در میان دیگ چُدن بپزند بهتر خواهد شد. و حاصل شکر مازندران از ولایت نور الی بلوکات بارفروش و ساری است. از رودخانه هاشم رود گذشته رودخانه رستم رود [است] رد شده کنار دریا، محله رستم رود است. هشتصد تومان منال دیوان است تیول محمد اسمعیل خان نوه فتحعلیخان می باشد. پنجاه خانه وارند. به سلده یک فرسخ است گذشته می رسد به رودخانه تمشون.

#### [سلده]

[از رودخانه تمشون] رد شده رودخانه سلده است، می گذرد دست چپ تخته پلی دارد [که] داخل محله و خانه های سلده می شود که امسال [که] به تاریخ یک هزار و دوست و هفتاد و پنج است دو سال می باشد که میرزا آقاخان صدراعظم آبادی نمود. و رعیت ازهر ولایت آورده و عمارت و حمام بنا نهاده است. به قرار دوست خانه وارند. دو باب حمام و بیست باب دکان و یک پل آجری سه چشمه دارد. و آب این رودخانه از کوه لایح می آید. و کرجی هم به این رودخانه می آید. و اهلسان صاحب کرجی می باشند. محصولش برنج و روغن است. به قدر چهل من ابریشم به وزن شاه عمل می آید که ایجه و چادر شب و شلوار قرمز و غیره می بافند. و مالیات سلده دو هزار تومان است. و کوه بلند سمت جنوب سلده که جنگل ندارد صوردار می گویند، پائین تر، لش کنار ایضاً پی مت و لایح [است] که اینها همه ییلاق نور است.

#### [نور و بلوک آن]

و خود نور هیجده بلوک است: آنکه ییلاق است: اول کپ ۱.

دویم- لاویج. ۳- دانکو. ۴- نُسَن<sup>۱</sup>. ۵- پیل<sup>۲</sup>. ۶- آنگَرود<sup>۳</sup>.  
 ۷- کجور. ۸- لزور. ۹- پیسپرس. ۱۰- کالج.  
 آنکه قشلاق است: اول- شهر کلا و عباسو. ۲- گندیاب و سلیا کنتی.  
 ۳- سد کلا<sup>۴</sup> و اوز رود. ۴- عبدالله آباد و پی مت. ۵- عربه خیل و  
 کُرْدَل کلا<sup>۵</sup>. ۶- ناطق کلا و رستم رود. ۷- نایج و ایزد ده. ۸-  
 لش کنار و سلده.

و مالیات هیجده بلوک نور شانزده هزار تومان [است] که دو هزار  
 تومان اجاره معدن کُلُوته<sup>۶</sup> و ساچمه و مس می باشد که در چوماسان<sup>۷</sup> و  
 تنگه است.

[از بابت راه سلده به چلندر مشهور به مقام دیو سفید]

از بابت راه که از سلده به چلندر مشهور به مقام دیو سفید [می رود] چهار  
 فرسخ است. از میان محله سلده و تخته پل گذشته می رسد به دومجرا رودخانه.  
 هر دو محسوب به المی است، که در این راه کنار دریا جا ساخته اند به جهت  
 گرفتن مرغابی. که [در] پشت سر اسطخ آب است که مرغابی می آید می-  
 نشیند [و] به دام می افتند. و رودخانه دویم المی بزرگ است که آخر نور و  
 اول کجور می باشد. از پنج رودخانه کوچک گذشته رودخانه قرش کلا<sup>۸</sup> و  
 وازی دار است. بادورودخانه گچ رود<sup>۹</sup> و رودخانه کُنسَرود<sup>۱۰</sup> گذشته محله  
 [ای] دارد که علوی کلا مشهور است.

۱- بهضم نون و فتح سین و سکون نون. ۲- به کسر پ و سکون لام.  
 ۳- به فتح الف و سکون نون و فتح کاف و ضم راه. ۴- به کسر سین و سکون  
 دال و فتح کاف. ۵- بهضم کاف اول و سکون راه و کسر دال. ۶- بهضم  
 گاف و لام اول و فتح لام دوم و سکون هاء. ۷- بهضم چ و سکون نون. ۸-  
 به فتح فاء و سکون راه و کسر شین. ۹- به فتح گاف و سکون چ. ۱۰- به  
 ضم کاف و نون و سکون سین.



## [علوی کلا]

به قرار دو بیست خانه وارند. بزرگ ایشان یکی آقا محمد حسین و یکی دیگر آقا محمد رضا [است]. کدخدا و ضابط احمد بیگ و ملا علی اکبر کجوری در آن جا است که يك صد نفر شاگرد طلبه دارد که تحصیل علوم حاصل می نمایند. و این علوی کلا در جمع بلوک فیروز کلاست [و] به کنار دریا نزدیک است. [در] ابن منزل، محله و خانه ها همه به کنار دریا نزدیک می باشند. بعد از دو رودخانه و رودخانه کزل<sup>۱</sup> رود گذشته رودخانه نمک. آب رودسر است.

## [صلاح الدین کلا]

[از علوی کلا] رده شده، صحرائی و سبزه زار [ی است] باصفا که محله [ای] نزدیک به کنار دریا [به نام] صلاح الدین کلا می باشد. بعد رودخانه نی رود<sup>۲</sup> است گذشته کنار آب سنگ بسیار دارد. و از چهار جوی آب رده شده رودخانه آرمنج<sup>۳</sup> است که آبش از محله علی آباد کوچک می آید که به قرار هفت و هشت خانه وارند. به کنار دریا سیصد قدم می شود. گذشته در راه درخت شمشاد و گل یاسمن و انار و اشپیر<sup>۴</sup> و درخت شب خس<sup>۵</sup> و توسه و للکی و آلوچه و نی آزاد و علف بسیار دارد.

## [چلندر]

دست چپ راهی است [که] می آید سر رودخانه چلندر که باروبنه و آدم کلا<sup>۱</sup> باید با نو از آب بگذرد داخل چلندر می شود که دور تا دور چلندر

۱- به فتح کاف و سکون لام. ۲- به فتح نون و سکون یاء.

۳- به فتح الف و سکون راء و فتح میم و نون و سکون جیم. ۴- به کسر الف و

سکون شین و فتح پ. ۵- به ضم خ و سکون سین، درخت گل ابریشم.

همه آب است. جمیع ملكش شالی ز راست بغیر از خانه و باغچه. اهل دهاقین به قرار یکصد خانه وارند. بلوك باشی حسین بیگ است که در محله حوض کُتی منزل دارد. و از این محله به پای کوه ربع فرسخ است. مابین جنوب و غربیه اسم کوه، مشهور [به] کوه دیو سفید است. از پهلوی محله توی آب که دو طرف شالی زار است، می رسد به راه سنگ فرش و جنگل بزرگ داخل می شود [و] می آید به جائی که دور تا دورش خندقی بزرگ به قرار چهارصد قدم حفر شده بود. که [در] وسط خندق بلندی است که درخت شمشاد بسیار دارد. و جانب قبله این بلندی الآن که یک هزار و دوست و هفتاد و پنج است، يك درخت بسیار بلند و کلفت که بغل سه نفر نمی آید، اسمش به اصطلاح اهل مازندران افرا می باشد. و وسعت این بلندی از سمت شرقی تا به جانب غربی پنجاه قدم و از سمت جنوب به شمالی هشتاد قدم [است]. و خشت [و] آجرهای درشت هم در آن جا می باشد. و این بلندی دو خندق دارد که یکی درست معلوم نمی شود.

از قرار مشهور در عهد قدیم [و] سلطنت آذربستان [در] اینجا قلعه محکم و آبادی بوده است.

ایضاً سمت قبله این قلعه تپه دیگر [ی] است که همه درخت شمشاد دارد. بعد سر بالائی و جنگل شمشاد که به تعریف راست نمی آید و آدم به دو ذرع فاصله همدیگر را نمی بیند که مکان و منزل ببر می باشد. به هزار مشقت و زحمت به پایه کوه می رسد [آه] مثل دیوار سر به کهکشان فلک کشیده است. و يك درخت افرای بزرگ روی يك سنگ بزرگ در آمده که دوره سنگ را باریشه خود گرفته است. [و] قدری بالاتر از تیزه کوه اهل چلندر

باهزار زحمت و ترس بالا رفته ریسمان می بردند [و] به درخت می بندند و آدم دیگر [که] بخواهد برود به هزار خوف [و] تشویش که حالا از سر کوه می افتم، ریسمان و ریشه های درخت را گرفته بالای رود. یک زاویه طاقی که همه چهار ذرع نمی شود در آن جا می باشد. و یک طاقچه مانند ناهموار هم دارد و سطحش معدن مس است. و [از آن جا] جمیع دریا و صحرا نمایان می باشد. می گویند مقام دیو سفید در اینجا بود. از قرار عقل باید دروغ باشد. و دو باره به هزار تشویش پائین می آید. که در جنگلش به غیر از ببر جانور درنده بسیار دارد.

و این چلندر در جمع بلوکات کجور است.

### [کجور]

و خود کجور دوازده بلوک است:

اول- پنجک رُستاق. ۲- زانند رُستاق. ۳- کوه پهر. ۴- لاشک. ۵- شهر کجور. ۶- انگاز. ۷- فیروز کلا. ۸- کَران. ۹- خیرودکنار. ۱۰- چلندر. ۱۱- نارنچک بند. ۱۲- کچلستاق. که همه بیلاق و قشلاق دارند. و حاصل ابریشم [آن] کم است. اصل محصولش برنج و روغن است. که [مردم آن] صاحب رمه و گاو می باشند. و به قرار ششصد خانه وارند. خواجه وند [و] طایفه شرف وند که از کردستان آورده اند، در کجور ساکنند. [و] دویست نفر نو کرسوار به دیوان می دهند. جمعی خان جان خان یوزباشی، سنّی مذهب [اند]. طایفه شرف وند یکصد نفر است و مواجیش هم یکصد تومان، ابواب جمع عیسی خان.

یوزباشی سنّی مذهب [از] طایفه شرف وند، یکصد نفر [و] مواجیش

یکصد تومان است که جمع مواجب هر صد نفر یکهزار و سیصد و هشتاد و یک تومان می‌باشد. و دورتادور چلندر آب و مرداب است. به غیر از [این] راه معین راه دیگری [ی] ندارد. و برنج یک من به سنگ شاه، یک قران [است].

### [از بابت راه از چلندر به اورنگک]

از بابت راه از چلندر که به اورنگک چهار فرسخ است [و] از مرداب چلندر با نو رده شده کنار دریا است. [و] از رودخانه دزدک رود گذشته در راه چنان علف دارد که به تعریف راست نمی‌آید. و گل یاسمن و درخت شب‌خس که درخت ابریشم می‌گویند و نی و قلم نوشتن و درخت شمشاد و آلوچه با سایر درختها بسیار دارد می‌رسد به رودخانه مازکا و بعد رودخانه بندپی. و نه‌جا از جوی آب که داخل دریا می‌شود، رد شده رودخانه پهن و سنگلاخ خیررود است و بعد امیررود گذشته، درخت آلوچه و سیب و انجیر و گل یاسمن و انار و شب‌خس و شمشاد و غیره بسیار دارد. به فاصله صد قدم چهار جوی آب می‌آید [و] به کنار دریا فرو می‌رود می‌رسد به رودخانه علی آباد بزرگ که محله اش بالاتر است. از سه رودخانه کوچک عبور نموده رودخانه ماشک است. بعد رودخانه چشمه آب مشهور [به] سنگ تاجان است که اسم محله اش خادک [است] گذشته رودخانه کُر کُر دسر<sup>۱</sup> که [در آن] ماهی سفید صید می‌شود، که دو محله دارد [که] داخل در بلوک کتر<sup>۲</sup> آن می‌باشد [و] به کنار دریا نزدیک است. رده شده [از] جوی آب تیز کله<sup>۳</sup> رودخانه کتد رود<sup>۳</sup> گذشته رودخانه چالوس است که آب زیاد دارد و شیل می‌بندند [و] ماهی آزاد صید می‌نمایند. پنجاه

۱- به ضم کاف اول و دوم و سکون دال .. ۲- به فتح کاف و سکون نون.

۳- به فتح کاف و سکون نون.

تومان اجاره [صید] ماهی حلال است. و ماهی حرام هم زیاد [صید] می شود. و آبش از کوه دلیر و نور می آید که از سر چشمه اش تا به دریا تخمین مسافت، پنج منزل است. و رودخانه چالوس سرحد است که آخر کجور و اول کلارستاق می باشد. از رودخانه رد شده دست چپ راهی دارد [که] صحرائی است که [در] طرف راست [دهی به] اسم ده لَپاؤک<sup>۱</sup> است.

از صحرائی و میان مزرعه گذشته داخل اورنگ می شود که به کنار دریا ربع فرسخ [است]. به قرار چهل خانه وارند که از پیش روی خانه ها آب روان می باشد [و] داخل در بلوک کلارستاق است.

۱- به فتح لام و ضم واو و سکون کاف.

### [بلوك كلارستاق]

و خود كلارستاق چهار بلوك است:  
اول- دشت كلارستاق.

دويم- كلاره دشت كه ييلاق است. [و] بسيار جاي باصفا و دلگشاو سبزه زار، و مقابلش كوه شاه التمدار [است]. و يك ده بزرگ دارد [كه] اسمش لاهو است كه سيصد خانه وارند. و كلاره دشت يكصد قريه مي باشد و هيچ جنگل ندارد مگر خارج از حدود ملكش [كه] جنگل است. [و] تخمين ششصد در خانه خواجه وند ساكنند. [و] دويست و پنجاه نفر نوكر سوار به ديوان اعلي مي دهند. كه دو نفر سر کرده دارند. مواجب هر کدام صد تومان است. جمع مواجب نوكر [ها] سه هزار و چهارصد و هشت تومان است. ابو اجمع جعفر قليخان يوز باشي خواجه وند [از] طايفة لك<sup>۱</sup>، يكصد و پنجاه سوار. [و] ابو اجمع محمد قليخان يوز باشي خواجه وند [از] طايفة لك، يكصد سوار [است].

و ماليات كلاره دشت يکهزار تومان است. و يك سكوئي در وسط صحراي كلاره دشت دارد كه يك ميدان اسب مي شود. همه سبز [و]

---

۱- به فتح لام و سکون کاف.

خرم است [و] اسمش را کلارمی گویند. و این سکو از عهد قدیم بنا شده است. و رودخانه سرد رودسر از میان کلاره دشت از کوه شاه آلم<sup>۱</sup> دارا می آید.

و بلوک سیم - کلارستاق بیرون بشم<sup>۲</sup> است.

و بلوک چهارم - کوهستان غربی و شرقی: که غربی کوه دلیر [و] شرقی الامل<sup>۳</sup> و آلتند<sup>۴</sup> است. کلدخدای اورنگ مشهدی مهدی، بلوک باشی آقابزرگ آقا و ملاخان بابا. حاکم کل حبیب الله خان سرتیپ است. و از اورنگ به عباس آباد چهار فرسخ است.

۲- به فتح باء و سکون شین و میم.

۱- به فتح الف و لام و سکون میم.

۴- به فتح الف و لام و سکون تون و دال.

۳- به فتح الف و ضم میم و سکون لام.

[بخش دهم]

## [ از بلوك كلار مستاق به بلوك تنكابين ]

[ از بابت راه از اورنگك به عباس آباد ]

از بابت راه از اورنگك كه به عباس آباد [می رود] چهار فرسخ است. از محله و صحرا و مزرعه اورنگك و ده دست چپ كه اسمش كرامی جان است، رد شده کنار دریا است می رسد به دو مجرا رودخانه سرداب رود كه از كلاره دشت می آید كه به این رودخانه كرجیها به جهت خرید و فروش می آیند [و] برنج می خرنند. گذشته دو رودخانه كوچك دارد [كه] متعلق [به] نوديك<sup>۱</sup> است [و] شش درخانه به کنار دریا واقع است. گذشته رودخانه مرزنده كلیه<sup>۲</sup> و رودخانه امامرود و رودخانه اچرود<sup>۳</sup> می رسد به رودخانه نوروود<sup>۴</sup> سر<sup>۴</sup> كه مقابلش كوه مدوبند است [و] به کنار دریا يك فرسخ [است]. و مقبره دانبال پیغمبر در پای كوه مدوبند واقع است كه مردم به زیارت می روند و مقبره خوب دارد. و طایفه مدو در آنجا اقامت دارند.

۱- به ضم نون و سکون دال. ۲- به فتح کاف و کسر لام و سکون هاء.

۳- به فتح الف و سکون چ و ضم راء. ۴- به ضم نون.



از رودخانه نورودسر گذشته جنگل است می آید به رودخانه نمک. آب رودسر که سرحد است [و] آخر کلارستاق و اول خاک تنکابن می باشد. در سررودخانه نمک آب رودسر میان دریا، علامت قلعه می باشد که در عهد کیان آبادان بوده است. و ماهی سفید زیاد صید می شود و آبش بسی مزه [است] که طعم شوری دارد می گذرد. و در این راه درخت شمشاد زیاده از حد است که به ملک روسیه به جهت فروش می برند. بعد رودخانه پلنگ رود و دو رود کوچک و رودخانه اسپه رود و دو مجرا رودخانه طیل رودسر و چهار رودخانه کوچک و رودخانه خَرک رود که محله اش جمشید آباد است. و [از] دو مجرا رودخانه اسب چین گذشته که [در آن جا] سیزده تالار چوبی اهل محله اسب چین به جهت خواب ایام تابستان، ساخته اند. بعد صحرائی و قبرستان سبزه زار [ی است] که سر قبرها گل نرگس کاشته اند که [هم] قبرستان اسب چین و هم قبرستان آمیج کلا<sup>۲</sup> است. دست چپ راهی دارد، صد قدم تو جنگل، می رسد به علامت گاه قلعه اسب چین که قلعه عثمان پاشا هم می گویند که بالاتر از سیصد سال است خراب شده و الآن هیچ آثاری ندارد مگر تپه تپه مثل خندق میانش را کنده اند و آجرش را در آورده در عباس آباد عمارت و مسجد بنا نهاده اند. و درخت افرا و درختهای مازوی بسیار دارد. و به عباس آباد نیم فرسخ است.

#### [عباس آباد]

از همان راه مراجعت نموده داخل جاده شده از سبزه زار و رودخانه آمیج کلا و رودخانه محمد حسین آباد و قبرستان و سبزه زار داخل عباس آباد که به کنار دریا واقع است، همه سبزه زار [است و] بسیار جای باصفا است به

۱- به فتح خ وراء و سکون کاف. ۲- به فتح الف و سکون چ.

قرار بیست و پنج خانه وارند داخل در بلوک لَتَنگَا<sup>۱</sup> است. و عمارت آقامیرزا یوسف عمومی حبیب الله خان سرتیپ، آجری [و] سرش تخته پوش است. و آقامیرزا یوسف چهار نفر پسر دارد: یکی میرزا محمد حسین و یکی آقامیرزا محمد یاور و میرزا باقر و میرزا عبد الله.

و کوه بلند سمت جنوب عباس آباد کُورما<sup>۲</sup> پائین تر داکو، سمت شرقی پس داکو، و طرف غربی سه هزار، بعد دوهزار و مَران<sup>۳</sup> که بالا دست خرم آباد است. و مظنة برنج يك من شاه، يك قران [است].

#### [از بابت راه از عباس آباد به خرم آباد]

از بابت راه از عباس [آباد] که به خرم آباد [می رود] چهار فرسخ است. از عباس آباد و رودخانه و محله کاظم آباد و تازه آباد و پسند رود گذشته رودخانه نیشتا است که هر ساله کرجی زیاد به جهت خرید برنج می آیند. و محله به کنار دریا است. از رودخانه نیشتا رد شده اذ اُرد<sup>۴</sup> است که شیل بسته اند [و] ماهی آزاد صید می شود. اجاره اش سی تومان است. و به این رودخانه کرجی هم می آید. بعد رودخانه چشمه کیله و رودخانه زوار کله و رودخانه راپشته که قلیلی ماهی سفید صید می شود، گذشته رودخانه تیر پُرد سر<sup>۵</sup> است. بسیار رودخانه بدی است وقتی که آب زیاد می شود باید با نُو<sup>۶</sup> عبور نمود. و کمی ماهی سفید صید می شود. اجاره اش شش تومان است. و سر دهنه [آن] ماهی آزاد می توان صید کرد.

۱- به فتح لام و سکون نون. ۲- به ضم کاف و سکون راء. ۳- به فتح میم و سکون الف. ۴- به کسر الف. ۵- به ضم پ و سکون راء دوم. ۶- به ضم نون و سکون واو.

### [خرم آباد]

از رودخانه تیرپردسر گذشته رودخانه حاجی محله ورودخانه نی رود و رودخانه دیگر می رسد به رودخانه چشمه کیله خرم آباد. چهار جا از آب همین رودخانه عبور نموده از محله شیرکُز را رد شده داخل خرم آباد می شود که به پای کوه يك فرسخ است و پای تخت حاکم خرم آباد است. و عمارت های آجری و سفالپوشی و اندرونی و بیرونی دارد که جدحبیب الله خان. سرتیب هادیخان. بنانهاده است. پانزده درخت چنار و پانزده درخت مرکبات و دو درخت آزاد و سه درخت انار با دریاچه آبی دارد که خارج ازین بیرونی و دیوان خانه، مسجدی است که در مقابلش درخت سروی دارد. و حاصل ولایت تنکابن از برنج و روغن است. و ابریشم هم به عمل می آید که الیجه و چادرشب و شلوار قرمز و دستمال و چارقد و غیره خوب می یابند. و برنج عراق و قزوین و گیلانات و بادکوبه، همه از تنکابن است که برنج وافر و بسیار خوب به عمل می آید. و سنگ وزن روغن تنکابن يك من ونیم سنگ شاه است که سه من تبریز باشد می فرسند [به] دوازده قران. اهلسان ییلاقی و قشلاقی می باشند. صاحبان گله گوسفند و

گاونند. و اهل خرم آباد سی خانه وارند.

و پنجاه خانه وار غب اوصانلو در تنکابن ساکنند. و تنکابن نه بلوک است. حدودش از رودخانه سُرْخانی سرحد گیلان است الی رودخانه نمک. آب رودسر، سرحد کلارستاق. اسامی نه بلوک:

اول- سخت سر . دویم- سیارستاق. ۳- کُولئی جان<sup>۱</sup>.  
 ۴- میان نایه و مذر دشت خرم آباد . پنجم- سیاورز، بابتده<sup>۲</sup>.  
 ششم- زوارونیشتا. هفتم- لَنگَا<sup>۳</sup>، جوربند لنگا جیربند لنگا. هشتم- کلار آباد. نهم- اِشکَوَرات<sup>۴</sup> با دوهزار.

مالیات [آن] شش هزار تومان است. نو کروی که از تنکابن و کلارستاق و کجور به دیوان خدمت می کنند هشتصد و پنج نفرند.

سرتیپ و حاکم کل حبیب الله خان سرتیپ، پسر ولیخان می باشد. و دو نفر پسر دارد: یکی ولی خان سرهنگ [پسر] بزرگ است [و] پسر کوچک عبدالله خان است. و نایب تنکابن داماد سرتیپ میرزا محمدعلی پسر یوسف سلطان می باشد، که خانه اش در کولی جان است.

و در رودخانه های تنکابن ماهی آزاد صید می شود. بخصوص رودخانه مذر که دایماً ماهی آزاد صید می نمایند. اجاره اش یک ساله پانصد و شصت تومان می باشد. و آب رودخانه مذر از بالای کوه مَران<sup>۵</sup> و دوهزار می آید پائین تر در سرپل چوبی، بهم وصل شده داخل دریا می شود.

از تنکابن در ایام تابستان پنج روزه به طهران می رود: منزل اول-

۱- بهضم کاف و فتح واو و سکون لام. ۲- به فتح باء و لام و دال.

۳- به فتح لام و سکون نون. ۴- به کسر الف و سکون شین و فتح کاف و واو.

۵- به فتح میم و سکون نون

مران . دویم- الموت . سیم- طالقان . چهارم- کُردان<sup>۱</sup>. پنجم- دارالخلافة طهران. و در زمستان از شدت برف راه مسدود می شود. و برنج مهدیخانی يك خروار اسبی دو تومان و پنج قران است.

#### [از بابت راه از خرم آباد به آب گرم سخت سر]

از بابت راه از خرم آباد به آب گرم سخت سر چهار فرسخ است. از میان مرزعة شیر کسرز و رودخانه چشمه کیله و مزرعه و محله خوبانرز کاو سبزدزار می رسد کنار دریا. سر رودخانه مذکر که دایم الاوقات ماهی آزاد صید می نمایند، رد شده رودخانه نصیر کیله و رودخانه وچک و آسیارود[و] باشی<sup>۲</sup> رود است که مقبره امامزاده سیدحسین در محله شی رود می باشد [که] به کنار دریا واقع است که يك درخت چنار بزرگ در مقابلش دارد. از محله شی رود و رودخانه کوچک و رودخانه طیروم و جوی آب رده رده رودخانه چال کرود است. [و] چهاررودخانه می باشد [که] از بالای کوه از آب جنت رودبار می آید [و] داخل دریا می شود [و] ماهی آزاد صید می نمایند. اجاره اش بیست تومان است.

#### [سخت سر]

از رودخانه های چال کرود و نیاسترود و سیگارود و رودخانه شوراب- سر و رودخانه سیدمحله و نمک آب رود و میان مزرعه و محله کرم رود و تخته- پل رد شده داخل خانه های آب گرم می شود. و این آب گرم به دامنه کوه واقع است. هشت خانه وار رعیت در آن جا ساکنند. و چهار حوض آب گرم نزدیک هم دارد که یکیش محصور و زنانه است و دو حوض دیگر قدری دورتر است. به جهت امراض مختلفه زیاد نافع است. و چهار حوض آب

۱- به ضم کاف و سکون راء. ۲- به کسر شین و سکون یاء.

دیگر در سیدمحلّه می‌باشد. و پهلوی حوض بزرگ محصور در میان شمشاد-ستان يك آستانه امامزاده می‌باشد. و کوه‌مارکو و زنبیل کوه در سخت‌سر است که در عهد قدیم قلعه بنا نهاده بودند. و حاصل سخت‌سر برنج و روغن و ابریشم است. [آنها] که صاحبان کله گوسفند و گاوند در تابستان به ییلاق می‌روند. کدخدای سخت‌سر، حاجی آقا است.

اسامی دهات سخت‌سر: اول- دریابشته. ۲- تنگ‌دره، منزل حاجی آقا. ۳- کرکت‌محلّه. ۴- آخوند‌محلّه. ۵- زکین‌محلّه. ۶- کتندسرا ۷- نارنج‌بن<sup>۲</sup>. ۸- آب‌گرم. ۹- سلم‌رودسر. ۱۰- سادات‌محلّه. ۱۱- رَمَك<sup>۳</sup> و کرم‌رود. ۱۲- چورسرا<sup>۴</sup>. ۱۳- طالش‌محلّه. ۱۴- اُسکُنَاکو<sup>۵</sup>. ۱۵- تسوسان. ۱۶- لَمْتَر<sup>۶</sup>. ۱۷- فسوتوک. و مرکبات هر قسم در این ملک به‌عمل می‌آید. و کدخدای آب‌گرم، ملاموسی است. و چادرشب و الیجه و شلوار قرمز و پیراهن شیرپنیر و سایر چیزها از ابریشم می‌یافتند.

---

۱- بدفتح کاف و سکون نون و دال و فتح سین. ۲- به ضم باء و سکون نون. ۳- به فتح راء و میم و سکون کاف. ۴- به ضم ج و فتح واو و سکون راء. و فتح سین. ۵- به ضم الف و سکون سین و ضم کاف. ۶- به فتح لام و سکون میم و فتح ناء.



[بخش یازدهم]

## [از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان]

[از بابت راه از آب گرم سخت سر به سیاه کله رود]

از ابابت راه از آب گرم سخت سر که به سیاه کله رود سه فرسخ و نیم است. از آب گرم سر ازیر شده از میان مزرعه و جوی های آب و محله نارنج بَن و کند. سرور کین محله و رودخانه سَوَیْرُود<sup>۱</sup> و آخوند محله و پل چوبی و کتر کت<sup>۲</sup>. محله و صحرائی و رودخانه گذشته، طرف چپ امامزاده تنگ درّه است. چهارده جا از رودخانه تَرُک رود<sup>۳</sup> عبور نموده امامزاده و محله دریابشته است. از تخته پل و محله و جنگل رد شده کنار دریا رودخانه سَرُخانی<sup>۴</sup> است مشهور [به] سفید تمش [که] حد سَد گیلان و مازندران می باشد. که از رودخانه سرخانی تا به شهر لاهیجان نه فرسخ است. و به جَر کلباد حد سَد مازندران و استرآباد پنجاه و سه فرسخ.

---

۱- به فتح سین و واو اول و سکون یاء. ۲- به فتح کاف اول و سکون راء و فتح کاف دوم. ۳- به ضم تاء و سکون راء و کاف. ۴- به ضم سین و سکون راء.



## [دهكده قاسم آباد]

از رودخانه سرخانی و چهار جوی آب، نیم فرسخ گذشته رودخانه میانده رود است بعداچارود. از اچارود رده شده نهرود کوچک و [از] اوشیان رود گذشته قاسم آباد است. يك فرسخ رده شده رودخانه قاسم آباد است. قاسم آباد ملك ميرزا عبدالباقي منجم باشی است. دو محله دارد: که محله بالا نیم فرسخ به کنار دریا مسافت دارد. باغی ساخته اند که دوازده هزار درخت مرکبات از هر قسم دارد. همه صاحبان گوسفند و گاو می باشند. دریافتی ارباب از دو محله قاسم آباد: ابریشم به وزن شاه چهل و سه من، برنج هشتصد خروار اسبی، روغن هشتصد و پنجاه من به وزن شاه و گاو [و] گوسفند بسیار دارند. در جمع رانکو است و يك فرسخ به سیاه کله رود می شود. از رودخانه قاسم آباد رده شده تخت سنگهای بزرگ لب رودخانه افتاده است. اینها را حسب الفرموده هدايت الله خان رشتی آورده بودند که به انزلی ببرند [و] عمارت بسازند. عمرش کفاف نکرد [و] به حکم آقامحمد شاه مغفور مقتول گردید. و از شش رود کوچک و امامزاده و شمشادستان [و] چائی جان و از میان مزرعه گذشته سر بالا داخل اوطاق سیاه کله رود می شود که به کنار دریا نیم فرسخ مسافت دارد.

## [بلوك سياهكله رود]

و محله اوطاق به پای کوه واقع است که عمارت و مسجد و منار از آجر پخته، [و] سرش سفالپوش است. و مرکبات درین بلوك بسیار می باشد. اهلسان ایام تابستان به ییلاق اشکور ات می روند. و همه صاحب

گَلَّةٔ گو سفند و گاو گالشی می باشند، که روغن زیاد به عمل می آید. خوراکشان برنج است. در عرض سال هفتاد من ابریشم به وزن شاد می شود.

و دو آستانه امامزاده دارد. و صورت های زیبای خوب هم یافت می شود. و مالیات سیاه کله رود یک هزار و پانصد تومان است که به حاکم لنگرود و رانکو می دهند.

و بلوک سیاه کله رود در جمع بلوکات رانکو است. و بلوک باشی این بلوک، پسران محمدقلی بیگ بلوک باشی: میرزا فتح الله و میرزا اسدالله و میرزا عبدالوهاب می باشند.

و اسامی دهات سیاه کله رود: اول- چائی جان. ۲- تساکو<sup>۱</sup>. ۳- شاقوزبینی<sup>۲</sup>. ۴- چاقوننی محله. ۵- گل محله<sup>۳</sup>. ۶- خشک لات. ۷- رضامحله. ۸- کَرّجی<sup>۴</sup> محله. ۹- باغ دشت. ۱۰- شامراد. محله. ۱۱- میران محله. ۱۲- اوطاق. ۱۳- لدرجان. ۱۴- جُور<sup>۵</sup>. محله<sup>۵</sup>. ۱۵- خیاط محله.

و رودخانهٔ بزرگ خشک رود از سیاه کله رود می گذرد. صید ماهی حلال می نمایند و آبش بسیار گوارا و پاکیزه است. و از کوه سماس می آید. از بابت اجارهٔ [صید] ماهی سی تومان است.

مایین قبله و شرقی به مسافت نیم فرسخ از اوطاق، در بالاسربندبن<sup>۶</sup> در کمرهٔ کوه برجی دارد که ده ذرع بلندی دارد. و به هیچ طرف راه و ممری ندارد مگر اینکه می گویند در میان درّه در شکاف سنگ سوراحی است. باید راهش همین باشد و کسی الی حال نرفته است. از قرار مشهور

۱- به ضم تاء و کاف. ۲- به ضم قاف. ۳- به ضم کاف و سکون لام. ۴- به فتح کاف و سکون راء. ۵- به ضم ج و سکون راء.

مدت برای این، با چراغ در میان آن سوراخ رفتند شب پره بسیار داشت، پرزدند [و] چراغ را خاموش نمودند، اشخاص ترسیده مراجعت کردند. و در خفیه دور برج را به طمع گنج زیاد کنده اند، جز رنج چیز دیگر عایدشان نشده است. و پانزده خانه وار ایلیات فیوج که کسب ایشان خسراطسی و آهنگری است، در سر رودخانه خشک رود سکنا دارد.

### [از بابت راه از سیاه کله رود به رودسر]

از بابت راه از سیاه کله رود به رودسر دو فرسخ و نیم است. از محله اوطاق سر از یرگردیده می رسد به کنار دریا، سر رودخانه خشک رود گذشته، ایضاً رودخانه کهنه خشک رود است. بعد رودخانه لدرجان و رودخانه گزاف رود [است] که [در آن] صید ماهی حلال می نمایند. اجاره اش پانزده تومان است. رد شده، شمشادستان <sup>۱</sup> لیمون جو است می رسد به سر رودخانه پلورود که کوره زده آهنگ می پزند. و آب این رودخانه از کوه سما می آید. صید ماهی حرام زیاد می شود. از بابت صید ماهی حلال اجاره اش یکصد تومان است. در جمع رانکو می باشد. گذشته، چهار رودخانه کوچکی است: اسم اولی - شیر محله. دوم - گیلا کجان سیم - سالو محله. چهارم - بلالیم. می رسد به رودخانه دوست کوه که چند درد کاننی و گالی بوشی [و] نطفروشی و قصابی می باشد، که در ایام هفته روزهای یکشنبه بازار می شود. و کرجیهای بسیار کوچک دارند که در دریا صید ماهی آزاد و سفید می نمایند. رد شده از رودخانه دیگر عبور نموده از کناره دریا رد شده می رسد به رودخانه شیرارود که [به] سر پل مشهور است و آبش از شاخه پلورود است که از ماچیان

سوا می شود. و چند در دکان گالی پوشی در سر بل می باشد.

[رودسر]

و بل چوبی آزادی در سر رودخانه بسته اند، گذشته قبرستان سینه زار بزرگی است [که] مشهور [به] قبرستان ملا میر است. داخل و وارد به رود سر می شود که مال مختصی میرزا محمدعلیخان حاکم لاهیجان است [و] دوهزار تومان هر ساله دریافت می نماید. و بازار بزرگی به طرح کاروانسرا ساخته که چهار دروازه و یکصدوده باب دکان سفالپوشی است که روزهای یکشنبه بازار و جمعیت و دادوستد زیاد می شود. یکصد و بیست خانه وارند. دو باب مسجد [و] يك باب حمام دارد. حاصل برنج ندارد. موازی چهل و دو من به وزن شاه، ابریشم به عمل می آید. و کرجیها به قدر بیست ذرع به جهت دادوستد از میان رودخانه نزدیک بازار می آیند. و اسم رودخانه رود سر، کیارود است. مبلغ هشتاد تومان از بابت اجاره صید ماهی حلال می باشد. مظنه جات رودسر به تاریخ شهر جمادی الاول یک هزار و دو بیست و هفتاد و پنج به وزن يك من شاه:

روغن يك من  
يك تومان

نان يك من  
سی و دو شاهی

برنج يك من  
سی شاهی

نمك يك من  
پانزده شاهی

گوشت يك من  
دوازده عباسی

قند يك من  
پانزده قران

نפט يك من  
سی شاهی

و در سر رودخانه کیارود پل آجری دو چشمه می باشد [و] در پهلوئی  
پل شش در دکان گالی پوشی است. [از رودسر] به لنگرود دوفرسخ است. در  
ایام زمستان چنان گل ولای می شود که عبور به زحمت و مشقت دست می دهد.

### [از بابت راه از رودسر به لنگرود]

از بابت راه که از رودسر به لنگرود دو فرسخ است، از میان بازار و  
پل آجری و میان آب رد شده دست چپ مسجد سفالپوشی میان پشته و  
رودخانه و امامزاده و مسجد چپی نی جان است. بعد ملک و رودخانه ولیسه  
[است. و از] پل آجری ولیسه گذشته راه آب زیاد دارد می رسد به رودخانه  
بزرگ شلمان که در دو طرف رودخانه محله و خانه ها و باغ توت است.  
و آب این رودخانه از ناتشکوه می آید. و ماهی حلال زیاد صید می شود،  
در جمع شیلات رانکو. مبلغ دو یست و پنجاه تومان از بابت اجاره صید ماهی  
حلال می باشد. از رودخانه شلمان و قاضی محله و دریاسر و پل چوبی گذشته  
سبزه زار آخر سامان ملک رانکو است، که طرف چپ [یک] آستانه امامزاده  
می باشد که بسیار جای متبرکه است [و] پل آجری دارد. و خیابان سر راه [ه]  
است و بعد پل کوچکی است.

### کیکلایه

[از آنجا] می رسد به کیکلایه که خانه های سفالپوش دارد. از جمله عمارت  
محصور حاجی میرزا رضا داماد منجم باشی است که یک باب مسجد [و] تکیه  
و مکتب خانه هم بنا نهاده اند. از پل آجری گذشته دست چپ آستانه امامزاده  
است، ایضاً دست راست امامزاده دو برادران است.

### [لنگرود]

[از آنجا] رد شده داخل لنگرود می شود که بندر لاهیجان و رانکو باشد.

و کرجیهای بزرگ از مازندران، شکر و برنج و روغن و عسل و کنجد و باقلا و قلیان کدو و وکل نمند و کرباس و پنبه و غیره می آورند. و از بندر انزلی ماهی شور و ماهی خشک و حصیر و نفط می آورند [و] به پهلوی بازار و محله لنگرود می فروشند. و مال مکاره، اجناس روسیه و باد کوبه هم می آورند [و] به حیطة فروش می رسانند. و آب این رودخانه از لاهیجان می آید و يك قنطره پل آجری دو چشمه در روی رودخانه بنا شده است.

و کنار رودخانه عمارتهای بسیار خوب بنا کرده اند و سه محله دارد: اول- فیشکلی<sup>۱</sup>. دویم- در مسجد. سیم- راپشته.

هفت آستانه امامزاده، چهار باب مسجد، چهار باب حمام، سه باب کاروانسرا، یکصد و پنجاه باب دکان، و پانصد و چهل خانه [وارند]. و کج تابیده خوب در لنگرود [در] عرض سال هزار من به عمل می آید. که يك من از سه تومان الی پنج تومان داد [و] ستد می نمایند. و ابریشم يك من از چهارده تومان الی شانزده تومان. و در تابستان آب و هوای بدی دارد. از بابت اجاره صید [ماهی] حلال رودخانه لنگرود، مبلغ سیصد تومان است. مظنه جات و نرخ مأكولات فریضة لنگرود به تاریخ شهر جمادی الاول یک هزار و دوست و هفتاد و پنج:

برنج مازندان	برنج آکوله تنکابن	روغن تنکابن
يك من به وزن شاه	يك من	يك من
يك قران و هفت شاهی	دو قران	نه قران

گوشت	نان	روغن کسرمانشاه
يك من	يك من	يك من
دوازده عباسی	سی دوشاهی	هشت قران ونیم
چائوی	قند	پنیر
يك گيروانكه	يك من	يك من
سه قران	چهارده قران	پنج قران
نفسط	شكر مازندران	نبات
يك من	يك من	يك من
هفت عباسی	شش قران	چهارده قران
		نمك
		يك من
		دو عباسی

از پهلوی بازار و خانه‌های لنگرود به دریا دو فرسخ و به سفیدرود دو فرسخ و به لاهیجان دو فرسخ [است]. والحاله هذا حاکم لنگرود و رانکو میرزا مهدیخان پسر میرزا عبدالباقی منجم باشی است. ابواب جمع مسالبات هشت هزار تومان [است]. و از لنگرود کنار دریا راه سفیدرود به فرضه انزلی دوازده فرسخ است. و از راه لاهیجان به شهر رشت نه فرسخ [است].

## [از بابت راه از لنگرود به شهر لاهیجان]

از بابت راه از لنگرود که به شهر لاهیجان دوفرسخ است از میان محله و مزرعه لنگرود که به نزدیک هم سه پل آجری دارد، رده شده از رودخانه لیلاکوه گذشته سر بالا است. و راه تا به شهر لاهیجان به دامنه کوه واقع است. و کوه به طرف چپ از ملک لیلاکوه رده شده می رسد به دیوشل که خانه هایشان به دامنه کوه می باشد. بسیار جای با صفا است. و طرف چپ در میان شمشادستان، آستانه امامزاده می باشد. بعد دو مسجد [و] تکیه سفالپوشی است. گذشته کوه دزدبُن می باشد که گرد و بلند است. و به پای کوه سنگهای بلند سر راست زیاد افتاده است. از قراری که مشهور است: دزد حرامزاده به جهت سرقت نمودن اموال مردم در بالای کوه در میان مغاره سکنا داشت. بجز دزدی و خونریزی کاری نداشت. تا این که تاجری که به کرات اموالش سرقت شده بود عداوت و کین دزد را در دل گرفته چند عدد صندوق را پراز مارهای گزنده می نماید [و] سرش را محکم کرده حمل [به] این سامان می کند. دزد خبردار شده پائین می آید اهل قافله فرار می نمایند. صندوقهای مذکور را دزد در بالای کوه میان مغاره می برد به طمع مال. همین که صندوقها را شکست مارها در آمده هلاکش می سازند و مردم از شر او ایمن می شوند. از آن تاریخ مشهور به کوه دزدبُن می شود.

از آن جا گذشته دست راست محله لیارستان است. می رسد به شیخخونه بر که دریای خزر نمایان می باشد. و آستانه امامزاده در آن جا است که از دور و نزدیک به زیارت می آیند. و خانهها و محله اش طرف چپ دامنه کوه واقع است. رد شده ملک چارقنه سر است.



### [شهر لاهیجان]

راه سنگ لاخ، دوره باغ توت، و طرف چپ مسجد سفالپوشی، می‌رسد به اسطبلخ و سبزه‌میدان لاهیجان که سبز [و] خرم است. داخل شهر لاهیجان می‌شود. و شهر لاهیجان از بناهای قدیم است و مربع می‌باشد که عرضش چند قدم کمتر است. طولاً از پای کوه که شعر باف محله است الی سرپل آجری که پردر می‌گویند [و] عرضاً غریب آباد الی تکیه آقا [است]. و حاکم و صاحب اختیار لاهیجان عالیجاه میرزا محمد علیخان است که حکمران و مالک سیصد و شصت و شش قریه می‌باشد. و حدود ملک لاهیجان، سمت جنوب کومل<sup>۱</sup> و لیل که سامان عمارلو است. مابین غریبه و جنوب پشاکجی سامان نصرالله آباد، ملک نواب یحیی میرزا [است]. غریبه چهار ده کشیده الی حسن کباده و لشت نشاء کنار بحر خزر [است]. شمالیه کنار بحر خزر گرفته الی دهنه لنگرود [و] شرقی لیلاکوه کشیده الی دیوشل که ملک دیلمانها و خاک رانکو است. و مالیات لاهیجان سوای گمرک، چهل هزار تومان [است].

و بلد مزبور هفت محله دارد: اول- میدان. دوم - گاوبنه. سیم -

پُر دسر. چهارم- کاروانسرا بر. پنجم- خُمیر کتایه<sup>۱</sup>. ششم-  
 اَر دُو بازار<sup>۲</sup>. هفتم- شعرباف محله.  
 یکهارو پانصد و هفتاد خانه وار [ند]. و تکایا با امامزاده بیست و  
 هفت باب است:

اول- چهار پادشاه. دوم- امامزاده در محله گاو بنه. ۳- در پُر دسر<sup>۳</sup>  
 ۴- در کاروانسرا بر. ۵- در خمیر کتایه. ۶- [در] اردو بازار میر شمش-  
 الدین. ۷- آقامیر شهید. ۸- غریب آباد. ۹- آقامیر زاصادق  
 جیرد کان بر. ۱۰- تکیه بر متعلق به میدان. ۱۱- شعرباف محله، که  
 سه باب تکیه دارد. ۱۲- ملامؤمن. ۱۳- آقامیر ابراهیم. ۱۴- تکیه آقا.  
 ۱۵- حاجی باقر. ۱۶- عاقلیه. ۱۷- آقامیر کریم. ۱۸- پنج پیران که  
 پنج مقبره دارد.

و امامزاده‌های بسیار در ولایت لاهیجان مدفون می‌باشند بخصوص  
 در کنار سفیدرود. دو فرسخی شهر لاهیجان آستانه مبارک حضرت سید  
 جلال‌الدین اشرف ابن موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد. و در سنه سیصد و  
 یازده از هجرت آستانه مبارک را گوهر شاد خانم بنت کیا رستم، زینت نمود.  
 که و الحال هده که یکهار و دو یست و هفتاد و پنج است خواستند آستانه و  
 گنبد مبارک را تعمیر نمایند در زیر قبه ثبت بود به اسم گوهر شاد خانم بنت  
 کیارستم که حک کرده بودند به تاریخ قُر و ه<sup>۴</sup> که به حساب ابجد کبیر سیصد و  
 یازده از هجرت نبوی صل الله علیه و آله می‌شود.

حمام لاهیجان ده باب، مساجد یازده باب، مدرسه شش باب، کاروانسرا

۱- به ضم خاء و فتح کاف و یاء. ۲- به ضم الف و سکون راء.

۳- به ضم پ و سکون راء و دال. ۴- به ضم قاف و سکون راء و فتح واو.

پنج‌باب، و هشت میل گلدسته دارد که اذان می‌گویند. دکاکین سیصدباب، خانه‌وار لاهیجان یکهزار و پانصد و هفتاد باب. جمعیت دوازده هزار نفر. در عرض سال موازی بیست هزار من ابریشم و یکصد و بیست هزار خروار. شتری برنج به عمل می‌آید. و ابریشم موازی لاهیجان بسیار اعلا می‌باشد [و] باب فرنگستان است. و اجاره گمرگ لاهیجان بالغت هفت هزار تومان است. بسیار شهر آباد و معمور و اهلس کلاً شیعه مذهبند. و مذهب خارجه در میانشان نیست. خارج شهر، میدان سبز هزار دلگشا دارد که مشهور است به سبزه میدان که آخرش اسطخ پُر از آب می‌باشد که در وسطش خشکی است. از قرار مذکور در سابق‌الایام [در آنجا] عمارت بنا نهاده بودند. و انتهای اسطخ کوه می‌باشد که [اسطخ] در پایان کوه واقع است.

از شهر لاهیجان به لنگرود دو فرسخ و به رودس چهار فرسخ و به رودخانه سُرخانی حدسد گیلان و مازندران مشهور به سفیدتمش، نه فرسخ و به شهر بارفروش چهل و دو فرسخ و به شهر ساری چهل و نه فرسخ و به شهر اشرف پنجاه و هفت فرسخ و به شهر استرآباد از لاهیجان، هفتاد و چهار فرسخ و به شهر رشت از لاهیجان هفت فرسخ است که در ایام زمستان از بسکه گیل ولای و آب است یک‌روز [ه] نمی‌توان این هفت فرسخ را طی نمود.

[بخش دوازدهم]

## [از لاهیجان به شهر رشت]

[از بابت راه از شهر لاهیجان به شهر رشت]

از بابت راه که از شهر لاهیجان به شهر رشت [می رود] هفت فرسخ است. از شهر در آمده [اول] قریه بازه کی گوراب [است]. دویم- تجن گو که که از وسط قریه مزبور خیابان عام است. سیم- کله ده که طرف چپ شارع عام واقع است. چهارم- قریه کیسم است که رودخانه سفیدرود از طرف مغرب آن جا می گذرد محل صید ماهی حرام می باشد و قلیلی ماهی حلال از اقسام ماهی صید می شود. مقرب الخاقان عمید الملک که حکمران گیلانات است با عالیجاه میر علی اکبر خان دریابگی و عالیجاه سیدعلیخان و میر عبدالصمد خان، قرار شراکت داده به مبلغ بیست و یک هزار تومان در میان گذاشته از دیوانیان عظام اجاره نمودند. در هده السنه ۱۲ شهر جمادی الاول یک هزار و دو بیست و هفتاد [و] پنج مشغول عمل گردیدند. و از قریه کیسم به شهر لاهیجان دو فرسخ است. محصولش برنج و ابریشم بسیار اعلا است. و راسته بازاری هم دارد که در ایام هفته، روز چهارشنبه از اطراف جمعیت زیاد به جهت داد [و]

ستد می آیند.

از قریه کیسم به لاکمه سوار شده از رودخانه سفیدرود می گذرد داخل در ملک به پس می شود، می رسد به بازار کوچه اصفهان که راسته بازار بزرگ سفالپوش بایک باب حمام دارد. و از هر صنف اصناف و تجار بنک دار قزوینی در بازار کوچه اصفهان می باشند. و هر روز بازار است لیکن در ایام هفته روز یکشنبه و چهارشنبه باشد [که] در این دو روز جمعیت بسیار از شهر رشت و لاهیجان و سایر جاها به جهت خرید و فروخت می آیند. و به شهر رشت سه فرسخ است. در ایام زمستان زیاد راهش خراب است [و] از بسکه گیل و آب دارد عبور به مشقت و زحمت دست می دهد. از راه خراب در آمده از راه دارخانه حاجی ویشه و قریه شالکو و کردمحل و رودخانه صیقلان رودبار عبور نموده داخل شهر رشت می شود که پایتخت حکمران گیلانات است و در مغرب لاهیجان واقع است.

### [شهر رشت]

تفصیل محلات و گذر و امامزاده‌ها و تکایا و مساجد و مدارس و مکتب‌خانه و حمام و کاروانسرا و دکاکین و غیره دارالمرز رشت به تاریخ یوم‌شنبه شهر رجب المرجب سنه قوی‌ئیل مطابق یک‌هزار و دویست و هفتاد و شش.

اسامی محلات رشت:

- ۱- خمیران زاهدان. ۲- خودزاهدان. ۳- صیقلان. ۴- بازار.
  - ۵- استادسرا. ۶- کیاب. ۷- خمیران کیاب. ۸- چمارسرا.
- امامزاده‌های رشت:

۱- خارج شهر ولی بزرگوار. ۲- محله زاهدان امامزاده عباس و امامزاده اسمعیل دو برادر، ابن امام موسی کاظم علیه السلام اند. ۳- ایضاً در محله زاهدان حضرت معصومه مسمّا به فاطمه خواهر حضرت امام رضا علیه السلام بنت موسی بن جعفر علیه التحیه و الثناء سلام الله می باشد. که در قدیم مسمو مشهور به مزار لال شوی اشتها داشت. و هر ساله و هر ماهه کرامات بسیار از آن آستانه مبارک ظاهر می شود و مردم فیضها می بینند. و اکثر اوقات در شبهای جمعه کرامت ظاهر است [و] خلق بسیار از دور و نزدیک به زیارت

می آیند. ۴- ایضاً در زهدان آقا بادی الله و آقا سید ابراهیم. ۵ و ۶- محله صیقلان بی مقبره و آستانه؛ آقا سید کلان و سرخ بنده. ۷- در خمیران. زهدان بی آستانه؛ چهار برادران. ۸- محله بازار، آستانه آقا چله خانه نظام الدین. ۹- و آستانه مبارکه سید فخر الدین مشهور به آقا فقرا. ۱۰- در محله استادسرا آستانه متبرکه آقا سید ابوجعفر علیه السلام. ۱۱- در محله کیاب بی بی زینب دختر امام موسی کاظم علیه السلام. ۱۲- در خمیران کیاب بی آستانه؛ مشهور [به] دو برادران. ۱۳- خارج شهر آستانه سلیمان داراب. ۱۴- و آقا پیر شریف هم خارج شهر است.

تکایا با سقاخانه سی و شش باب. مساجد بیست و دو باب. مدرسه ده باب. مکتب خانه سی و چهار باب. حمام هفده باب. کاروانسرای آباد هجده باب. دکا کین وسط معموره با محلات یک هزار و بیست و یک باب. خانه وار رشت پنج هزار و یکصد و شانزده باب. مخلوق بیست و هفت هزار و سیصد و چهارده نفر. و مالیات کسل گیلان مبلغ دو بیست و سی و پنج هزار تومان [است].

الحمد لله شهر رشت از شهرهای آباد و معمور گیلان است و اماکن علمای امامیه و فقهای اثنی عشریّه و سکنه تجار معتبر و اهلش کثلاً شیعه مذهبند.

و مجتهدان مشهور و معروف باورع و تقوی دارالمرز رشت:  
 علامة العلماء عمدة المّجتهدين و فخر المحققين شریعتمدار حاجی ملا محمد رفیع زیدتوفیقه و جناب فضیلت و کمالات اکتساب آخوند ملاحسن و آخوند ملا محمد علی و سلالة السادات العظام فخر الحاج حاجی سید عبدالله و

جناب علامی آخوند ملایوسف با سایر علمای اعلام می‌باشند. هر چند همگی مروج دین مبین و خواستمند رفاه مسلمین و مظلومین اند خاصه علامه‌العلماء جناب شریعتمدار رفع‌الله‌قدره فوق ذکره که زیاده بر زیاد در ازدیاد آبادی ولایت و رفاه کل خلائق و حامی دین مبین می‌باشد. هم‌چنان که از سالهای سابق راه جهنم‌دره گیلان به سمت عراق که فی‌الواقع چاه‌ویل بود از بس که گِل‌ولای و آب داشت هر کس گذر می‌کرد خلاصی برایش نبود. و هر ساله خسارت بسیار به تجار و مکاری و مترددین می‌رسید. و پل منجیل هم چندسال بود که خراب شده بود. از اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه‌اسلامیان پناه سلطان‌العادل و الخاقان‌البازل‌السلطان‌بن‌السلطان و الخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌ناصرالدین‌شاه‌غازی خلدالله‌ملکه‌ودولته و سلطان‌نه‌الی‌یوم‌القیام‌درخواست و استدعا نمودند و مرخصی و اعانت حاصل نموده ابتدا اقدام به ساختن پل منجیل کردند<sup>۱</sup> در سنه یکهزار و دوست و هفتاد و پنج در روی هفت‌طاق بنیاد محکم بنا نهادند که تعریف به‌وصف نمی‌آید. و تا به حال به ولایت گیلان چنین پلی کسی نشان ندارد. که مترددین و مسافرین به آسودگی عبور نموده [و] به دعاگوئی ذات اقدس شهریاری روحی فداه مشغول می‌باشند.

و راه کتل منجیل و رودبار و رستم آباد و شاهزاده‌هاشم که گذشتن و عبور نمودن [با] بیم [و] ترس و خوف بود، سنگ‌تراش آورده به‌خوبی و پاکیزگی اصلاح نمودند که حال به جهت مسافرین رفاه کلتی حاصل است. و در روی رودخانه سیاه‌رود هم پلّی از آجر بنا نهاده‌اند و راه جهنم‌دره را تا به شهر رشت که سال یکهزار و دوست و هفتاد و هفت است به‌اتمام



می‌رسانند. و در هیچ عهدی شتر به گیلان نیامده است. قرار داده‌اند که قافله شتر تا به شهر رشت بیاورند. و الحال هذّه که یک هزار و دو یست و هفتاد و هفت است در گیلان زیاد تسعیر غله بهم رسید که مردمان بی چیز از گرسنگی و بی برگی تلف می‌شدند. بعد از اطلاع همگی فقرا را خواسته دو ماهه اخراجات آنها را به اغنیا حواله نموده و خود هم متکفل شدند. و هر قدر سعی کردند که شاید برنج را ارزان نمایند فایده پذیر نشد. هر چند تنخواه به جهت برنج می‌فرستادند می‌خریدند می‌آوردند [و] در شهر از مظنّه دو قران کمتر می‌فروختند چون که این گرانی در ولایت ایران همه جا شده بود. در دار الخلافه تهران برنج یک من به سنگ شاه پانزده قران، و نان شش قران وجود نداشت. هر آینه غلّه عراق نزدیک به درو نمی‌شد و از این طرف از ملک دولت بهیه روسیه آرد و برنج به گیلان نمی‌آمد قحطی عظیمی می‌شد که جمیع مردم تلف می‌شدند. و چنان حرص به اربابان صاحب ملک با انصاف گیلان رو داده بود که هر کدام از یک هزار الی دو هزار قوطی برنج داشتند [و] همه را پنهان کرده بودند. اگر کسی از گرسنگی می‌مرد یک دانه را نمی‌فروختند. خداوند عالم انشاء الله تعالی حرص و آز را از جمیع بندگان خود دور گرداند و در پناه خود نگهدارد.

و در سنوات سابق در گیلان یک قوطی برنج که چهار من سنگ شاه بوده باشد می‌فروختند دو قران و نیم الی سه قران، در سال ۱۲۷۵ قوطی شش قران و در سنه ۱۲۷۶ قوطی هشت قران و در هذه السنه ۱۲۷۷ برنج لنگر کنان، قوطی دو تومان، و آرد لنگر کنان، یک من سنگ شاه سه قران و نیم شده است. و هر چیز از این قرار گران بود.

و الحال هذّه حکمران و والی گیلانات نواب مستطاب شاهزاده کامکار عدالت شعار اردشیر میرزا می‌باشد که رعایا و برابا به آسودگی و مرفه الحال

به دعاگوئی ذات اقدس شهریاری مشغول می‌باشند. و اسباب گلدوزی و لندره-دوزی شهر رشت با اشیاء علاقه‌بندی و شعربافی شهرت دارد. شش باب کارخانه شعربافی در شهر رشت می‌باشد که قصب<sup>۱</sup> و لنگ و پرده و بقچه<sup>۲</sup> دارائی و چادرشب و کلاغی به عمل می‌آورند و دکان گلدوزی بسیار است که رومیز و رواستول و روکفش و قالیچه و پرده و روبالش و کتل تاج<sup>۳</sup> و غیره خوب به عمل می‌آورند. و در شهر رشت در محله کیاب یک میدان سبزه‌زار با صفا دارد که دوره درختهای آزاد از قدیم کاشته‌اند [و] مشهور است به سبزه میدان. و کوچه‌های شهر رشت را از سنگ، فرش نموده‌اند و آب‌خور و نشان از چاه است. و دو مجرا رودخانه در خارج شهر می‌باشد که ارباب سلیقه از آب رودخانه می‌آشامند. یک مجرا که سیاه‌رودبار باشد از کهدم می‌آید و رودخانه دیگر که گوهررود باشد از شفت می‌آید. به جهت آشامیدن، آب گوهررود بهتر است، که هر دو داخل مرداب انزلی می‌شوند.



[بخش سیزدهم]

## [از رشت به دارالسلطنه قزوین]

[از بابت منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنه قزوین و  
زنجان و ایلیات قزوین]

منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنه قزوین و زنجان و احوال  
ایلیات قزوین:

- منزل اول- از شهر رشت به کهدم شش فرسخ [به] حساب چاپارخانه.
- منزل دوم- رستم آباد، شش فرسخ.
- منزل سیم- منجیل، شش فرسخ است. از جهت کوه و کتل ولای هر  
منزل از این سه منزل را دو فرسخ برای چاپارخانه زیادتر حساب می کنند.
- فرسخ حسابی از رشت به منجیل دوازده فرسخ بالاتر نمی باشد که هر منزلی  
چهار فرسخ بوده و می باشد.
- ۴- و از منجیل به خرزان شش فرسخ.
- ۵- و از خرزان به قزوین شش فرسخ، که جملتان به حساب چاپارخانه  
سی فرسخ است.

## [احوال ایلات قزوین]

احوال ایلیات قزوین:

اول چگینی: در عهد آقامحمدشاه مغفور از حرم آباد فیلی خودشان آمدند. هشتصد و پنجاه خانه وارند. سر کرده [ایشان] باقرخان با برادرش خان بابان [است]. مواجب سر کرده یکصد تومان [و] نوکر سواره چگینی چهار صد نفر، سکنه سر کرده باشصت و پنج خانه وار دیگر در شهر قزوین است و سکنه سایرین در طارم از سیاه پوش منجیل، لوشان، خزران الی قزوین و در ساوجبلاغ، بالاسر قشلاق هفتاد خانه وار ایضاً ساکنند. عملشان کشت و زراعت بسیار می نمایند. و گلیم، قالی، جاجیم، سیاه چادر، خورجین، نم، توبره [و] مفرش خوب هم می بافند. [به] تخمین شانزده هزار گوسفند دارند. زبان ایشان لری است به مثل زبان اهل بختیاری، فارسی و ترکی هم می دانند. همه کاسب کارند مگر چند نفر السوات دارد که دسته دارند [و] دله دزدی می نمایند. اسامی آنها: یکی پابارضا و یکی حنارس. هر دو [از] طایفه رفیع خان. یکی دیگر، خدارحم [از] طایفه علی زمان [و] کارشان دزدی است که در جمال آباد لوشان ساکنند [و] از قراری که مذکور گردید دزد مشهورند.

طایفه دوم - قیاس وند: در عهد آقامحمد شاه مرحوم، نصف از فارس و نصف دیگر از حرم آباد آمدند. یک هزار و سی صد نفر و خانه وارند. سر کرده [ایشان] نوروز علی خان پسر احمدخان [و] مواجیش صد تومان [است]. نوکر سواره دو بیست نفر و خانه سر کرده در شهر قزوین است. و سکنه ایل از پل لوشان در میان ملاعلی دره الی یوزباش چای و طرف شرقی الی انبوه حدسدر شونند [است]. [و] مالیات دو بیست و پنجاه تومان نقد بایست رأس بره می باشد. همگی چادر نشینند [و] بیلاق و قشلاق دارند. کاسبی ایشان زیاده از حد زراعت

غله است. و بوستان خربزه و هندوانه هم می گیرند. و قدری برنج درملا-  
علی دره می کارند. [به] تخمین یازده هزار گوسفند دارند که از پشم آنها گلیم،  
قالی، پلاس، جاجیم، سیاه چادر، خورجین، نمد، توبره [و] مفرش می بافند.  
زبان [ایشان] کردی است، فارسی و ترکی هم می دانند.

سیم- کاکاوند [که] از فارس و کرمانشاهان آمدند. ششصدوسی خانه-  
وارند. سر کرده [ایشان] شاهرخ خان [و] غلام رضا خان و ذوالفقار خان [است].  
موجب هر کدام یک صد تومان [است]. نوکر سواره سیصد نفر و خانه سرکردگان  
در شهر قزوین است. و سکنه ایل سمت غربی قزوین در مغلاوا می باشد. [برای]  
مالیات، بیست رأس برهه می دهند. کشت و زرع ندارند [و] کارشان دزدی و راهزنی  
است. مذهب درستی ندارند [و] اعتقادشان زیاد به حضرت داود است. هر  
کدام که دزد هستند به دست خودشان داغ دزدی گذاشته اند. شش هزار و پانصد  
رأس گوسفند دارند. از پشم آنها: گلیم، قالی، جاجیم، سیاه چادر، خورجین،  
نمد، توبره [و] مفرش می بافند. زبان [ایشان] کردی است. و بیست خانه و ارهم  
در شهر قزوین ساکنند.

چهارم- جلیل و ند: نهصد و پنجاه خانه و دارند. سر کرده [ایشان] بدرخان و  
سفر علی خان و موسی خان و قاسم خان [می باشند]. نوکر سواره سیصد و پنجاه  
نفر [و] موجب سر کرده یک صد تومان [است]. و نصف ایل باسرکردگان در  
شهر قزوین [هستند] که جوراب خوب می بافند و نصف دیگر سمت غربی  
قزوین در دهات ساکنند. کاسبی ایشان کشت و زرع است. سه هزار و پانصد  
رأس گوسفند دارند. و کمی دله دزدی به وقت فرصت می نمایند. زبان [ایشان]  
کردی است.

پنجم - کَلْهَر<sup>۱</sup>: دو بیست خانه وارند. سر کرده [ایشان] حضرت قلی خان [و] مواجیش يك صدتومان [است]. نو کرسوار هصصت نفر [و] خانه سر کرده در شهر قزوین است. و سکنه ایل در قشلاق و ساوجبلاغ در خانه‌ها ساکنند. کاسبی ایشان کشت و زرغ است. يك هزار و هشت صد رأس گوسفند [دارند] و از پشم آنها: گلیم، قالی، جاجیم، پلاس، سیاه‌چادر و غیره می‌بافند. زبان [ایشان] کردی است.

ششم - مافی: یک هزار و بیست خانه وارند. سر کرده [ایشان] محمدرضا خان و خسروخان و نصرالله خان و سلیمان خان و هاشم خان می‌باشند. نو کرسواره مافی پانصد نفر [است]. دو بیست خانه وار از ایل مافی سمت شرقی قزوین نزدیک به شهر چادر نشینند [و] کشت و زرغ می‌نمایند. و چهار هزار رأس گاو و گوسفند دارند. و تتمه در شهر قزوین ساکنند. دله دزدی هم دارند. زبان [ایشان] کردی است.

هفتم - بهتوئی: دو بیست خانه وارند. سر کرده [ایشان] بهزادخان [و] مواجیش يك صدتومان [است]. نو کرسواره یکصد نفر [است]. قلیلی در شهر قزوین ساکنند و الباقی در دهات چهار اطراف قزوین ساکن می‌باشند. کاسبی کشت و زرغ و داد و ستد می‌نمایند. گلیم، قالی، جاجیم و سایر چیزها نیز می‌بافند. و گوسفند کمی دارند [و] مالیات نمی‌دهند. و دزدی هم می‌نمایند. و در سال یک هزار و دو بیست و هفتاد و پنج هجری که موکب همایون اعلی حضرت پادشاهی در چمن سلطانیه نزول اجلال ارزانی داشت یک نفر غلام پادشاهی از طهران به سلطانیه می‌آمد. در راه او را الوات ایلیات بهتوئی گرفته مقتول نمودند و اسبابش را به سرقت بردند. بعد از استحضاری و اطلاع اولیای

دولت فرستاده سه نفر از آنهارا گرفته به سلطانیه آوردند. در ماه ذی قعدة به سزای عملشان رسانیدند. زبان [ایشان] کردی است.

هشتم- باجلان: شصت خانه وارند. سر کرده [ایشان] الله یارخان [و] مواجبش یکصد تومان [است]. نوکر سواره سی نفر، نصف در شهر و نصف دیگر در بیرون نزدیکی شهر قزوین چادر نشینند. کاسبیشان داد [و] ستم و گلیم، قالی، پلاس، جاجیم [و] جوراب هم می بافند. مالیات ندارد. پانصد رأس گوسفند دارند. زبان [ایشان] کردی است.

نهم- پای روند قلیچ خانی: چهارصد خانه وارند. نوکر سواره سیصد نفر، همگی در شهر قزوین ساکنند. جوراب خوب می بافند. واسم ایل پای- روند مخاطب به مافی می باشد. زبان [ایشان] کردی است.

دهم- ایل رشوند: یک هزار خانه وارند. سر کرده [ایشان] محمد علیخان [و] نوکر سواره سی نفر [است]. در پهلوی الموت رودبار و شیخ الجبال در سی قریه ده ساکن می باشند و چادر نشین نیستند. و کاسبی همگی زراعت است و رعیتی می نمایند. گلیم، قالی، جاجیم، پلاس با سایر چیزها هم می بافند. سه هزار و پانصد رأس گوسفند دارند. زبان [ایشان] فارسی است.

[از بابت راه منجیل به شهر زنجان]

و از منجیل به شهر زنجان سه راه دارد که گذر از رودخانه شارود و ملک طارم [است]:

راه اول- کلتج طارم است که از منجیل می رود به کلتج و از آنجا [به] سیردان چهار فرسخ [است]. منزل دویم - از سیردان بالای کوه شامه دشت می رود به ماهان، چهار فرسخ. منزل سیم - از ماهان می رود به سلطانیه قریه کاوا، چهار فرسخ. منزل چهارم - از کاوا می رود به شهر زنجان [که]



چهار فرسخ [است].

و راه دویم - راه امبد است. هر چند این هم راهش سخت است لیکن بهتر از راه کلّج و سیردان می باشد. و در راه آب بسیار دارد. عبورش از وزیر چمنی است. منزل اول - از منجیل به امبد چهار فرسخ. منزل دویم - از امبد می رود چهار فرسخ به سِزَنْتَقْ<sup>۱</sup>. منزل سیم - از سزَنْتَقْ می رود به کاکاوا چهار فرسخ. منزل چهارم - شهر زنجان چهار فرسخ. و این دو راه سختام و هوایش سرد [است].

و راه سیم - از منجیل می رود به قیتول چهار فرسخ. و منزل دویم از قیتول می رود به بادامستان شش فرسخ. منزل سیم - از بادامستان می رود به شهر زنجان پنج فرسخ که هوایش گرم است.

#### [دهکده منجیل]

اسم امامزاده منجیل، امامزاده طاهر اولاد امام موسی کاظم علیه السلام و اسم امامزاده حرزه بیل، امامزاده ابراهیم اولاد امام زین العابدین علیه السلام [است].

و پل منجیل حسب فرمان پادشاه اسلامیان پناه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه به سعی و اهتمام مجتهد العصر و الزمان شریعتمدار حاجی ملا رفیع زید توفیق به تاریخ یک هزار و دوست و هفتاد و پنج به اتمام رسید. که هفت طاق بنیاد محکم بنا نهاده است که مترددین و مسافرین به کمال آسودگی عبور می نمایند. چون در منجیل وقت ظهر الی نیمه شب چنان بادی می آید که درختها را خم نموده است. و یک دفعه چنان شد [که] یک نفر آدم را باد از روی پل برداشت [و] میان رودخانه سفیدرود انداخت. و هر کس در رفتن و آمدن

۱ - به کسر سین و سکون زاء و فتح نون.

می خواست از پل منجیل عبور بکنند از ترس باد قبل از ظهر می گذشتند. و باد منجیل از سمت شمال است. هر کس می خواهد قبله منجیل را بشناسد نظر به درختهای زیتون منجیل بنماید که به سمت جنوب خم شده اند. حال الحمدلله هر کس هر وقت بخواهد از پل عبور می کند. و دوطرف پل رادیوار گذارده اند و طاقها را از بنای اول بلندتر و بزرگتر و بهتر و محکم تر ساخته اند.



[بخش چهاردهم]

## [ از منجیل به آستارا ]

[ تفصیل احوال ولایت رحمت آباد ]

تفصیل احوال ولایت رحمت آباد جانب جنوب رشت و مشرق سفیدرود واقع است. حاکم میر ابراهیم خان [است]. و مالیات دیوان چهار صد و هفتاد و پنج تومان [است]. محصولش گندم [و] جو و برنج و ابریشم و روغن زیتون و صابون و روغن قطران و روغن کره و پنیر و جوراب می باشد. بیلاق و قشلاق دارد. کنه و مله نیست مگر کک بسیار است. به قرار بیست و پنج هزار رأس گوسفند و یک هزار [و] پانصد رأس گاو گالشی دارند.

از مقابل نقلبر به بالا در قشلاق، مار گزنده و عقرب و هزار پا و رطیل بسیار دارد. و از جانورهای درنده: ببر، پلنگ، خرس، گرگ، شغال، روباه و یک جور پلنگ کوچکی دارد [که] اسمش را ورشته می گویند. و در سمت قریه کتلشتتر<sup>۲</sup>: کفتنار، خارپشت، خورکه و گورشکاف و

---

۱- به فتح واو و سکون راء و فتح شین. ۲- به فتح کاف و لام و سکون

شین و فتح تاء.

خرگوش و دله‌رزدا به و شنگ و گربه و موش کوهی بسیار است. از قبیل شکار کوهی: گوزن، بز کوهی [و] آهو. از اقسام پرند: قرقاول، کبک، کبوتر [و] تیهو و از قوش‌های شکاری: ترلان کم است و قزل قوش و قرقی و لاجین و قراقوش و دال پرندۀ بزرگ لاش خور است. و درخت‌های بی میوه و میوه‌دار: راج، مازو، آزاد، سمد، اولس<sup>۱</sup> کی کین<sup>۲</sup>، تویه<sup>۲</sup>، گوول<sup>۳</sup>، توسته<sup>۴</sup>، چیت<sup>۵</sup>، قطران، رزبین سرو [که] اسم یک درخت است. بید و بیدمشک، ابرس<sup>۵</sup>، چرم لیوه<sup>۶</sup>، شمشاد، شب‌خس، نونچ که چوبش قرمز است، پتند<sup>۷</sup> و ون<sup>۸</sup>، چنار، شال که صنوبر باشد، سالف، قراتیکان، ازگیل، امرود، به، تبرغو، داغداغان، گیلاس، انگور، سیب، انار، انجیر، آلوچه، زرشک، گردو، بادام تلخ، یمیشان قرمز و سیاه. میوه‌جات آبادی: زیتون، انار ترش و شیرین، انجیر، انگور، به، سیب، آلوچه، شفتالو، زردآلو، شاه‌توت سیاه، گردو، فندق، امرود و در دهات پائین درخت مرکبات دارد. و گل‌پر و سیاه‌دانه، و رزک و ثعلب با تسوت زمین بسیار است. که اهل رحمت آباد توت زمین را چوم بُو<sup>۹</sup> می‌گویند [و] به‌زبان طالشی اِرا<sup>۱۰</sup> و به‌زبان شفتی چِنارک<sup>۱۱</sup> می‌نامند. و دو حوض آب گرم در رحمت آباد می‌باشد. یکی نزدیکی کلشتر در کنار سفیدرود و یکی در رودخان سَنَدَس<sup>۱۲</sup>.

- ۱- به ضم لام. ۲- به ضم تاء و فتح یاء. ۳- به ضم گاف و فتح واو. ۴- به ضم تاء و فتح سین. ۵- به فتح الف و سکون باء و فتح راه. ۶- به فتح چ و فتح واو. ۷- به فتح پ و لام. ۸- به فتح واو. ۹- به ضم چ و باء. ۱۰- به کسر الف اول. ۱۱- به کسر چ و فتح راه. ۱۲- به فتح سین و سکون نون و فتح دال.

## [دهات رحمت آباد]

اسامی دهات رحمت آباد:

- ۱- حرزه بیل. ۲- کلشتر. ۳- ویاپته<sup>۱</sup>. ۴- دکه درّه ورزکا.
- ۵- گتدیان<sup>۲</sup>. ۶- کندسر، مشهور به آقوزبن. ۷- طلابر.
- ۸- گیل و رز<sup>۳</sup>. ۹- فتلك. ۱۰- نَصْفی<sup>۴</sup>. ۱۱- کیا آباد. ۱۲- توتک بن.
- ۱۳- شیرکوه. ۱۴- اسطخچان. ۱۵- فتکوه. ۱۶- شهران.
- ۱- کوشکچان. ۱۸- پرّه. ۱۹- کئوس فروش<sup>۵</sup>. ۲۰- رودخانه.
- ۲۱- پشتهان. ۲۲- کلابره.

## [بلوکات رحمت آباد]

- واسامی بلوکات: ۱- حلیمه جان. ۲- شیخ علی طوسه.
- ۳- کوکنه. ۴- شربی جار. ۵- براگور.

## [دهات ایل نشین رحمت آباد]

- اسامی دهات ایل نشین رحمت آباد: ۱- کلایه. ۲- علی آباد.
- ۳- سندس، حاکم نشین. ۴- دیورود. ۵- گاوخوس. ۶- خرشک.
- درهر قریه از ده<sup>۶</sup> الی سی خانه واریالاتر نمی باشد مگر در حرزه بیل و کلشتر و نصفی و رودخان که دهات نامی رحمت آباد است. یکصدخانه وار ایل عمارلو در رحمت آباد ساکنند. و زبان ایل کُردی عمارلو و زبان رعیت تاتی و گیلکی است. فارسی هم می دانند.
- اسامی ایل رحمت آباد: ۱- طایفه حاکم، پیراصلو<sup>۷</sup>. ۲- دوغ کانلو.
- ۳- ولی لو. ۴- جمع کانلو. ۵- قرخ کانلو<sup>۸</sup> [است].

- ۱- به کسر واو و فتح یاء. ۲- به فتح کاف و کسردان. ۳- به کسرگاف و فتح واو. ۴- به فتح نون و سکون صاد. ۵- به ضم واو و لام. ۶- به فتح دال و سکون هاء. ۷- به فتح الف و سکون صاد. ۸- به فتح قاف و سکون راء و خاء.

و راه‌گذر عمارلو و خرکام از رودخان سندس می‌باشد. و راه‌دیگر از شیخ‌علی طوسه به خرکام می‌رود. موازی هشتاد [و] پنج مسن ابریشم به وزن شاه در رحمت آباد به عمل می‌آید. از رعیت و ایمل پانصد و نود و چهار خانه‌وارند. امام‌زاده‌ها هیجده بقعه [است].

### [رودخانه‌های رحمت آباد]

اسامی رودخانه‌های رحمت آباد که داخل سفیدرود می‌شود: ۱- حرزده- بیل. ۲- کالشتز. ۳- آقوزبن. ۴- علی‌شاه رود. ۵- کُرتوم. ۶- گوهررود نصفی. ۷- سیاه‌رود رودخان از بالا دوشعبه‌است [که] یکی از خرکام و یکی از دوگاه می‌آید. [در این رود] ماهی آزاد و ماهی کولی به عمل می‌آید. ۸- خرشک‌رود، [از آن] ماهی آزاد و قزل‌آلا صید می‌شود. ۹- شهران. ۱۰- حلیمه‌جان. ۱۱- سندس. ۱۲- براگور. ۱۳- رودخانه ذوله‌کی- شربی‌جار، [از آن] ماهی آزاد [صید] می‌شود. ۱۴- رودخانه کوکنه. ۱۵- رودخانه شیخ‌علی طوسه.

### [بیلاق رحمت آباد]

اسامی بیلاق رحمت آباد: ۱- مرجان‌آباد. ۲- نوده. ۳- نوده- عنبر. ۴- خوش‌آب‌خوره. ۵- چال‌سراکی. ۶- گلوزن، منزل و بیلاق میر ابراهیم‌خان است.

### [حدود ملک رحمت آباد]

حدود ملک رحمت آباد: قبله از منجیل و لسوشان کشیده الی بیلاق بَرکُستَر<sup>۱</sup> و شریک ده<sup>۲</sup> عمارلو. شرقیه از شریک‌ده به و ش<sup>۳</sup> کشیده

۱- به فتح باء و سکون کاف و فتح سین. ۲- به فتح وا و سکون شین.

الی دره سینه‌رود و از آنجا به شهیدان سرحد دیلمان. شمالیه از شهیدان کشیده به راه شاهی بزرگ رنکه و از آنجا راسته مرز مشهور تا به راهدار پشته سفیدرود سامان [سیاه] کتل<sup>۱</sup>. غریبه از راهدار پشته سیاه کسل کشیده رودخانه [سفید]رود الی منجیل. و کوه بزرگ رحمت آباد درفک می‌باشد [که چاه یخ‌دا]رد [و] یخ می‌بندند [و] ایام تابستان به مصرف می‌رسانند. [و وقتی در] رشت یخ کم‌باب باشد از آنجا می‌برند. و مغاره [ای در] سمت شمالی دارد [که] می‌گویند در میان او به مثل آدم وزن [و] بچه باگهواره و خیک پنیر، سنگ شده است و انتها ندارد [و] تا خراسان می‌باشد و تاریک است [و] باید با چراغ رفت. و ایضاً از چاه یخ درفک مغاره دیگر دارد الی به مغاره رشی رودخان بیرون می‌آید. و حصار از قدیم دور چاه درفک کشیده‌اند. [و] هر ساله به جهت تردد مردم و کله گوسفند و بزپاره از سنگ‌های حصار ریخته می‌شود بدون آن که کسی تعمیر نماید. اول بهار که ییلاق می‌روند بدون عیب و نقص می‌بینند که به احوال سابق ساخته شده است  
الله اعلم بحقایق الامور.



## [ احوال ولایت عمارلو ]

احوال ولایت عمارلو که در عهد شاه اسمعیل از ولایت روم آوردند. در هذه السنه قوی نیل یک هزار و دو بیست و هفتاد [و] شش حاکم عمارلو نوروز- خان و غلامعلیخان و کاظمخان باقلیخان است. مالیات دیوان سه هزار تومان [و] خانه وار دو هزار و یکصد [نفر است]. نوکر سوار یکصد نفر [و] سر- کرده [ایشان] ولیخان [و] مواجیش یکصد تومان [است].

محصولش گندم و جو و ماش و عدس و نخود و لوبیا و باقلا و کرچک و کنجد و ارزن و پنبه با سایر چیزها و روغن، پنیر، پشم زیاده است. گاو [و] گوسفند بسیار است. به قرار سی [و] یک هزار و یکصد و پنجاه رأس گوسفند و یازده هزار و دو بیست و چهل و پنج رأس گاو دارند که تازه در میان گاوها ناخوشی افتاده می‌میرند. اهلیشان ییلاق و قشلاق دارند. ییلاق حاکم، داماش و قشلاق جیرنده<sup>۱</sup>. و سمت شرقی عمارلور شونده که بالاسرش الموت رود بار است.

### [ دهات عمارلو ]

اسامی دهات عمارلو و بابا منصور: ۱- منجیل. ۲- لوشان. ۳- نمه کوران. ۴- خمول خواب. ۵- بی‌ورزین. ۶- کلوردره.

---

۱- به کسر راء و سکون نون و کسر دال.

- ۷- سنگ رود، آب گرم دارد. ۸- سو کوره. ۹- پارویار. ۱۰- پاکدِه. ۱۱- اسکوئٹن. ۱۲- جیرن دِه، حاکم نشین. ۱۳- میانہ کوشک. ۱۴- عین دِه. ۱۵- یوکنم. ۱۶- ناوہ. ۱۷- خرپو. ۱۸- وی یہ. ۱۹- لایہ. ۲۰- کتیشم<sup>۳۰</sup>. ۲۱- انبوہ. ۲۲- ازخرگام برسہ. ۲۳- ناش. ۲۴- پشتہ کلان<sup>۴</sup>. ۲۵- نُه دِه<sup>۵</sup>. ۲۶- گیلان کش. ۲۷- طالاکو. ۲۸- لیاول<sup>۶</sup>. ۲۹- ماش میان. ۳۰- گیاش<sup>۷</sup>. ۳۱- واطل<sup>۸</sup>. ۳۲- چمئل<sup>۹</sup>. ۳۳- کپل<sup>۱۰</sup>. ۳۴- سی بن<sup>۱۱</sup>. ۳۵- گرد ویشہ<sup>۱۲</sup>.

## [دهات بابا منصور عمارلو]

- اسامی دهات بابا منصور عمارلو: ۱- زکابر. ۲- کوورَظ<sup>۳</sup>. ۳- کشنہ رود. ۴- توتک چال. ۵- تیان دشت. ۶- کاکوستان. ۷- گیروہ<sup>۱۴</sup>. ۸- پاشام. ۹- دَی نَک<sup>۱۵</sup>. ۱۰- چل و اشک. ۱۱- پتل. ۱۲- کمال دِه. ۱۳- نارن دِه. ۱۴- کورہ رود. ۱۵- زردہ کش. ۱۶- دشت رز. ۱۷- طهورث آباد. ۱۸- کنگری. ۱۹- کلتہ جوب<sup>۱۶</sup>. ۲۰- کھکھ چین. ۲۱- تسکین.

و زبان اهل عمارلو کردی است. فارسی و گیلکی هم می دانند. و در کنار رودخانه شاهرود اهل لوشان زراعت برنج دارند. بیست چشمه آب گرم

- ۱- به سکون کاف و کسر دال. ۲- به کسر راء و سکون نون. ۳- به فتح کاف و شین و سکون میم. ۴- به فتح کاف و سکون نون. ۵- به ضم نون و کسر دال. ۶- به فتح واو و سکون لام. ۷- به کسر کاف و سکون شین. ۸- به فتح طاء و سکون لام. ۹- به فتح ج و میم. ۱۰- به ضم کاف و پ. ۱۱- به کسر یاء و سکون نون. ۱۲- به کسر گاف و سکون دال. ۱۳- به ضم کاف و فتح واو و سکون راء و طاء. ۱۴- به فتح واو. ۱۵- به فتح دال و سکون یاء و فتح نون. ۱۶- به ضم کاف و فتح لام.

زیادتر در عمارلو می باشد. و آب که از چشمه بیرون می آید سنگ می شود. و چشمه [ای] دارد که آب او را هر حیوان بخورد می میرد. و زغال قزوین از عمارلو است. و قلیاب [و] صابون و جاجیم و پلاس و گلیم و شلوارپشم در عمارلو به عمل می آید. و میوه جات به قدر کفاف از قبیل انگور و انجیرو غیره دارند.

#### [طوایف عمارلو]

- اسامی طوایف عمارلو: ۱- طایفه ولیخان بی شانلو. ۲- شاهقلانلو. ۳- محمودلو. ۴- چغلاانلو. ۵- چاخم لو. ۶- تی تی کانلو. ۷- میرزاخانلو. ۸- طایفه کاظم خان و نوروزخان باقلی خان. ۹- قبه کسرانلو. ۱۰- منجیلی ها بادرلو. ۱۱- وشمکانلو.

## [ احوال ولایت زیتون رودبار ]

احوال ولایت زیتون رودبار: حاکم میرزا علینقی [است]. مالیات یکهزاروپانصد تومان [و] خانهوار هفتصدونودوهفت باب [است]. محصولش روغن زیتون وگندم [و] جو وصابون وجوراب وشلوار پشم وموازی پنجاه من بهوزن شاه ابریشم [است]. و از رستم آباد به پائین تر برنج خوب به عمل می آید. و درقریه کوشک، عبدالله بیگک باروت خوب می سازد. هفت آستانه امامزاده دارد. اهلسان ییلاق وقشلاق دارند. به تخمین بیستویکهزارگوسفند ویکهزار گاوگالشی و هفتصد رأس قاطر بارکش دارند. اکثرشان حاجی می باشند. و در سرراه درچهارقریه، راسته بازار و کاروانسرا بنا نهاده اند. چون که عبور قافله و مترددین به عراق و طارمات و خسمه و غیره از رودبار است بدان جهت اهلس کاسب کار و مردمان فقیری هستند. زبانشان تاتی و گیلکی است. فارسی هم می دانند. و یک چشمه آب گرم درقریه لئوه<sup>۱</sup> می باشد. و معدن مس وسنگ زغال در رودبار دارد. و میوه جات از قبیل انار شیرین و انگور وانجیر و به وزردالو و آلوجه [و] سیب [و] شفتالو و غیره بسیار است.

و رودبار در [قسمت] غربی سفیدرود واقع است. و كَبَكِ بَسَا ساير شكار  
و فور است.

[دهات رودبارزیتون]

- اسامی دهات رودبار: ۱- کبته. ۲- کلاس. ۳- علی آباد.  
۴- الیزه. ۵- کوشك. ۶- کام بر. ۷- سرخون. ۸- لاکه. ۹-  
دو کاهه. ۱۰- دارستان. ۱۱- تکلیم. ۱۲- خولوم بو. ۱۳- فیله.  
۱۴- گزن. ۱۵- لُووَه<sup>۱</sup>. ۱۶- گنجه. ۱۷- جوبن. ۱۸- اسفندیار.  
مرز. ۱۹- پشته. ۲۰- پیری. ۲۱- کلورز. ۲۲- شمام. ۲۳-  
چَرّیَه<sup>۲</sup>. ۲۴- ایمن آباد. ۲۵- کرارود. ۲۶- راهدار پشته. ۲۷-  
رشتارود. ۲۸- خولك. ۲۹- اسکولك.

۱- بهضم لام وفتح واو. ۲- بهفتح چ و سکون راء وفتح یاء.

## [ احوال ولایت شفت ]

احوال ولایت شفت که در جنوب متصل غربی رشت واقع است. حاکم سعیدخان [و] سرکرده نعمت‌الله‌خان [است]. نوکر تفنگچی پیاده یکصد نفر [و] مالیات سه هزار و پانصد تومان [است]. محصولش برنج، ابریشم و کج لاس می‌باشد. اهلسان ییلاق و قشلاق دارند. وگوسفند [و] گاو بسیار است. در ییلاق: مار گزنده، کلک، کنه. و از قبیل شکار: کبک، گاو کوهی، بز کوهی. و از درنده: ببر، خرس، گرگ، پلنگ، گراز، روباه و موش کوهی. و در قشلاق: ببر، شغال، گراز خورکا و قرقاول بسیار است. و رودخانه‌های شفت که پسیخان و گوهررود باشد داخل مرداب و دریای انزلی می‌شود.

و روغن و پنیر و عسل و موم از شفت عمل می‌آید. و در قریه کومسار سکنه نجبای شفت است که همه عمارت سفالپوشی و خانه‌های خوب دارند. و امامزاده و مزار پیرو صحابه رسول هاشمی صل‌الله‌علیه و آله و سلم در شفت بسیار است. و مزار و مدفن امامزاده اسحق باهمشیره اش ابن امام موسی کاظم علیه السلام در بالای کوه شفت می‌باشد. بخصوص آستانه مبارکه سلطان سالوک معلم علیه الرحمه ابن وهب بن منیه در دامنه کوه شفت به قریه رزاش

می باشد که مردم بعد از فراغ نوغان از دور و نزدیک زیاد به زیارت می آیند.

#### [یبلاق شفت]

اسامی یبلاق شفت: ۱- کم بو، حاکم نشین. ۲- آفر سراً. ۳- آفر. ۴- آرامگاه. ۵- شمرچال، منزل نصیرخان. به غیر از اینها جای دیگر هم یبلاق می نمایند. و از یبلاق حاکم چهار فرسخ به شفت است. و از شهر رشت به بازار پنجشنبه شفت سه فرسخ می باشد. و بازار دیگر در محله قصبه دارد که روز دوشنبه، بازار و جمعیت می شود. [و] مردم به جهت داد و ستد زیاد می آیند. و سکنه سعیدخان حاکم در عثمانندان و نعمت الله خان سرکرده- پسر حاکم مذکور- در نصیر محله می باشد.

#### [دهات شفت]

اسامی دهات شفت: ۱- عثمانندان. ۲- مردقه. ۳- نصیر محله. ۴- شالمان. ۵- بداو. ۶- نیزم<sup>۱</sup>. ۷- امسرگوراب. ۸- لفه بندان. ۹- سیاه مزگی. ۱۰- سفید مزگی. ۱۱- قصبه. ۱۲- ذوالپیران. ۱۳- قصبه محله. ۱۴- میر محله. ۱۵- شیخ محله. ۱۶- صیقلان. ۱۷- کومسار. ۱۸- چماچا<sup>۲</sup>. ۱۹- خمیران. ۲۰- ناصران. ۲۱- تکرم. ۲۲- پیر محمدسرا. ۲۳- خرم آباد. ۲۴- لاسک. ۲۵- شاه نشین. ۲۶- چوتاشان. ۲۷- چوبیر. ۲۸- درخان<sup>۴</sup>. ۲۹- طلاقان. ۳۰- گل سران. ۳۱- شالنده<sup>۵</sup>. ۳۲- خطیبان. ۳۳- رز آش.

۱- به کسرفاء و سکون راء. ۲- به کسر زاء و سکون میم. ۳- به ضم

چ اول. ۴- به ضم دال و سکون راء. ۵- به سکون لام و کسر دال.

۳۴- کولوان. ۳۵- لیفکو خندان. ۳۶- خورتوم.  
 و یک جلد کلام الله خط کوفی در چماچا به پیرسرا می باشد. مشهور و  
 معروف است [که] به خط جناب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام  
 [است] که مردم زیارت می نمایند<sup>۱</sup>.



## احوال ولایت فومن

تفصیل احوال ولایت فومن که در غربی شهر رشت واقع است. حاکم نصر الله خان [است] و محصولش برنج و ابریشم [است]. زیاد ولایت آباد و معمور است. و در شهر و قصبه فومن خانه‌ها محصور و سفالپوش و [دارای] کاروانسرا و دکا کین و حمام و مساجد و تکیه می‌باشد. گذر و عبور قافله به تبریز، به فومن است. و رودخانه‌های بزرگ دارد که داخل دریا و مرداب انزلی می‌شود. محل صید ماهی حلال است. و فومن قدیم‌تر از رشت می‌باشد. در ازمنه قدیم پایتخت سلاطین گیلان بوده است که الآن در قلعه رودخان به دامنه کوه قلعه صلصال جادو که پادشاه بود و از آجر بنا نهاده موجود و برقرار است. و در کنار بازار هم از علامت قدیم می‌باشد. مالیات خالصه و اربابی ولایت فومن مبلغ سی و یک هزار تومان می‌باشد.

از بلده فومن به ماسوله چهار فرسخ [است]. دو بست و پنجاه خانه وارند. مالیات یک هزار تومان. نایب علی اکریبگ [است]. و معدن آهن در ماسوله می‌باشد. زراعت ندارد و بالای کوه واقع است. اهلسان آهنگر و نعل و میخ ساز و اهل داد [و] ستد می‌باشند. و آذوقه از اطراف می‌آورند [و] به مصرف می‌رسانند.

## [دهات فومن]

- اسامی دهات فومن: ۱- کرد آباد. ۲- مالمان. ۳- کنسر.  
 ۴- بوئین. ۵- پرده سر. ۶- قلعه رودخان. ۷- خسرو آباد. ۸- چمن.  
 ۹- کوده. ۱۰- دوهنده. ۱۱- جورپاسکیه. ۱۲- نفوت. ۱۳- جور.  
 کلاشم. ۱۴- ليله کام. ۱۵- خداشهر. ۱۶- علی سرا. ۱۷- فصابعلی.  
 سرا. ۱۸- ملوسکان. ۱۹- پیش ده. ۲۰- شپله پس. ۲۱- پوستین.  
 سرا. ۲۲- ماوردیان. ۲۳- مهدی محله. ۲۴- راسته کنار. ۲۵-  
 گوراب نصیر. ۲۶- مهوزان. ۲۷- کلدگور. ۲۸- قاضی ده. ۲۹-  
 گاوکده. ۳۰- شولم. ۳۱- زیده. ۳۲- چیران. ۳۳- سیاه پیران.  
 ۳۴- الاله گوراب. ۳۵- حلقوسر. ۳۶- ابرود. ۳۷- شکال گوراب.  
 ۳۸- کهنه گوراب. ۳۹- گشت<sup>۱</sup>. ۴۰- خشکه نودهان. ۴۱- باغبانان.  
 ۴۲- اشکلن. ۴۳- گوراب پس. ۴۴- کامردخ. ۴۵- ملاسرا. ۴۶-  
 کوزه گران. ۴۷- کاسان. ۴۸- پامسار. ۴۹- جیرده. ۵۰- شنبه بازار.  
 ۵۱- سرابستان. ۵۲- شیرذیل. ۵۳- جیرسند. ۵۴- سنگه بجار.  
 ۵۵- خسمخ. ۵۶- چکوسر. ۵۷- لومده. ۵۸- تتف. ۵۹- ازکم.  
 ۶۰- لادمخ. ۶۱- چالوکسر. ۶۲- سیاهرود. ۶۳- جیرپیش خان.  
 ۶۴- نوده. ۶۵- مرخال. ۶۶- سه شنبه. ۶۷- پشالم. ۶۸- کران.  
 ۶۹- خطیب گوراب. ۷۰- لیش پاره. ۷۱- مرکیه. ۷۲- کیکاسر.  
 ۷۳- لادمخ بخاران. ۷۴- خرم بیشه. ۷۵- فلح آباد. ۷۶- مخسر.  
 ۷۷- رودپیش. ۷۸- کیایان. ۷۹- شالده. ۸۰- شاه خال. ۸۱-  
 ماشاتوک. ۸۲- کلفت. ۸۳- خلیل سرا. ۸۴- پیش سار. ۸۵-

- ۸۶- لولمان. ۸۷- کاس احمدان. ۸۸- واقسار. ۸۹-  
 گوراب زرمخ. ۹۰- کوشلونندان. ۹۱- جیر کلاشم. ۹۲- پیرکیان.  
 ۹۳- بچارکنار. ۹۴- صیقلان. ۹۵- جورسند. ۹۶- ماکلوان. ۹۷-  
 قصاب سرا. ۹۸- حسین آباد. ۹۹- چو منقال. ۱۰۰- جامه شوران.  
 ۱۰۱- جوریش خان. ۱۰۲- صیقلان. ۱۰۳- جوربلکور. ۱۰۴- جیر-  
 بلکور. ۱۰۵- پشتیر. ۱۰۶- کسما. ۱۰۷- اباتر. ۱۰۸- عربان.  
 ۱۰۹- واقعه دشت. ۱۱۰- صومعه سرا. ۱۱۱- پیرده. ۱۱۲- سه سار.  
 ۱۱۳- پشده مرسار. ۱۱۴- دو محله قصبه فومن. ۱۱۵- کوزان.  
 ۱۱۶- جیر گوراب. ۱۱۷- کرافکوه. ۱۱۸- کلوندرود امین. ۱۱۹-  
 کلوندرود هادی. ۱۲۰- زودل. ۱۲۱- کشته رودخان. ۱۲۲- کسکره.  
 ۱۲۳- فوتمه سر. ۱۲۴- کله سر. ۱۲۵- شارم. ۱۲۶- سنگ ججو.  
 ۱۲۷- میانده. ۱۲۸- زر کام. ۱۲۹- زعفران. ۱۳۰- پاتاوان. ۱۳۱-  
 ولد. ۱۳۲- راسته کنار مخروبه. ۱۳۳- گربه کوچه. ۱۳۴- نقاره چیان.  
 ۱۳۵- مناره بازار. ۱۳۶- کمسر. ۱۳۷- شیرتر. ۱۳۸- خطیب گوراب  
 حسینعلی خان. ۱۳۹- نصرالله آباد. ۱۴۰- کلف پشت. ۱۴۱- گل افزان.  
 ۱۴۲- جور کله. ۱۴۳- جیر کله. ۱۴۴- فشخام. ۱۴۵- ازبیر.  
 ۱۴۶- ندامان. ۱۴۷- پیرسرا. ۱۴۸- پشت مخ. ۱۴۹- تنیان.  
 ۱۵۰- سورم.

## احوال ولایت تولم

احوال ولایت تولم خالصه پادشاهی که در شمال فومن و در جنوب مرداب انزلی واقع است. حاکم [آن] به تاریخ شهرذی حجه یک هزار و دو بیست و هفتاد و شش محمدتقی خان پسر مرحوم حاجی قاسم خان [است]. و مالیات تولم نه هزار تومان [است]. و محصولش برنج و ابریشم و مرغ [و] ماهی است. یازده مجرا رودخانه دارد که به مرداب انزلی داخل می شود [و از آنها] صید ماهی حلال می نمایند. و مبلغ سه هزار تومان از بابت اجاره شیلات تولم می باشد. و در نزدیکی هنده خساله در سوماندق به دوره اسطوخ بچار کی [به] تخمین نیم فرسخ مسافت دارد و جنگل است. به قرار صد هزار مرغ سیاه که به اصطلاح اهل انزلی قون بیل<sup>۱</sup> و شهری آب قوییل<sup>۲</sup> و سازندرانی دارقاز، در اول بهار می آیند [و] آشیانه می گذارند و جوجه در می آورند [و] در اول تابستان می روند. آدم هوشیار باشد به مسافت نیم فرسخ صدای مرغان را می شنود. و به قرار ده پانزده سال است که آن مکان را خوش کرده آشیانه می گذارند.

۲- به کسرپ و سکون لام.

۱- به ضم قاف و سکون نون و باء و لام.

## [دهات تولم]

اسامی دهات تولم: ۱- کیشستان. ۲- نوخاله. ۳- طولاب.  
 خاله. ۴- هنده‌خاله. ۵- سیاه درویشان. ۶- لاکسار. ۷- سیاوی.  
 ۸- خم‌سر. ۹- نرگستان. ۱۰- لیف‌شاگرد. ۱۱- مرجقه. ۱۲-  
 گوراب. ۱۳- بودیان. ۱۴- سس. ۱۵- مس. ۱۶- شالکا.  
 ۱۷- صیقلان. ۱۸- پس‌خان. ۱۹- جمعه‌بازار. ۲۰- سیاه‌تون. ۲۱-  
 ماتک. ۲۲- کیل‌خوران. ۲۳- ولامندان. ۲۴- مرسال. ۲۵- راسته‌کنا

## [حاکم نشین شاندرمین]

ایضاً جانب مغرب گیلان حاکم نشین اول- شاندرمین. حاکم نصرالله  
 خان، تفنگچی یکصد و پنجاه نفر و بیلاق و قشلاق دارد. محصولش ابریشم و  
 برنج و روغن و پنیر و عسل و پشم گوسفند [و] لباسشان از پشم و کفش  
 چموش است. نیمی طالش و نیمی گیلک می‌باشند.

## [حاکم نشین ماسال]

ماسال - حاکم کاظم خان، تفنگچی پنجاه نفر [و] بیلاق و قشلاق  
 دارد. محصولش ابریشم و برنج و روغن و پنیر و عسل و پشم گوسفند و  
 لباسشان از پشم و کفش چموش است. نیمی طالش و نیمی گیلک می‌باشند.

## [حاکم نشین گیل گسکر]

گیل گسکر جانب مغرب مرداب انزلی است که رودخانه‌ها دارد [و]  
 محل صید ماهی حلال است. حاکم حاجی آقا زیابری [است]. محصولش

ابریشم و برنج است. زبان گیلکی می‌باشد. بیلاقی ندارد.

[حاکم نشین لشت نشا]

جانب مشرق شهر رشت در چهارفرسخی و جنوب بحر خزر، ولایت لشت نشا است. حاکم عبدالله خان [است]. مالیات هیجده هزار تومان. محصولش ابریشم و برنج است.

[حاکم نشین دیلمان]

ایضاً دیلمان. حاکم ابو الفتح خان [است]. بیلاق و قشلاق دارد. محصولش ابریشم و برنج و روغن و پنیر و گاو [و] گوسفند بسیار است. شصت خانه‌وار یهودی در قریه سیاه کل ساکنند. همگی کاسب و اهل داد و ستد می‌باشند.

## [ احوال ولایت انزلی ]

احوال ولایت انزلی که در شمال رشت واقع است با احوال ولایت طالش دولاب و اسالم و کرگانرود و آستارا سرحد دولت علیّه ایران: اول از شهر رشت به سرحد انزلی پنج فرسخ می باشد. يك فرسخ از روی خشکه به پیربازار و از آن جا کرجی سوار شده روی آب رودخانه و مرداب که دریاچه باشد، چهار فرسخ است به انزلی. و حاکم و سرحد [د] ار انزلی به تاریخ بکهزارو دو بیست و هفتاد و شش جعفر قلبیخان انزلی است. مالیات دیوان سیصد و هشتاد تومان [است]. خانه وار سیصد و پنجاه و سه [و] خانه های شان اکثر گالی پوش است. دکا کین: یکصد و شصت باب. مساجد: سه باب. تکایا: سه باب. حمام: دو باب. توپخانه بزرگ: يك باب. قورخانه بامیان پشته: دو باب. سر بازخانه: يك باب. بئرج باستیان با غازیان: سه باب. عمارت دولتی: يك باب. توپ بزرگ و کوچک که از سی و دو پوند و هشت پوند: شانزده عراده. توپچی: یکصد و پنجاه و پنج نفر. یاور: باقر سلطان افشار. قورخانه چی: ده نفر. جمع نوکر سرحد انزلی با توپچی و قورخانه چی و انزلی و طوالش و شفقی و مهاجر: نهصد و چهل و دو نفرند. و توپخانه و قورخانه و سر بازخانه و بئرجها و عمارت دولتی با بازار و حمام و چهل [و]

پنج باب خانه سفالپوشی است [و] باقی مانده از چوب و نی ساخته اند. و اهلسان کاسبند و داد [و] ستد و کرجی بانی می نمایند و حاصل زمینی ندارند. سه طرف انزلی آب است و طرف غربی خشکه. که در توی جنگلش سوای خرگوش و شغال و گراز حیوان دیگر ندارد. و در انزلی کک و پشه بسیار است. در پاره [ای] خانه ها ساس هم دارد. و خود انزلی دو محله است و دو طایفه دارد: یکی طایفه سُرخِی که ایشان را از ولایت سمنان از قریه سُرُخک<sup>۱</sup> سه فرسخی شهر سمنان در اوخر دولت صفویه، به این ولایت آورده اند. و طایفه دیگر مشهور [به] استاد محمدرضی است.

اصل زبان گیلکی می باشد، ترکی و فارسی هم خوب می دانند. و همگی شیعه مذهبند.

و سمت شرقی آن طرف رودخانه، غازیان است که چهل خانه وارند. یکصد و سی تومانیان دیوان دارد. کدخدای [یش] حسین جان [است]. اهلسان حصیرباف و کرجی بان و مالا و سماک می باشند. و قلیل ابریشم و کنجد و کف-ریسمان به عمل می آید. خالصه شاهی است.

و سمت جنوب انزلی میان پشته است که قورخانه و باغ شاه در آن جا است. قلیل ابریشم به عمل می آید. و باغ خربزه و هندوانه بسیار است و حصیرهم می بافند، به پای حصیر غازیان نمی رسد. و سماکی و مالائی و کرجی بانی هم می نمایند. مالیات [آن] سی و پنج تومان [است]. کدخدای [یش] تقی [نامی] است. خانه وار میان پشته بیست و پنج باب است.

و در نویر، آخر محله انزلی به قرار یازده من ابریشم به عمل می آید. و

۱- بهضم سین و سکون راء و فتح خاء.



در انزلی و توابع انزلی درخت مرکبات بسیار دارد. و از انزلی به اول خاک طالش دولاب چهار فرسخ است. اول چهار فریضة خالصه شاهی. منال دیوان دوپست [و] هفتاد تومان است. و حدود ملک چهار فریضة: شرقی انزلی، غربی چابجار، جنوب مرداب [و] شمال بحر خزر.

### [از بابت راه از انزلی به کپورچال]

از بابت راه از انزلی که به کپورچال آخر ملک چهار فریضة، چهار فرسخ است. از انزلی در آمده طرف چپ قریه کلویر، دویم - بشم، سیم - گلوگاه مال ورثه حاجی علی حسن [و] چهارم سنگاجین و [از] کچلک محله گذشته کپورچال است.

کندخدايش کربلائی ملک است. و دوپست [و] سیزده باب خانه وار چهار فریضة است. که پنجاه [و] پنج من ابریشم به وزن شاه به عمل می آید. زراعت برنج و گندم ندارند. کرجی بانی و مالائی و سماکی و داد [و] ستد می نمایند. و بستان خربزه و هندوانه و کدو بسیار است. و کنف ریسمان و کنجد هم می کارند [و] به مصرف خود می رسانند. مباشر کُل حسن جان و میرزا مهجید می باشد. و مرغ آبی و چنگر زیاد به عمل می آید. از کپورچال گذشته اول خاک طالش دولاب [دهگده] چابجار است.

## [از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب]

از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب که جانب مغرب گیلان واقع است. حاکم [آن] حسین قلیخان، تفنگچی پیاده نو کردیوان یکصد و پنجاه نفر [است]. خانه وار دو هزار و هشتصد و چهل و نه باب و مخلوق چهارده هزار و ششصد و چهل و چهار نفر [است]. امامزاده مشهور معروف بقعه دار پنج آستانه و امامزاده بی بقعه، مشهور به امامزاده، چهل و پنج [آستانه]. و دو بازار دارد که در ایام هفته یوم چهارشنبه و یوم پنجشنبه بازار می شود و یک باب حمام در سر بازار چهارشنبه، حاکم بنا نهاده است.

موازی پنجاه [و] هشت هزار و پانصد خروار برنج و دو هزار و پانصد و پانزده من ابریشم و پانصد و پنجاه من عسل و چهل خروار [روغن] و یکصد و پنجاه خروار پنیر و یک هزار و یکصد خروار دوشاب اربه و سیصد هزار دانه گردو و دوازده هزار قواره شال سرداری و برمه<sup>۱</sup> و شلوار و چو خا به عمل می آید. و الحالته هذا که یک هزار و دو بیست و هفتاد [و] شش است در میان گاو-ها ناخوشی افتاده تلف شده اند. و مساوی ده رأس گامیش و دوازده هزار گوسفند و یک هزار و یکصد و پنجاه رأس اسب [و] مادیان دارند.

و شش مجرا رودخانه به شرح ذیل از طالش دولاب داخل مرداب انزلی می‌شود که [در آنها] صید ماهی سفید می‌نمایند. اجاره‌اش دویست و هشتاد تومان است. اول - ملک‌خاله. ۲ - بچارخاله. ۳ - کچلک. ۴ - صفی-خاله. ۵ - شیل. ۶ - کرگان.

ایضا هشت مجرا رودخانه از طالش دولاب داخل بحر خزر می‌شود که [در آنها] ماهی آزاد صید می‌نمایند: اول - ملارود، ربع فرسخ گذشته. ۲ - آشور-کند است. ۳ - شفارود. ۴ - سندیان. ۵ - نوکنده. ۶ - آله‌کام. ۷ - سیمبرخاله. ۸ - دیناچال، حد سد طالش دولاب با اسالم. و اهل طالش دولاب دو مذهب می‌باشند: شیعه و سنی. آنکه شیعه است در گیل دولاب ساکنند و آنها که سنی‌اند در طالش دولاب ساکن می‌باشند.

#### [دهات گیل دولاب]

اسامی دهات گیل دولاب [که] سکنه [آن] اهل تشیع [و] زبان‌شان گیلکی است. طالشی و ترکی و اکثرشان فارسی هم می‌دانند. بشرح ذیل است:

- ۱- چابجار. ۲- چنگیران. ۳- وارسرا. ۴- گیل چالان.
- ۵- تربت برسید شرف شاه. ۶- شانہ‌پاور. ۷- سیاه‌وزان. ۸- کچلک.
- ۹- سه‌کام. ۱۰- رودبارسرا. ۱۱- طارم‌سرا. ۱۲- شیخ‌سرا.
- ۱۳- آدم‌سرا. ۱۴- ساسان‌سرا. ۱۵- لکتارسرا. ۱۶- سیاه‌بولاش.
- ۱۷- رضوان‌ده غریب‌بنده. ۱۸- رودپشت. ۱۹- ممدوکان.
- ۲۰- روسر. ۲۱- خیمه‌سر. ۲۲- آشورکند. ۲۳- شفارود.
- ۲۴- بک‌زاده‌محلہ. ۲۵- سندیان. ۲۶- شاشکسو. ۲۷- آل‌کام.

۲۸- سیمبر خاله. ۲۹- نوکنده. ۳۰- دینا چال.

### [دهات طالش دولاب]

اسامی دهات طالش دولاب [که] سکنه [آن] اهل تسنن [و] زبان نشان طالشی است. اکثرشان ترکی و گیلکی می دانند، به شرح تفصیل است:

۱- پره سر. ۲- خالخالیان. ۳- کدوستان. ۴- ارده جان. ۵- چکو.  
 ۶- چاروچ. ۷- مازوپشت. ۸- وانکا. ۹- درّه و آزا. ۱۰- ریشان.  
 ۱۱- پونل، حاکم نشین است. ۱۲- آلان. ۱۳- گالش محله. ۱۴-  
 بیشه سرا. ۱۵- خاله خاله. ۱۶- سیاه و انکا. ۱۷- سیاه بیل.  
 ۱۸- دوران میان رودخان. ۱۹- سترک. ۲۰- شیرنه بر. ۲۱-  
 دشت مین. ۲۲- شیربچه پیر امام زاده. ۲۳- سیفه چومان. ۲۴-  
 واسکام شان. ۲۵- چارواده.

### [بیلاق طالش دولاب]

اسامی بیلاق طالش دولاب به شرح ذیل است:

۱- و اسکا. ۲- پارکام. ۳- مینه رود. ۴- سرا کیلی.  
 ۵- روشن ده. ۶- ازه وشت. ۷- برن. ۸- امیر کوه. ۹- تاوله.  
 کسوان. ۱۰- کوله. ۱۱- دشت دامان. ۱۲- آرو و چول.  
 ۱۳- ریناج، حاکم نشین است. ۱۴- سینده دده. ۱۵- اسپت.

---

۱- به فتح دال و کسر راء و سکون هاء و زاء. ۲- به فتح الف. ۳- بد  
 فتح لام و سکون هاء و کسر لام دوم و سکون هاء دوم. ۴- به سکون نون. ۵- به فتح  
 سین و راء. ۶- به سکون شین. ۷- به فتح باء و راء و سکون نون.  
 ۸- به فتح الف و سکون راء و ضم واو و چ و سکون لام. ۹- به کسر سین و  
 سکون نون و فتح دال و سکون هاء و کسر دال و سکون هاء دوم. ۱۰- به کسر  
 الف و سکون سین و تاء.

۱۶- عروستان. ۱۷- رنگ آب. ۱۸- برزه کوه، دو امامزاده دارد.

### [احوال کلی طالش دولاب]

از قشلاق الی<sup>۱</sup> ییلاق پنج فنطره بل چوبی و شش مجرا آسیاب دارد. نرسیده به واسکا در وسط راه قبری است که مردم [آنرا] سنگ سار و چوب سار می نمایند. سالی يك دفعه در وقت بهار چوبهائی که روی قبر می ریزند آتش می گیرند، معلوم نشد که خود به خود آتش می گیرد یا این که مردم آتش می زنند. می گویند قبر مردی است که با دختر خود زنا نموده است. الله اعلم به حقایق الامور. و به قرار دویست و پنجاه خانه وار طایفه خاشابری در طالش دولاب می باشند. و معنی خاشابتر<sup>۱</sup> این است [که] می گویند جد جد ما در خانه اش از استخوان بود، مشهور به خاشابر شد. زیرا که به زبان طالشی استخوان را خاش<sup>۲</sup> می گویند. و در را بر<sup>۳</sup> می گویند. و در میان طایفه خاشابری، سی خانه وار طایفه دیگر هست که مخاطب به شیرازی می باشند. مذکور نمودند که اصل ما از شیراز است. در عهد قدیم دوسه نفر از شیراز آمده در طالش دولاب تأهل اختیار نموده ساکن شدیم. الآن مشهور [به] شیرازی و همگی سنتی مذهبند.

اهل طالش دولاب ییلاق و قشلاق دارند. محصولشان برنج و ابریشم و شال چوخا و برمه و شلووار و روغن، پنیر، عسل و شیر و گردو و جوراب می باشد. و در ییلاق گندم [و] جو می کارند. که مارگزنده، ببر، پلنگ، گرگ، خرس، خرگوش، روباه، شغال و موش کوهی و کک بسیار است. و که ومله ندارد. و شکار کوهی از قبیل پرزه که آهو باشد و گس و کوهی و قراول و کبک و فور دارد. سنگ و دله و کک و ساس که سر خک<sup>۴</sup> باشد با

۱- به فتح باء. ۲- به سکون شین. ۳- به ضم سین و سکون زاء. ۴-

پشه در قشلاق بسیار است. و میوه جات از هر قسم و فوراست. و در خانه حاکم که [در] پونل باشد، مرکبات زیاد دارد.

کُلّ طالش دولاب و گیل دولاب همه تفنگچی می باشند. هرگاه حاکم بخواهد پنج هزار تفنگچی درمی آورد. و حکم حاکم زیاد مجری است. عزل و نصب در حکومتشان نشده است. و رعیت بی اذن حاکم آب نمی تواند بخورد. و حسین قلیخان که حاکم است زیاد با رعیت سلوک و رفتار خوب می نماید.

پنج برادرند از علی قلی خان مرحوم: اول - حسین قلیخان حاکم. دوم - امیر اصلان خان. سیم - ذوالفقار خان. چهارم - طهماسب قلیخان. پنجم - صادق خان مشهور [به] بیوک خان.

و حسین قلی خان سه سردار دارد: اول - جعفر قلیخان. دوم - امان الله خان. سیم - علی قلی خان مشهور [به] خان خانی.

و علامت قدیم در طالش دولاب قلعه کُلّ شانه پاور<sup>۱</sup> است که یک چشمه آب زلال از دور خندقش جاری است. و آثار دیگر ندارد مگر خورده آجر در دور قلعه و خاکریز ریخته است، و کسی صفت نمی دهد که در چه عهد بنا شده است. در ایام زمستان از پونل راه دارد که از سنده عبور نموده می رود به خلخال. و در ایام تابستان از راه آرده<sup>۲</sup> و دشت دامان به خلخال می رود. که اول ده خلخال ختمس<sup>۳</sup> و اسکستان<sup>۴</sup> بوده باشد.

حد سدّ طالش دولاب: شرقی، از چابجار کنار بحر خزر کشیده الی گیل گسکر حاجی آقا و شاندرمین. جنوب، کوه البرز به ملک و سامان خلخال.

۱- بهضم گاف و سکون لام. ۲- بهفتح الف و سکون راه و فتح دال.

۳- بهفتح خاء و میم. ۴- بهفتح الف و سکون سین و فتح کاف.

غربی، از برزه کوه طالش دولاب کشیده الی دیناچال. شمالی، بحر خزر است. و از کنار دریای خزر به پونل يك فرسخ، و از پونل به ریناج شش فرسخ، و از ریناج به ختمس<sup>۱</sup> خامخال سه فرسخ [است]. که از کنار دریا به خلخال ده فرسخ [است]. و پهنائی شرق [و] غرب چهار فرسخ است. و لباس اهل طالش دولاب از پشم است. و پاپوششان چموش که تیکه چرم بوده باشد. و طالش صاحب پول و گیلک صاحب قرض می‌باشند. و هر نفر رعیت که بخواهند زن بگیرند از ده تومان الی بیست تومان مهر جواز و اذن به حاکم می‌دهند. و [از] رودخانه‌های طالش که داخل بحر خزر می‌شود ماهی آزاد صید می‌نمایند [و] مبلغ سیصد تومان دیوان دریافت می‌نماید. و سنگ وزن طالش دولاب دو قسم است:

یکی سقط که چهارده فوند و نیم است و یکی سنگ وزن ابریشم و برنج و عسل و پنیر و غیره [که] شانزده فوند و سه چتور بالا است. و در کل طالش دولاب پنج آسیاب و بیست و یک آب‌دنگ می‌باشد. زیاد ولایت آباد و معمور است.

## [ از باب احوال ولایت اسالم ]

از باب احوال ولایت اسالم به تاریخ یکهزار و دو بیست و هفتاد و شش: حاکم محمد قلیخان [است]، تفنگچی نو کر پیاده پنجاه نفر [که] مأمور سرحد انزلی می‌باشند؛ خانه‌وار اسالم هفتصد و نود و یک باب [و] مخلوق چهار هزار و دو بیست و چهل نفرند.

ابریشم بسیار بد چو کش یکصد و پنجاه من [و] برنج بیست و پنج هزار خروار [است]، گوسفند پنج هزار و دو بیست رأس، روغن بیست و پنج خروار، پنیر پنجاه و پنج خروار، عسل ششصد و پنجاه من، گرد و دو بیست و پنجاه هزار دانه، شیرۀ اربه دو بیست و پنجاه خروار، گندم و جو ششصد و پنجاه خروار، شال چو خا و برمه [و] سرداری و شلوار سه هزار و پانصد قواره. و امسال در میان گاوها ناخوشی افتاده [و] مرده‌اند. کومه مرغابی از دیناچال تا نوارود که صید مرغابی می‌نمایند، دو باب به کنار دریا واقع است.

در ایام هفته روز یکشنبه در نوارود بازار می‌شود. و آنها که در



اسالم ساکنند طالش و گیلک می‌باشند. دو ثلث سنی، یک ثلث شیعه مذهبند. گیلک صاحب قرض و طالش صاحب پول‌اند. لباسشان پشم و کفششان چموش می‌باشد. محصولشان برنج، ابریشم، گندم و جو، عسل، پنیر، روغن، شیر، گردو و شال‌چو خا است. اهلسان ییلاق و قشلاق دارند. ساس، کک و پشه در قشلاق بسیار است. و [از] رودخانه‌ها که داخل بحر خزر می‌شود ماهی آزاد صید می‌نمایند [و] مبلغ دو بیست تومان دیوان دریافت می‌نماید. و حاکم از رعیت که ماشک‌دار است یک تومان و از بل‌دار<sup>۱</sup> پنج هزار دینار می‌گیرد. و هر کس هم که بخواهد تأهل<sup>۲</sup> اختیار نماید از ده تومان الی پانزده تومان پول مهر جواز اذن به حاکم می‌دهند. و همگی تفنگچی می‌باشند.

در ییلاق: بیر، پلنگ، خرس، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و موش کور و مسار گزنده می‌باشد. و شکار از قبیل: پرزه و گاو کوهی و کبک و قر قاول و غیره بسیار است. در قشلاق: شنگ و دله یافت می‌شود.

#### [دهات اسالم]

- اسامی دهات اسالم: ۱- کیکاسر. ۲- خال سرا. ۳- الالان.<sup>۳</sup>  
 ۴- نوارود ۵- کِه‌سَم. ۶- لاتائی. ۷- کیاسرا، حاکم‌نشین است.  
 ۸- کوله سرا.

#### [ییلاق اسالم]

- اسامی دهات ییلاق اسالم: ۱- نو. ۲- اومیر، منزل حاکم. ۳-  
 اللّه ده.<sup>۴</sup>

اسامی رودخانه‌های اسالم که در سهمجرا ماهی آزاد صید می‌شود [و]

- ۱- به ضم باء و سکون لام. ۲- به فتح الف. ۳- به کسر کاف  
 و فتح سین.

نه مجرا اسم ندارد. ۱- خال سرا. ۲- الالان. ۳- نوارود.  
و امامزاده چهارآستانه [دارد]. حدود ملك اسالم: شرقی- دیناچال،  
ملك طالش دولاب. غربی- گلفرود، ملك کرگان رود. جنوب - کوه البرز،  
ملك خلخال. شمال- بحر خزر. عرضاً دو فرسخ. طولاً الی خلخال، ده فرسخ.

## [احوال ولایت کرگان رود]

احوال ولایت کرگان رود. حاکم فرج الله خان [است]. نوکر تفنگچی پیاده خارج نظام، دویست نفر. زیاد ولایت آباد و معمور و حاصل خیز می باشد.

بدین قرار است در عرض سال: برنج یکصد و نود و پنج هزار خروار - اسبی. گندم و جو پانزده هزار خروار اسبی. ابریشم چو کش بتدک که یک من پنج تومان است، هفتاد و پنج من. عسل دو هزار و پانصد من. روغن یکصد و پنجاه خروار. پنیر یک هزار و پانصد خروار اسبی. بیه یک هزار و پانصد من. موم دویست و پنجاه من. پشم چهارصد و بیست و پنج خروار اسبی. شال چوخا و برمه و سرداری و شلوار بیست و یک هزار قواره. جوراب هفت هزار و پانصد زوج. جاجیم یک هزار تخت. شیر و سیصد و پنجاه خروار اسبی. گوردو هفتصد و هشتاد هزار دانه. گوسفند هشتاد و پنج هزار رأس. گاو دو هزار و پانصد رأس. گامیش پانصد و پنجاه رأس.

خانه وار از شیعه و سنی شش هزار و نهصد و نود و پنج باب. مخلوق چهل و یک هزار و سیصد [و] هشتاد نفر. امامزاده پانزده آستانه. به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد [و] شش حاصل برنج کرگان رود را قدری ملخ

خورده است. و گاوهایی ایشان هم زیاد از ناخوشی مرده‌اند. آدم بود که سیصد رأس گاو داشت [که] همگی تلف شدند. و حاکم را طایفه عاشق زور می‌گویند که جدشان مطرب بوده است. و کرگانرود در جمع آذربایجان بود و در عهد حکومت معتمدالدوله منوچهرخان والی گیلان، در جمع گیلان شد. و حاکم بالاستقلال کرگانرود فرج‌الله‌خان پسر بالاخان می‌باشد که زیاد تسلط به سر رعیت دارد و بسیار جبر [و] تعدی به رعایا می‌رساند. و رعیت داد [و] بیداد دارند که به دست شداد نمرود گرفتار آمده‌ایم و کسی نیست که به‌داد ما برسد. و پول بی حساب زیاد از رعیت می‌گیرد. مثلاً در عرض سال مبلغ سیصد تومان از بسابت پول شیل به دیوان می‌دهد [و] در عوض از جمیع رعایا، آنها که ماهی گیرند و آنها که نمی‌گیرند و شبان و گالاش هستند و بالای کوهها در بیلاق می‌باشند، هر خانه‌ای پنج قران می‌گیرد. و طایفه بالاخان شیعه مذهبند لیکن فرج‌الله‌خان دین [و] مذهبش معلوم نیست. روزه نمی‌گیرد، نماز و غسل نمی‌کند [و] عوض آب، شراب می‌خورد. و چند طایفه در کرگانرود می‌باشند. اصل رعیت طالش است و آنها که غریبه‌اند تُرکنند [که] از محال اردبیل و خلخال آمدند [و] ساکن شدند و یک طایفه گالاش است. و طایفه دیگر گیلک است که در هر قریه دوسه خانه‌وار ساکنند. و آنها که طالشند همه سنتی مذهب می‌باشند. و طایفه حاکم و ترک باگیلک شیعه هستند که نصف کرگانرود شیعه و نصف دیگر سنتی می‌باشند.

و دهات کرگانرود از بحر خزر کشیده است الی دامنه کوه البرز [و] ناحد سد خلخال و اردبیل [و] به کنار دریا هشت فرسخ [است]. و پهنائی از گلفرود الی قراسو حد سد آستارا هشت فرسخ و از کنار دریا به دامنه کوه، یک فرسخ است.

و پاره‌ای جا تفاوت زیاد دارد. و آنها که کندهٔ عسل دارند خانه‌هایشان [در] دامان کوه است. و در دشت کندهٔ عسل نگه نمی‌دارند. و اهلیشان بیلاقی می‌باشند. و کوهها که در مقابل دهات است به اسم همان ده خطاب می‌شود. مثلاً نمیر در مقابلش کسوه هست می‌گویند نمیر داغی، و کوه نمیر. یا خطیب سرا مقابلش کوه می‌باشد می‌گویند کوه و بیلاق خطیب۔ سرا. و رودخانه‌ها هم به اسم دهات خطاب می‌شود. رودخانهٔ نمیر و چوار و خطیب سرا.

و در ایام تابستان از بیلاقات به ولایت اردبیل و خلخال راه دارد و راه مخصوص عبور قافله از آق ایولر می‌باشد. و آن هم دوراه دارد: یک راه حصاوار و یک راه بنامار. وقتی که زمستان برف به شدت بیارد راه بند و مسدود می‌شود که از راه آستارا به اردبیل می‌روند.

و حاصل ابریشم کم است و سر رشته در کشیدن ابریشم ندارند. محصولش برنج، گندم و جو و عسل و روغن و پنیر و پشم و جوراب و شیر و پیه و موم و گردو و غیره می‌باشد. و میوه‌جات سیب، امرود، به و شاه بلوط و فندق با سایر میوه‌جات بسیار است. زبانشان طالشی و ترکی می‌باشد. و ولایت کرگان رود دکان [و] بازار مثل سایر ولایت ندارد. [در] قدیم بازار بود، فرج‌الله خان موقوف کرد. هر چیز بخواهند باید [به] انزلی و یا آستارا بروند [و] خرید نمایند. به جهت همین بازار را موقوف کرد که کسی از احوال ولایت و ظلم [و] تعدّیش باخبر نشود.

هر ساله هفت هشت کشتی برنج و گندم و جو و عسل و موم و روغن و پنیر و گردو و چوب گردو [را] اهل باد کوبه می‌آیند به حاکم تعارف می‌دهند [و] می‌خرند. و جنس فرنگ را بزازدبیلی و خلخال می‌آورند [و] می‌فروشند.

ودر هر قریه يك نفر استاد آهنگر می باشد و سه نفر زرگر هم در کرگانرود نشسته اند. و يك نفر طالش تاجر کس کرگانرودی هر ساله چوب گردو به جهت فروش به حاجی ترخان می برد.

و امامزاده ای در مقابل خطیب سرا مسمّا به میرعظیم است که هر شب جمعه به قدر پنج سیر نفت سفید از قدرت خدای تعالی توی سنگ جوشیده بیرون می آید. و علامت قدیم، قلعه دور خاگریز مشهور [به] قلعه بن می باشد و به دامنه کوه واقع است [و] آثار چندانی ندارد. و اهل کرگانرود لباسشان از پشم است که خودشان به عمل می آورند. و پاپوش چموش است.

ودر کوههای کرگانرود مار گزنده و ببر و پلنگ و گرگ و خرس و خوک و شغال [و] روباه و خرگوش و موش کوهی بسیار است. که دریلاق و قشلاق می باشد. و مار گزنده در قشلاق ندارد. از قبیل شکار کوه: گاو کوهی، بز-کوهی، پرزد، گوسفند و کبک و در قشلاق قرقاول بسیار است. و پشه و ساس [و] کک زیاد است. و از قوشهای شکاری ترلان و لاجین و قزل و قسرقی بسیار می باشد. و يك مرد ابچه ای در شلوار دارد که اسمش پلاس لی می باشد [و] نی زار است. و قوشهای شکاری در آنجا آشیانه دارند و حاکم مستحفظ گذارده است می گیرد [و] به طهران و به هر جا که بخواهد می فرستد.

و فرج الله خان حاکم در ایام زمستان با برادرها در قریه ریگ، قشلاق می نماید که بالای بلندی است و درخت تبریزی که صنوبر باشد، زیاد کاشته اند. و در ایام تابستان به آق ایولر ییلاق می نماید که بسیار ییلاق خوبی است. و در دهاتهای آق ایولر درخت گردو زیاد دارد با فندق. حاصلشان گندم و جو است. و هر ساله ایلیات شاهسون از اردبیل و مغان<sup>۲</sup> به قرار چهار پنج هزار

خانه‌وار چادر نشین به ییلاقات کرگان رود می آیند و زمستان به مغان می روند. از بابت مرتع و علف چو هر خانه يك رأس بسره باروغن و پنیر به حاکم می دهند.

ورعیت کرگان رود پاردهای در ییلاق خانه ساخته اند و پاره‌ای چادر نشینند. و خانه‌های صاحب اوضاع کرگان رود تخته پوش و مسال فقرا گالی- پوش است. و هر رعیت که بخواهد زن بگیرد مبلغ سه تومان پول مهر به حاکم می دهند. و از کرگان رود به آق ایولر چهار فرسخ است که سه قنطره پل چوبی درست کرده اند.

### [دهات کرگان رود]

- اسامی دهات کرگان رود: ۱- وزنه. ۲- نمیر. ۳- چوار. ۴- هویق. ۵- بورمه سرا. ۶- هنزنی. ۷- شلیوار. ۸- خطیب سرا. ۹- لیسار. ۱۰- هرادشت. ۱۱- ممدوار. ۱۲- قلعه بن. ۱۳- دره. کاری. ۱۴- خواجه کاری بسالا. ۱۵- پشته. ۱۶- جمیکوه. ۱۷- گرداب اوزن. ۱۸- ناوان. ۱۹- سوره پشت. ۲۰- طول گیلان. ۲۱- شکر دشت. ۲۲- ربگ، منزل حاکم. ۲۳- طول رود. ۲۴- جولاندان. ۲۵- کوه کاری. ۲۶- رنگرش خانه. ۲۷- سیده کی. ۲۸- تاکی ۲۹- جوکندان. ۳۰- هنده کران. ۳۱- کُرد بی جار. ۳۲- گلرود. ۳۳- حیان. ۳۴- خواجه کاری پائین. ۳۵- طول رج. ۳۶- ارادشت. ۳۷- طوره پشت. ۳۸- نعلکی. ۳۹- گالش. ۴۰- شبان.
- ۷ خانه      ۸ خانه

۱- بهضم کاف و سکون راء.

۲- به فتح راء و سکون ج.

## [بیلاق آق ایولر]

اسامی بیلاقات آق ایولر: ۱- میان کو. ۲- شله وش. ۳- رزان.  
۴- مریان<sup>۱</sup>. ۵- نعون. ۶- اطاق سرا، منزل حاکم. ۷- دیز کا. ۸-  
کورمار.

ایضاً اسامی بیلاقات کرگانرود. ۱- دران. ۲- طیلا ر. ۳-  
چوران. ۴- آله کش. ۵- مکش. ۶- یاستی یال. ۷- دخلا کونی.  
۸- ویل. ۹- هاوز کو. ۱۰- گنجنه کان کونی. ۱۱- گامیش بن.  
۱۲- قلعه بن. ۱۳- آتش کش. ۱۴- سخت دره. ۱۵- بزکجه پونی.  
۱۶- داش باشی. ۱۷- لپان کش. ۱۸- آذرباجان. ۱۹- تگری.  
۲۰- کورمار. ۲۱- گنج خانه. ۲۲- میان کو.

## [رودخانه های کرگانرود]

اسامی رودخانه های کرگانرود [که] هشت فرسخ و سه ربع است از حد  
اسالم به آستارا: ۱- گلرود. ۲- هنده کران. ۳- طولرود. ۴- تاکی.  
۵- عماله جو. ۶- کرگانرود. ۷- پشته. ۸- خواجه کاری. ۹-  
پلک هنوی<sup>۲</sup>. ۱۰- قوزک. ۱۱- قونبیل جو. ۱۲- سرداب خاله.  
۱۳- کیده دهنه. ۱۴- طالب دهنه. ۱۵- ممدوار. ۱۶- لیسار. ۱۷-  
بوره سرا. ۱۸- خطیب سرا. ۱۹- شله وار. ۲۰- هویق. ۲۱- هنزنی.  
۲۲- چوار. ۲۳- نمیر. ۲۴- تا ۲۹- رودخانه کوچک بی اسم [که] شش  
مجر [است].

۱- به فتح میم و سکون راء. ۲- به ضم پ و سکون لام و کاف.



## [آستارا]

اسامی رودخانه‌های آستارا که از حد کرگان رود به سرحد دولت بهیة روسیه دو فرسخ ونیم است: ۱- چلونند. ۲- لوندویل. ۳- خواجه-کاری. ۴- رودخانه خود آستارا.

حاکم وبزرگ آستارا میر سلطان احمدخان [است]. مباشر زمان بیگ [و] کدخدای مشهدی محمدعلی [است]. بندرچی، آقاصفرعلی شیروانی رعیت ایران [است]. مالیات پانصد تومان [و] اجاره بندر هفتصد و پنجاه تومان [است]. تفنگچی نوکر سوار پانصد نفر [است]. خانه چوبی و گالی پوشی سوی خانه حاکم که سفالپوش است، دو بست و پنجاه باب. مسجد، یک باب. حمام، یک باب. دکان چوبی، سی باب. انبار نفت، یک باب. انبار که متاع تجار گذاشته می شود، چهار باب. کرجی بارکن، چهار فروند [است].

محصول که در عرض سال به عمل می آید: برنج هفتصد و پنجاه خروار دیوانی. وش کتان چهل خروار دیوانی. ابریشم شصت من. ودر بالاها گندم و جو به عمل می آید. و مرغ و ماهی زیاد صید می نمایند. هر ساله پنجاه شصت فروند کشتی به جهت حمل و نقل بار تجارتی می آیند.

پارسال به تاریخ یک هزار و دو بست و هفتاد و پنج به قرار هشتاد و دو هزار بوط آهن از ملک روسیه به آستارا آوردند. و گمرک خانه آستارا در اردبیل

می‌باشد. جمیع مناع تجّار که از کشتی بیرون می‌آید سر بسته می‌رود به اردبیل [و] گمرک می‌شود. و از آستارا به اردبیل هشت فرسخ و به نمین پایتخت حاکم، پنج فرسخ و به لنگر کنان چهار فرسخ و به انزلی بیست و یک فرسخ [است]. و در نزدیکی آستارا آب گرمی است که بالاسرش درخت انجیر دارد. هرگاه انجیر در میان آب گرم بیفتد سنگ می‌شود و این مشهور است.

تمت الكتاب به عون الله الملك الوهاب بیستم شهر ذی قعدة الحرام مطابق  
یکهزار و دو بیست و هفتاد و هفت هجرت النبوی قلمی گردید.  
به حسب الفرمایش جناب جلالت و نبالت نصاب، فعامت و مناعت  
انتساب، فراست و کیاست اکتساب مخلصان استظهار صاحب مکرم معظم  
مهربان جنرال برنهارد دارن تحریر شد سنه ۱۲۷۷.



## تعلیقات و تصحیحات و اضافات

صفحه سطر

۱۶/۴ - شلتوك: برنجی كه هنوز آنرا از پوست درنياورده باشند = چلتوك، شالی

(فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۷۰ و برهان قاطع، ص ۷۴۴).

۱۵/۵ - محسن میرزا میر آخورشاه: برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه

کنید به کتاب «تاریخ رجال ایران» تألیف مهدی بامداد، تهران

۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۴۷.

۸/۱۴ - الیجه: الچه = الچه، نام ترکی نوعی از پارچه پشمی الوان و جامه

راه راه رنگارنگ است. مخفف الچه ترکی، لغت نامه دهخدا،

زیر الیجه و فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴۵.

۸/۱۴ - قدك: جامه‌ای رنگین و رای ابریشم، لغت نامه دهخدا، زیر قدك.

فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۶۴۶.

۸/۱۸ - شب گز: مله = غریب گز. قسمی حشره چون کنه و غریب گز، لغت نامه

دهخدا، زیر شب گز.

کرمی کوچک و پهن که خون انسان را مکد و نامهای دیگرش ساس و

سرخک و غریب گز است (فرهنگ نظام، ج ۳، ص ۴۹۳).

جانور کوچکی است از جنس کنه (ناظم الاطباء، ج ۳، ص ۲۰۰۶ و

فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۱۹).

۱۶/۱۸- نان بکسمات: نانی است به شکل نیم کره که در اصل چانه خمیری بوده است که به تنور زده اند و کمی هم شیرین است و در تنور آنرا خشک می کنند.

۱۳/۲۸- الی صحیح است.

۷/۳۳- شله قرمز: نوعی پارچه نخی نازک سرخ رنگ.

۷/۳۳- پلاس: نوعی جامه پشمینه ستر کم بها که درویشان پوشند.

۷/۳۳- جاجیم: بافته ای از پشم تاییده الوان که بسیار زبر و خشن است و بیشتر برای پیچیدن رختخواب و مانند آن بکار رود. فرشی که آنرا

از نمذ الوان دوزند (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۲۰۰).

۷/۳۳- گلیم: زیراندازی که از موی بز و گوسفند بافند.

۱۹/۳۳- ذرع بازال معجمه صحیح است؛ مقیاس طول است معادل ۱۶ گره = ۱۰۴ سانتیمتر. ذرع شاه ۱۱۲ سانتیمتر است (لغت نامه دهخدا).

۱۰/۳۶- پوط: کلمه ایست روسی، و آن وزنی است معادل پنج من و نیم تبریز، و مالیات را بکار است؛ یک پوط، یک حلب، هجده لیتر (لغت نامه دهخدا).

۱۵/۳۷- گمی: بزرگترین قایق چوبینی که در دریای مازندران برای حمل و نقل کالا بکار می رود.

۱۶/۳۷- سالدات *soldat* = سرباز.

۳/۳۸- استول *ostul*: (بضم الف) در بیشتر نقاط گیلان صندلی را گویند، (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۹).

۱۰/۳۸- ماهی حرام: به ماهیهای بدون فلس چون انواع ماهی خاویار گفته می شود.

۱۰/۳۸- یلم: معروف به سریشم ماهی است که برای ساختن «ژله» یا

- «لرزانك» بكار می‌رود. معمولاً آنرا از جدار کیسه‌شنای ماهی  
غضروفی به نام «تاس» که به نام علمی *Aci penser ruthenus, A.*  
«*gulten Stadi*» معروف است تهیه می‌کنند.
- فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۵۲۷، آنرا سریشم نجاری دانسته است.  
۸/۳۹ - ویرس = ورس: (مأخوذ از روسی) اندازه‌ای از مسافت که معادل  
۳۵۰۰ قدم باشد (ناظم الاطباء، ج ۵، ص ۳۸۴۹).
- ۱۳/۳۹ - شالی‌زار: زمینی که در آن برنج کاشته باشند = کشتزار برنج (فرهنگ  
فارسی معین، ج ۱، ص ۲۰۰۰).
- ۳/۴۱ - کردمحل: نام قدیمی کردکوی است. ۲۹ کیلومتری غرب گرگان،  
سرسره‌راهی شوسه گرگان- بندرشاه و بندرگز واقع است (فرهنگ  
جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۲۳۰).
- ۹/۴۱ - ذرع باذال معجمه صحیح است.
- ۱۰/۴۱ - مازو = بلوط: از درختان جنگلی شمال ایران است. نوعی که در  
در این منطقه است به نام علمی «*Quercus Tourn*» شناخته می‌شود.  
عظمت و بلندی این درخت مورد احترام جنگل نشینان است.  
فرهنگ معین مازورا گونه‌ای درخت بلوط دانسته (فرهنگ فارسی  
معین، ج ۳، ص ۳۶۹۶).
- ۹/۴۲ - افرا: (بفتح الف اول و سکون فاء) از درختان جنگلی شمال است  
از تیره «افراها *Acéri nées*» که به نام علمی «*Acer Lobelia*» معروف  
است. درختی است تنومند بابر گهای پنجه‌یی.
- ۸/۴۳ - ماهی کپور: گونه‌ای ماهی است با نام علمی «*Cyprinus Car pio*»  
از راسته «تله‌اوستن‌ها *Téléostéens*» و از تیره «سپیرینیده‌ها

«Cyprinidés» که جزو ماهیان آبهای شیرین است و در رودخانه‌ها و آبهای راکد می‌زید و در شمال ایران نیز فراوان است. رنگش قهوه‌ای مایل به سبز است و در ناحیه پشت تیره‌تر و در ناحیه شکم روشن‌تر است با طول بین ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر.

۱۳/۴۳- شعر باف: کسی که پارچه ابریشمی اعلی بافد (ناظم الاطباء، ج ۳، ص ۲۰۴۷).

کسی که اقمشه ابریشمی بیافد مثل قطنی و زربفت و مانند آن (آندراج، ج ۴، ص ۲۶۳۰).

۱۴/۴۴- شب‌خس: تیره ایست از درخت گل ابریشم که در جنگلهای کرانه دریای مازندران در جلگه و میان بند فراوان است. آنرا در گیلان شب‌خسب گویند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «لغت نامه دهخدا» زیر شب-خسب.

۱۹/۴۵- چادر شب: جامه‌ای که در آن رختخواب و بستر پیچند، (ناظم الاطباء، ج ۲، ص ۱۱۵۴).

چادر رختخواب، چارشب، چارچپ، لغت نامه دهخدا زیر چادر شب.

۲۰/۴۵- پیراهن شیرینیر: قسمی نسج ابریشمی که بیشتر در مازندران بافند، لغت نامه دهخدا، زیر شیرینیر.

۲۰/۴۵ شال چوخا: جامه پشمین که در تبرستان بافند و بیوشند و آنرا چوخه نیز گویند (آندراج، ج ۲، ص ۱۴۶۴).

جامه‌واری که از پشم بافته باشند، (ناظم الاطباء، ج ۲، ص ۱۱۸۲). جامه پشمین که اغلب لباس چوپانان و ماهیگیران است، لغت نامه دهخدا.

۳/۴۷- درخت به چشم (؟)

۳/۴۷- الی صحیح است.

۳/۴۷- درخت تلوی خار (؟)

۱/۵۷- بلوک فندرسک: چون مؤلف دهکده‌های بلوکات دیگر استرآباد را نامبرده ولی فندرسک از قلم او افتاده است، با توجه به یادداشت‌های اعتمادالسلطنه از این دهات نام برده می‌شود:

خیو- دره ملک سلیمان- خور حال- زرین کل- نقی آباد- دار کلا- شفیع آباد- مشو- ماملو- سعد آباد- خان بابین- کلوکی- رامیان- لوده- زوده- سوخته سرا- محله میر- قشلاق- سید کلاته- قارستان قانچی- سبب حسین- حسین آباد- کاسی دار- نر آب- دامنان- ده چناشک- دورمن- ترسم- دوزین- اسفر نجان- کلاسره- ترنجه بن- فارسین فرنگ- فرنگ- سامر- لرد- نیل آباد- وطن- قلعه فامه.

۸/۵۷- طایفه یموت: طایفه یموت تر کمنهای دشت گرگان را تشکیل داده و به دو شعبه بزرگ آتابای و جعفر بای تقسیم می‌شوند. آتابای بیشتر در منطقه گنبد تا پهلوی دژ و جعفر بای در نواحی گو میشان و خواجه- نفس تا نواحی نزدیک پهلوی دژ سکونت دارند. شغل آنها زراعت، تربیت اغنام و احشام، تجارت و کسب است (ایران شهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۸/۵۷- طایفه تکه: بیشتر در ترکمنستان شوروی اقامت داشته و در حدود یکصد خانوار آنها در اطراف گنبد سکونت دارند. قالیچه‌های



معروف و ممتاز تر کدنی نتیجه دستباف زنان این طایفه بوده و در این فن مهارت کاملی دارند (ایران‌شهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۸/۵۷- گوکلان: بیشتر در نواحی کوهستانی شرق دشت گرگان و یک قسمت در اطراف بجنورد و گوکلان سکونت داشته و به داشتن اسبهای ممتاز معروف می‌باشند (ایران‌شهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۱۵/۶۵- سرچاه‌ها است.

۷/۶۶- هری قلعه صحیح است.

۱۷/۷۸- گالی‌پوش: گال، گیاهی است که در گیلان سقف خانه‌های دهقانی با آن پوشیده می‌شود. این گیاه در استخرها و آبگیرها می‌روید. گالی‌پوش: خانه‌های دهقانی که از گال پوشیده شده است (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، ص ۲۰۹).

۴/۷۹- اعلی صحیح است.

۲/۸۰- انزانی صحیح است.

۱/۸۱- شهر اشرف: نام قدیم شهر بهشهر بوده است. این شهر از بناهای دوره صفویه و در عهد سلطنت شاه‌عباس اول بسیار آباد و در سال چندماه محل سکونت پادشاه ایران بوده است. در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی ساری و ۷۸ کیلومتری غربی گرگان و ۸ کیلومتری جنوب خلیج میان کاله واقع است.

طول جغرافیایی آن ۵۳ درجه و ۳۳ دقیقه و عرض آن ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۵۳).

- ۶/۸۸- سورتیج صحیح تر است.
- ۷/۸۹- لنگر کُنان: طالش نشین روسیه.
- ۱۳/۷۹- بلوک میان دورود است.
- ۲/۹۰- کالیوش صحیح است.
- ۱۸/۹۱- معمولاً «عذابی است الیم».
- ۲۱/۹۱- معمولاً «جان به جان آفرین تسلیم کرد».
- ۸/۹۳- ذرع باذال معجمه صحیح است.
- ۲۰/۹۳- شتر گلو: راه آب زیرزمینی که بالوله یا تنبوشه‌های بزرگ در زیر نهر یا رودخانه یا جاده‌ها به وسیلهٔ دو چاه تعبیه کنند تا آب از یک سمت فرو رود و از سمت دیگر بالا آید. چاه آبگیر را «نر» و چاه آب‌ده را «لاس» گویند (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۲۷).
- ۲/۹۵- کالیوش صحیح است.
- ۷/۹۵- ذرع باذال معجمه صحیح است.
- ۳/۹۷- توسرخ: گونه‌ایست از نوع مرکبات با نام علمی «*Pamplemousse*» شبیه پرتقال و لیمو دارای برگهای پهن و خارهای بیشتر و گل‌های بزرگتر و میوه‌اش نیز بسیار درشت‌تر است. طعم آن ترش و شیرین و گوشت آن سرخ است (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۶۵).
- ۳/۹۷- توسبز: گونه‌ای توسرخ که قسمت خوراکی میوه‌اش سبزرنگ است (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۶۵).
- ۳/۹۷- مینا: گونه‌ای مرکبات است.
- ۳/۹۷- پتاوی: گونه‌ای مرکبات است.

۵/۹۷- سلطان مرکبات = دارابی: درختی است از تیره سدابیان جزو دسته مرکبات است بانام علمی «*Citrus decumana L.*». میوه اش بزرگتر از پرتقال و طم آن ترش و شیرین است. رنگ میوه اش زرد و داخلش سبز رنگ است و دارای پوستی ضخیم می باشد.

۵/۹۷- پن پنهنا: گونه ای مرکبات است (؟)

۵/۹۷- نافه: گونه ای مرکبات است (؟)

۵/۹۷- لیموی شاهی: گونه ای لیمو است از گروه مرکبات بانام علمی «*Citrus*

*Limonum dulcis L.*»

۲/۹۸- سلم و تور است.

۲۰/۹۸- لشکر صحیح است.

۱/۱۰۱- علی آباد: نام قدیم شاهی است. دهی بود که در روزهای چهارشنبه

هر هفته بازار عمومی داشته است، ضمن احداث راه آهن مورد توجه اعلیحضرت رضاشاه کبیر واقع شد و نام آن از علی آباد به شاهی تبدیل گردید. ۲۳۷ کیلومتری شمال شرقی تهران، ۳۰ کیلومتری جنوب غربی بابل و ۲۲ کیلومتری جنوب غربی ساری است.

طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه و عرض آن ۲۶ درجه و ۲۸ دقیقه است. اختلاف ساعت آن با تهران ۵ دقیقه و ۵ ثانیه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۵).

۵/۱۰۱- تالاریه = نام یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان شاهی است. این دهستان در طول رودخانه تالار از شمال دهستان بالاتجن الی انتهای رکن کلا واقع و از رودخانه تسالار مشروب می شود (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۷۱).

۵/۱۰۱- او اخر صحیح است.

۲/۱۰۲- زرین آباد است.

۱۲/۱۰۲- چارقد: جامه‌ای که زنان زیرچادر بر سر افکنند. پارچه‌ای سه -

گوشه یا چهار گوشه که زنان بر سر بندند، لغت نامه دهخدا، زیر

چارقد و ناظم‌الاطباء ج ۲، ص ۱۱۵۶.

۱۳/۱۰۲- کُل نمِد: نیم‌تنه نمدی بدون آستین.

۲/۱۰۳- بهمی رسد = بهم می‌رسد.

۱۴/۱۰۶- مقبره ملامجدالدین صحیح است.

۲/۱۰۷- شهر یار فروش: نام قدیم شهر بابل بود. از سال ۱۳۰۶ ق. بابل

نامیده شد. نام جدید، نام رودخانه‌ای است که از ارتفاعات جنوبی

شهرستان سرچشمه گرفته از کنار شهر عبور و در بابل سر به دریای

مازندران می‌ریزد.

طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه و عرض

آن ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه، اختلاف ساعت با تهران ۵ دقیقه

است. این شهر قبل از انقلاب کبیر روسیه یکی از مراکز بازرگانی

مهم شمال کشور و محل واردات امتعه خارجی به علاوه مرکز خرید

محصولات طبیعی و مصنوعی قراء و قصبات عمده مازندران محسوب

و به لحاظ فوق‌بارفروزش ناسیده شده بود (فرهنگ جغرافیایی ایران،

ج ۳، ص ۳۷).

۶/۱۰۹- وزبکا (۴)

۶/۱۰۹- اشپل: اشپل (*ashbol*) (لاهیجان) و در ضیاب و رشت *ashbal*، تخم

ماهی است و در بیشتر نقاط گیلان آنرا نرم کرده با تخم مرغ مخلوط

می کنند و از آن کو کو تپیه می نمایند (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۰۹)

۱۳/۱۰۹- پیرپاس: (؟)

۱۳/۱۰۹- شیلات: پیش از سال ۱۲۷۲ ه.ش. سیاحان محلی سواحل دریای مازندران در مقابل پرداخت مبلغی به عنوان رسوم دیوانی به متصدیان دولتی که عنوان «دریابگی» داشتند، اجازه صید ماهی می گرفتند. در سال مذکور امتیاز صید از طرف دولت ایران به یکی از سرمایه داران روسی به نام «استپان مارتینویچ لیانازوف» واگذار شد. در مهر ۱۳۰۶ ه.ش. شرکت مختلط ایران و شوروی برای مدت ۲۵ سال بهره برداری را شروع کرد. این شرکت در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ ملی گردید و بهره برداری در کرانه های شمالی ایران به ایران واگذار شد. برای اطلاع بیشتر درباره شیلات ن.گک. به فرهنگ فارسی معین، جلد ۵، ص ۹۵۷ و ۹۵۸ و فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۱۶۱.

۹/۱۱۰- مشهدسر: نام قدیم بابلسر است. ۱۸ کیلومتری شمال بابل، کنار دریای مازندران و مصب رودخانه بابل واقع گردیده. طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۳۹ دقیقه و ۵۴ ثانیه و عرض آن ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه، اختلاف ساعت با تهران ۴ دقیقه و ۵۴ ثانیه است. مشهدسر به واسطه موقعیت بندری خود در عصر قاجاریه و پیش از آن مرکز تجارت مازندران مخصوصاً بابل بوده و اهمیت داشته است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۷).

۴/۱۱۰- ماهی اسپک: شاید ماهی «اسبه» *esbele* باشد که از ماهیان فلس دار

بحر خزر است با نام علمی «*Silurus glanis L.*». ماهی است بزرگ  
بادهانی فراخ وریشو.

۴/۱۱۰- ماهی سفید: گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته «تله اوستن‌ها»  
«*Téléostéens*» با نام علمی «*Rutilus frisii Kutum*» که طولش  
در حدود ۵۰ سانتیمتر است. بهترین گونه‌ای ماهی در دریای خزر  
فراوان است و از ماهیهای اصیل دریای مذکور می‌باشد. گوشتش  
سفیدرنگ و خوش طعم است.

۱۹/۱۱۱- لاکمه: نوعی قایق چوبی است.

۴/۱۱۳- کتان‌وش: بوته‌ای که از آن الیاف کتان گرفته می‌شود.

۵/۱۱۳- قلیان کدو: نوعی کدو است که از پوست آن کوزه قلیان درست  
می‌کنند.

۸/۱۱۳- خروار شتری: شاید برابر با خروار اسبی باشد که برابر ۲۰ من  
شاه است.

۵/۱۱۴- پنجره ارسی: قسمی پنجره که آلت کاریهای ظریف و شیشه‌های  
رنگین دارد و برخلاف پنجره‌های عادی، در دو ناو از بالا به پایین و  
بالعکس حرکت می‌کند.

۱/۱۲۱- چنگر: نوعی مرغابی سیاه است به اندازه کبک یا کبوتر که در  
سواحل دریای خزر یافت می‌شود، لغت نامه دهخدا، زیر چنگر.

۳/۱۲۱- ظِلَاجی، صحیح آن طلاچی = تلاچی = تلاچی = کَلَمَه *Koloma*:  
گونه‌ای ماهی استخوانی است که شکل ظاهریش تا حدی شبیه  
ماهی سفید است ولی کمی چاق‌تر از آن و رنگ فلسهایش هم  
قدری تیره‌تر است. نام علمی آن «*Rutilus rutilus Caspicus L.*»

مدت چهار سال در محضر سید کاظم رشتی شاگردی کرد. پس از می باشد و آنرا از گونه های ماهی سفید می دانند.

۳/۱۳۱- ماهی چکاب: (۴)

۳/۱۳۱- ماهی طیل خنس: (۴)

۲۰/۱۳۱- جاورس = گاورس: گیاهی است از تیره گندمیان و از دسته غلات که

دانه هایی شبیه ارزن دارد و به نام علمی *Andropogon arundi naceus*

معروف است. دانه اش از ارزن درشت تر و پوستش هم زبرتر است.

۴۱/۱۳۱- ملته = شب گز.

۷/۱۳۳- فوند = پوند = ۴۵۳/۵۹۲ گرم.

۹/۱۳۵- قره العین: دختر بزرگ حاج ملا صالح برغانی از خاندان صاحب اعتبار

قزوین بود. وی در سال ۱۲۳۳ ه.ق. در قزوین متولد شد. نام اصلیش

«فاطمه» و کنیه اش «ام سلمه» و در بین اقوام و بستگان به «زرین تاج»

مشهور بود و «قره العین» عنوانی است که آسید کاظم رشتی بدو

داده است؛ از طرف سید باب به «طاهره» ملقب شد. وی اولین زنی

است که در عنوان جوانی در واقعه بدشت (نزدیک شاهرود) کشف

حجاب کرد. این عمل باندازه ای غیر مترقبه بود که عده ای از بایان

آنرا پذیرا نشده و ترك آیین بایه کردند. قره العین از روی نوشته ها

و آثار سید علی محمد باب که تازه دعوی خود را آشکار ساخته

بود، به او ایمان آورد. وی زنی فاضل و باذوق بود و شعر نیکو

می سرود. در اواخر زندگی در منزل محمود خسان، کلاتر تهران

محبوس و در سال ۱۲۶۸ ه.ق. شبانه وی را به باغ ایلخانی (محل

فعلی بانک ملی مرکز و بیمارستان آن) در خیابان علاءالدوله

(= فردوسی) برده و خفه کردند و جسدش را در چاهی انداختند.  
 قره‌العین هنگام مرگ ۳۵ سال داشت. از اشعار اوست:  
 گر بتو افتدم نظر چهره بچهره رو برو  
 شرح دهم غم تو را نکته به نکته موبمو  
 از پی دیدن رخت همچو صبا فتاده‌ام  
 کوچه بکوچه در بدر خانه بخانه کوبکوبو

برای اطلاع بیشتر درباره این زن نگاه کنید به کتاب «تاریخ  
 شهدای امر، وقایع تهران»، محمدعلی ملک‌خسروی، سال ۱۳۰  
 بدیع (اکنون ۱۳۲ بدیع است)، ص ۱۲۹ الی ۲۱۵ و کتاب «سخنوران  
 و سرایندگان قزوین»، سید محمود خیری، تهران ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۲۷  
 الی ۱۳۶ و «تاریخ رجال ایران» مهدی بامداد، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۹.  
 ۹/۱۲۵- حاجی ملامحمد صالح مجتهد قزوینی = حاج ملامحمد صالح برغانی  
 بدر قره‌العین. برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه کنید به کتاب  
 «تاریخ شهدای امر، وقایع تهران»، محمدعلی ملک‌خسروی، سال ۱۳۰  
 بدیع، ص ۱۲۹ به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، ج ۱،  
 ص ۲۰۳-۲۰۶.

۱۸/۱۲۵- حاجی محمدعلی بارفروش: معروف به قندوس فرزند محمد صالح  
 در خانواده‌ای زارع در سال ۱۲۳۹ ه.ق. در محله چهارشنبه پیش  
 شهر بارفروش به دنیا آمد. مادر را که از سادات بود در طفولیت از  
 دست داد و نامادری در تربیت و تعلیم وی کوشید. ملا محمدعلی  
 ابتدا در شهر بارفروش و ساری و سپس در مشهد به تحصیل مقدمات  
 علوم متداول زمان خود پرداخت. در هژده سالگی به کربلا رفت و



فوت سید، چون دیگر شاگردان وی به جستجوی قائم موعود پرداخت و زمان ظهور را آنچنان نزدیک می‌دانست که گاهی نزد خود می‌پنداشت که چون کسی تا کنون ادعا نکرده شاید خود او صاحب امر باشد؛ تا آنکه گذرش به شیراز افتاد و با ملاحسین بشرویه از دیگر شاگردان سید کاظم رشتی که به سیدباب ایمان آورده بود، برخورد می‌نماید. وی هژدهمین نفری است که بدون تبلیغ و بتفحص خود به سیدباب ایمان می‌آورد و به این ترتیب حروف «حی» تکمیل می‌گردد و به همین واسطه از طرف سیدباب به «نقطهٔ آخری» ملقب می‌شود. در مسافرتی که سیدباب به مکه می‌کند، قدوس همراه وی بود و خطابهٔ سیدباب به شریف مکه را قدوس به شریف مکه ابلاغ می‌کند. سپس راهی مشهد شده و پس از مدتی اقامت در مشهد به «بدشت» و از آنجا راهی مازندران می‌شود. در ساری دستگیر و در خانهٔ ملا محمد تقی مجتهد زندانی می‌گردد.

بعد از پناه بردن ملاحسین بشرویه به قلعهٔ شیخ طبرسی، بنا به توصیهٔ میرزا حسینعلی بهاءالله، ملاحسین چند نفری را جهت آزادی قدوس به منزل ملا محمد تقی مجتهد می‌فرستد. این هنگام مصادف با مرگ محمد شاه قاجار بود و ملا محمد تقی هم قدوس را در اختیار فرستادگان ملاحسین می‌گذارد و جملگی به قلعهٔ شیخ طبرسی می‌روند و فرماندهی قلعه به عهدهٔ قدوس قرار می‌گیرد. آخر الامر به وسیلهٔ مهدیقلی خان - عموی ناصرالدین شاه - عده‌ای از بابیان قلعهٔ شیخ طبرسی را دستگیر و عده‌ای را هم به گلوله بسته می‌کشند. قدوس در بار فروش به سعیدالعلماء از مجتهدین متنفذ بار فروش - تحویل داده می‌شود؛ وی

هم حاج محمدعلی را به دست طلبه‌ها و غلام خود سپرده و آنان نیز ملارا پس از آنکه به قتل می‌رسانند جسدش را در سبزه میدان بارفروش آتش می‌زنند. جسد نیم سوخته ملا، شب هنگام به وسیله طرفدارانش به مدرسه‌ای که محل اقامتشان بود برده و در همان مدرسه به خاک سپرده می‌شود. بدین ترتیب در سال ۱۲۶۵ ه. ق. به زندگی ملا محمدعلی بارفروش در حالیکه بیش از ۲۸ سال نداشت، خاتمه داده می‌شود. ملا محمدعلی در نزد بابیان مقامی بس ارجمند داشته و بعد از سیدباب شخص دوم محسوب می‌شود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب «تاریخ شهدای امر، وقایع قلعه شیخ طبرسی»، ج ۱، ص ۵۸ به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۲۱۳ و ۳۸۱-۳۸۳.

۲۰/۱۲۵- ملاحسین بشرویه = ملاحسین خراسانی: معروف به باب‌الباب، پسر حاج ملا عبدالله صباغ در ۱۲۲۹ ه. ق. در بشرویه فردوس خراسان متولد شد. وی اولین شخصی بود که به سیدباب ایمان آورد و به همین جهت از طرف سیدباب به باب‌الباب ملقب گردید.

ملاحسین زمانی که به بارفروش می‌رسد به تحریک ملاحسید سعیدالعلما بارفروشی، نزاعی بین اهالی شهر و بابیان در می‌گیرد که در نتیجه عده‌ای از طرفین کشته می‌شوند. بزرگان شهر مصلحت در آن دیدند که ملارا در کاروانسرای که در حومه شهر بود ملاقات کنند و از او بخواهند که به اتفاق همراهانش بارفروش را ترک نماید. ملا می‌پذیرد و بزرگان بارفروش هم خسرو قادیکلایی را مأمور حفاظت وی و همراهانش تا شیرگاه می‌کنند. در خفا سعیدالعلما خسرو را وامی‌دارد برخلاف امانی که بزرگان شهر داده بودند در بین راه تیغ در میان بابیان بکشد

و اموال آنان را برای خسرو مباح می‌داند. در میان جنگل، خسرو که تصمیم به اجرای دستور سعیدالعلما داشت به دست مهتر ملاحسین کشته می‌شود. ملاحسین بعد از کشته شدن خسرو به قلعه شیخ طبرسی پناه می‌برد و بالاخره در همین قلعه کشته می‌شود و به دستور حاجی محمدعلی بارفروش در زیر قبر شیخ طبرسی به خاک سپرده می‌شود. برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه کنید به کتاب «تاریخ شهدای امر، وقایع قلعه شیخ طبرسی» ج ۱، ص ۵۸، به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، تهران ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۳۳ و ۳۷۹-۳۸۳. ۹/۱۲۵- مقبره شیخ طبرسی: سنگر بایان بعد از کشته شدن خسرو قادیکلائی.

۱۱/۱۲۵- خسرو قادیکلائی: از دست پرورگان سعیدالعلما بارفروشی از مجتهدان متنفذ بارفروش که از مخالفین سرسخت شیخیه بود. ۱۷/۱۲۶- قلیخان صحیح است.

۱۴/۱۲۹- محمودخان کلانتر: کلانتر تهران در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری وزیر ناصرالدین شاه قاجار. چند روز بعد از تیراندازی به ناصرالدین شاه در روز یکشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۸ ه.ق. به فتوای دو تن از مجتهدان تهران: حاج ملاعلی کنی و حاج میرزا محمداندر-مانی، توسط عزیزخان سردار به زندگی قره‌العین که در منزل او تحت نظر وزندانی بود، در باغ ایلخانی خاتمه داد.

۵/۱۳۳- آهلمه = آهلم، ده از دهستان اهلم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل، ۲۰ کیلومتری شمال غربی آمل و ۲ کیلومتری جنوب شوسه کناره (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۱۹/۱۳۳- آهلمستاق = آهلم رستاق، نام یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان آمل. این دهستان در شمال غربی آمل و در طرفین شوسه آمل به محمودآباد بین دهستانهای هزارپی- ناتل کنار- پایین خیابان واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۱/۱۳۴- اچی آباد = اوجی آباد: ده از دهستان هزارپی بخش مرکزی آمل. ۳۰ کیلومتری شمال آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۲۹).

۱۷/۱۳۶- سوردار صحیح است.

۱۷/۱۳۷- کچرود = کچه رود.

۱۷/۱۳۷- کُنُسَرود = کُنُسَه رود.

۱۲/۱۴۰- زاند رستاق = زند رستاق.

۱۲/۱۴۰- کوه پهر = کوه پیر: نام یکی از دهستانهای کجور شهرستان نوشهر است. این دهستان در شمال غربی کجور و شمال دهستان زانوس- رستاق واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۱۴۸).

۱۴/۱۴۰- کچلستاق = کچ رستاق: نام یکی از دهستانهای کجور شهرستان نوشهر است و از رودخانه کچرود مشروب می گردد.

۱۰/۱۴۱- مازگا صحیح است.

۱۷/۱۴۱- رودخانه کُر کُردسر = کُر کُردسر.

۷/۱۴۶- اسپه رود = اسپ رود.

۷/۱۴۶- طیل رودسر- تیل رودسر.

۱۱/۱۴۷- رودخانه نیشتا = رودخانه نشتا.

۱۲/۱۴۷- اذارود = ازارود.

۱۴۶/۱۴۸- می فروشند صحیح است.

۱۴۵/۱۴۹- کُولی جان = گلیجان: دهمسرکز دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش کیلومتری جنوب غربی شهسوار. راه قدیم شهسوار به سخت سر (رامسر) از میان اراضی این ده می گذشته است.

۱۴۹/۶- مَردشت = مزدشت: ده از دهستان خرم آباد شهرستان شهسوار، چهار کیلومتری جنوب شهسوار، کنار راه شهسوار به خرم آباد.  
۱۵۰/۷- رودخانه مَدر = رودخانه مزر.

۱۵۰/۱۲- چال کیرود = چالکهرود: ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، یازده کیلومتری شمال غربی شهسوار. کنار راه شهسوار به رامسر.  
۱۵۳/۴- از بابت صحیح است.

۱۵۴/۵- میرزا عبدالباقی منجم باشی: پسر حاجی آقا بزرگ منجم باشی و داماد فتحعلی شاه قاجار بود. بناها و آثار زیادی از وی در لنگرود برجای است. برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه کنید به کتاب «از آستارا تا استارباد» ج ۲، تألیف منوچهر ستوده، ص ۲۴۹.

۱۵۵/۱۵- کوه سماس = کوه سماز.

۱۵۹/۳- ماهی شور: ماهی است که در آب نمک غلیظ «اژدم آب» می خوابانند تا خوب نمکی شود و در وقت خوردن با کمی گرم کردن آن بدون پختن و یاسرخ کردن همراه با کته می خورند.

۱۵۹/۳- ماهی خشک = خشکه ماهی: ماهی سفیدی که پانزده روز در «اژدم آب» گذارند و بعداً آنرا خشک کنند.

۱۶۱/۱۹- شیخ خونه بر = شیخانه ور: ده جزء دهستان حومه بخش مرکزی

شهرستان لاهیجان. سه کیلومتری شرق لاهیجان، سرراه لاهیجان به لنگرود. مزار شیخ زاهد گیلانی و یکی از سادات کیا در این آبادی دفن و زیارتگاه اهالی آن سامان است.

۲۱/۱۶۱- چارقه سر = چارخونه سر.

۱۰/۱۶۲- پشا کجی = پاشا کی: ده جزء دهستان لقمجان بخش مرکزی شهرستان لاهیجان، بیست کیلومتری شرق لاهیجان و هشت کیلومتری لقمجان کنار نهر کیا جوب.

۵/۱۶۵- بازه کی گوراب = بازی کیا گوراب: قصبه ایست جزء دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان لاهیجان، سه کیلومتری غرب لاهیجان، سرسراهی لاهیجان. رشت. سیاهکل.

۳/۱۶۶- ملک به پس: در متون قدیمی همه جا بیه پس آمده است.

۳/۱۶۸- آستانه آقاچله خانه نظام الدین؟

۳/۱۶۸- آستانه مبارکه سید فخرالدین مشهور به آفاقرا = آفخرا.

۹/۱۶۹- السلطان صحیح است.

۳/۱۷۱- قصب. کسره زیاد است.

۱۳/۱۷۴- حنارس (؟)

۱۶/۱۷۵- صفر علی صحیح است.

۱۷/۱۷۷- رودخانه شارود = رودخانه شاهرود.

۱۷/۱۷۸- امامزاده حرزیل = هرزه ویل.

۱۰/۱۸۱- نقلیبر = *Noqlebar*

۱۳/۱۸۱- کفتار: پستانداری است از راسته گوستخواران با نام علمی

«*Hyaena*» که تیره خاصی را به نام «کفتاران *Hyénidés*» در این

راسته بوجود می آورد. دندان بندیش شبیه گربه است ولسی چنگالهایش بداخل غلاف نمی روند. غذایش منحصرأ از نعش یا مرده حیوانات است. رنگش با خالهای سیاه و نسبتاً عظیم الجثه است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «فرهنگ فارسی معین» ج ۳، ص ۳۰۰۱.

۱۳/۱۸۱- خور که = خورکاه: همان خارپشت است، به لغت مردم گیلان (ناظم- الاطباء و لغت نامه دهخدا).

۱۳/۱۸۱- خارپشت - جوجه تیغی: پستانداری است از راسته حشره خواران بانام علمی «*Hérisson*». پشت این حیوان پوشیده از تیغهای تیزی است که آلت دفاعی حیوان را بوجود می آورد.

۱۳/۱۸۱- گور شکاف = گورکن: پستانداری است وحشی با نام علمی «*Meles*» از راسته گورشتخواران و از تیره سموریان که به جثه يك سنگ معمولی است. رنگ پشت و پهلوهای بدن حیوان سفید و زیر شکمش سیاه است. طرفین صورت نیز دارای نراری سیاه رنگ طولی می باشد. این جانور دالانهای نسبتاً عمیق و پیچ و خم دار در زمین حفر می کند و از همه چیز حتی ریشه و میوه درختان و عسل تغذیه می کند.

۱/۱۸۲- دله: پستاندار. است از راسته گورشتخواران از تیره سموریان به جثه گربه باپاهای کوتاه و دم دراز و پوست نرم به رنگ زرد یا قهوه ای که زیر گردن و شکمش مایل به سفید است. به نام علمی «*Mustela Zibulina*» شناخته می شود.

۱/۱۸۲- دزدابه: (?)

۱/۱۸۲- شنگک: پستانداری است از راسته گوستخواران از تیره سموریان که شباهت زیاد با «دله» دارد.

۱/۱۸۲- موش کوهی: پستانداری است کوچک از راسته جوندگان.

۳/۱۸۲- ترلان: مرغی از جنس بازشکاری است (لغت نامه دهخدا، زیر ترلان).

۳/۱۸۲- قزل قوش: قسمی باز شکاری است در لغت مردم گیلان.

۳/۱۸۲- لاجین: در ترکی شاهین شکاری را گویند (غیاث اللغات، ج ۲، ص ۲۷۴).

۴/۱۸۲- قراقوش = قراغوش: قراسنقر را گویند که عبارت از سنقر سیاه رنگ بانوک خمیده قوی و پنجه های با قدرت است به نام علمی *Falco gyrfalco* (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۹۳۰، زیر سنقر و ص ۲۶۵۴، زیر قراقوش).

۴/۱۸۲- دال: پرنده ایست از راسته شکاریان و از دسته شکاریان روزانه که دارای جثه ای نسبتاً بزرگ و پنجه و منقاری بسیار قوی است. این پرنده بسیار جسور و پرجرات است و نسبت به دیگر پرندگان شکاری قدرت و شجاعتی مخصوص دارد.

۵/۱۸۲- راج: گیاهی است از تیره راجها که برخی گونه هایش به صورت درختچه و برخی دیگر به صورت درخت می باشند. به نام علمی *Ilex aquifolium* شناخته می شود.

۵/۱۸۲- آزاد: از درختان جنگلی است که به نام علمی *Zaluova crenata* خوانده می شود. درختی است تنومند و بلند که در همه جنگلهای شمال ایران بخصوص در فضای باز اطراف مساجد و امامزاده های



- گیلان دیده می‌شود. شاید بلندی و استقامت آن سبب شده است که اهالی این درخت را به چشم احترام بنگرند.
- ۵/۱۸۲- درخت سمد: (?)
- ۵/۱۸۲- اولس = اولاس: از درختان جنگلی شمال ایران است از تیره «غسانها» *Betulacées* که به نام علمی «*Carpinus*» خوانده می‌شود.
- ۵/۱۸۲- کی کین: شاید «کی کف» باشد. درختی است افراگونه که با نام علمی «*Acer mons pessulanum*» خوانده می‌شود.
- ۵/۱۸۲- تویه = توی: از درختان جنگلی شمال که با نام علمی «*Celtis*» معروف است و در لاهیجان «تادانه» خوانند.
- ۵/۱۸۲- درخت گول: (?)
- ۵/۱۸۲- توسه = توسکا: از درختان جنگلی شمال ایران که به نام علمی «*Olnus Tourn*» معروف است.
- ۵/۱۸۲- چیت صحیح آن است = کسرب *karb*: از درختان جنگلهای شمال ایران است که یکی از گونه‌های درخت «افرا» *Erable* است با نام علمی «*Acer Campastris*».
- ۶/۱۸۲- قطران: شاید درخت ابهل باشد که قطران از آن گرفته می‌شود. این درخت از گونه‌های «سرو کوهی» *Juni perus sabina* است که در جنگلهای شمال ایران موجود است.
- ۶/۱۸۲- رزین سرو: از درختان جنگلی شمال است از راسته بازدانگان که در مناطق کوهستانی ایران فراوان است و به نام علمی «*Cupressus horizontalis*, *C. sempervirens*» خوانده می‌شود.
- ۷/۱۸۲- درخت ابرس: صحیح آن «اورس» (بفتح الف و سکون و او و فتح

راء) است که از انواع درختان سرو جنگلی است. درختی است از راسته بازدانگان از تیره مخروطیان با نام علمی «*Cuqressus horizontalis*» «*C. sempervirens L.*» که بلندی آن تا ۲۵ متر می‌رسد. میوه آن شبیه به میوه کاج ولی به مراتب کوچکتر و دارای بوی تند و مطبوعی است. ۲/۱۸۲- چرم ایوه = غار گیلاس: درختچه‌ای است از تیره گل‌سرخیان و از دسته بادامیها با نام علمی «*Prunus Lauro-cerasus/cerasns*» «*Lauro-cerasus*» منشاء این گیاه قفقازیه و ایران است. از برگ غار گیلاس در پزشکی به طرق مختلف استفاده دارویی می‌شود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۳۷۲ به بعد.

۲/۱۸۲- شمشاد: درختی است از راسته دولپه‌یی‌های جدا گلبرگ از تیره «شمشادها *Buxacées*» با نام علمی «*Buxus sempervirens L.*». بر گهای این درخت دایمی است و دارای چوب سختی می‌باشد. یکی از فراوانترین درختان جنگلی شمال ایران است که به آن «کیش» می‌گویند و بسیار مورد تعظیم و احترام است.

۲/۱۸۲- درخت نونج: (?)

۸/۱۸۲- پلد = پلت (بفتح پ و لام): از درختان جنگلی شمال است از تیره «افراها *Acérinées*» که با نام علمی «*Acer insigne Boisse.et. Bh.*» معروف است.

۸/۱۸۲- ون (بفتح واو) = زبان گنجشک: درختی است زیبا از تیره زیتونیان دارای شاخه‌های انبوه که در نواحی شمالی ایران به حالت وحشی می‌روید و به نام علمی «*Fraxinus excelsior*» معروف است.

۸/۱۸۲ - شال = سال = ساج: از درختان جنگلی است که در جنگلهای شمالی ایران زیاد است و از چوب آن برای ساختن قایق و کرجی استفاده می‌شود.

۸/۱۸۲ - درخت سالف: (؟)

۸/۱۸۲ - درخت قرآتیکان: (؟)

۸/۱۸۲ - صنوبر: درختی است از تیرهٔ مخروطیان که همیشه سبز است و به نام علمی «*Abies picea L.*» معروف می‌باشد. برگهایش متناوب و سوزنی ولی از برگهای کاج کوتاهتر و ضخیم‌تر است. درختان خانوادۀ تبریزی و سفیدار را در بعض کتب نیز به خطا به نام صنوبر ذکر کرده‌اند.

۸/۱۸۲ - از گیل: از درختان جنگلی شمال است که به نام علمی «*Mespilus germanica L.*» خوانده می‌شود و به گیلکی «کنوس = کنس (بضم کاف و نون)» گویند.

۸/۱۸۲ - امرود = امروت = مروود = انبرود = انبروت = ارمود: از درختان جنگلی است که به نام علمی «*Pirus L.*» خوانده می‌شود. در محوطهٔ اطراف بعضی از امامزاده‌های گیلان و مازندران، درختان کهنسال امرود دیده می‌شود.

۹/۱۸۲ - درخت تبرغو: (؟)

۹/۱۸۲ - داغداغان = توی = تویه.

۹/۱۸۲ - انار: از درختان جنگلی ایران است که به نام علمی «*Punica granatum L.*» شناخته می‌شود.

۹/۱۸۲ - انجیر: درختی است از تیرهٔ گزنه‌ها جزو دستهٔ توتها که در

جنگلهای شمال ایران بلندیش تا ۱۲ متر می‌رسد و به نام علمی «*Ficus carica L.*» خوانده می‌شود.

۹/۱۸۲- آلوچه: قسم خردتر گوجه که ترشتر از آن می‌باشد و در جنگلهای شمال فراوان است و به «هلی» بفتح هاء، مشهور است که با نام علمی «*Prunus aivaricata L.*» معروف می‌باشد.

۹/۱۸۲- زرشک: گیاهی است از ردهٔ دولپه‌یهای جداگلبرگ که تیرهٔ خاصی به نام تیرهٔ زرشکیان را بوجود می‌آورد. درختچه‌ایست به بلندی ۲ تا ۳ متر که معمولاً در حاشیهٔ جنگلهای مسی‌روید. ریشه و برگ و میوهٔ آن به مصارف دارویی می‌رسد. نام علمی آن «*Berberis Vulgaris L.*» می‌باشد.

۱۰/۱۸۲- بادام تلخ: درختی است با نام علمی «*Amandier*» از تیرهٔ گل-سرخیان که سردستهٔ «بادامیها» «*Amygdalées*» است.

۱۰/۱۸۲- درخت یمیشان قرمز = سرخ‌ولیک: گونهٔ وحشی زالزالک است با نام علمی «*Crataegus*» که بیشتر به صورت درختچه است و در نواحی معتدل می‌روید.

۱۰/۱۸۲- زیتون: درختی است با نام علمی «*Oleae uropaea L.*» که سر-دستهٔ تیرهٔ «زیتونیان» «*Oleacées*» است. بلندیش معمولاً بین ۷ تا ۸ متر و بعضی اوقات تا ۱۵ متر می‌رسد. چوبش سخت و مقاوم و زرد رنگ با خطوط قهوه‌یی می‌باشد. برگهایش دائمی و گلهایش سفید رنگ و مجتمع به صورت خوشه در کنار برگها جای دارند.

۱۰/۱۸۲- گل‌پر: گیاهی است از تیرهٔ چتریان با نام علمی «*Heracleum gummi ferunt H. persicum L.*» که دو ساله است و دارای برخی

گونه‌های پایا نیز می‌باشد. این گیاه در مناطق کوهستانی ایران فراوان است. میوه گلپر پس از رسیدن به شکل فلسهای بازی می‌باشند که دانه‌های در بردارند و آنها را کوبیده و به‌عنوان چاشنی خوشبو بکار می‌برند.

۱۳/۱۸۲- سیاه‌دانه: گیاهی است از تیره آلانگان جزو دسته خربقیها که به نام علمی «*Nigella sativa L.*» معروف است. این گیاه بطور خود-رو در اکثر نقاط بخصوص شمال ایران می‌روید. دانه‌اش تیره رنگت و سه گوش و دارای بویی خاص است. سیاه‌دانه را نانویان برای خوشمزگی نان در موقع پخت روی آن می‌ریزند.

۱۳/۱۸۲- ورزك: (؟)

۱۳/۱۸۲- ثعلب: گیاهی است از رده «تک‌لپه‌یها *Monocot y Lédones*» که گونه‌هایش تیره خاصی را به نام تیره «ثعلب *Orchidées*» بوجود می‌آورد. ریشه ثعلب دوغده دارد که یکی تو خالی است و مربوط به گیاه روئیده فعلی است و دیگری توپر است که مایه جوانه سال آینده است. غده‌های توپر ثعلب دارای مواد نشاسته‌یی و لعابی و غذایی است. از غده‌های زیرزمینی ثعلب آردی تهیه می‌کنند که در تجارت نیز به نام «ثعلب *Salep*» مشهور است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۸۹، زیر ثعلب).

۱۴/۱۸۲- توت زمینی: از انواع گیاهان وحشی است که اهل رحمت‌آباد آنرا «چوم‌بو» و به لهجه شفتی و لاهیجانی آنرا «چنارک *Chenârak*» می‌شناسند (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، ص ۷۸).

۹۹۱/۱۸۴- خر گام است.

۱/۱۸۴- رودخان [و] سندس است.

۹/۱۸۴- دو گاه = دو گاهه: قصبه جزء دهستان حومه بخش رودبار شهرستان رشت. ییلاق دوگاهه در ۲۰ کیلومتری غرب دوگاهه قشلاقی واقع است.

۱۲/۱۸۶- جیرنده = جیرین ده.

۱۳/۱۸۷- طهمورث آباد صحیح است.

۱۰/۱۸۹- خمسه صحیح است.

۶/۱۹۰- دو گاهه است.

۱۴/۱۹۲- ذوالپیران = زلیپران.

۱/۱۹۲- نوغان: در تمامی خاك گیلان و مازندران کرم ابریشم را گویند.

۱۰/۱۹۷- قون بیل = آب قوپل = آب قمبل: پرنده ایست سیاه رنگ شبیه مرغابی که در کنار مرداب انزلی (پهلوی) زندگی می کند و به نام علمی «*Phalacrocorax carbol/Anas niger L.*» نامیده می شود. این پرنده را گاهی قمبل نیز می نامند. به مازندرانی «دارغاز» و در غیر از نواحی شمال آنرا «آب کوپیل *āb-kūpil*» می شناسند.

۲/۲۰۱- کرجی بان: کسی که کرجی را راه برد؛ قایقران، لنگه چی.

۱۴/۲۰۱- مالا: ماهیگیر.

۱۴/۲۰۱- سماک (بفتح سین و تشدید میم): ماهی فروش.

۱۲/۲۰۳- شال سرداری: شالی که برای درست کردن سرداری بافته می شده است. سرداری: جامه چین دار مردانه که روی لباس پوشیده می شد و تا زیر زانو می رسید.

۱۳/۲۰۳- برمه (بضم باء): (؟)

۲۰/۲۰۶- پرزه: آهو است به گیلکی.

۱۳/۲۰۸- چتور (بفتح چ و سکون تاء و فتح واو): واحد وزن است، از اجزاء فوند.

۷/۲۱۰- ماشک‌دار: «ماشک *Māshk*» دامی است که گردبافته شده و در حاشیه

آن در فواصل معین تکه‌ها یا گلوله‌های سرب قرار داده‌اند. این دام را در دریا یا رودخانه طوری می‌اندازند که پهن و صاف روی سطح آب قرار می‌گیرد و سربها آهسته دام را پایین می‌برند و جمع می‌کنند و در نتیجه ماهیانی که داخل آن قرار گیرند به دام می‌افتند.

۸/۲۱۰- بل‌دار: «بل *bol*» آلتی است که برای شکار ماهی بکار می‌رود و

آن عبارتست از چوب بلندی به اندازه دسته بیل و گاهی هم بلندتر که در انتهای آن آهنی سه‌شاخه تعبیه شده است. در محلهایی که آب‌دارای عمق کمی است با این آلت به بدن ماهی زده او را زخمی می‌کنند و از آب بیرون می‌کشند.

فهرست هم‌رہی

- آب مال (برسر راه ساری به فرح آباد):  
۱۰۷
- آتا [طایفه...]: ۶۲
- آتابای [طایفه...]: ۵۹
- آخال (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه  
آخال نشین): ۶۶
- آخوند محله (از دهکده‌های سخت‌سر):  
۱۵۳، ۱۵۱
- آذرباجان (از بیلاقت کرگان رود): ۲۱۷
- آدم علیه السلام [حضرت...]: ۱۶
- آدم سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۵۴
- آدینه اورازخان (یکی از خوانین جعفر بای):  
۷۵
- آدینه نظر خان (یکی از خوانین جعفر بای):  
۷۵
- آذربایجان: ۲۱۳، ۷۴
- آذر پرستان: ۱۳۹
- آرامگاه (از بیلاقت‌های شفت): ۱۹۲
- آرق [دهکده...]: ۵۸
- آروانه (از دهکده‌های سنجان): ۱۵
- آزاد خان: ۷۳
- آ  
آب انبار ارادان: ۸
- آب انبار دهکده قوشه: ۲۳
- آب انبار دهنمک: ۱۲
- آب انبار شاه عباسی (در شهر اشرف): ۸۲
- آب انبار قشلاق: ۷
- آب انبار لاس‌گرد: ۱۴
- آب بروز: ۸۵
- آب تیزکله (برسر راه چلندر به اورنگک):  
۱۴۱
- آب جنت رودبار: ۱۵۵
- آب دنگ‌سر (برسر راه اشرف به نیکاج):  
۹۴، ۸۹
- آب دیز دهنمک: ۱۲
- آب سیاه: ۶۸
- آب گرگان (حد غربی سکناى طایفه قرق):  
۶۳
- آب گرم (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱
- ۱۵۳
- آب گرم آستارا: ۲۱۹



- آزاد کلا (بر سر راه سمیس کنده به ساری): ۹۳.
- آزاد محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- آسایشلو [طایفه...]: ۹.
- آستارا: ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹.
- آب گرم: ۲۱۹. انبار تجار: ۲۱۸. انبار نفت: ۲۱۸. رودخانه آستارا: ۲۱۸.
- حمام: ۲۱۸. مسجد: ۲۱۸. ولایت: ۲۵۵.
- آستارا (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸.
- آستارا [ولایت...]: ۲۵۵.
- آستانه [محلّه...]: ۱۱۷.
- آستانه آقا پیر شریف (در خارج شهر رشت): ۱۶۸.
- آستانه آقاچله خانه نظام الدین (در شهر رشت): ۱۶۸.
- آستانه آقا سید ابوجعفر (در شهر رشت): ۱۶۸.
- آستانه آقا فقرا = آستانه سید فخر الدین: ۱۶۸.
- آستانه بی بی زینب (دختر امام موسی کاظم علیه السلام در شهر رشت): ۱۶۸.
- آستانه سلطان سالوک معلم ابن وهب بن منیه (در دامنه کوه شفت): ۱۹۱.
- آستانه سلیمان داراب (در خارج شهر رشت): ۱۶۸.
- آستانه سید جلال الدین اشرف ابن موسی - بن جعفر علیه السلام: ۱۶۳.
- آستانه سید فخر الدین = آقا فقرا (در شهر رشت): ۱۶۸.
- آسیاب تروجن: ۸۸.
- آشوراده [جزیره...]: ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹.
- ۰۱۱۳۰۷۷۰۸۷
- آشور کند (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۵۴.
- آشور کند (از رودخانه‌های طاش دولاب): ۲۵۴.
- آفر (از بیلاقهای شفت): ۱۹۲.
- آفر سر (از بیلاقهای شفت): ۱۹۲.
- آق [طایفه...]: ۵۹.
- آقا بادی الله [امامزاده...]: ۱۶۸.
- آقا بزرگ آقا (بلوک باشی اورنگ): ۱۳۴.
- آقا پیر شریف [امامزاده...]: ۱۶۸.
- آقاچله خانه نظام الدین [آستانه...]: ۱۶۸.
- آقاخان (یکی از خوانین جعفری‌ای): ۷۵.
- آقاخان صدراعظم [میرزا...]: ۸۸، ۶۹.
- ۰۱۳۶
- آقاسی (کدخدای سرخرود): ۱۳۲.
- آقا سید ابراهیم [امامزاده...]: ۱۶۸.
- آقا سید ابوجعفر [آستانه...]: ۱۶۸.
- آقا سید کلان [امامزاده...]: ۱۶۸.
- آقالر آقا (بزرگ فریکنار): ۱۳۱.
- آقامحمد خان: ۷۴، ۴۸.
- آقا محمد شاه: ۸۱، ۷۹، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۵، ۹۴.
- ۰۱۷۴، ۱۵۴، ۱۲۰، ۹۷، ۹۵، ۹۴
- آقا میر ابراهیم [بقعه...]: ۱۶۳.
- آقا میر شهید [بقعه...]: ۱۶۳.
- آقا میر کریم [تکیه...]: ۱۶۳.
- آق ایولر: ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶.
- آق ایولر: [بیلاق...]: ۲۱۶.
- آق تپه (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه

- آخال نشین): ۶۷.
- آق رود (از شاخه‌ها رودخانه بابل): ۱۲۰.
- آق قلعه (از شهرهای خراب استرآباد): ۵۰، ۵۹.
- آق قلیچ خانی [فرقه...]: ۹۳.
- آق مشهد: ۶۰.
- آقوزین = کندسر (از دهکده‌های رحمت-آباد): ۱۸۳.
- آکند (بر سر راه ساری به فرح آباد): ۱۰۷.
- آلکام (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- آلوستان (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- آلو کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- آلو کنده (دهکده‌ای بر سر راه ساری به فرح-آباد): ۱۰۷.
- آلوواک (از دهکده‌های ورامین): ۵.
- آل‌کام (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- آله کش (از بیلاقات کرتگان رود): ۲۱۷.
- آمل: ۱۳۵.
- آهنگر کلا [محلّه...]: ۱۱۷.
- آهنگر محلّه (از دهکده‌های بلوک استرآباد-رستاق استرآباد): ۵۵.
- آهوان [دهکده...]: ۲۲، ۱۹.
- ابدالی [احمدشاه...]: ۷۳.
- ابراهیم [امامزاده...]: ۱۷۸.
- ابراهیم (ضابط چا پارخانه قوشه): ۲۳.
- ابراهیم آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.
- ابراهیم ابوجواب [آقاسید...]: ۱۱۳، ۱۱۲.
- ابراهیم خان (سر کرده‌ها زارجریب دودانگه): ۱۰۳.
- ابراهیم خان [میر...]: (حاکم ولایت رحمت-آباد): ۱۸۴، ۱۸۱.
- ابروود (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- ابو تراب خان [میر...]: (دریا بیگی گیلان): ۱۰۹.
- ابوطالب [حاجی...]: (بانی کاروانسرای شاهرود): ۲۸.
- ابوالفتح خان (حاکم دیلمان): ۱۹۹.
- ابومحلّه [محلّه...]: ۱۱۷.
- اتراچال (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۶.
- اترک: ۶۲، ۵۷.
- اتمیش [طایفه...]: ۶۵.
- اثرم [دهکده...]: ۹۰.
- اچی آباد [بلوک...]: ۱۳۴.
- احمد بیگ (کدخدای علوی کلا): ۱۳۸.
- احمد خان (پدر نوروز علی خان سر کرده طایفه قیاس‌وند): ۱۷۴.
- احمدشاه ابدالی: ۷۳.
- احمد علی خان (رئیس طایفه استرآباد رستاقی): ۵۲.
- احمد میرزا (تیولدار قریه فیروز کنده): ۶۰.
- الف
- ابا تر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- ابدال [طایفه...]: ۶۰.

۱۰۷. ازخرگام برسه (ازدهکده‌های عمار لو): ۱۸۷.
- ارادان (ازدهکده‌های خوار): ۱۲.
- ارادان [ بلوك... ]: ۸، ۱۰، آب انبار: ۸.
- تکيه: ۸. حمام: ۸. طایفه آسایشلو: ۹.
- طایفه پازوکی: ۹. قلعه: ۸. یخچال: ۸.
- ارادشت (ازدهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- اراض لی [ طایفه... ]: ۶۰.
- ارجلان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- ارچمان (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آنحال نشین): ۶۷.
- اردبیل: ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹.
- مجال: ۲۱۳. ولادت: ۲۱۴.
- اردبیل (گمر کخانه آستارا): ۲۱۸، ۲۱۹.
- اردستان: ۷، ۱۰.
- اردشیر میرزا [شاهزاده...]، (حکمران و والی گیلانات): ۱۷۰.
- اردو بازار [محلّه...]: ۱۶۳.
- اردوی محمد حسن خان: ۷۴.
- ارده جان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- ارس: ۱۰۹.
- ارککلی [طایفه...]: ۶۴.
- ارگ دامغان: ۲۴.
- ارگ سمنان: ۱۷.
- ارگ شاهرود: ۲۸.
- اروه چول (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- ارده وشت (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- ازیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- ازبک: ۷۳.
- ازکم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- اسالم: ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۷. دهات: ۲۱۰، ۲۱۰، رودخانه: ۲۱۰. ملک: ۲۱۱.
- ولایت: ۲۰۰، ۲۰۹. بیلاق: ۲۱۰.
- اسالم [ولایت...]: ۲۰۰، ۲۰۹.
- اسبوخیل (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- اسپه ورد شوراب [بلوک...]: ۱۰۱.
- اسپیت (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- استاجلو [طایفه...]: ۷۲.
- استادجق [طایفه...]: ۶۱.
- استادسرا (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
- استادمحمدرضی (از طوایف ساکن در انزلی): ۲۱۰.
- استرآباد: ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴.
- ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۹، ۲۵، ۲۱، ۲۰، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۷، ۸، ۱۵۳.
- امامزاده اسحق: ۴۹.
- امامزاده بی بی حور: ۴۹. امامزاده بی بی سبز: ۴۹.
- امامزاده بی بی ظهور: ۴۹.
- امامزاده توستان: ۴۹. امامزاده چهارشنبه: ۴۹.
- امامزاده دوشنبه: ۴۹.
- امامزاده دو شنبه: ۴۹.
- امامزاده بزو: ۴۹. امامزاده سه تن: ۴۹.
- امامزاده عبدالله: ۴۹. امامزاده قاسم: ۴۹.
- امامزاده مراد بخش: ۴۹. امامزاده نور: ۴۹.
- بلوک استرآباد رستاق: ۵۵.
- بلوک سدن رستاق: ۵۳. بلوک انزان: ۵۴.
- بلوک ساور: ۵۵. بلوک شاه کوه: ۵۵.
- بلوک فخر عمادالدین: ۵۶. بلوک فندرسک:

- اسکوبین ( از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- اسکولک ( از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- اسماعیل [شاه...]: ۷۲، ۱۸۶.
- اسمعیل [مشهدی...]: ۱۳۳.
- اسمعیل خان (داماد فتحعلی شاه و تیولدار بلوک بندپی شرقی و غربی): ۱۲۱.
- اشاقه‌باش [فرقه...]: ۷۳، ۷۲.
- اشاقه بوی‌لی [طایفه...]: ۶۵.
- اشپیل‌سازخانه فرح‌آباد: ۱۰۹.
- اشرف: ۸۵، ۸۵، ۸۷، ۹۱، ۱۲۵.
- اشرف‌آباد (از دهکده‌های ورامین): ۴.
- اشرف‌البلاد: ۷۸.
- اشروستاق: ۱۰۳.
- اشکلن (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- اشکورات [بلوک...]: ۱۴۹.
- اصانلو [ایل...]: ۹، ۹۰، ۹۷.
- اصفهان: ۷۴، ۷۵.
- اصلان‌خان [امیر...]، (حاکم گیلان): ۱۰۹.
- اطاق‌سرا (از بیلاقی‌های آق‌ایولر): ۲۱۶.
- افاغنه: ۸۳، ۸۷.
- افراسیاب: ۸، ۱۴.
- افشار [طایفه...]: ۷۲.
- افغان: ۶، ۹، ۲۴، ۸۷.
- افغان [طایفه...]: ۸، ۹۰، ۹۷.
- افغانان: ۷۲.
- اقسین: ۵۹.
- اقورجلی [طایفه...]: ۷۱، ۱۱۰.
- اقورجلی حسینقلی‌نشین: ۵۸.
۵۷. بلوک‌کتول: ۵۶. حمام: ۴۹. طایفه بلوج: ۴۸. طایفه حاجی‌لر: ۴۸. طایفه قاجار: ۴۸. قدم‌گاه‌خضر: ۴۹. کاروانسرا: ۴۹. محله‌سبزه مشهد: ۴۸. محله میدان: ۴۸. محله نعلبندان: ۴۸. مدرسه: ۴۹. مساجد: ۴۹.
- استرآباد [بلوک...]: ۶۹.
- استرآباد رستاق (از بلوک استرآباد): ۵۵.
- استرآباد رستاقی [طایفه...]: ۵۲.
- استون‌آباد (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۵۴.
- استین کورازی (سردار سپاهیان روس): ۱۰۸.
- اسحق [امام‌زاده...]: ۱۹۱.
- اسحق (امام‌زاده استرآباد): ۴۹.
- اسدالله‌خان (رئیس لیوانی و سیل‌سپر): ۵۳.
- اسدالله [میرزا...]، (بلوک‌باشی سیاه‌کله-رود): ۱۵۵.
- اسطخ‌چسان (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- اسطخ‌لاهیجان: ۱۶۲، ۱۶۴.
- اسفنجان [محله...]: ۱۷.
- اسفندیارمرز (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- اسفندیسن (قریه‌ای بر سر راه ساری به فرح-آباد): ۱۰۷.
- اسکستان: ۲۰۷.
- اسکناکو (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- اسکندر میرزا (مالک ده دازاب کلام): ۹۱.

- الازمن (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- الاله‌گوراب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- الالان (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۰.
- الالان (از رودخانه‌های اسالم): ۲۱۱.
- الان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- الله ده (از بیلاقی‌های اسالم): ۲۱۰.
- الله بارخان (سرکرده ایل باجلان): ۱۷۷.
- الله فلسی بیگ (کدخدای دهکده خاتون-آباد): ۴.
- الله‌ویردی آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- الله‌ویردی سوادکوهی [حاجی...]: ( از طایفه جان‌باز...): ۱۱۰.
- البرز [کوه...]: ۲۰۷.
- الستان (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- الموت (برسر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.
- الموت رودبار: ۱۷۷.
- النگ (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- الوار (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- الوقف (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- الیزه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- امام زاده آقابادی‌الله (در شهر رشت): ۱۶۸.
- امام‌زاده آقا سید ابراهیم (در شهر رشت): ۱۶۸.
- امام‌زاده آقا سید رضا (در دهکده لاس‌گرد): ۱۴.
- امام زاده آقا سید کلان (در شهر رشت): ۱۶۸.
- امام‌زاده ابراهیم (اولاد امام زین العابدین علیه‌السلام در حرزیه بیل): ۱۷۸.
- امام‌زاده اسحق (در شهر استرآباد): ۴۹.
- امام‌زاده اسحق ابن موسی کاظم (از امامزاده-های شفت): ۱۹۱.
- امام‌زاده اسمعیل (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- امام‌زاده اسمعیل ابن امام موسی کاظم علیه‌السلام (در شهر رشت): ۱۶۷.
- امام‌زاده اشرف: ۸۱.
- امام زاده‌ای در خمیر کلابه لاهیجان: ۱۶۳.
- امام زاده‌ای در کاروانسرای لاهیجان: ۱۶۳.
- امام‌زاده‌ای در محله پردسر لاهیجان: ۱۶۳.
- امام‌زاده‌ای در محله گاوبنه لاهیجان: ۱۶۳.
- امام‌زاده ایوان‌کیف: ۶.
- امام‌زاده بارفروش: ۱۱۸.
- امام‌زاده بلند امام (بر سر راه بلوک کلباد به شهر اشرف): ۸۰.
- امام‌زاده بی‌بی حور (در شهر استرآباد): ۴۹.
- امام‌زاده بی‌بی سبز (در شهر استرآباد): ۴۹.
- امام‌زاده بی‌بی ظهور (در شهر استرآباد): ۴۹.
- امام‌زاده بی‌بی نور (در شهر استرآباد): ۴۹.
- امام‌زاده پنج امام = امام‌زاده ورسن ( بر

- سر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.  
 امامزاده تنقی (در دهکده لاس گرد): ۱۴۰.  
 امام زاده تنگ دره: ۱۵۳.  
 امامزاده توستان (در شهر استرآباد): ۴۹.  
 امام زاده چهاربیرادران (در شهر رشت):  
 ۱۶۸.  
 امامزاده چهارشنبه (در شهر استرآباد): ۴۹.  
 امامزاده خلیل الله (از دهکده های خوار): ۱۱۱.  
 امامزاده دویرادران: ۱۵۸.  
 امام زاده دویرادران (در شهر رشت): ۱۶۸.  
 امام زاده دوشنبه (در شهر استرآباد): ۴۹.  
 امامزاده ذوالفقار (از دهکده های خوار):  
 ۱۱۱.  
 امامزاده رستم کلا (بسر راه اشرف به  
 نیکاج): ۸۹.  
 امامزاده روبندبرو (در خارج شهر استرآباد):  
 ۴۹.  
 امامزاده روشن آباد = امامزاده عبدالله:  
 ۴۵.  
 امامزاده زیربان (بر سر راه اشرف به نیکاج):  
 ۸۸.  
 امامزاده سرخ بنده (در شهر رشت): ۱۶۸.  
 امامزاده سلطان شاه نظر (در ارادان): ۹.  
 امامزاده سمیس کنده: ۹۳.  
 امامزاده سه تن (در شهر استرآباد): ۴۹.  
 امامزاده سید ریکایی (از امام زاده های  
 ساری): ۹۶.  
 امامزاده سیدزین العابدین (از امامزاده-  
 های ساری): ۹۶، ۹۸.
- امامزاده سی سر (از امامزاده های سمنان):  
 ۱۸.  
 امامزاده طاهر (اولاد امام موسی کاظم علیه-  
 السلام در منجیل): ۱۷۸.  
 امامزاده عباس (در قریه آزادکلا): ۹۳.  
 امامزاده عباس ابن امام موسی کاظم علیه السلام  
 (در شهر رشت): ۱۶۷.  
 امامزاده عبدالله: ۹۵.  
 امامزاده عبدالله = امام زاده روشن آباد:  
 ۴۵.  
 امامزاده عبدالله (از دهکده های خوار):  
 ۱۲.  
 امامزاده عبدالله (در خارج شهر استرآباد):  
 ۴۹.  
 امامزاده عبدالله (در دهکده صارو): ۸۵.  
 امامزاده علی اکبر (از دهکده های خوار):  
 ۱۱۱.  
 امامزاده علی اکبر (در شش فرسخی لاس گرد):  
 ۱۵.  
 امامزاده قاسم (در قریه ول موزی): ۸۵.  
 امامزاده قاسم (در شهر استرآباد): ۴۹.  
 امامزاده قاسم پسر امام موسی کاظم علیه-  
 السلام: ۴۲.  
 امامزاده محمد (در محله لیمراس بلوک کلاباد):  
 ۷۹.  
 امامزاده محمود (در قریه لاریم): ۱۱۱.  
 امامزاده مرادبخش (در شهر استرآباد):  
 ۴۹.  
 امام زاده میرعظیم (در مقابل خطیب سرا):

- ۰۲۱۵ انبارتمک فرح آباد: ۱۰۵۹.
- امامزاده ورسن = امامزاده پنج امام (بر سر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.
- امامزاده ولسی بزرگوار (در شهر رشت): ۱۶۷.
- امامزاده هلاکو (از امامزاده‌های سمنان): ۱۸.
- امامزاده هلاوی (از امامزاده‌های سمنان): ۱۸.
- امامزاده یحیی (پسر امام موسی کاظم، از امامزاده‌های ساری): ۹۸، ۹۶.
- امان الله خان (پسر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- امسرگوراب (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- امیر = امیر تبردا - (از اهالی سوادکوه): ۱۲۷.
- امیراصلان خان (برادر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- امیر تبردار = امیر (از اهالی سوادکوه): ۱۲۷.
- امیر تیمور: ۷۲.
- امیرکبیر (میرزا تقی خان...): ۴۸.
- امیرکلا (بر سر راه مشهد به بارفروش): ۱۱۶.
- امیرکوه (از بیله‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- امین آباد (قریه...): ۴.
- امین آباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- انبار پیرپاس فرح آباد: ۱۰۵۹.
- انبوه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷، ۱۷۴.
- انجیراب (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- اندرود [بلوک...]: ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰.
- انزبان (بلوک استرآباد): ۳۹، ۴۲، ۵۴.
- ۰۷۸
- انزانی [جعفر قلیخان...]: (حاکم و سرحددار انزلی در ۱۲۷۶ ه. ق.): ۲۰۰.
- انزانی [ذوالفقارخان...]: ۳۵.
- انزانی [طایفه...]: ۵۳.
- انزانی [محمد باقرخان...]: ۸۰.
- انزلی: ۱۵۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۹. اهل: ۱۹۷. برج باستانیان: ۲۰۰، تکایا: ۲۰۰.
- توابع: ۲۰۰. توپخانه بزرگ: ۲۰۰.
- حمام: ۲۰۰. سرپازخانه: ۲۰۰. سرحد: ۲۰۰، ۲۰۹. قورخانه: ۲۰۰. مرداب: ۱۹۷، ۱۹۸. مسجد: ۲۰۰. ولایت: ۲۰۰.
- انزلی [مرداب...]: ۱۹۷، ۱۹۸.
- انزلی [ولایت...]: ۲۰۰.
- انگاز [بلوک...]: ۱۴۰.
- انگرم (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- انگرو [بلوک...]: ۱۳۷.
- انگلیس: ۸۴.
- انلق [طایفه...]: ۶۰.
- انلق قوماج [طایفه...]: ۵۸.
- انوشیروان: ۲۱.

- اوبه عرب (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- اوجابن (از دهکده‌های سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- اوجاق بند [محلّه...]: ۱۱۷.
- اوج قونلی [طایفه...]: ۶۴.
- اودک [طایفه...]: ۶۵.
- اورنگک: ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵.
- اوز رود (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
- اوزین آق [طایفه...]: ۵۹.
- اوزبته (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- اوطاق (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۴، ۱۵۵.
- اوطاق [محلّه...]: ۱۵۴.
- اوغ: ۵۷.
- اومال [محلّه...]: ۸۹.
- اهل اشرف: ۸۲، ۸۵.
- اهل انزلی: ۱۹۷.
- اهل بارفروش: ۸۲، ۱۲۶.
- اهل بختیاری: ۱۷۴.
- اهل چلندر: ۱۳۹.
- اهل چین: ۸۴.
- اهل رحمت آباد: ۱۸۲.
- اهل خرم آباد: ۱۴۹.
- اهل دامغان: ۸۴.
- اهل سازی: ۹۹.
- اهل سوادکوه: ۱۱۵، ۱۲۷.
- اهل شاه کو: ۸۴.
- اهل عمارلو: ۱۸۷.
- اهل فرح آباد: ۱۵۸.
- اهل کلباد: ۷۹.
- اهل لوشان: ۱۸۷.
- اهل مازندران: ۸۷، ۹۵، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۳۹.
- اهلمستاق [بلوک...]: ۱۳۳.
- اهل نیالا: ۱۲۵.
- اهل هند: ۹۹.
- ایجمک [طایفه...]: ۶۵.
- ایدرویش [طایفه...]: ۶۴.
- ایران: ۳۶، ۷۲، ۹۸، ۱۰۸، ۱۷۵، ۲۰۰.
- سرحدات: ۱۰۸. ولایت: ۱۷۵.
- ایران [سرحدات...]: ۱۰۸.
- ایران [ولایت...]: ۱۷۵.
- ایرج (پسر فریدون شاه): ۹۸.
- ایری توماج [طایفه...]: ۵۸.
- ایزدده (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
- ایکدر [طایفه...]: ۵۸، ۶۱.
- ایلات رحمت آباد: ۱۸۳.
- ایل اصانلو (از طوایف ساکن درخوار): ۹، ۹۵، ۹۷.
- ایل باجلان (از طوایف قزوین): ۱۷۷.
- ایل پای دوند قلیچ خانی (از طوایف قزوین): ۱۷۷.
- ایل تکه (از ایلات استرآباد): ۵۷.
- ایلخانی: ۶۸، ۶۹.
- ایلخانی [جعفرقلی خسان...]: (حاکم استر-  
آباد): ۵۵، ۶۷.
- ایل رشوند (از ایلات قزوین): ۱۷۷.
- ایل زرگر (از ایلات ساکن سمنان): ۱۷.



- ایل شاهسون: ۲۱۵.  
 ایل عرب و رامین (ساکن در بلوک خالصه  
 اردان): ۹.  
 ایل قاجار: ۷۲.  
 ایل گوکلان (از ایلات استرآباد): ۵۷.  
 ایل مافی: ۱۷۷.  
 ایل یموت (از ایلات استرآباد): ۵۷.  
 ایلیات قزوین: ۱۷۳، ۱۷۴.  
 ایمر [طایفه...]: ۶۱.  
 ایمن آباد (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
 ۱۹۰.  
 ایوان کیف (از دهکده‌های ورامین): ۵، ۶.  
 امامزاده: ۶. تکیه: ۹. حمام: ۶. مسجد:  
 ۶.
- ب
- بایاینگک [میرزا...]: (رئیس طایفه بلوچ):  
 ۵۳.  
 بابا منصور عمالو: ۱۸۷.  
 بابل: ۱۱۵.  
 بابل پشت [محلّه...]: (بسرراه مشهدسر  
 به بارفروش): ۱۱۲-۱۱۵.  
 بابل کنار شرقی و غربی [بلوک...]: ۱۲۱.  
 باب ناظر [محلّه...]: ۱۱۷.  
 بایها: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹.  
 باجلان [ایل...]: ۱۷۷.  
 بادامستان: ۱۷۸.  
 بادکوبه: ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۴. اهل: ۲۱۴.  
 بادکوبه [اهل...]: ۲۱۴.
- باد منجیل: ۱۷۹.  
 باديله: ۹۱.  
 بارفروش: ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۷،  
 ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹.  
 امامزاده بارفروش: ۱۱۸. باغ شاه:  
 ۱۱۸. بلوک بندی شرقی و غربی: ۱۲۱.  
 بلوک بابل کنار شرقی و غربی: ۱۲۱. بلوک  
 دابو: ۱۲۲. بلوک جلال اذرك: ۱۲۲.  
 بلوک سوادکوه: ۱۲۱. بلوک بهمنی  
 رودبست: ۱۲۲. بلوک کبل بست: ۱۲۲.  
 بلوک کیا کلا: ۱۲۲. بلوک لاله آباد: ۱۲۱.  
 بلوک لغور: ۱۲۱. تکایا: ۱۱۸. حمام:  
 ۱۱۸. کاروانسرای سیزه میدان: ۱۲۵.  
 مدرسه: ۱۱۸. مسجد: ۱۱۸.  
 بارفروش [حاجی محمدعلی...]: ۱۲۵.  
 ۱۲۸.  
 بارفروش ده = شهر بارفروش = مامطیر:  
 ۱۲۲.  
 بارفروشی [عباسقلی خان...]: ۳۵.  
 بارکلا: ۳۲، ۳۴.  
 باریک آب: ۱۳.  
 بازار (از محلله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.  
 بازار پنجشنبه شفت: ۱۹۲.  
 بازار چهارشنبه (در ولایت طالش دولاب):  
 ۲۰۳.  
 بازار کوچه اصفهان: ۱۶۶.  
 بازار لنگرود: ۱۵۹.  
 بازار محلّه [محلّه...]: ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۲،  
 ۱۱۵.

- بازار محله قصبه شفت = دوشنبه بازار: ۱۹۲.
- بازه کی گوراب [دهکده...]: ۱۶۵.
- باغبانان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- باغ دشت (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- باغات سمنان: ۱۵.
- باغات شاه عباسی (در دامنه کوه سوت کلوم اشرف): ۸۲.
- باغات لاس گرد: ۱۳.
- باغ پلنگ [گذر...]: ۵۵.
- باغ تپه شاه عباسی: ۸۰.
- باغ تنگه [محله...]: ۱۱۲.
- باغ چشمه شاه عباسی: ۸۵.
- باغ چهل ستون (در شهر اشرف): ۸۲، ۸۳.
- باغ خلوت (از بناهای شاه عباس در شهر اشرف): ۸۵.
- باغ زندان [محله...]: ۲۹.
- باغ زیتون (در شهر اشرف): ۸۳.
- باغ شاه (در بیرون شهر سمنان): ۱۷.
- باغ شاه بارفروش: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰.
- باغ شاه میان پشته: ۲۵۱.
- باغ شاه عباس (در شهر ساری): ۹۵.
- باغ شمال (از بناهای شاه عباس در شهر اشرف): ۸۴.
- باغ شهر (در شهر بارفروش): ۱۲۶.
- باغ صاحب الزمان (از بناهای شاه عباس در شهر اشرف): ۸۴.
- باغ گلین (از دهکده‌های بلوک استرآباد: ۲۱۳.
- رستاق استرآباد): ۵۵.
- باغ ملک آرا (در خارج از شهر ساری): ۹۵.
- باغو (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۴۱، ۵۴.
- بارفروز (از دهکده‌های سر راه ساری به فرج-آباد): ۱۰۷.
- الباقر [امام...]: ۱.
- باقر [میرزا...]، (از پسران آقامیرزا یوسف): ۱۴۷.
- باقرخان (سر کرده طایفه چگینی قزوین): ۱۷۴.
- باقر سلطان افشار [یاور...]: ۲۵۰.
- باقه [طایفه...]: ۶۰.
- باکرمحله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- بالابلوك [محله...]: ۴۳.
- بالا بلوك (يك قسمت از بلوك لاله آباد بار-فروش): ۱۲۱.
- بالا جاده (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- بالاجلی (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- بالاخان [طایفه...]: (از طوایف ساکن در کرگان رود): ۵۱۳.
- بالا لیتکو [بلوک...]: ۱۳۴.
- بام (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۷.
- بالان (پدر فرج الله خان حاکم کرگان رود): ۲۱۳.

- باند امام (از دهکده‌های بلوک‌سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- البتول علیها السلام: ۱.
- بجارخاله (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۵۴.
- بجارکنار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- بحر خزر: ۳۲، ۱۶۲، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۳، ۱۱، ۲۰۸، ۲۰۷.
- بداو (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- بدراق [طایفه...]: ۶۱.
- بدرخان (از سرکرده‌های طایفه جلیل‌وند): ۱۷۵.
- بدیع الزمان میرزای صاحب اختیار (پسر محمد قلی میرزای ملک‌آرا): ۳۴.
- برج باستان انزلی: ۲۰۰.
- برج آدم بکش و مکشوم: ۱۳.
- برج حاجی میرزا عسکری: ۱۷.
- برج قدیمی (در کمره کوه بالاسر بندین نزدیک اوطاق): ۱۵۵، ۱۵۶.
- برج یزید: ۴.
- برزنو (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه‌آخال نشین): ۶۷.
- برزه کوه (از بیلاق طالش دولاب): ۲۰۶، ۲۰۸.
- برفتان (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کنول استرآباد): ۵۶.
- بز که پونی (از بیلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
- بسظام: ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۶۷.
- بسظام [دروازه...]: ۶۸.
- بسقوی ترکمان: ۴۴.
- بشرویه [مسلحین...]= خراسانی [ملا-حسین...]: ۱۲۵، ۱۲۷.
- بشم [دهکده...]: ۲۰۲.
- بقعه آقا ابراهیم (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه آقا میرزاصدق جیردکان‌بر (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه آقا میر شهید (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه پنج‌پیران (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه غریب آقا (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه ملا مؤمن (در لاهیجان): ۱۶۳.
- بقعه میرشمس‌الدین (در اردو بازار لاهیجان): ۱۶۳.
- بک [دهکده...]: ۲۷.
- بک‌زاده‌محله (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- بلخان (محل سکناى طایفه قروتی): ۵۷، ۶۲.
- بلده اصفهان: ۱۱۸.
- بلده فومن: ۱۹۴.
- بلند امام [امام زاده...]: ۸۰.
- بلوچ [طایفه...]: ۴۸، ۵۳، ۹۷.
- بلور [میرزا محمد حسین]: (وزیر تهران و مباشر ورامین و سیصد قریه آن‌که خالصه شاهی است): ۴.
- بلوک آمل: ۱۳۳.
- بلوکات بارفروش: ۱۲۱-۱۳۶.
- بلوکات ساری: ۱۰۰.
- بلوکات شش‌دانگ هزارجریب (از بلوکات

- ساری): ۱۰۵۲.
- بلوک ارادان (از بلوک خوار): ۸. قریه ارادان:  
۸. قریه پاده: ۸. قریه کند: ۸. ملک فروان:  
۹. ملک کهن آباد: ۹.
- بلوک اچی آباد (از بلوک آمل): ۱۳۴.
- بلوک اسپه رود شوراب (از بلوکات سازی):  
۱۰۱.
- بلوک استرآباد: ۶۹.
- بلوک استرآباد رستاق (از بلوک استرآباد):  
۵۵.
- بلوک اشکسورات (از بلوک تنکابین):  
۱۴۹.
- بلوک اندرود (از بلوکات ساری): ۹۲،  
۹۴، ۹۷، ۱۰۰.
- محلّه بادی له: ۹۲. محلّه سیمس کنده: ۹۲.
- محلّه شیخ محلّه: ۹۲. محلّه علوی کلا: ۹۲.
- بلوک انزان (از بلوک استرآباد): ۳۵، ۳۶،  
۳۹، ۵۴.
- بلوک انگاز (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- بلوک انگرود (از بلوک نور): ۱۳۷.
- بلوک اهلستاق (از بلوک آمل): ۱۳۳.
- بلوک بابل کنار شرقی و غربی (از بلوکات  
بارفروش): ۱۲۱.
- بلوک بالایتکو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
- بلوک براگود (از بلوک رحمت آباد): ۱۸۳.
- بلوک بندپی شرقی و غربی (از بلوکات  
بارفروش): ۱۲۱.
- بلوک بهمنی رودبست (از بلوکات بارفروش):  
۱۲۲.
- بلوک پل (از بلوک نور): ۱۳۷.
- بلوک پائین لیتکو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
- بلوک پنجک رستاق (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- بلوک پیسپرس (از بلوک نور): ۱۳۷.
- بلوک جلال ازک (از بلوکات بارفروش):  
۱۲۲.
- بلوک چلاو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
- بلوک چلندر (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- بلوک چهارده (از بلوک لاهیجان): ۱۶۲.
- بلوک حلیمه خان (از بلوک رحمت آباد):  
۱۸۳.
- بلوک خیرود کنار (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- بلوک دابو (از بلوکات بارفروش): ۱۲۲.
- بلوک دانکو (از بلوک نور): ۱۳۷.
- بلوک دشت سر (از بلوک آمل): ۱۳۳.
- بلوک دشت کلارستاق (از بلوک کلارستاق):  
۱۴۳.
- بلوک دوهزار (از بلوک تنکابین): ۱۴۹.
- بلوک زرین آباد (از بلوکات ساری): ۱۰۵۲.
- بلوک زاندر رستاق (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- بلوک زوار (از بلوک تنکابین): ۱۴۹.
- بلوک ساور (از بلوک استرآباد): ۵۵.
- بلوک سخت سر (از بلوک تنکابین): ۱۴۹.
- بلوک سدن رستاق: (از بلوکات استرآباد):  
۴۲، ۴۵، ۵۳، ۵۷.
- بلوک سنگر کبودجامه (بخشی از بلوک  
فندر سک استرآباد): ۵۷.
- بلوک سوادکوه (از بلوکات بارفروش):  
۱۲۱.

- بلوك سيارستاق (از بلوك تنكابن) ۱۴۹.
- بلوك سياورز با بلده (از بلوك تنكابن): ۱۴۹.
- بلوك سپاه كله رود (از بلوك رانكو): ۱۵۴، ۱۵۵.
- بلوك شاه كو (از بلوك استرآباد): ۵۵.
- بلوك شربی چار (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
- بلوك شيخ علسی طوسه (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
- بلوك شرحا (از بلوكات ساری): ۱۰۰.
- بلوك شهر كجور (از بلوك كجور): ۱۴۵.
- بلوك كوكنه (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
- بلوك شیرگاه (از بلوكات ساری) ۱۰۴.
- بلوك علی آباد (از بلوكات ساری): ۱۰۱.
- بلوك فخر عمادالدین: ۶۰.
- بلوك فخر عمادالدین وكتول (از بلوك استرآباد): ۵۶.
- بلوك قندرسك (از بلوك استرآباد): ۵۷.
- بلوك فیروز كلا (از بلوك كجور): ۱۴۰.
- بلوك فیروز كلا: ۱۳۸.
- بلوك قرظغان (از بلوكات ساری): ۸۹، ۹۷، ۱۰۰.
- بلوك كالج (از بلوك نور): ۱۳۷.
- بلوك كپ (از بلوك نور): ۱۳۶.
- بلوك كتول: ۶۰.
- بلوك كجور (از بلوك نور): ۱۳۷.
- بلوك كچلستاق (از بلوك كجور): ۱۴۰.
- بلوك کران (از بلوك كجور): ۱۴۰، ۱۴۱.
- بلوك كلارآباد (از بلوك تنكابن): ۱۴۹.
- بلوك كلارستاق: ۱۴۲.
- بلوك كلارستاق بیرون بشم (از بلوك كلارستاق): ۱۴۴.
- بلوك كلاره دشت (از بلوك كلارستاق): ۱۴۳.
- بلوك كلیاد: ۷۸، ۷۹.
- بلوك كل بست (از بلوكات بارفروش): ۱۲۲.
- بلوك كولی جان (از بلوك تنكابن): ۱۴۹.
- بلوك كوه بهر (از بلوك كجور): ۱۴۰.
- بلوك كوهستان غربی وشرقی (از بلوك كلارستاق): ۱۴۴.
- بلوك كهسار (بخشی از بلوك قندرسك استرآباد): ۵۷.
- بلوك کیا كلا (از بلوكات بارفروش): ۱۲۲.
- بلوك گلچان رستاق (از بلوكات ساری): ۱۰۰.
- بلوك لاشك (از بلوك كجور): ۱۴۰.
- بلوك لاله آباد (از بلوكات بارفروش): ۱۲۱.
- بلوك لاویج (از بلوك نور): ۱۳۷.
- بلوك لزور (از بلوك نور): ۱۳۷.
- بلوك لقور: ۱۲۱.
- بلوك لنگا = جور بند لنگا و جیر بند لنگا (از بلوك تنكابن): ۱۴۹.
- بلوك لنگا (از بلوك تنكابن): ۱۴۷.
- بلوك مذر دشت خرم آباد (از بلوك تنكابن): ۱۴۹.
- بلوك میاندرود (از بلوكات ساری): ۸۹.

- ۱۰۵، ۹۷  
 بلوک میان نایه خرم آباد (از بلوک تنکابن):  
 ۱۴۹  
 بلوک نارنجک بند (از بلوک کجور): ۱۴۵  
 بلوک نسن (از بلوک نور): ۱۳۷  
 بلوک نیشتا (از بلوک تنکابن): ۱۴۹  
 بلوک هرازی و دابو (از بلوک آمل): ۱۳۳  
 بوجنورد: ۶۵  
 بورمه (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه  
 آخال نشین): ۶۷  
 بوقچه [طایفه...]: ۶۵  
 بناهای شاه عباسی: ۸۵  
 بندین: ۱۵۵  
 بندپی: ۱۱۵  
 بندپی شرقی و غربی [بلوک...]: ۱۲۱  
 بندر انزلی: ۱۱۳، ۱۵۹  
 بندر جز: ۷۸، ۳۶  
 بندر لاهیجان: ۱۵۸  
 بندر مشهدسر: ۱۱۱، ۱۱۳  
 بئن کوه (از دهکده‌های خوار): ۱۱  
 بنه کیودجامه: ۶۳  
 بنی هاشم: ۱۱۴  
 بوئین (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵  
 بورمه سرا (از دهکده‌های کرگان رود):  
 ۲۱۶  
 بوره سرا (از دهکده‌های کرگان رود):  
 ۲۱۷  
 بهاء الدوله (پسر فتحعلی شاه و بانی ارگ  
 سمنان): ۱۷  
 بهارلو [طایفه...]: ۷۲  
 به پس [ملک...]: ۱۶۶  
 بهتوئی [طایفه...]: ۱۷۶  
 بهزاد خان (سرکرده طایفه بهتوئی):  
 ۱۷۶  
 بهلکه [طایفه...]: ۶۲  
 بهمنی رودبست [بلوک...]: ۱۲۲  
 بی بی حور (امامزاده استراباد): ۴۹  
 بی بی زینب [آستانه...]: ۱۶۸  
 بی بی سبز (امامزاده استراباد): ۴۹  
 بی بی سروان: ۶۲  
 بی بی شهر بانو: ۴، قبر: ۴  
 بی بی ظهور (امامزاده استراباد): ۴۹  
 بی بی نور (امامزاده استراباد): ۴۹  
 بیدآباد [محله...]: ۱۱۷  
 بی سرتکیه [محله...]: ۱۱۷  
 بیشه سرا (از دهکده‌های طالش دولاب):  
 ۲۵۵  
 بیوک خان = صادق خان: ۲۵۷  
 بی ووزین (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۱  
 پ  
 پاپا رضا (از طایفه رفیع خان): ۱۷۴  
 پاتاوان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶  
 پاده (از دهکده‌های بلوک ارادان): ۱۲، ۸  
 پارکام (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۵۵  
 پاروبار (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷  
 پاریز (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه  
 آخال نشین): ۶۶

- پازوار (بر سر راه مشهد سر به بار فروش):  
۱۱۵، ۱۲۲.
- پازوکی [طایفه...]: ۹.
- پاشام (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):  
۱۸۷.
- پاکده (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- پامسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پانق [طایفه...]: ۵۸.
- پایتخت سلاطین گیلان = فومن: ۱۹۴.
- پای‌روند قلیچ‌خانی [ایل...]: ۱۷۷.
- پای‌سرو [گندر...]: ۴۹.
- پائین بلوک (بک قسمت از بلوک لاله‌آباد  
بارفروش): ۱۲۱.
- پائین چلی (از دهکده‌های بلوک فخر عماد  
الدین و کنول استرآباد): ۵۶.
- پائین لیتکو [بلوک...]: ۱۳۴.
- پتل (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو):  
۱۸۷.
- پرخاص [طایفه...]: ۵۸.
- پردسر (از محله‌های لاهیجان) ۱۶۲، ۱۶۳.
- پردسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پره (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- پره‌سر (از دهکده‌های طالش دولاب):  
۲۵۵.
- پس‌خان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- پسیخان [رودخانه...]: ۱۹۱.
- پشاکجی: ۱۶۲.
- پشالم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پشت مسخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پشت هان (از دهکده‌های رحمت‌آباد):  
۱۸۳.
- پشته (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
- پشته (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- ۲۱۷.
- پشته کلان (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- پشتیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پشده مرسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پل [بلوک...]: ۱۳۷.
- پل آجری حاجی ابراهیم: ۴۱.
- پل آجری رودخانه سیاه‌رود: ۱۶۹.
- پل آجری کیارود: ۱۵۸.
- پل آجری لنگرود: ۱۵۹.
- پل آجری ولیسه: ۱۵۸.
- پلاس‌لی (نام مردابچه‌ای در ده شلوار):  
۲۱۵.
- پل بزرگ نیکاح: ۸۹.
- پل تیجن: ۹۴.
- پل چوبی (بر سر راه کرگان رود به آق‌ایولر):  
۲۱۶.
- پل خورده (از دهکده‌های بلوک استرآباد—  
رستاق استرآباد): ۵۵.
- پل دارکله رود: ۹۱.
- پل سورک: ۹۱.
- پلک هنوی (از رودخانه‌های کرگان رود):  
۲۱۷.
- پل لوشان: ۱۷۴.
- پل منجیل: ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۷۹.
- پل نیکاح: ۳۲.

- بنج امام [امام زاده...]، (برسر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.
- بنج امام [امام زاده...] = امام زاده ورسن: ۴۶.
- بنج پیران [بقعه...]: ۱۶۳.
- بنجک رستاق [بلوک...]: ۱۴۰.
- بودیان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- پوستین سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پولکی [محلّه...]: ۴۳.
- پونل (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۶۸.
- پیاده بوجنوردی: ۶۷.
- پیاده جاجرمی: ۶۷.
- پیاده نردینی: ۶۷.
- پیاکلا [محلّه...]: ۱۱۷.
- پیچاک محلّه (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- پیر یازار: ۲۰۰.
- پیرده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پیرسرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۳، ۱۹۶.
- پیرکیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پیرمحمدسرا (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- پیری (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- پیسپرس [بلوک...]: ۱۳۷.
- پیش‌ده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پیش‌سار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پیشین کلاته (از دهکده‌های بلوک سدن-رستاق استرآباد): ۵۳.
- پیغمبر آخرالزمان (ص): ۱۰.
- بی‌مت (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
- بی‌مت (از بیلاقیهای نور): ۱۳۶.
- ت
- تاتار [طایفه...]: ۶۲.
- تاش (از دهکده‌های بلوک شاه کوه استرآباد): ۵۵.
- تاش [قریه...]، (حد غربی شاهرود): ۲۸، ۳۱.
- تاکو (نام‌چاهی است در دو فرسخی شهر ساری): ۹۷.
- تاکی (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- تاکی (از رودخانه‌های کرگان‌رود): ۲۱۷.
- تالار: ۱۰۱.
- تاور (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- تاوله کووان (از بیلاقیهای دولاب): ۲۰۵.
- تبریز: ۱۲۹، ۱۹۴.
- تبریزی [مهدی بیگ...]، (بدر محمود بیگ ضابط چا پارخانه‌شاهی دهکده قشلاق): ۷، ۱۵.
- تپه باغ (در شهر اشرف): ۸۳.
- تپه زرچال (در پای کوه شاه‌وار): ۳۳.
- تپه کلپاد: ۷۷.
- تتف (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- تجن‌گوکه (از دهکده‌های لاهیجان): ۱۶۵.
- تخشی محلّه (از دهکده‌های سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- تربت بر سید شرف‌شاه (از دهکده‌های



- گیل دولاب): ۲۰۴.
- ترزی هزارگریب: ۹۴.
- ترکستان: ۹۸.
- ترکمان: ۶۹، ۶۸، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۳۹، ۳۸، ۷۵.
۷۵. ۷۲، ۷۱، ۷۴، ۷۳، ۱۰۹، ۱۱۰.
- ترکمان [صحرا...]: ۷۸.
- ترکمانیه [طایفه...]: ۷۸، ۶۷، ۳۷.
- ترکمن: ۲۴.
- تساکو (از دهکده‌های سیاه کله‌رود): ۱۵۵.
- تسکین (از دهکده‌های بابامصور عمارلو):
- ۱۸۷.
- تفرشی [مطلب بیگ...]: (نسایب حاکم  
سنان): ۱۶.
- تفنگچی ساوری: ۳۶.
- تفنگچی قراچونخا: ۱۰۲.
- تفنگچی هزارگریبی: ۱۲۷.
- تقی‌بمش [طایفه...]: ۶۵.
- تقی [آقا میرزا...]: (بسرمر ترضی قلی بیگ):
- ۸.
- التقی [ام...]: ۱.
- تقی (امامزاده لاس‌گرد): ۱۴.
- تقی (کدخدای میان‌پشته): ۲۰۱.
- تقی‌آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین  
و کتول استرآباد): ۵۶.
- تقی هزارگریبی [حاجی ملا...]: (از مجتهدین  
بنام ساری): ۱۰۶.
- تکایای رشت: ۱۶۸.
- تکرم (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- تکری (از بیلاقیهای کرگان رود): ۲۱۷.
- تکلیم (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- تکه [ایل...]: ۵۷.
- تکه‌آخال‌نشین [طوایف...]: ۶۵.
- تکه قوم‌نشین (از طوایف استرآباد): ۶۵.
- تکیه آقا [از تکایای لاهیجان]: ۱۶۳، ۱۶۲.
- تکیه آقا میرکسریم (از تکایای لاهیجان):
- ۱۶۳.
- تکیه ارادان: ۸.
- تکیه اشرف: ۸۱.
- تکیه انزلی: ۲۰۰.
- تکیه‌ای در شهرباف محله لاهیجان: ۱۶۳.
- تکیه ایوان‌کیف: ۶.
- تکیه بارفروش: ۱۱۸.
- تکیه‌بر (در محله میدان لاهیجان): ۱۶۳.
- تکیه حاجی باقر (در لاهیجان): ۱۶۳.
- تکیه جز: ۳۵.
- تکیه رادکان: ۳۴.
- تکیه ساری: ۹۶.
- تکیه شاهرود: ۲۹.
- تکیه شاه‌کوه: ۳۳.
- تکیه عاقلید (در لاهیجان): ۱۶۳.
- تکیه قشلاق: ۷.
- تکیه کفشگری: ۴۵.
- تکیه لاس‌گرد: ۱۳.
- تکیه محله‌ارباب: ۱۱۷.
- تلخ‌آب (بالا دست لاس‌گرد): ۱۴.
- تلیک [میرزا سعید...]: (کدخدای آمل):
- ۱۳۳.
- تمسکینی [طایفه...]: ۵۳.

## ج

- تمك [طایفه...]: ۶۵.  
 تنکابن: ۱۴۸، ۱۴۹.  
 تنگ‌دره (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱، ۱۵۳.  
 تنگه: ۱۳۷.  
 تیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 توپخانه بزرگ انزلی: ۲۵۵.  
 تو (قریه‌ای بر سر راه آهوان به قوشه): ۲۲.  
 توستان (امامزاده استرآباد): ۴۹.  
 تونک‌بن (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.  
 تونک چال (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷.  
 تور (پسر فریدون شاه): ۹۸، ۹۹.  
 توران: ۹۸.  
 تورنگ تپه (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.  
 توساسان (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.  
 توسکائیش [محلّه...]: ۴۳.  
 توشن (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.  
 تولم [ولایت...]: ۱۹۷.  
 تولم [دهات...]: ۱۹۸.  
 تولم [شیلات...]: ۱۹۷.  
 تهران: ۱۷۵. دارالخلافت: ۱۷۵.  
 تی‌تی‌کانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.  
 تیج‌ناور (از دهکده‌های سمنان): ۱۵.  
 تیرتاش (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.  
 تیان دشت (از دهکده‌های بابا منصور):  
 ۱۸۷.
- جاجرود [رود...]: ۴، ۵.  
 جامه شوران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 جان‌باز [طایفه...]: ۱۱۰، ۱۱۱.  
 جان‌بیگ‌نو [طایفه...]: ۹۷، ۱۰۸.  
 جای پای دلدل (در نزدیکی دامغان): ۲۵.  
 جتر کلباد: ۵۰، ۷۷، ۷۸، ۱۰۲، ۱۰۳.  
 جز (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):  
 ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۵۴، ۷۷. تکیه:  
 ۳۵. حمام: ۳۵. گمرکخانه: ۳۵. مسجد:  
 ۳۵. محلّه کردها: ۳۵. مسگر محلّه:  
 ۳۵. میان محلّه: ۳۵.  
 جز [محلّه...]: ۳۹.  
 جزیره آه‌وراده: ۳۶.  
 جعفر علی‌السلام [امام...]: ۱۶۳، ۱۶۷.  
 جعفرآباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۶.  
 جعفرآباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین و کتول استرآباد): ۵۶.  
 جعفر آقا: ۸۹.  
 جعفربای [خوانین...]: ۶۸، ۶۹، ۷۰.  
 جعفربای [طایفه...]: ۵۷، ۶۸.  
 جعفر قلیخان (پسر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.  
 جعفر قلیخان (رئیس طایفه ساوری): ۵۲.  
 جعفر قلیخان یوزباشی خواجه‌وند: ۱۴۳.  
 جلال‌الدین اشرف [سید...]: ۱۶۳.  
 جلال‌ازدک [بلوک...]: ۱۲۲.  
 جلیل‌وند [طایفه...]: ۱۷۵.

- جلین سفلی (از دهکده‌های بلوک استرآباد - رستاق استرآباد): ۵۵.
- جلین علیا (از دهکده‌های بلوک استرآباد - رستاق استرآباد): ۵۵.
- جلیل خان (سرکردهٔ ایل اصانلو خوار): ۹.
- جمال‌آباد لوشان: ۱۷۴.
- جمعه بازار (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- جمیکوه (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- جنگل‌ده (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- جنگل ملو: ۷۷.
- جوبن (از دهکده‌های رودپارزیتون): ۱۹۵.
- جور بلکود (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جور بیش‌خان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جور پاسکیه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- جورسند (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جور کلاشم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- جور کلاه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جور محله (از دهکده‌های سیاهکله‌رود): ۱۵۵.
- جور کندان (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- جولاندان (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- جهان‌آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- جیر بلکود (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جیر بیش‌خان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- جیرسند (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- جیر کلاشم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جیر کلاه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جیر گوزاب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- جیرنده (از دهکده‌های عمار او و محل حاکم - نشین عارلو): ۱۸۷.
- جیرده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- چ
- چائی‌جان (از دهکده‌های سیاهکله‌رود): ۱۵۵.
- چابجار (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۵۲.
- چابجار (کنار بحر خزر): ۲۵۷.
- چاپارخانهٔ آهوان: ۲۲.
- چاپارخانهٔ اشرف: ۸۸.
- چاپارخانهٔ دامغان: ۲۶.
- چاپارخانهٔ دولتی کردمحله: ۳۳.
- چاپارخانهٔ دولتی لیوان: ۷۷.
- چاپارخانه دهکدهٔ قوشه: ۲۳.
- چاپارخانهٔ ده نمک: ۱۲.
- چاپارخانهٔ سمنان: ۱۹.
- چاپارخانهٔ کرده‌محله: ۴۳.
- چاپارخانهٔ لاس‌گرد: ۱۴.
- چاخم لو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- چارواده (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۵۵.
- چاروج (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۵۵.
- چارود: ۱۵۴.
- چاقربیگدلی [طایفهٔ...]: ۶۴.
- چاقونی محله (از دهکده‌های سیاهکله‌رود): ۱۵۵.

- چال خانه (از دهکده‌های بلسوک استرآباد):  
۵۵
- چال سراکی (از ییلاقهای رحمت آباد):  
۱۸۴
- چالکی (از دهکده‌های بلسوک سدن رستاق  
استرآباد): ۵۳
- چالوکسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چاه آب لاس‌گرد: ۱۴
- چاه درفک: ۱۸۵
- چاه ویل: ۱۶۹
- چاه یخ درفک: ۱۸۵
- چپگرود [محلّه...]: ۱۱۱
- چرکن: ۵۷، ۷۱
- چریه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۵
- چشمه آب گرم عمارلو: ۱۸۷، ۱۸۸
- چشمه باغ (در شهر اشرف): ۸۳
- چشمه سرولیچی: ۹۵
- چشمه علی (منبع آب جاری دامغان): ۲۴
- چغلا نلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸
- چقر (از دهکده‌های بلسوک سدن رستاق  
استرآباد): ۵۴
- چکو (از دهکده‌های طالش): ۲۵۵
- چکوسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چکه [طایفه...]: ۶۳
- چلدو [بلوک...]: ۱۳۴
- چلدوی: ۱۳۴
- چلندر (مشهور به مقام دیوسفید): ۱۳۷، ۱۳۸
- ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۱
- چلندر (در جمع بلوک کجور): ۱۴۵
- چل واشک (از دهکده‌های بابا منصور  
عمارلو): ۱۸۷
- چلونند (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸
- چماچا (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲، ۱۹۳
- چمارسرا (از محله‌های رشت): ۱۶۷
- چمل (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷
- چمن (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چمن‌دیوان [گذر...]: ۵۵
- چمن ساور: ۳۳
- چمن سلطانیه: ۱۷۶
- چمن گوهر باران: ۸۹
- چمن هفت چشمه شاه‌کو: ۶۷
- چنگیران (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۵۴
- چوآز (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶
- چوآز (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷
- چوباکنده (از دهکده‌های بلوک انزان  
استرآباد): ۵۴
- چوبیر (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲
- چوب لانی (از دهکده‌های بلوک استرآباد-  
رستاق استرآباد): ۵۵
- چوتاشان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۳
- چوران (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷
- چورسر (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱
- چومقال (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶
- چوگان [طایفه...]: ۵۸
- چوماسان: ۱۳۷
- چومسجد [محلّه...]: ۱۷
- چهار امام (مسکن طایفه عبدالملکی): ۸۸
- چهار برادران [امامزاده...]: ۱۶۸

- چهار پادشاه (از بقاع لاهیجان): ۱۶۳.  
 چهار ده (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۵۴.  
 چهار ده [بلوک...]: ۱۶۲.  
 چهارشنبه (امامزاده استرآباد): ۴۹.  
 چهارشنبه پیش [محلّه...]: ۱۱۷.  
 چهار فریضه (خالصه شاهی): ۲۰۲.  
 چه جا (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین  
 و کتول استرآباد): ۵۶.  
 چهل ستون (در شهر اشرف): ۸۳.  
 چیران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 چین: ۸۴.

## ح

- حاجی آباد [دهکده...]: ۳۳، ۵۵.  
 حاجی آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد  
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.  
 حاجی آقا (کدخدای سخت‌سر): ۱۵۱.  
 حاجی باقر [تکیه...]: ۱۶۳.  
 حاکم رانکو: ۱۵۵.  
 حاجی ترخان: ۳۶، ۱۰۹، ۲۱۵.  
 حاجی لُر [طایفه...]: ۴۸، ۵۳، ۹۳.  
 حاکم لنگرود: ۱۵۵.  
 حبیب‌الله: ۱۴۸.  
 حبیب‌الله‌خان سرتیب (حاکم کل اورنگ):  
 ۱۴۷، ۱۴۴.  
 حبیب‌الله خان سرتیب (حاکم کل تنکابن):  
 ۱۴۹.  
 حد سد کلباد و اشرف: ۸۵.  
 حرّزه بیل (از دهکده‌های رحمت آباد):  
 ۱۷۸، ۱۸۳.  
 حسام‌الدوله [گنبد...]: ۹۷.  
 حسن علیه السلام [امام...]: ۱۳۴.  
 حسن [آخوند مسلا...]، (از علمای رشت):  
 ۱۶۸.  
 حسن آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.  
 حسن ارباب [آقا...]: ۱۱۲.  
 حسن جان (مباشر کل چهار فریضه): ۲۰۲.  
 حسن کیاده (دهکده‌ای نزدیک مصب سفید  
 رود): ۱۶۲.  
 حسین [سید...]: ۱۵۵.  
 حسین آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد  
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.  
 حسین آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.  
 حسین آباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 حسین آباد: ۸۸.  
 حسین بشرویه [ملا...] = ملاحسین خراسانی:  
 ۱۲۷، ۱۲۵.  
 حسین بیگ (بلوک باشی چلندر): ۱۳۹.  
 حسین جان (کدخدای غازیان): ۲۰۱.  
 حسین خراسانی [ملا...] = ملاحسین بشرویه:  
 ۱۲۶.  
 حسینقلی: ۵۷.  
 حسین قلیخان (حاکم ولایت طالش دولاب  
 و گیل دولاب): ۲۰۳، ۲۰۷.  
 حصارک (از دهکده‌های خوار): ۱۲.  
 حصاوار [راه...]: ۲۱۴.  
 حصیر فروشان [محلّه...]: ۱۱۷.

- حضرت قلی‌خان (سرکرده طایفه کلهر قزوین):  
۱۷۶.
- حق نظر: ۱۱۰.
- حکمران استرآباد: ۷۱.
- حلقوسر (از دهکده‌های قومن): ۱۹۵.
- حلقه داغلی [طوایف...]: ۶۳، ۶۴.
- حمام آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- حمام ارادان: ۸.
- حمام استرآباد: ۴۹.
- حمام اشرف: ۸۱.
- حمام انزلی: ۲۵۵.
- حمام ایوان کیف: ۶.
- حمام بارفروش: ۱۱۸.
- حمام جز: ۳۵.
- حمام رادکان: ۳۴.
- حمام ساری: ۹۶.
- حمام شاهرود: ۲۹.
- حمام شاه کو: ۳۳.
- حمام قشلاق: ۷.
- حمام کردمحل: ۴۳.
- حمام کفشگیری: ۴۵.
- حمام لاس‌گرد: ۱۳.
- حمام لاهیجان: ۱۶۳.
- حمام لنگرود: ۱۵۹.
- حمزه کلا (برسر راد، مشیزد سر به بازر فروش):  
۱۱۶، ۱۱۷.
- حمیدآباد (قریه‌ای بر سر راه ساری به فرح-  
آباد): ۱۵۸.
- حنارس (از طایفه رفیع خان): ۱۷۴.
- حوزده [طایفه...]: ۶۲.
- حوض هشت کنج (در عمارت چهل ستون  
اشرف): ۸۳.
- حیان (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- حیدرآباد (از دهکده‌های بلوک سدنر ستاق  
استرآباد): ۵۳.
- حیدرآباد: ۶۴.
- حیدری (مذهب سه محله ساری): ۹۶.
- خ
- خاتون آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵، ۴.
- خارکلا (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین  
وکتول استرآباد): ۵۶.
- خاشابری (طایفه ساکن در طالش دولاب):  
۲۵۶.
- خاقان مغفور = فتح‌الملی شاه: ۲۴، ۷۵.
- خاک آمل: ۱۳۳.
- خاک بوجنورد: ۵۵.
- خاک تنکابن: ۱۴۶.
- خاک خراسان: ۱۳.
- خاک رانکو: ۱۶۲.
- خاک طالش دولاب: ۲۵۲.
- خاک عراق: ۱۳.
- خاک فیروزکوه: ۱۵.
- خالخالیان (از دهکده‌های طالش دولاب):  
۲۵۵.
- خال سرا (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۱.
- خال سرا (از رودخانه‌های اسالم): ۲۱۱.
- خاله خاله (از دهکده‌های طالش دولاب):

- ۲۰۵- خام به بن (از دهکده‌های بلوک فندرسک استرآباد): ۵۷.
- ۱۴۴- خسان بابا [ملا...]، (بلوک باشی اورنگ):
- خان باباخان (برادر باقرخان سرکرده طایفه چگینی قزوین): ۱۷۴.
- خان بابا خسان (سرکرده طالشهای ساکن اشرف): ۸۹.
- خان جانخان یوزباشی: ۱۴۰.
- خان جعفریای: ۷۱.
- خان خانی = علیقلی خان: ۲۰۷.
- خانه وار لاهیجان: ۱۶۴.
- خدابخش (پسر حاجی الله‌ویردی سوادکوهی): ۱۱۰.
- خدا رحم (از طایفه علی‌زمان): ۱۷۴.
- خدا شهر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خدیرخان ترکمان: ۳۸.
- خرا به مسجد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- خراسان: ۲۹، ۷۲، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۸۵.
- خراسانسی [ملاحسین...] = بشرویه [ملاحسین...]: ۱۲۶.
- خریو (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- خرزان: ۱۷۳، ۱۷۴.
- خرشک (از دهات ایل نشین رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- خرکام: ۱۸۴.
- خرکوران (نام اولیه شهر اشرف): ۸۱.
- خرم‌آباد: ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹.
- خرم‌آباد (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- خرم‌آباد فیلی: ۱۷۴.
- خرم‌آباد لرستان: ۱۷۴.
- خرم‌یوشه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خرمن (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- خروشور [طایفه...]: ۶۴.
- خزینه‌دارلو [طایفه...]: ۷۲.
- خسروآباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- خسروآباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خسروخسان (از سرکرده‌های ایسل مافی): ۱۷۶.
- خسرو قادی کلائی: ۱۲۶.
- خشمخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خشک لات (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- خشکه نودهان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خطیبان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- خطیب سرا (از دهکده‌های کمرگان رود): ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶.
- خطیب سرا (از رودخانه‌های کمرگان رود): ۲۱۴، ۲۱۷.
- خطیب گوراب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خطیب گوراب حسینعلی‌خان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

- خلخال: ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴.
- سامان: ۲۰۵۷. ملک: ۲۱۱. ولایت: ۲۱۴.
- خلخال: ۱۰۹.
- خلیل خیل [دهکده...]= رباط: ۸۰.
- خلیل سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- خلیندر (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کنول استرآباد): ۵۶.
- خمس (از دهکده‌های خلخال): ۲۰۵۸، ۲۰۵۷.
- خم‌سر (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- خمسه: ۱۸۹.
- خمسه بازار: ۱۳۲.
- خمیران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- خمیران زاهدان (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
- خمیران کباب (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
- خمیر کلایه (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۳.
- خندق قریه کفشگیری: ۴۵.
- خندق قلعه کل‌شانه پاور: ۲۰۵۷.
- خواجه کاری (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸.
- خواجه کاری (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- خواجه کاری بالا (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- خواجه کاری پائین (از دهکده‌های کرگان - رود): ۲۱۶.
- خواجه‌وند [طایفه...]: ۱۴۰، ۱۴۳.
- خوار: ۶، ۷، ۸، ۹، ۹۷. ارادان: ۱۲.
- ارجلان: ۱۱. الله‌ویردی آباد: ۱۲.
- امزاده اسمعیل: ۱۲. امزاده خلیل - الله: ۱۱. امزاده ذوالفقار: ۱۱. امزاده عبدالله: ۱۲. امزاده علی اکبر: ۱۱.
- اوبه عرب: ۱۱. ایل اصانلو: ۹. ایل عرب: ۹. بن کوه: ۱۱. پاده: ۱۲. جهان-آباد: ۱۲. حسن آباد: ۱۱. حسین آباد: ۱۱. حصارک: ۱۲. حمال آباد: ۱۲.
- خسرو آباد: ۱۱. ده‌سهراب: ۱۱. رستم - آباد: ۱۱. ریکان: ۱۱. سلمان: ۱۱. سزد: ۱۱. شاه‌بداق: ۱۱. شه‌سفید: ۱۱. طایفه علی کاهی: ۹. طایفه قراچورلو: ۹.
- علی آباد: ۱۲. فنده: ۱۱. قاتول: ۱۱. قشلاق (شامل پنج قریه): ۱۱. قشلاق نفر: ۱۱. قلعه چک: ۱۱. قلعه خرابه: ۱۲. قلعه نو: ۱۱.
- کرنند: ۱۱. گند: ۱۱. کوشک: ۱۱. کهک: ۱۱. لاریجان: ۱۱. محمد آباد: ۱۲.
- محمود آباد: ۱۲. مندولک: ۱۲. مهدی - آباد: ۱۲. مهران: ۱۲. نازحه: ۱۱. نارسا: ۱۱. نوزده: ۱۲. هاشم آباد: ۱۲. یاتری: ۱۱.
- خوانین جعفر بای: ۶۸، ۶۹، ۷۰.
- خورتوم (از دهکده‌های شفت): ۱۹۳.
- خورشید کلا (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.
- خورطه [طایفه...]: ۶۱.
- خوریاب [محله...]: ۲۵.
- خوش آب خوره (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۴.
- خول‌خواب (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۶.



- خو لک (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
۱۹۰
- خولوم بو (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
۱۹۰
- خیابان شاه عباس: ۷۷.
- خیابان شاه عباس (از خیابانهای جز): ۴۱.
- خیابان شاه عباسی (برسرد راه کسرده محله به کفشگیری): ۴۵.
- خیابان شاه عباسی (نزدیک شهرساری): ۱۰۶.
- خیاط محله (از دهکده‌های سیاهکله رود):  
۱۵۵
- خیرات (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- خیرودکنار [بلوک...]: ۱۴۰.
- خیمه‌دوزان [گذر...]: ۴۹.
- خیمه‌سر (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- خبوق: ۶۵.
- خبوقی [طایفه...]: ۶۰.
- ۵
- دابو [بلوک...]: ۱۲۲.
- داراب: ۹۱.
- داراب کلا [دهکده...]: ۹۱.
- داراجق: ۵۹.
- دارالخلافة طهران: ۱۷۰، ۱۵۰، ۱۲۷، ۴، ۳، ۱.
- دارستان (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
۱۹۰
- دارالسلطنه قزوین: ۱۷۳.
- دارالسلطنه مسکو: ۱۱۸.
- دارالمرز رشت: ۱۶۷، ۱۶۸.
- دارالملک مازندران: ۱۲۵.
- دارن [جنرال برنهارد...]: ۲۱۹.
- داز [طایفه...]: ۶۲.
- دازم کنده [محلّه...]: ۱۰۸.
- دانش باشی (از بیلاقیهای کرگان رود): ۲۱۷.
- داشلو [طایفه...]: ۷۲.
- داشلیم: ۶۱.
- دالکا: ۱۰۹.
- دامغان: ۱، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹.
- ارگه: ۲۴. چا پارخانه: ۲۶. محلّه
- خوریاب: ۲۵. محلّه قلعه: ۲۵. محلّه
- شاه: ۲۵. محلّه دباغان: ۲۵. مدرسه:
۲۴. مسجد جامع: ۲۴. منار: ۲۴.
- دامغانی [عبدالله بیگ...]: (ضابط چا پار-  
خانه آهوان): ۲۲.
- دامنه کوه البرز: ۲۱۳.
- دانکو [بلوک...]: ۱۳۷.
- دانیال پیغمبر: ۱۴۵.
- داود [حضرت...]: ۱۷۵.
- داود میرزا (برادرزاده شاهزاده صاحبقران  
میرزا): ۱۲۸.
- دباغان [گذر...]: ۵۰.
- دباغان [محلّه...]: ۲۵.
- دباغ‌خانه پیش [محلّه...]: ۱۱۷.
- دخلاکونی (از بیلاقیهای کرگان رود): ۲۱۷.
- درازکله [محلّه...]: ۴۳.
- دران (از بیلاقیهای کرگان رود): ۲۱۷.

- درب‌نو [گذر...]: ۵۰.  
 درخان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.  
 در کونجی [طایفه...]: ۵۹.  
 درلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.  
 درمسجد (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.  
 دروا (قبریه‌ای بر سر راه آهوان به قوشه):  
 ۲۲.  
 دروازه بسطام (در شرق شهر استرآباد): ۴۸.  
 دروازه بسطام: ۶۸.  
 دروازه چهل دختر (در جنوب شهر استرآباد):  
 ۴۸.  
 دروازه ساری: ۱۰۶.  
 دروازه سبزه مشهد (در شمال شهر استرآباد):  
 ۴۸، ۶۸.  
 دروازه مازندران (در غرب شهر استرآباد):  
 ۴۸، ۴۷.  
 دروازه ملا مجالدین: ۱۰۷.  
 درود محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۴.  
 درون (یکی از محله‌های سکای طوایف تکه  
 آخال نشین): ۶۷.  
 درویش خیل [محله...]: ۱۱۷.  
 دره بادپران: ۳۱.  
 دره چاشت خور: ۲۱.  
 دره سینه‌رود: ۱۸۵.  
 دره دماوند: ۶.  
 دره کاری (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.  
 دره کیف تنگه (در غرب دهکده قوشه): ۲۳.  
 دره‌گز: ۶۳، ۶۵.  
 دره‌واز (از دهکده‌های طالش‌دولاب):  
 ۲۰۵.  
 دریابشته (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.  
 دریاچه دامغان: ۲۴.  
 دریاچه ساوه: ۱۰.  
 دریاسر: ۱۵۸.  
 دریاقلیخان (خان کل طوایف جعفری‌ای):  
 ۶۸، ۷۰.  
 دریای انزلی = دریای خزر: ۱۹۱، ۱۹۴.  
 دریای جز = دریای انزلی: ۳۶، ۷۸.  
 دزدبن [مغاره...]: ۱۱۶، ۱۶۱.  
 دشت دامان (از بیلافهای طالش‌دولاب):  
 ۲۰۵، ۲۰۷.  
 دشت‌زر (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):  
 ۱۸۷.  
 دشت ساری: ۱۰۱.  
 دشت‌سر [بلوک...]: ۱۳۳.  
 دشت کلارستاق [بلوک...]: ۱۴۳.  
 دشت مین (از دهکده‌های طالش‌دولاب):  
 ۲۰۵.  
 دشتی کلوته (از دهکده‌های بلوک انزان  
 استرآباد): ۵۴.  
 دکه دره ورزکا (از دهکده‌های رحمت‌آباد):  
 ۱۸۳.  
 دماغه بادپران: ۳۲.  
 دماوند: ۱۱۸.  
 دنگلان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۴۵، ۵۴.

- دوانلو [طایفه...]: ۷۲.
- دو برادران [امامزاده...]: (بر سر راه لنگرود): ۱۵۸.
- دو برادران [امامزاده...]: (در محله خمیران-کیاب رشت): ۱۶۸.
- دو چناران [گذر...]: ۵۵.
- دو دانگه (از دهکده‌های استرآباد رستاق استرآباد): ۵۶.
- دو درقه [طوایف...]: ۶۳.
- دوران میان رودخان (از دهکده‌های طالش-دولاب): ۲۵۵.
- دوست علیخان معیر الممالک (تیولدازقریه آزادکلا خالصه شاهی): ۹۴.
- دوشنبه (امامزاده استرآباد): ۴۹.
- دوشنبه [گذر...]: ۵۵.
- دوشنبه بازار = بازار محله قصبه شفت: ۱۹۲.
- دوغانلی [محله...]: ۸۹.
- دوغ یلم: ۶۴.
- دوگاه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۵.
- دوگاه (سرچشمه یکی از شعب رودخانه سیاه-رود رودخان): ۱۸۴.
- دولت آباد (از دهکده‌های استرآباد): ۵۷، ۵۹.
- دولت آباد (از دهکده‌های حومه طهران): ۳.
- دولت روسیه: ۲۸، ۱۵۸.
- دولت علیه ایران: ۱۵۸.
- دو محله قصبه فومن: ۱۹۶.
- دوهنده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- دهات اسالم: ۲۱۵.
- دهات ایل نشین رحمت آباد: ۱۸۳.
- دهات بابامنصور عمارلو: ۱۸۶، ۱۸۷.
- دهات دوهزار [بلوک...]: ۱۴۹.
- دهات رحمت آباد: ۱۸۳.
- دهات رودبار: ۱۹۵.
- دهات شفت: ۱۹۲.
- دهات عمارلو: ۱۸۶.
- دهات فندر سک: ۶۱.
- دهات فومن: ۱۹۵.
- دهات کتول: ۶۱.
- دهات کرگان رود: ۳۱۲، ۲۱۶.
- دهات گیل دولاب: ۲۵۴.
- ده داراب کلا: ۹۱.
- ده سرکلاته: ۴۲.
- ده سهراب (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- ده سیاهوش کلا: ۸۹.
- ده شورابسر (بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۹.
- ده علی تپه: ۸۵.
- ده کرامی جان (بر سر راه اورنگک به عباس-آباد): ۱۴۵.
- ده گلستان: ۸۹.
- ده لاهو (از دهکده‌های بلوک کسلاره دشت-کلا رستاق): ۱۴۳.
- ده لپاوک: ۱۴۲.
- ده ملا (حد جنوبی شاهرود): ۲۷، ۲۸.
- ده مهمان دوست: ۲۷.
- دهند [طایفه...]: ۶۳.
- ده نمک: ۱۰، ۱۲.

ذوالفقار خان (از سر کرده‌های طایفه کاکاوند):  
۱۷۵-  
ذوالفقار خان (برادر حسین قلیخان حاکم  
طالبش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.  
ذوالقدر [طایفه...]: ۷۲.

## ر

راپشته (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.  
رادکان (از دهکده‌های بلوک ساور استرآباد):  
۳۳، ۳۴، ۵۵. تکیه: ۳۴. حمام: ۳۴.  
مسجد: ۳۴.  
راسته بازار (از بناهای شاه عباس در فرج-  
آباد): ۱۰۸.  
راسته بازار دامغان: ۲۴.  
راسته کنار (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.  
راسته کنار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
راسته کنار مخروطی (از دهکده‌های فومن):  
۱۹۶.  
رامیان (از دهکده‌های بلوک فندر سک  
استرآباد): ۵۷، ۵۰.  
رانکو: ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰.  
راه آب گرم سخت سر به سیاهکله رود: ۱۵۳.  
راه آستارا به اردبیل: ۲۱۴.  
راه آهوان به قوشه: ۲۳.  
راه از دارالخلافة طهران به سمنان: ۳.  
راه اردان به ده نمک: ۱۰، ۱۲.  
راه استرآباد: ۳۱.  
راه اشرف به نیکاح: ۸۸.  
راه انزلی به کپورچال: ۲۰۲.

دهنه کوه آهوان (در سه فرسنگی سمنان):  
۱۹-  
دهنه لنگرود: ۱۶۲.  
دهنه میررود: ۱۱۱.  
دیزک (از دهکده‌های ورامین): ۶.  
دیزکا (از بیلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.  
دیلمان (حاکم نشین...): ۱۹۹.  
دیمتوران (قریه‌ای بر سر راه ساری به فرج-  
آباد): ۱۰۷.  
دینچال (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۵.  
دینچال (از رودخانه‌های طالبش دولاب):  
۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱.  
دیوانخانه (از بناهای شاه عباس در شهر  
اشرف): ۸۵.  
دیوانخانه رحیم خان در قریه کفشگیری: ۴۵.  
دیوانخانه فرج آباد (از بناهای شاه عباسی):  
۱۰۸.  
دیوانخانه شهر ساری: ۹۵.  
دیورود (از دهات ایل نشین رحمت آباد):  
۱۸۳.  
دیوشل (از دهکده‌های لاهیجان): ۱۶۱،  
۱۶۲.  
دیلمان: ۱۸۵. سرحد: ۱۸۵.  
دی نك (از دهکده‌های بایامتصور عمارلو):  
۱۸۷.  
ذولپیران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

## ذ

- راه اورنگک به عباس آباد: ۱۴۵.  
 راه ایوان کیف به خاتون آباد: ۵.  
 راه ایوان کیف به قشلاق: ۶.  
 راه بنامار (از کسگان رود به اردبیل و خلخال): ۲۱۴.  
 راه تاش به شاه کوی بالا: ۳۲.  
 راه جز به کردمحل: ۴۱، ۴۲.  
 راه جهنم دره گیلان: ۱۶۹.  
 راه چشمه علی: ۲۵.  
 راه چلندر به اورنگک: ۱۴۱.  
 راه چهار ده به استرآباد: ۳۳.  
 راه حصارواز (راه از کسگان رود به اردبیل و خلخال): ۲۱۴.  
 راه خاتون آباد به دارالخلافة: ۴.  
 راه خرم آباد به آب گرم سخت سر: ۱۵۵.  
 راهدار پشته (از دهکده های رود بارزیتون): ۱۹۵.  
 راهدار پشته سفید رود: ۱۸۵.  
 راهدار پشته سیاهکل: ۱۸۵.  
 راهدارخانه حاجی ویشه: ۱۶۶.  
 راه دامغان به شاهرود: ۲۷.  
 راه ده نمک به لاس گرد: ۱۳.  
 راه رادکان به جز: ۳۴.  
 راه رودسر به لنگرود: ۱۵۸.  
 راه زیارت خاصه: ۳۳.  
 راه ساری به فرح آباد: ۱۰۷.  
 راه سلده به چلندر: ۱۳۷.  
 راه سمنان: ۱.  
 راه سمنان به آهوان: ۲۱.  
 راه سباهکلرود به رودسر: ۱۵۶.  
 راه سیردان: ۱۷۸.  
 راه شاهرود به تاش: ۳۱.  
 راه شاه کوی بالا به رادکان: ۳۳.  
 راه شاهی بزرگ رنکه: ۱۸۵.  
 راه شمشیربر: ۳۲.  
 راه عباس آباد به خرم آباد: ۱۴۷.  
 راه عبور مازندران به استرآباد: ۷۸.  
 راه فرح آباد به مشهدسر: ۱۱۰.  
 راه فریکنار به محمود آباد: ۱۳۲.  
 راه قشلاق به ارادان: ۸.  
 راه قوزلق به استرآباد: ۶۷.  
 راه قوشه به دامغان: ۲۳.  
 راه کتل منجیل: ۱۶۹.  
 راه کفشگیری: ۴۵.  
 راه کفشگیری به استرآباد: ۴۶.  
 راه کلج: ۱۷۸.  
 راه کلج طارم (یکی از راه های منجیل به شهر زنجان): ۱۷۷.  
 راه گذر عمارلو و خرکام: ۱۸۴.  
 راه لاس گرد به سمنان: ۱۵.  
 راه لاهیجان به درشت: ۱۶۵، ۱۶۰.  
 راه لنگرود به لاهیجان: ۱۶۱.  
 راه محمود آباد هراز به سلده: ۱۳۴.  
 راه مشهدسر به بارفروش: ۱۱۵.  
 راه مشهدسر به فریکنار: ۱۳۱.  
 راه منجیل به امید: ۱۷۸.  
 راه منجیل به شهر زنجان: ۱۷۷.  
 راه منجیل به قیتول: ۱۷۸.

- راه نطنز: ۷.
- راه نیکاح به سیمس کنده: ۹۰.
- راه ورامین: ۷.
- رباط [دهکده...]= خلیل خیل: ۸۰.
- رباط تاجر: ۳۱.
- ربیع کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- رجعلی (کدخدای ده نمک): ۱۲.
- رحمت آباد: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴. اسطوخ-چان: ۱۸۳. اهل: ۱۸۲. بلوک براگور: ۱۸۳. بلوک حلیمه جان: ۱۸۳. بلوک شربی جار: ۱۸۳. بلوک شیخ علی طوسه: ۱۸۳. بلوک کوهک: ۱۸۳. پره: ۲۸۳.
- توتک بن: ۱۸۳. پشت‌هان: ۱۸۳: ۱۸۳.
- حوزه بیل: ۱۸۳. خورشک: ۱۸۳. دکه دره ورزکا: ۱۸۳. دیورود: ۱۸۳.
- رود خان: ۱۸۳. رودخانه آقوزین: ۱۸۴. رودخانه برگوار: ۱۸۴.
- رودخانه حلیمه جان: ۱۸۴. رودخانه خورشک رود: ۱۸۴. رودخانه دوله کی شربی جار: ۱۸۴. رودخانه سندس: ۱۸۴.
- رودخانه سیاه رودخان: ۱۸۴.
- رودخانه شهران: ۱۸۴. رودخانه شیخ علمی طوسه: ۱۸۴. رودخانه علی شاه رود: ۱۸۴. رودخانه کرتوم: ۱۸۴. رودخانه کلشتر: ۱۸۴.
- رودخانه کوهک: ۱۸۴. رودخانه گوهررود تصفی: ۱۸۴. سندس: ۱۸۳.
- شهران: ۱۸۳. شیر کوه: ۱۸۳. طایفه
- بیراصلو: ۱۸۳. طایفه جمع کانلو: ۱۸۳.
- طایفه: دوغ کانلو: ۱۸۳. طایفه قرخ کانلو: ۱۸۳.
- طایفه ولی لو: ۱۸۳. طلایر: ۱۸۳.
- علی آباد: ۱۸۳. فنکوه: ۱۸۳. فتک: ۱۸۳.
- کلاه پره: ۱۸۳. کلشتر: ۱۸۳.
- کلوس فروش: ۱۸۳. کندسر = آقوزین: ۱۸۳.
- کوشکچان: ۱۸۳. کبا آباد: ۱۸۳.
- گاوخوس: ۱۸۳. گلدیان: ۱۸۳.
- گل ورز: ۱۸۳. نصفی: ۱۸۳. ویایه: ۱۸۳.
- بیلاق چال سراکی: ۱۸۴. بیلاق خوش آب خوره: ۱۸۴. بیلاق مرجان-آباد: ۱۸۴. بیلاق گلوزن: ۱۸۴. بیلاق نوده: ۱۸۴. بیلاق نوده عنبر: ۱۸۴.
- رحیم [آقا...]: (پدر آقا محمد رضا کدخدای دهکده رادکان): ۳۴.
- رز آش (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- رزان (از بیلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- رزیا کلا [محلّه...]: ۱۱۷.
- رستم: ۸، ۱۴.
- رستم آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- رستم آباد (برسر راه رشت به منجیل): ۱۹۶.
- ۱۷۳، ۱۸۹.
- رستم رود (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
- رستم کلا: ۸۸.
- رستم کلای سادات (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- رستم کلای عباس بیگ (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- رسول (ص): ۱۱۲.

- رسول آباد (از دهکده‌های استرآباد): ۵۵.  
 رشت: ۱۲۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۸۵،  
 ۱۹۱، ۲۹۲، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰. نکایا:  
 ۱۶۸. حمام: ۱۶۸. خانه‌وار: ۱۶۸.  
 سقاخانه: ۱۶۸. کاروانسرا: ۱۶۸. محله  
 استادسرا: ۱۶۷. محله بازار: ۱۶۷. محله  
 چمارسرا: ۱۶۷. محله خمیران زاهدان:  
 ۱۶۷. محله خمیران کیاب: ۱۶۷. محله  
 صیقلان: ۱۶۷. محله کیاب: ۱۶۷.  
 مدرسه: ۱۶۸. مسجد: ۱۶۸. مکتب: ۱۶۸.  
 رشت رود (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
 ۱۹۰.  
 رشوند [ایل...]: ۱۷۴، ۱۷۷.  
 الرضا علیه السلام [امام...]: ۱، ۱۱۳، ۱۶۷.  
 رضا [آقا سید...]: [امام زاده لاس‌گرد]:  
 ۱۴.  
 رضا [حاجی میرزا...]: [داماد منجم باشی]:  
 ۱۵۸.  
 رضامحله (از دهکده‌های سیاهکله رود):  
 ۱۵۵.  
 رضا قلی (کدخدای محمود آباد هراز):  
 ۱۳۳.  
 رضا قلیخان: ۷۳.  
 رضا قلیخان (پسر میرزا محمد خان کلبادی):  
 ۷۹.  
 رضاقلیخان (صاحب اختیار کرده محله): ۴۲.  
 رضاقلی خان (رئیس سدن رستاق): ۵۲.  
 رضوان ده غریب بنده (از دهکده‌های گیل-  
 دولاب): ۲۰۴.
- رفیع [آقا...]: (کدخدای دهکده تاش):  
 ۳۲.  
 رفیع [حاجی ملا...]: ۱۷۸.  
 رفیع خان [طایفه...]: ۱۷۴.  
 رمضان [حاجی...]: [پدر محمدقلی]: ۱۱۰.  
 رمک (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.  
 رنگه: ۱۸۵.  
 رنگ آب (از بیلاقیهای طالش دولاب): ۲۰۶.  
 رنگ رش‌خانه (از دهکده‌های کرگان رود):  
 ۲۱۶.  
 روبند برو (امام زاده استرآباد): ۴۹.  
 رودبار: ۱۰۲، ۱۶۹، ۱۸۹، ۱۹۰. دهات: ۱۹۰.  
 رودبار [دهات...]: ۱۹۰.  
 رودبارسرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.  
 رودپشت (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.  
 رود پیش (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 رودخان = رودخانه (از دهکده‌های رحمت-  
 آباد): ۱۸۳، ۱۸۴.  
 رودخانه (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.  
 رودخانه آستارا: ۲۱۸.  
 رودخانه آسپارود (بر سر راه خرم آباد به آب-  
 گرم سخت‌سر): ۱۵۰.  
 رودخانه آقوزین (از رودخانه‌های رحمت-  
 آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه آچرود (بر سر راه اورنگ بدعباس-  
 آباد): ۱۴۵.  
 رودخانه اذارود (بر سر راه عباس آباد به خرم-  
 آباد): ۱۴۷.  
 رودخانه ارمنج: ۱۳۸.

- رودخانه اسب چین: ۱۴۶.  
 رودخانه اسپه رود: ۱۴۶.  
 رودخانه المی بزرگ (برسر راه سلده به چلندر): ۱۳۷.  
 رودخانه الوندکیاب: ۴۲.  
 رودخانه امام رود (بر سر راه اورنگک به عباس آباد): ۱۴۵.  
 رودخانه امیج کلا: ۱۴۶.  
 رودخانه امیررود (بر سر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.  
 رودخانه انجیر آب: ۴۷.  
 رودخانه اوشیانرود: ۱۵۴.  
 رودخانه اهلرود (بر سر راه محمودآباد هراز به سلده): ۱۳۵.  
 رودخانه اهلمه (بر سر راه فریکتار به محمود آباد هراز): ۱۳۳.  
 رودخانه ایزد ده (بر سر راه محمودآباد هراز به سلده): ۱۳۵.  
 رودخانه بابل: ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰.  
 رودخانه باشی رود (بر سر راه خرم آباد به آب گرم سخت سر): ۱۵۰.  
 رودخانه براگور (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه بلالم: ۱۵۶.  
 رودخانه بندی (بر سر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.  
 رودخانه بسند رود: ۱۴۷.  
 رودخانه پسیخان (از رودخانه های شفت): ۱۹۱.  
 رودخانه پلنگ رود: ۱۴۶.  
 رودخانه پلورود: ۱۸۶.  
 رودخانه تالار: ۱۵۱، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶.  
 رودخانه ترك رود: ۱۵۳.  
 رودخانه تفنگک گاه (بر سر راه فریکتار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.  
 رودخانه تمشون (بر سر راه محمودآباد هراز به سلده): ۱۳۶.  
 رودخانه تیجن: ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۹.  
 رودخانه تیر پردسر (بر سر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷، ۱۴۸.  
 رودخانه چال کرود (بر سر راه خرم آباد به سخت سر): ۱۵۰.  
 رودخانه چالوس: ۱۴۱، ۱۴۲.  
 رودخانه چاله پل: ۸۹.  
 رودخانه چشمه کیله (بر سر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰.  
 رودخانه چلندر: ۱۳۸.  
 رودخانه چوار: ۲۱۴.  
 رودخانه حاجی محله: ۱۴۸.  
 رودخانه حرزه بیل (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه حلیمه جان (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه خورشک رود (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه خرك رود: ۱۴۶.  
 رودخانه خشک رود: ۴۶، ۱۵۵، ۱۵۶.  
 رودخانه خطیب سرا: ۲۱۴.  
 رودخانه خیررود (بر سر راه چلندر به اورنگک):



۱۴۱. رودخانه دزدک رود (برسر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.
- رودخانه دوست کوه: ۱۵۶.
- رودخانه ذوله کی شریبی جار (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه راپشته (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷.
- رودخانه سالومحله: ۱۵۶.
- رودخانه رستم رود (برسر راه محمودآباد - هراز به سنده): ۱۳۶.
- رودخانه زوارکله (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷.
- رودخانه زیارت خاصه: ۴۹.
- رودخانه سرخانی = سفیدتمش (حد سد گیلان و مازندران): ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴.
- رودخانه سرداب رود: ۱۴۵.
- رودخانه سرد رودسر (در کلاره دشت): ۱۴۴.
- رودخانه سفید تمش = رودخانه سرخانی: ۱۵۳، ۱۶۴.
- رودخانه سفید رود: ۱۶۵، ۱۶۳، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰.
- کنار: ۱۶۳، ۱۸۲.
- رودخانه سنده: ۱۳۶.
- رودخانه سندس (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۲، ۱۸۴.
- رودخانه سنگ تاجان (برسر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.
- رودخانه سویرود: ۱۵۳.
- رودخانه سیاه رود: ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۶۹.
- رودخانه سیاه رودبار: ۱۷۱.
- رودخانه سیاه رودخان (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه سیاه رودسر (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
- رودخانه سیدمحله: ۱۵۰.
- رودخانه سیگارود: ۱۵۰.
- رودخانه شارود = شاهرود: ۱۷۷.
- رودخانه شاهرود = شارود: ۱۸۷.
- رودخانه سلمان: ۱۵۸.
- رودخانه شلیت (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
- رودخانه شمشیر بر: ۱۰۰.
- رودخانه شوراب سر: ۱۵۰.
- رودخانه شهران (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه شیخ علی طوسه (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه شیرا (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۲.
- رودخانه شیرارود: ۱۵۶.
- رودخانه شیرداربن: ۴۲.
- رودخانه صارو: ۸۰.
- رودخانه صیقلان رودبار: ۱۶۶.
- رودخانه طیروم (برسر راه خرم آباد به سخت سر): ۱۵۰.

- رودخانه کهنه خشک رود: ۱۵۶.  
 رودخانه کیارود (از رودخانه‌های رودسر):  
 ۱۵۷، ۱۵۸.  
 رودخانه گج رود (برسراه سلده به چلندر):  
 ۱۳۷.  
 رودخانه گزاف رود: ۱۵۶.  
 رودخانه گورگان: ۵۰.  
 رودخانه گوهر رود (از رودخانه‌های شفت):  
 ۱۷۱، ۱۹۱.  
 رودخانه گوهر رود نصفی (از رودخانه‌های  
 رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه گیلا کجان: ۱۵۶.  
 رودخانه لذرجان: ۱۵۶.  
 رودخانه لنگرود: ۱۵۹.  
 رودخانه لوار: ۴۱.  
 رودخانه لیلکوه: ۱۶۱.  
 رودخانه مازکا (برسراه چلندر به اورنگک):  
 ۱۴۱.  
 رودخانه ماشلك (برسراه چلندر به اورنگک):  
 ۱۴۱.  
 رودخانه محمدحسین آباد: ۱۴۶.  
 رودخانه محمودآباد (برسراه محمودآباد  
 هراز به سلده): ۱۳۵.  
 رودخانه مذر: ۱۴۹، ۱۵۰.  
 رودخانه مرزنده کله (برسراه اورنگک به  
 عباس آباد): ۱۴۵.  
 رودخانه مشهدسر: ۱۱۵، ۱۳۱.  
 رودخانه ملاکلا: ۱۳۲، ۱۳۳.  
 رودخانه میان ده رود: ۱۵۴.  
 رودخانه طیل رودسر: ۱۴۶.  
 رودخانه طیل نو: ۷۹.  
 رودخانه علی آباد بزرگ (برسراه چلندر  
 به اورنگک): ۱۴۱.  
 رودخانه علی شاه رود (از رودخانه‌های  
 رحمت آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه فرش کلا (برسراه سلده به چلندر):  
 ۱۳۷.  
 رودخانه قاسم آباد: ۱۵۴.  
 رودخانه قدم گاه خضر: ۴۷.  
 رودخانه قراسو (درنیم فرسخی کردمحل):  
 ۴۳.  
 رودخانه قشلاق: ۷.  
 رودخانه کاظم آباد: ۱۴۷.  
 رودخانه کسرتوم (از رودخانه‌های رحمت-  
 آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه کسرکدر (برسراه چلندر به  
 اورنگک): ۱۴۱.  
 رودخانه کزند: ۷۸.  
 رودخانه کلشتر (از رودخانه‌های رحمت آباد):  
 ۱۸۴.  
 رودخانه کل: ۱۳۸.  
 رودخانه کندرود (برسراه چلندر به اورنگک):  
 ۱۴۱.  
 رودخانه کسروود (برسراه سلده به چلندر):  
 ۱۳۷.  
 رودخانه کویکته (از رودخانه‌های رحمت-  
 آباد): ۱۸۴.  
 رودخانه کهنان: ۸۸.

- روشن‌ده (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.  
 روم (آسیای صغیر = ترکیه امروز): ۹، ۹۸.  
 ۱۸۶. ولایت: ۱۸۶.  
 ری: ۹۸.  
 ریشان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.  
 رینق چشمه (از دهکده‌های بلوک فخر عماد...  
 الدین و کنول استرآباد): ۵۶.  
 ریکا بند [دهکده...]: ۸۰.  
 ریکان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.  
 ریگ (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۵، ۲۱۶.  
 ریناج (از بیلاقهای طالش دولاب و حاکم...  
 نشین): ۲۰۵، ۲۰۸.  
 ز  
 زاغ مرز (مسکن طایفه عبدالملکی): ۸۸.  
 زاند رستاق [بلوک...]: ۱۴۰.  
 زاهدان (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.  
 زیان شفتی: ۱۸۲.  
 زیان طالشی: ۱۸۲.  
 زرده کش (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو):  
 ۱۸۷.  
 زرکام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 زروان محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۴.  
 زرین‌آباد [بلوک...]: ۱۰۲.  
 زعفران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 زکابر (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو):  
 ۱۸۷.  
 زکریای قادی کلائی: ۱۲۶.  
 زکین محله (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.  
 رودخانه نصیر کیله (بر سر راه خرم‌آباد به  
 آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.  
 رودخانه نمک‌آب‌رود: ۱۵۰.  
 رودخانه نمک‌آب رودسر (مرز کلارستاق و  
 تنکابن): ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۹.  
 رودخانه نمیر: ۲۱۴.  
 رودخانه نورودسر (بر سر راه اورنگ به  
 عباس‌آباد): ۱۴۵، ۱۴۶.  
 رودخانه نوکنده: ۷۷.  
 رودخانه نیاست‌رود: ۱۵۰.  
 رودخانه نی‌روا: ۱۳۸، ۱۴۸.  
 رودخانه نیشتا (بر سر راه عباس‌آباد به خرم...  
 آباد): ۱۴۷.  
 رودخانه نیکاح: ۱۰۰، ۸۹.  
 رودخانه وچک (بر سر راه خرم‌آباد به آب...  
 گرم سخت‌سر): ۱۵۰.  
 رودخانه وازی‌دار (بر سر راه سلده به چلندر):  
 ۱۳۷.  
 رودخانه ولیسه: ۱۵۸.  
 رودخانه هاشم‌رود (بر سر راه محمودآباد...  
 هراز به سلده): ۱۳۵، ۱۳۶.  
 رودخانه‌های رحمت‌آباد: ۱۸۴.  
 رودسر: ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴.  
 رودگر محله [محله...]: ۱۱۷.  
 روسر (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.  
 روسیه: ۱، ۲۶، ۳۷، ۱۰۸، ۱۵۹، ۱۷۰،  
 ۲۱۸. ملک: ۲۱۸.  
 روسیه [ملک...]: ۲۱۸.  
 روشن‌آباد: ۴۵.

- زمان بیگ (حاکم استرآباد در زمان نادر-  
شاه افشار): ۷۳.
- زمان بیگ (مباشراستارا): ۲۱۸.
- زنجان: ۱۲۹، ۱۷۳.
- زند [شیخعلی خان...]: ۷۴.
- زند [طایفه...]: ۷۴.
- زند [کریم خان...]: ۸۱.
- زندان قدیمی (درمیان تپه‌ای قدیمی درمقابل  
محله باغ زندان شاهرود): ۲۹.
- زندان یزید: ۴.
- زنگی محله (از دهکده‌های بلوک سدن-  
رستاق استرآباد): ۵۳.
- زودل (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- زوار [بلوک...]: ۱۴۹.
- زیابری [حاجی آفا...]: (حاکم گیل گسکر):  
۱۹۸.
- زیادلو [طایفه...]: ۷۲.
- زیارت خاصه: ۳۳.
- زیارت خاصه رود (از دهکده‌های استرآباد):  
۵۶.
- زیتون رودبار [ولایت...]: ۱۸۹.
- زیده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- زین العابدین علیه السلام [امام...]: ۱۷۸.
- زین العابدین [حاجی...]: (یکی از وارد-  
کنندگان کارخانه شکر سازی بارفروش):  
۱۱۸.
- سادات [طایفه...]: ۴۸.
- سادات محله (از دهکده‌های سخت‌سر):  
۱۵۱.
- سادات محله (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.
- ساری: ۲۳، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶،  
۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۶. بلوک اسپه-  
ورد شوراب: ۱۰۱. بلوک اندرود: ۱۰۰.
- بلوک زرین آباد: ۱۰۲. بلوک شرخا:  
۱۰۰. بلوک شیرگاه: ۱۰۴. بلوک علی-  
آباد: ۱۰۱. بلوک قادی کلا: ۱۰۱. بلوک  
قراطغان: ۱۰۰. بلوک کیا کلا: ۱۰۱.
- بلوک گلچجان: ۱۰۰. بلوک میانرود: ۱۰۰.
- بلوک هزار جریب چهار دانگه: ۱۰۲،  
۱۰۳. بلوک هزار جریب دودانگه: ۱۰۳.
- بلوک هزار جریب شش دانگ: ۱۰۲.
- بلوکات: ۱۰۰. تکیه: ۹۶. حمام: ۹۶.
- دروازه: ۱۰۶. کاروانسرا: ۹۶. محله  
اصانلو: ۹۶. محله چاله باغ: ۹۶. محله  
سی الم سر = سیلاب سر: ۹۶. محله  
میرمشهد: ۹۶. مدرسه: ۹۶. مسجد جامع:  
۹۶.
- ساریجه لی [طایفه...]: ۵۹.
- ساریجه میوت [طایفه...]: ۶۰.
- ساری سو: ۶۴.
- ساسان سرا (از دهکده‌های گیل دولاب):  
۲۰۴.
- سالی کنده [محله...]: ۴۳.
- سامان خلیخال: ۲۰۷.
- سامان سیاه کل: ۱۸۵.
- سامان عمارلو: ۱۶۲.
- س

- سامان گوکلان: ۵۰.  
 سامان نصرالله آباد: ۱۶۲.  
 ساوجبلاغ: ۱۷۴، ۱۷۶.  
 ساور (از بلوک استرآباد): ۵۵.  
 ساور کسلا (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین و کتول استرآباد): ۵۶.  
 ساوری [آقامصطفی...]: (سرکرده تفنگچیان ساوری ساخلوی بندر جز): ۳۶.  
 ساوری [طایفه...]: ۵۲.  
 سبزه‌زار سرخ‌رود (بر سر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۲.  
 سبزه‌مشهد [دروازه...]: ۶۸.  
 سبزه‌مشهد [محلّه...]:  
 سبزه‌میدان (از بناهای شاه عباس در شهر اشرف): ۸۵.  
 سبزه‌میدان (در محلّه کیاب رشت): ۱۷۱.  
 سبزه‌میدان بارفروش: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹.  
 سبزه‌میدان لاهیجان: ۱۶۲، ۱۶۴.  
 سپانلو [طایفه...]: ۷۲.  
 سپه سالار: ۲۵.  
 السجاد [امام...]: ۱.  
 سخت‌دره (از ییلاقهای کرگان‌رود): ۲۱۷.  
 سخت‌سر [بلوک...]: ۱۴۹.  
 سدآمل و نور: ۱۳۵.  
 سد کلا (از قنلاقیهای نور): ۱۳۷.  
 سدگیلان و مازندران: ۱۵۳.  
 سد مازندران و استرآباد: ۱۵۳.  
 سدن (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.  
 سدن رستاق (از بلوک استرآباد): ۴۲، ۴۴.  
 ۴۵، ۵۳، ۵۷.  
 سدن رستاق [طایفه...]: ۵۲.  
 سراپستان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 سراج‌محلّه (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.  
 سراکلی (از ییلاقهای طالش دولا ب): ۲۰۵.  
 سر بازارخانه انزلی: ۲۰۰.  
 سر بندر: ۳۵.  
 سرپیر [گذر...]: ۵۰.  
 سرچشمه [گذر...]: ۵۰.  
 سرحدات ایران: ۱۰۸.  
 سرحد انزلی: ۲۰۰، ۲۰۹.  
 سرحد خراسان: ۷۲.  
 سرحد دیلمان: ۱۸۵.  
 سرحد کلارستاق: ۱۴۹.  
 سرحدگیلان: ۱۴۹.  
 سرحمام بیج‌ناجی (از محلّه‌های بارفروش): ۱۱۷.  
 سرحمام کاظم‌بیگ (از محلّه‌های بارفروش): ۱۱۷.  
 سرحمام نسائی (از محلّه‌های بارفروش): ۱۱۷.  
 سرخ‌بنده [امامزاده...]: ۱۶۸.  
 سرخ‌رود (بر سر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۲.  
 سرخک (دهی در نزدیکی سمنان): ۲۰۱.  
 سرخواجه [قنات...]: ۴۹.  
 سرخسون (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.

- سرخون کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد- رستاق استرآباد): ۵۵.
- سرخه کریه (حاکم‌نشین هزارگریب مهدی خانی): ۱۰۳.
- سرداب خاله (از رودخانه‌های کرگان‌رود): ۲۱۷.
- سردارکل طایفه قاجار استرآباد = فتحعلی خان: ۷۳.
- سردره: ۶، ۷.
- سرك (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سرکردگان استرآباد: ۶۹.
- سرکلانه خرابه‌شهر (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۴۲، ۵۴.
- سر محله (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۴۱، ۵۴.
- سر میدان (از محله‌های بارفروش): ۱۱۸.
- سز تق: ۱۷۸.
- سس (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- سعدآباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- سعید تلیک [میرزا...]: (کدخدای آمل): ۱۳۳.
- سعیدخان (حاکم ولایت شفت): ۱۹۱، ۱۹۲.
- سفید مزگی (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- سقار [طایفه...]: ۶۰.
- سقالی [دهکده...]: ۵۸.
- سقی [طایفه...]: ۵۹.
- سلاخ [طایفه...]: ۶۲.
- سلاطین صفویه: ۸۱.
- سلاطین گیلان: ۱۹۴.
- سلده (از قشلاقهای نور): ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷.
- سلطان‌آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد- رستاق استرآباد): ۵۵، ۵۷.
- سلطان دوین: ۶۰.
- سلطان سالوک معلم [آستانه...]: ۱۹۱.
- سلطان شاه‌نظر [امام‌زاده ارادان]: ۹.
- سلطان محمد خان (یکی از خوانین جعفریای): ۷۰.
- سلطانیه: ۱۷۶، ۱۷۷.
- سلم (پسر فریدون شاه): ۹۸، ۹۹.
- سلمان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- سلم‌رودسر (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- سلمقان: ۵۰.
- سلیا کتی (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
- سلیمان [شاه...]: ۲۱.
- سلیمان خسان (از سرکرده‌های ایل مافی): ۱۷۶.
- سلیمان داراب [آستانه...]: ۱۶۸.
- سمنان: ۱، ۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱.
۹۹. ارگی: ۱۷. اسطخ آب: ۱۶.
- امامزاده سی‌سر: ۱۸. امامزاده هلاکو: ۱۸. امامزاده هلاوی: ۱۸. باغ‌شاه: ۱۷.
- برج: ۱۷. برج حاجی میرزا عسکری: ۱۷. تکیه: ۱۶. چا پارخانه: ۱۸. حمام: ۱۶. دکان: ۱۶. دروازه: ۱۷. قدم‌گاه شاه‌عباس: ۱۷. قلعه: ۱۶. کاروانسرای

- سیف‌الله میرزا: ۱۷. کاروانسرای شاه‌عباسی:  
 ۱۷. محلهٔ اسفنجان: ۱۷. محلهٔ چومسجد  
 ۱۷. محلهٔ شاه‌جو: ۱۷. محلهٔ کوش‌مغان:  
 ۱۹. محلهٔ لتی‌بار: ۱۷. مدرسه: ۱۷.  
 مسجد: ۱۸. مسجد شاه: ۱۷. منار مسجد  
 جامع: ۱۷. میدان شاه: ۱۷. نارنج  
 قلعه: ۱۷. ولایت: ۲۰۱.  
 سمنان [ولایت...]: ۲۰۱.  
 سمنانی [آقاسید حسین...]: ۲۲.  
 سمنانی [میرزا محمد...]: (مستوفی دامغان):  
 ۲۴.  
 سمیس‌کنده (از دهکده‌های بلوک اندرود و  
 خالصه‌شاهی): ۹۰، ۹۲.  
 سن (بر سر راه آهوان به قوشه): ۲۲.  
 سنجی‌بنه: ۶۴.  
 سندس (از دهات ایمل نشین رحمت‌آباد و  
 حاکم نشین): ۱۸۳، ۱۸۴.  
 سند در (از بیلاقیهای طالش دولاب): ۲۰۵،  
 ۲۰۷.  
 سندیان (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.  
 سندیان (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.  
 سزد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.  
 سنگاجین [دهکده...]: ۲۰۲.  
 سنگجو (از دهکده‌های عمارلو): ۱۹۶.  
 سنگدوین (از دهکده‌های بلوک فخر عماد  
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.  
 سنگر: ۵۰.  
 سنگر [طایفه...]: ۶۳.  
 سنگرود (از دهکده‌های عمارلو که آب-  
 گرم دارد): ۱۸۷.  
 سنگر سوادگرگان: ۶۱.  
 سنگر کبود جامه [بلوک...]: ۵۷.  
 سنگه بجار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 سوادکوه: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۲،  
 ۱۲۷. ییلاق: ۱۱۱.  
 سوادکوهی [حاجی‌الله ویردی...]: (پدر  
 خدابخش): ۱۱۰.  
 سوادکوهی [عباس قلیخان...]: ۱۲۷.  
 سواره بسطامی: ۶۷.  
 سواره بوجنوردی: ۶۷.  
 سواره جرجامی: ۶۷.  
 سواره کوداری: ۶۷.  
 سواره نردینی: ۶۷.  
 سوت کلوم [کوه...]: ۸۴.  
 سوته [محله...]: ۱۰۸.  
 سوتده (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):  
 ۵۴.  
 سوخته‌چنار [گذر...]: ۵۰.  
 سورتیج [محسن خان...]: (سر کرده طایفه  
 عبدالملکی): ۸۸.  
 سورک [دهکده...]: ۹۱.  
 سورم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 سوره‌پشت (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.  
 سو کوره (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.  
 سومارود (از دهکده‌های بلوک استرآباد)-  
 رستاق استرآباد): ۵۵.  
 سوماندق: ۱۹۷.  
 سوئچه (یکی از محلهای سکنای طوایف

- تکه آخال نشین): ۶۷.
- سه تن (امامزاده استرآباد): ۴۹.
- سه سار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- سه شنبه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- سه کام (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سهنه [طایفه...]: ۵۹.
- سیاتلو (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- سیارستاق [بلوک...]: ۱۴۹.
- سیامرکو (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- سیاورز با بلده [بلوک...]: ۱۴۹.
- سیاوی (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- سیاه بولاش (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سیاه بیل (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیاه پوش منجیل: ۱۷۴.
- سیاه پیران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- سیاه تون (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- سیاه درویشان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- سیاهرود (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- سیاه کل (از دهکده‌های دیلمان): ۱۹۹، ۱۸۵.
- سیاه کله‌رود: ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶.
- سیاه مزگی (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- سیاه وانکا (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیاه وزان (از دهکده‌های گیسل دولاب): ۲۰۴.
- سیاه‌وش کلا [دهکده...]: ۸۹.
- سید جلال [محلّه...]: ۱۱۷.
- سید جلال‌الدین اشرف [آستانه...]: ۱۶۳.
- سید ریکایی [امامزاده...]: ۹۶.
- سید زین‌العابدین [امامزاده...]: ۹۶، ۹۸.
- سید محله: ۱۵۱.
- سید میران (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- سیده کی (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- سی بن (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- سی سر (امامزاده سمنان): ۱۸.
- سیقه‌چومان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیل سپر [طایفه...]: ۵۴.
- سیم (پسر حضرت آدم علیه‌السلام): ۱۶.
- سیمبر خاله (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۵.
- سیمبر خاله (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- سینه‌رود: ۱۸۵. دره: ۱۸۵.
- ش
- شاخه پلورود: ۱۵۶.
- شاده (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- شارم (از دهکده‌های فومن): ۱۷۶.
- شاشکو (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شاطر گنبدی (بین راه ساری به نیکاح): ۹۰، ۹۱، ۹۲.
- شاه قوزبینی (از دهکده‌های سیاهکله رود):



- ۱۵۵- شاهرودی [محمد علی...]، (ضابط چا پار-  
 خانۀ دامغان): ۲۶.  
 شاهزاده هاشم: ۱۶۹.  
 شاه سلیمان صفوی: ۲۱.  
 شاهسون [ایل...]: ۲۱۵.  
 شاه صفی صفوی: ۸۸.  
 شاه طهماسب صفوی: ۷۳.  
 شاه عباس صفوی: ۵۰، ۷۲، ۷۷، ۸۱، ۸۳،  
 ۸۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۸.  
 شاه غازی رستم [مقبره...]: ۹۹.  
 شاهقلائلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.  
 شاهقلی خان (پدر مهدی خان): ۷۹.  
 شاه کلا [محلۀ...]: ۱۱۷.  
 شاه کوه [دهکده...]: ۳۳، ۳۳، ۸۴. تکیه: ۳۳.  
 حمام: ۳۳. قلعه: ۳۳. مسجد: ۳۳.  
 شاه کوه (از بلوک استرآباد): ۵۵، ۶۷. چمن  
 هفت چشمه: ۶۷.  
 شاهکونی [آقا موسی...]، (مالک دهکده  
 تاش): ۳۲.  
 شاه کوئی [طایفه...]: ۵۲.  
 شاه کوی سفلی (از دهکده های بلوک شاه کو  
 استرآباد): ۳۲، ۵۵.  
 شاه کوی علیا (از دهکده های بلوک شاه کو  
 استرآباد): ۳۲، ۳۳، ۵۵.  
 شاه نشین (از دهکده های شفت): ۱۹۲.  
 شبان (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.  
 شبله پس (از دهکده های فومن): ۱۹۵.  
 شداد نمرود: ۲۱۳.  
 شرخا [بلوک...]: ۱۰۵.
- شالده (از دهکده های شفت): ۱۹۲.  
 شالده (از دهکده های فومن): ۱۹۵.  
 شالکا (از دهکده های تولم): ۱۹۸.  
 شالکو [دهکده...]: ۱۵۶.  
 شالمان (از دهکده های شفت): ۱۹۲.  
 شام: ۷۲.  
 شام بیانی [طایفه...]: ۷۲.  
 شامراد محله (از دهکده های سیاهکله رود):  
 ۱۵۵.  
 شاملو [طایفه...]: ۷۲.  
 شامیرزاد: ۱۸.  
 شاندرمین [حاکم نشین...]: ۱۹۸، ۲۰۷.  
 شانۀ باور (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.  
 شاه [محلۀ...]: ۲۵.  
 شاه اسماعیل صفوی: ۹، ۷۲، ۱۸۶.  
 شاه بداق (از دهکده های خوار): ۱۱.  
 شاه پسند (از دهکده های بلوک انزان استرآباد):  
 ۵۴.  
 شاهجو [محلۀ...]: ۱۷.  
 شاه خال (از دهکده های فومن): ۱۹۵.  
 شاهرخ خان (از سرکرده های طایفه کاکوند):  
 ۱۷۵.  
 شاهرود: ۱، ۲، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲،  
 ۳۲، ۳۱، ۲۹، ۲۸. ارگ: ۲۸. باغ: ۲۸. تکیه: ۲۹.  
 حمام: ۲۹. دکان: ۲۹. قلعه: ۲۸. قناب:  
 ۲۹. کاروانسرا: ۲۸. محلۀ باغ زندان:  
 ۲۹. مسجد: ۲۹. معدن سرب: ۲۸. معدن  
 سنگ مس: ۲۸.

- شرفوند [طایفه...]: ۱۴۰.
- شریف آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.
- شریک ده عمارلو: ۱۸۴.
- شعبابامحله [محله...]: ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۱۷.
- شفارود (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شفارود (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- شفت: ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۷۱. امامزاده اسحق:
۱۹۱. آستانه سلطان سالوک معلم: ۱۹۱.
- امسرگوراب: ۱۹۲. بازار: ۱۹۲. بداو:
۱۹۲. پیرمحمدسرا: ۱۹۲. تکرم: ۱۹۲.
- چماچا: ۱۹۲. چوبر: ۱۹۲. چوتاشان:
۱۹۲. خرم آباد: ۱۹۲. خطیبان: ۱۹۲.
- خمیران: ۱۹۲. خورتوم: ۱۹۲. درخان:
۱۹۲. دهات: ۱۹۲. ذولیران: ۱۹۲.
- رزآش: ۱۹۲. رودخانه پسیخان: ۱۹۱.
- رودخانه گوهررود: ۱۹۱. سفید مزگی:
۱۹۲. سیاه مزگی: ۱۹۲. شالده: ۱۹۲.
- شالمان: ۱۹۲. شاه نشین: ۱۹۲. شیخ محله:
۱۹۲. صیقلان: ۱۹۲. طلاقان: ۱۹۲.
- عثمانندان: ۱۹۲. قصبه: ۱۹۲. قصبه محله:
۱۹۲. کولوان: ۱۹۳. کومسار: ۱۹۲.
- کوه شفت: ۱۹۱. گل سران: ۱۹۲.
- لاسک: ۱۹۲. لقه بندان: ۱۹۲. لیفکو-
- خندان: ۱۹۳. مسردقه: ۱۹۲. میرمحله:
۱۹۲. ناصران: ۱۹۲. نصیرمحله: ۱۹۲.
- نیزم: ۱۹۲. ولایت: ۱۹۱. بیسلاق:
۱۹۲. بیسلاق آرامگاه: ۱۹۲. بیسلاق آفر:
۱۹۲. بیسلاق آفرسر: ۱۹۲. بیسلاق شمر-
- چال: ۱۹۲.
- شفتی: ۲۰۰.
- شکرالله (پسر مرتضی قلی بیگک): ۸.
- شکرالله خان: ۱۳۴.
- شکور (نوکر حاجی رمضان): ۱۱۰.
- شکی: ۷۹.
- شکال گوراب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شکردست (از دهکده‌های کرگان رود):
- ۲۱۶.
- شلوار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۵،
- ۲۱۶.
- شله کمانان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- شلدوار (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- شله‌وش (از بیلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- شمام (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- شمرچال (از بیلاقهای شفت): ۱۹۲.
- شمس آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
- رستاق استرآباد): ۵۵.
- شمشادستان (ملک لیمون جو): ۱۵۶.
- شمشیر بر: ۸۹.
- شمشیرگر محله [محله...]: ۱۱۷.
- شمکان لو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- شموشک (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
- استرآباد): ۵۴.
- شنبه بازار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شوراب سر [دهکده...]: ۸۹.
- شوریان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
- استرآباد): ۴۵، ۵۴.
- شولم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شهدا [محله...]: ۱۱۷.

- شهر آمل: ۱۳۴.
- شهر استرآباد: ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۶۸، ۱۶۴.
- شهر اشرف: ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۱۶۴.
- آب انبار شاه عباسی: ۸۲. امامزاده: ۸۱.
- اهل اشرف: ۸۲. بازار محله: ۸۱. باغات:
۸۱. باغات شاه عباسی: ۸۲، ۸۳. باغ چهل
- ستون: ۸۲. باغ حرم: ۸۴. باغ خلوت:
۸۵. باغ زیتون ۸۳. باغ سبزه میدان:
۸۵. باغ شمال: ۸۴. باغ صاحب الزمان:
۸۴. برج: ۸۳. تکیه: ۸۱. چشمه باغ:
۸۳. حمام: ۸۱. حوض هشت کنج: ۸۳.
- دکان: ۸۱. دیوانخانه: ۸۵. عمارات:
۸۱. عمارت اندرونی: ۸۳، ۸۴. عمارات
- شاه عباسی: ۸۴. فراش محله: ۸۱.
- کاروانسرا: ۸۱. مدرسه: ۸۱. نقاش-  
محله: ۸۱.
- شهران (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
- شهر بارفروش = بارفروش ده = مامطیر:
- ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۶۴.
- شهر جرجان: ۵۰.
- شهر دامغان: ۲۴.
- شهر رشت: ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹.
- ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۹.
- شهر زنتجان: ۱۷۷، ۱۷۸.
- شهر ساری (دارالحکومه حکمران
- مازندران): ۴۸، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱،
- ۱۰۴، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱،
- ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۲۷،
- ۱۶۴.
- شهر سمنان: ۱۶، ۲۰۱.
- شهر شاهرود: ۲۸.
- شهر قزوین: ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷.
- شهر کجور [بلوک...]: ۱۴۰.
- شهر کلا (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
- شهر لاهیجان ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،  
۱۶۵.
- شه سفید (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- شهیدان (سرحد دیلمان): ۱۸۵.
- شیخ الجبال: ۱۷۷.
- شیخ خونه‌بر (از دهکده‌های لاهیجان):  
۱۶۱.
- شیخ سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شیخعلی خان زند (سردار کسریم خان‌زند):  
۷۲.
- شیخ علی طوسه: ۱۸۴.
- شیخ محله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- شیخ محله [محله...]: ۹۲.
- شیراز: ۷۳، ۷۴، ۸۱، ۲۰۶.
- شیرازی [حاجی بیگ...]، (داروغه دامغان):  
۲۴.
- شیرازی [طایفه...]: (ساکن در طالش دولاب):  
۲۰۶.
- شیربچه پیر امام زاده (از دهکده‌های طالش  
دولاب): ۲۰۵.
- شیرتر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- شیرذیل (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شیرکش [گذر...]: ۴۹.
- شیرکوه (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.

- شیرنه بر (از دهکده‌های طالش دولاب):  
۲۰۵
- شیروانی [آقا صفرعلی...]: (بندرچی  
آستارا): ۲۱۸.
- شیطان محله (بسرراه اشرف به نیکاح):  
۸۹.
- شیل (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- شیلات تولم: ۱۹۷.
- شیلات رانکو: ۱۵۸.
- شیلات مازندران: ۱۰۹.
- ص**
- صادق‌خان = بیوک خان (برادر حسین قلیخان  
حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- صاحب الزمان علیه السلام [امام...]: ۱۲۷.
- صاحبقران میرزا [شاهزاده...]: ۱۲۸.
- صارو [دهکده...]: ۸۰.
- صالح [حاجی ملا...]: (مجتهد قزوین و پدر  
قره‌العین): ۱۲۵.
- صحرای ترکمان: ۷۸، ۴۶.
- صحرای خوار: ۱۰.
- صحرای فویکنار: ۱۳۱.
- صحرای کرادوین: ۷۴، ۸۱.
- صحرای کلاره‌دشت: ۱۴۳.
- صحرای کویر: ۱۰، ۱۲، ۲۸.
- صفرعلی خان (از سرکرده‌های طایفه جلیل-  
وند): ۱۷۵.
- صفوی [شاه عباس بهادر...]: ۱۰۸.
- صفویه [دولت...]: ۲۰۱.
- صفی [شاه...]: ۸۸.
- صفی [محلّه...]: ۱۳۱، ۱۱۲.
- صفی آباد اشرف: ۸۴، ۸۷.
- صفی خاله (از رودخانه‌های طالش دولاب):  
۲۰۴.
- صلصال جادو: ۱۹۴.
- صوفیان [طایفه...]: ۶۳.
- صومعه‌سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- صیقلان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- صیقلان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- صیقلان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- صیقلان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- صیقلان (از محله‌های رشت): ۱۶۷.
- ط**
- طارم: ۱۷۴.
- طارمات: ۱۸۹.
- طارم سرا (از دهکده‌های گیل دولاب):  
۲۰۴.
- طالاکو (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- طالب دهنه (از رودخانه‌های کرگان‌رود):  
۲۱۷.
- طالش: ۸۹، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۴.
- طالش [طایفه...]: ۲۱۳.
- طالش دولاب: ۲۰۲، ۲۰۴، ۵۰۶، ۲۰۷.
۲۰۸. آب دنگک: ۲۰۸. آسیاب آبی:  
۲۰۶، ۲۰۸. ارده جان: ۲۰۵، ۲۰۷.
- الان: ۲۰۵. اهل: ۲۰۸. بیشه‌سرا: ۲۰۵.
- پره‌سر: ۲۰۵. پل چوبی: ۲۰۶. پونل‌سرا:  
۲۰۷، ۲۰۸. چارواده: ۲۰۵. چاروج:

طایفه آتابای (از طوایف استرآباد): ۵۹.  
طایفه آرق (از طوایف یارعلی استرآباد):  
۵۸.

طایفه آسایشلو (از طوایف ساکن ارادان):  
۹.

طایفه آق (از طوایف استرآباد): ۵۹.  
طایفه ابدال (از طوایف دازاسترآباد): ۶۰.  
طایفه اتمیش (از طوایف تکه آخال نشین  
استرآباد): ۶۵.

طایفه اراض لی (از طوایف یلقی استرآباد):  
۶۰.

طایفه ارککلی (از طوایف حلقه داغلی  
گوکلان): ۶۴.

طایفه استاجلو (یکی از هفت طایفه اصلی  
قاجار): ۷۲.

طایفه استادجق (از طوایف کوچک استرآباد):  
۶۱.

طایفه استرآباد رستاقی: ۵۲.  
طایفه اشاقه بوی لی (از طوایف قرا بلخان  
حلقه داغلی گوکلان استرآباد):  
۶۵.

طایفه اصانلو (از ساکنین شهر ساری): ۹۰، ۹۷.  
طایفه افشار (یکی از هفت طایفه اصلی  
قاجار): ۷۲.

طایفه افغان (از ساکنین شهر ساری): ۸۷،  
۹۰، ۹۷.

طایفه اقورجلی (از ترکمانان): ۱۱۰.  
طایفه انزانی: ۵۳.

طایفه ائلی (از طوایف یلقی استرآباد): ۶۰.

۲۰۵. چشمه قلعه: ۲۰۷. چکو: ۲۰۵.  
خالخالیان: ۲۰۵. خاله خاله: ۲۰۵. خندق  
قلعه: ۲۰۷. دره واز: ۲۰۵. دشت مین: ۲۰۵.  
دوران میان رودخان: ۲۰۵. دهات: ۲۰۵.  
رودخانه های طالش: ۲۰۸. ریشان: ۲۰۵.

سیاه وانکا: ۲۰۵. سیفه چومان: ۲۰۵.  
شیر بچه پیر امام زاده: ۲۰۵. شیرنه بر:  
۲۰۵. طایفه خاشابری: ۲۰۶. طایفه  
شیرازی: ۲۰۶. قلعه کل شانیه پاور: ۲۰۷.

کدوستان: ۲۰۵. کوه برزه کوه: ۲۰۸.  
گالش محله: ۲۰۵. مازوپشت: ۲۰۵.

ملک: ۲۱۱. واسکام شان: ۲۰۵. وانکا:  
۲۰۵. ولایت: ۲۰۰، ۲۰۳. ییلاق اروه-

چسول: ۲۰۵. ییلاق اره وشت: ۲۰۵.  
ییلاق اسپت: ۲۰۵. ییلاق امیر کوه:

۲۰۵. ییلاق برزه کوه: ۲۰۶. ییلاق برن:  
۲۰۵. ییلاق پارکام: ۲۰۵. تاوله کووان:

۲۰۵. ییلاق دشت دامان: ۲۰۵، ۲۰۷.  
ییلاق رنگ آب: ۲۰۶. ییلاق روشن ده:

۲۰۵. ییلاق ریناج: ۲۰۵، ۲۰۸. ییلاق  
سرا کبلی: ۲۰۵. ییلاق سنده ده: ۲۰۵،

۲۰۷. ییلاق عسروستان: ۲۰۶. ییلاق  
مین رود: ۲۰۵. ییلاق واسکا: ۲۰۵.

طالش دولاب [دهات...]: ۲۰۵.

طالش دولاب [ملک...]: ۲۱۱.

طالش دولاب [ولایت...]: ۲۰۰، ۲۰۳.

طالش محله (از دهکده های سخت سر): ۱۵۱.

طالقان (بر سر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.

طایفه آتا (از طوایف استرآباد): ۶۲.

- طایفه انلق قوماج (از طوایف یارعلی  
استراباد): ۵۸.
- طایفه اوج قونلی (از طوایف یقناق دو درقه  
گوکلان استراباد): ۶۴.
- طایفه اودک (از طوایف دازاستراباد): ۶۵.
- طایفه اوزین آق (از طوایف آق استراباد):  
۵۹.
- طایفه ایجمک (از طوایف داز استراباد):  
۶۵.
- طایفه ایری توماج (از طوایف یارعلی  
استراباد): ۵۸.
- طایفه ایکدر (از طوایف نورعلی استراباد):  
۵۸، ۶۱.
- طایفه ایدرویش (از طوایف حلقه داغلی  
گوکلان استراباد): ۶۴.
- طایفه ایمر (از طوایف استراباد): ۶۱.
- طایفه بالاخان: (از طوایف ساکن در کرگان-  
رود): ۲۱۳.
- طایفه باقه (از طوایف داز استراباد): ۶۵.
- طایفه بدراق (از طوایف استراباد): ۶۱.
- طایفه بلوچ (ساکن در استراباد): ۴۸،  
۵۳.
- طایفه بلوچ (از طوایف ساکن در شهر ساری):  
۹۷.
- طایفه بوچه (از طوایف غائی حلقه داغلی  
گوکلان استراباد): ۶۵.
- طایفه بهارلسو (یکی از هفت طایفه اصلی  
قاجار): ۷۲.
- طایفه بهتوئی (از طوایف قزوین): ۱۷۶.
- طایفه بهلکه (از طوایف استراباد): ۶۲.
- طایفه بازوکی (از طوایف ساکن ارادن):  
۹.
- طایفه پانق (از طوایف نورعلی استراباد):  
۵۸.
- طایفه پرخاص (از طوایف یارعلی استراباد):  
۵۸.
- طایفه پیراصلو (از طوایف رحمت آباد):  
۱۸۳.
- طایفه تاتار (از طوایف استراباد): ۶۲.
- طایفه ترکمان: ۱۱۵.
- طایفه ترکمانیه: ۳۷، ۶۷.
- طایفه تقمیش (از طوایف تکه آخال نشین  
استراباد): ۶۵.
- طایفه تمسکینی: ۵۳.
- طایفه تمک (از طوایف غائی حلقه داغلی  
گوکلان): ۶۵.
- طایفه جان باز (از طوایف مازندران): ۱۱۵،  
۱۱۱.
- طایفه جان بیگکلو: ۹۷.
- طایفه جعفربای (از طوایف استراباد): ۵۷.
- طایفه جلیلوند (از طوایف قزوین): ۱۷۵.
- طایفه جمع کاللو (از طوایف رحمت آباد):  
۱۸۳.
- طایفه چاقر بیگدلی (از طوایف حلقه داغلی  
گوکلان استراباد): ۶۴.
- طایفه چکه (از طوایف قرق استراباد): ۶۳.
- طایفه چگینی (از طوایف قزوین): ۱۷۴.
- طایفه چوگان (از طوایف یارعلی استراباد):

- طوایف دو درقه (فرقه‌ای از طایفه گوی کلان  
استرآباد): ۶۳.
- طایفه دوغ کانلو (از طوایف رحمت آباد):  
۱۸۳.
- طایفه دهند (از طوایف قرق استرآباد): ۶۳.
- طایفه ذوالقدر (یکی از هفت طایفه اصلی  
قاجار): ۷۲.
- طایفه رحیم خان هرازجریبی: ۳۵.
- طایفه رفیع خان: ۱۷۴.
- طایفه زند: ۷۴.
- طایفه زیادلو (یکی از شش طایفه اشاقه—  
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه سادات (ساکن در استرآباد): ۴۸.
- طایفه ساریجه‌لی (از طوایف آتابای  
استرآباد): ۵۹.
- طایفه ساریجه میسوت (از طوایف داز  
استرآباد): ۶۰.
- طایفه ساوری: ۵۲.
- طایفه سپانلو (یکی از شش طایفه یخاری—  
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه سدن‌رستاق: ۵۲.
- طایفه سرخی (از طوایف ساکن در انزلی):  
۲۰۱.
- طایفه سقار (از طوایف یلقی استرآباد): ۶۰.
- طایفه سقالی (از طوایف یارعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه سقی (از طوایف آتابای استرآباد):  
۵۹.
- طایفه سلاخ (از طوایف استرآباد): ۶۲.
- طسایفه حاجی لر (ساکن در استرآباد): ۴۸،  
۵۳.
- طایفه حوزده (از طوایف قجق تاتار استرآباد):  
۶۲.
- طایفه خاشابری (از طوایف ساکن در طالش  
دولاب): ۲۰۶.
- طایفه خروشور (از طوایف سنگر دودرقه  
گوی کلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه خزینسه‌دارلو (یکی از شش طایفه  
یخاری باش قاجار): ۷۲.
- طایفه خواجه‌وند (ساکن در کجور): ۱۴۰.
- طایفه خواجه‌ونسد (ساکن در کلاره دشت):  
۱۴۳.
- طایفه خورطه (از طوایف کوچک استرآباد):  
۶۱.
- طایفه خیوقی (از طوایف داز استرآباد):  
۶۰.
- طوق داربند [محلّه...]: ۱۱۷.
- طسایفه داری (از طوایف غائی حلقه داغلی  
گوی کلان استرآباد): ۶۵.
- طایفه داز (از طوایف استرآباد): ۶۰، ۶۲.
- طایفه داشلو (یکی از شش طایفه یخاری باش  
قاجار): ۷۲.
- طایفه در کونجی (از طوایف آتابای استرآباد):  
۵۹.
- طایفه دوانلو (یکی از شش طایفه یخاری—  
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه دوجی (از طوایف استرآباد): ۶۰.

- طایفه سنقر (ازطوایف دودرقه گوی کلان استرآباد): ۶۳.
- طایفه سینه (ازطوایف آتابای استرآباد): ۵۹.
- طایفه سیل سپر: ۵۳.
- طایفه شام بیاتی (یکی ازشش طایفه اشاقه-باش قاجار): ۷۲.
- طایفه شاملو (یکی ازهفت طایفه اصلی قاجار): ۷۲.
- طایفه شاه کوئی: ۵۲.
- طایفه شرفوند (ساکن درکجور): ۱۴۵.
- طایفه شیرازی (ازطوایف ساکن درطالش-دولاب): ۲۵۶.
- طایفه صوفیان (ازطوایف قرق استرآباد): ۶۳.
- طایفه طعنه (ازطوایف آتابای استرآباد): ۵۹.
- طایفه عاشق زور: ۲۱۳.
- طایفه عبدالملکی: ۸۸.
- طایفه عرب (ازطوایف حلقه داغلی گوی کلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه عضدانلو (یکی ازشش طایفه اشاقه-باش قاجار): ۷۲، ۷۳.
- طایفه علی زمان: ۱۷۴.
- طایفه علی کاهی (ازطوایف ساکن درخوار): ۹.
- طایفه عمرانلو (ازطوایف ساکن دربلوک کلباد): ۷۹.
- طایفه غائی (ازطوایف حلقه داغلی گوی کلان استرآباد): ۶۵.
- طایفه قاجار (یکی ازهفت طایفه اصلی قاجار): ۷۲، ۴۸، ۷۲.
- طایفه قانقرمه (ازطوایف آتابای): ۵۹.
- طایفه قان یقمز (ازطوایف استرآباد): ۶۲.
- طایفه قنجر: ۷۴.
- طایفه قنق تاتار (ازطوایف استرآباد): ۶۲.
- طایفه قراچورلو (ازطوایف ساکن درخوار): ۹.
- طایفه قراچه داغی (ازطوایف دازاسترآباد): ۶۱.
- طایفه قرا بلخان (ازطوایف حلقه داغلی گوی کلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه قرا داشلو (ازطوایف آتابای استرآباد): ۵۹.
- طایفه قراشور (ازطوایف سنقر دودرقه گوی کلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه قرامسانلو (یکی ازشش طایفه اشاقه-باش قاجار): ۷۲.
- طایفه قرخ کانلو (ازطوایف رحمت آباد): ۱۸۳.
- طایفه قرق (ازطوایف دودرقه گوی کلان استرآباد): ۶۳.
- طایفه قرناسن (ازطوایف غائی حلقه داغلی گوی کلان استرآباد): ۶۵.
- طایفه قرنجیک (ازطوایف نورعلی استرآباد): ۵۸.



- طایفه کسه حلقه (ازطوایف آتابای استرآباد):  
۵۹.
- طایفه قزاق: ۱۰۸.
- طایفه قزل (ازطوایف یارعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه قسقه آق (ازطوایف آق استرآباد):  
۵۹.
- طایفه قلیج لی = قلیج لی (ازطوایف ساکن درشهرساری): ۹۰، ۹۷.
- طایفه قوانلو (یکی ازشش طایفه اشاقه باش قاجار): ۷۲.
- طایفه قوشچی (ازطوایف سنگر دو درقه گوکلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه قولر (ازطوایف آتابای استرآباد):  
۵۹.
- طایفه قیاخلو (یکی ازشش طایفه یخاری - باش قاجار): ۷۲.
- طایفه قیاس وند (ازطوایف قزوین): ۱۷۴.
- طایفه قیر (ازطوایف یلقی استرآباد): ۶۰.
- طایفه کاکونند (ازطوایف قزوین): ۱۷۵.
- طایفه کتول: ۵۲.
- طایفه کر (ازطوایف نورعلی استرآباد): ۵۸.
- طایفه کرد (ازطوایف نورعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه کرگز (ازطوایف دو درقه گوکلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه کرلو (یکی ازشش طایفه اشاقه باش قاجار): ۷۲.
- طایفه کره (ازطوایف داز استرآباد): ۶۰.
- طایفه کسه (ازطوایف آتامای استرآباد): ۵۹.
- طایفه کسه حلقه (ازطوایف آتابای استرآباد):  
۵۹.
- طایفه کل (ازطوایف یارعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه کلته (ازطوایف نورعلی استرآبادی):  
۵۸.
- طایفه کلهر (ازطوایف قزوین): ۱۷۶.
- طایفه کم (ازطوایف نورعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه کنک لیک (ازطوایف قرق استرآباد):  
۶۳.
- طایفه کوتی مجمن (ازطوایف نیقاق دودرقه گوکلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه کوچک (ازطوایف استرآباد): ۶۱.
- طایفه کوسه لی (ازطوایف یارعلی استرآباد):  
۵۸.
- طایفه کوچه (ازطوایف قرق استرآباد):  
۶۳.
- طایفه کهنکه (ازطوایف قجق تاتار استرآباد):  
۶۲.
- طایفه کهنه لو (یکی ازشش طایفه یخاری - باش قاجار): ۷۲.
- طایفه گالش: ۲۱۳.
- طایفه گرای لی: ۸۸، ۸۹، ۹۰.
- طایفه گیلکک: ۲۱۳.
- طایفه لک: ۱۴۳.
- طایفه لیوانی: ۵۳.
- طایفه مافی (ازطوایف قزوین): ۱۷۶.
- طایفه محمدانلق (ازطوایف آتابای

- استرآباد): ۵۹.
- طایفه محدوم (از طوایف استرآباد): ۶۲.
- طایفه مدانلو: ۹۷.
- طایفه مدو: ۱۴۵.
- طایفه مقصودلو: ۵۲.
- طایفه میرزا علی (ازطوایف یلقی استرآباد): ۶۰.
- طایفه نورعلی (ازطوایف استرآباد): ۵۸.
- طایفه نیقای (ازطوایف دودرقه گوکلان استرآباد): ۶۳.
- طایفه نیکالو (یکسی ازهفت طایفه اصلی قاجار): ۷۲.
- طایفه وکیلی (از طوایف یلقی استرآباد): ۶۰.
- طایفه ولی لو (ازطوایف رحمت آباد): ۱۸۳.
- طایفه یابندر (از طوایف دودرقه گوکلان استرآباد): ۶۳.
- طایفه یارعلی (ازطوایف استرآباد): ۵۸.
- طایفه یان پی (ازطوایف آتابای استرآباد): ۵۹.
- طایفه یخار بوی لی (ازطوایف قرابلخان حلقه داغلی گوکلان استرآباد): ۶۵.
- طایفه یخاری باش: ۷۳، ۷۴.
- طایفه یصواجی (ازطوایف قجق تاتار استرآباد): ۶۲.
- طایفه یلقی (ازطوایف استرآباد): ۶۰.
- طبرسی [شیخ...]: ۱۲۷، ۱۲۹.
- طعنه [طایفه...]: ۵۹.
- طغان قلیچ خان (یکسی ازخوانین جعفربای): ۷۰.
- طلایر (از دهکده های رحمت آباد): ۱۸۳.
- طلاقان (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
- طوالش: ۲۰۰.
- طوایف ترکمان: ۶۸.
- طوایف ترکمانیه: ۷۸، ۱.
- طوایف تکه آخال نشین (از طوایف استرآباد): ۶۵.
- طوایف جعفربای: ۶۸.
- طوایف حلقه داغلی (فرقه ای ازطایفه گوکلان استرآباد): ۶۳، ۶۴.
- طوایف عمارلو: ۱۸۸.
- طوایف گوکلان: ۶۳.
- طوایف یموت: ۶۲.
- طوره پشت (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولاب خاله (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- طولرج (ازدهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولرود (ازدهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولرود (ازرودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.
- طولگیلان (ازدهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طهران: ۱، ۶، ۷، ۲۵، ۲۹، ۶۹، ۷۴، ۹۳، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۴.
- ۱۴۹، ۱۷۶، ۲۱۵. دارالخلافه: ۱.
- طهماسب [شاه...]: ۷۳.
- طهماسب قلیخان (برادر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- طهمورت آباد (از دهکده های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷.
- طیلار (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

عبدالله [آقا...]، (برادر حاجی مصطفی خان  
سورتیج): ۱۲۷.

عبدالله [امامزاده...]، (برسرراه کفشگیری):  
۴۵.

عبدالله [امامزاده...]، (درقریه صارو): ۸۵.  
عبدالله [امامزاده...]، (بر سرراه نیکاح به  
سمیس کنده): ۹۵.

عبدالله (امامزاده استرآباد): ۴۹.  
عبدالله [حاجی سید...]، (ازعلمای رشت):  
۱۶۸.

عبدالله [حاجی ملا...]، (از مجتهدین بنام  
ساری): ۱۰۶.  
عبدالله [دهکده...]: ۱۳.

عبدالله [میرزا...]، (ازپسران آقا میرزا  
یوسف): ۱۴۷.  
عبدالله آباد [دهکده...]: ۱۰.

عبدالله آباد (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.  
عبدالله ارباب [آقا...]، (مالک قریه سورک):  
۹۱.

عبدالله بیگک: ۱۸۹.  
عبدالله بیگک (کدخدای ایوان کیف): ۵.  
عبدالله خان (پسر کوچک حبیب الله خان  
سرتیپ): ۱۴۹.

عبدالله خان (حاکم لشت نشا): ۱۹۹.  
عبدالصمد خان (رئیس طایفه مقصودلو):  
۵۲.

عبدالصمد خان [میر...]: ۱۶۵.  
عبدالملکی [طایفه...]: ۸۸.  
عبد الوهاب [میرزا...]، (بلوک باشی سیاه کله.

طیل نو (از دهکدههای بلوک کلباد): ۷۹.

## ظ

ظل السلطان: ۳.

## ع

عاشق زور [طایفه...]: ۲۱۳.

عاقلیه [نکیه...]: ۱۶۳.

عباس [استاد...]، (استادکارکارخانه

شکرسازی بارفروش): ۱۱۸.

عباس [امامزاده...]: ۹۳.

عباس [شاه...]: ۷۲، ۷۷، ۸۱، ۸۴، ۸۷،  
۹۴، ۹۱.

عباس آباد: ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶.

عباس آباد (ازدهکدههای ورامین): ۴.

عباسو (ازقشلاقهای نور): ۱۳۷.

عباسقلی [آقا...]: ۱۱۲.

عباسقلی ارباب [آقا...]، (مالک محله کل-

بست): ۱۱۵، ۱۲۲.

عباسقلی خان: ۱۲۸.

عباسقلی خان سردار (بزرگ لاریجان و پسر

غلامعلی خان سرهنگک): ۱۳۴.

عباسقلی خان سوادکوهی: ۱۲۷.

عباسقلی میرزا: ۹۰، ۹۳.

عباسقلی میرزا (تیولدار دهکده سمیس کنده

خالصه شاهی): ۹۲.

عباس میرزا (نایب السلطنه فتحعلیشاه): ۳.

عبدالباقی منجم باشی [میرزا...]، (مالک

قریه قاسم آباد): ۱۵۴، ۱۶۰.

- (رود): ۱۵۵.  
 عثمان کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد-  
 رستاق استرآباد): ۵۵.  
 عثمانوندان (از دهکده‌های شفت و حاکم  
 نشین): ۱۹۲.  
 عراق: ۱۸۹، ۱۶۹، ۱۴۸، ۱۳۴.  
 عرب [ایل...]: ۶۴، ۹.  
 عربان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 عرب خیل (از قشلاق‌های نور): ۱۳۷.  
 هروستان (از بیلاق‌های طالش دولاب): ۲۰۶.  
 عسکرخانه فرح آباد (از بناهای شاه عباسی):  
 ۱۰۸.  
 العسکری علیه السلام [امام...]: ۱.  
 عشق آباد: ۶۵.  
 عضدانلو [طایفه...]: ۷۲، ۷۳.  
 غلامن (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین  
 و کنول استرآباد): ۵۶.  
 علوی کلا (قریه‌ای از بلوک فیروز کلا): ۱۳۸.  
 علی آباد: ۱۰۶، ۱۲۸.  
 علی آباد (از دهکده‌های ایل نشین رحمت-  
 آباد): ۸۳.  
 علی آباد (از دهکده‌های استرآباد رستاق  
 استرآباد): ۵۵.  
 علی آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.  
 علی آباد (از دهکده‌های رودبار زیتون):  
 ۱۹۰.  
 علی آباد [بلوک...]: ۱۰۱.  
 علی ابن ابی طالب علیه السلام (مولای متقیان):  
 ۲۵، ۱۹۳.  
 علی اکبر [آقا...]: (کلاتر استرآباد):  
 ۵۰.  
 علی اکبر [آقا میرزا...]: (برادر کوچک  
 مرتضی قلی بیگ بزرگ ارادان): ۸.  
 علی اکبر (امام زاده‌ای در نزدیکی لاسگرد):  
 ۱۵.  
 علی اکبر بیگ: ۱۹۴.  
 علی اکبرخان [میر...]: (در بایگی گیلانات):  
 ۱۶۵.  
 علی اکبر کجوری [ملا...]: (ضابط علوی-  
 کلا): ۱۳۸.  
 علیاواک (خالصه شاهی و تیول قجر): ۱۰۷.  
 علی تپه [دهکده...]: ۸۰.  
 علی حسن [حاجی...]: (مالک دهکده گلو-  
 گاه): ۲۰۲.  
 علی زمان [طایفه...]: ۱۷۴.  
 علی سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 علی کاهی [طایفه...]: ۹.  
 علی محمد باب [سید...]: ۱۲۹.  
 علی نقی [حاجی...]: (تاجر کاشی ساکن  
 طهران): ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۳.  
 علیقلی خان = خان خانسی (پسر حسین قلی خان  
 حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.  
 علی قلی خان (پدر حسین قلی خان حاکم  
 طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.  
 علی نقی [میرزا...]: (حاکم ولایت زیتون-  
 رودبار): ۱۸۹.  
 علی نقی خان (پسر عموی میرزا محمد خان

- سپه سالار): ۲۴.
- عمادالدین [ملا...]: ۷۹.
- عمارات آقا محمد خان (در استرآباد): ۴۸.
- عمارات شاه عباسی (درفرح آباد): ۱۰۹.
- عمارت آقا میرزا یوسف: ۱۴۷.
- عمارت باغ شاه (درشهر بارفروش): ۱۲۵.
- عمارت تپه کلباد: ۷۷، ۷۸، ۷۹.
- عمارت حاجی میرزا رضا داماد منجم باشی:  
۱۵۸.
- عمارت رحیم خان (در کفشگیری): ۴۵.
- عمارت جهان نما (از بناهای شاه عباسی فرح-  
آباد): ۱۰۸.
- عمارت سرطویله فرح آباد (از بناهای شاه-  
عباسی): ۱۰۸.
- عمارت سرومحلّه جعفر آقا: ۸۹.
- عمارات شاه عباسی: ۸۳، ۸۴.
- عمارت شاه عباسی قرآتیّه: ۸۷.
- عمارت اندرونی (از بناهای شاه عباسی در  
شهر اشرف): ۸۳.
- عمارت اندرونی (از بناهای ملک آرا در  
ساری): ۹۶.
- عمارت محمد باقر خان انزائی: ۸۵.
- عمارلو: ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸.
- آب گرم: ۱۸۷، ۱۸۸. از خورگام برسه:
۱۸۷. اسکوبن: ۱۸۷. ابویه: ۱۸۷.
- اهل: ۱۸۷. بی ورزین: ۱۸۶. پاروبار:
۱۸۷. پاشام: ۱۸۷. پاکده: ۱۸۷. پتل:
۱۸۷. پشته کلان: ۱۸۷. تسکین: ۱۸۷.
- توتک چال: ۱۸۷. تیان دشت: ۱۸۷.
- جیرنده: ۱۸۷. چل واشک: ۱۸۷. چمل:
۱۸۷. خریو: ۱۸۷. خول خواب: ۱۸۶.
- داماش: ۱۸۷. دشت زر: ۱۸۷. دی نک:
۱۸۷. زکابر: ۱۸۷. سامان عمارلو: ۱۶۲.
- سنگ رود: ۱۸۷. سو کوره: ۱۸۷. سی-
- بن: ۱۸۷. طالاکو: ۱۸۷. طایفه تمی تی
- کانلو: ۱۸۸. طایفه چاخم لو: ۱۸۸.
- طایفه چغلانلو: ۱۸۸. طایفه درلو: ۱۸۸.
- طایفه شاهقلانلو: ۱۸۸. طایفه قبه کرانلو:
۱۸۸. طایفه قلی خان: ۱۸۸. طایفه کاظم
- خان: ۱۸۸. طایفه محمودلو: ۱۸۸.
- طایفه منجیلی ها: ۱۸۸. طایفه میرزاخانلو:
۱۸۸. طایفه نوروزخان: ۱۸۸. طایفه
- وشمکانلو: ۱۸۸. طایفه ولیخان بی شانلو:
۱۸۸. طوایف: ۱۸۸. طمهورث آباد:
۱۸۷. عین ده: ۱۸۷. کاکوستان: ۱۸۷.
- کپل: ۱۸۷. کشته رود: ۱۸۷. کلور-
- دره: ۱۸۶. کله جوب: ۱۸۷. کلیشم:
۱۸۷. کمال ده: ۱۸۷. کنگری: ۱۸۷.
- کوره رود: ۱۸۷. کوورط: ۱۸۷.
- کهککه چین: ۱۸۷. گگردویشه: ۱۸۷.
- گیاش: ۱۸۷. گیروه: ۱۸۷. گیلان کش:
۱۸۷. لایه: ۱۸۷. لوشان: ۱۸۶، ۱۸۷.
- لیاول: ۱۸۷. ماش میان: ۱۸۷. منجیل:
۱۸۶. میانه کوشک: ۱۸۷. نارسن ده:
۱۸۷. ناش: ۱۸۷. ناوه: ۱۸۷. نمه-
- کوران: ۱۸۶. نهده: ۱۸۷. واطل: ۱۸۷.
- ولایت: ۱۸۶. وی یه: ۱۸۷. یو کتم: ۱۸۷.
- عماله جو (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.
- عمرانلو [طایفه...]: ۷۹.
- عمرخان (وزیر اول دریاقلیخان جعفر بای): ۷۵.

عمیدالملک امیراصلان خان (حاکم گیلان):

۱۶۵، ۱۰۹

علیخان [سید...]: ۱۶۵.

عیسی خان: ۱۴۰.

عین‌ده (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

## غ

غائی [طایفه...]: ۶۵.

غازیان: ۲۰۱.

غب اوصانلو [طایفه...]: ۱۴۹.

غریب‌آباد (بقعه‌ای در لاهیجان): ۱۶۲،

۱۶۳.

غلام حسین خان (کدخدای قشلاق): ۷.

غلامحسین [مشهدی...]: [بانسی تعمیر

کاروانسرای شاه عباسی آهوان در

۱۲۷۱): ۲۱.

غلام‌رضاخان (از سرکرده‌های طایفه کاکاوند):

۱۷۵.

غلامعلیخان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.

غلامعلیخان سرهنگ (پدر عباسقلیخان و

بزرگ لاریجان): ۱۳۴.

## ف

فارس: ۸۸، ۱۷۴، ۱۷۵.

فاطمه = حضرت معصومه = مزار لال‌شوی

(خواهر حضرت امام رضا علیه‌السلام):

۱۶۷.

فتح‌الله (پسر مرتضی‌قلی بیگ): ۸.

فتح‌الله [میرزا...]: [بلوک باشی سیاه‌کله-

رود): ۱۵۵.

فتحعلی خان (بزرگ فرقه اشاقه‌باش) = سردار

کل طایفه قاجار استرآباد: ۷۳.

فتحعلی شاه [خاقان مغفور...]: ۱۷، ۲۴،

۷۰، ۱۲۱.

فتک (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.

فتکوه (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.

فخر عمادالدین (از بلوک استرآباد): ۵۶،

۶۰.

فخر عمادالدین وکتول [بلوک...]: ۵۶.

فراش محله [محلّه...]: ۸۱.

فرج‌الله خان (حاکم ولایت کرگان رود):

۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵.

فرح‌آباد: ۸۸، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰. اشپل‌سازخانه:

۱۰۹. انبار پیرپاس: ۱۰۹. انبار نمک:

۱۰۹. حمام: ۱۰۸. دیوانخانه: ۱۰۸.

راسته بازار: ۱۰۸. سرطوبله: ۱۰۸.

عسکرخانه: ۱۰۸. عمارت جهان‌نما:

۱۰۸، قصاب‌خانه: ۱۰۹. کاروانسرا:

۱۰۸. مسجد: ۱۰۸.

فرضه انزلی: ۱۶۰.

فرقه آق قلیچ‌خانی (از طایفه یابندر دو-

درقه استرآباد): ۶۳.

فرقه اشاقه‌باش: ۷۳.

فرقه نفس‌خانی (از طایفه یابندر دودرقه

گو کلان استرآباد): ۶۳.

فرنگک: ۲۱۴.

فریدون گبر پارسى: ۹۸، ۹۹.

- فریکنار: ۱۳۱، ۱۳۲.
- فشخام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- فضل الله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- فلح آباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- فند (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- فندرسک (از بلوک استرآباد): ۵۷، ۵۳، ۵۰.
- فندرسک [دهات...]: ۶۱.
- فونمه سر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- فومن: ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰.
- پایتخت سلاطین گیلان: ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶.
- حمام: ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰.
- ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰.
- ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰.
- ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰.
- ولایت: ۱۹۴.
- فیروزکلا [بلوک...]: ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰.
- فیروزکنده (خالصه شاهی و تیول احمد میرزا): ۱۰۷.
- فیروزکوه: ۷، ۸.
- فیشکلی [محلّه...]: ۱۵۹.
- فیض آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- فیلده (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- ق**
- قاتول (شامل چهارقریه است از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- قاجار [حاجی فتحعلی بیگ...]: (بانسی مدرسه دامغان در سنه ۱۱۱۹): ۲۴.
- قاجار [طایفه...]: ۴۸، ۷۲.
- قاجار استرآباد نشین: ۷۲، ۷۵.
- قادرآباد [دهکده...]: ۲۷.
- قادی کلا [بلوک...]: ۱۰۱.
- قادی کلائی [خسرو...]: ۱۲۶.
- قادی کلائی [زکریا...]: ۱۲۶.
- قاری قلعه: ۶۹.
- قاسم [امام زاده...]: ۸۰.
- قاسم [امام زاده...]: (پسر امام موسی کاظم علیه السلام): ۴۲.
- قاسم (امام زاده استرآباد): ۴۹.
- قاسم آباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- قاسم آباد (از دهکده‌های رانکو): ۱۵۴.
- قاسم خان (از سرکردگان طایفه جلیل وند): ۱۷۵.
- قاسم خان [حاجی...]: (پدر محمد تقی خان حاکم ولایت تولم): ۱۹۷.
- قاضی ده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- قاضی کتی [محلّه...]: ۱۱۷.
- قاضی محلّه: ۱۵۸.
- قانقرمه [طایفه...]: ۵۹.
- قان یقمز [طایفه...]: ۶۲.
- قبچاق (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- قبر بی بی شهربانو: ۴.
- قبر رسول الله صل الله علیه وآله: ۱۱۲.
- قبرستان اتباع روس در میان کاله: ۳۷.
- قبرستان اسبچین: ۱۴۶.
- قبرستان امیج کلا: ۱۴۶.

- قبرستان قدیم چهار دهی: ۴۴.
- قبرستان قدیمی (تپه‌ای پشت چاپارخانه آهوان): ۲۲.
- قبرستان گبرها (دردزدیکی کفشگیری): ۴۵.
- قبرستان محمودآباد هراز: ۱۳۳.
- قبرستان ملا امیر (در رودسر): ۱۵۷.
- قبر شیخ طبرسی: ۱۲۶، ۱۲۷.
- قبر فریدون: ۹۶.
- قلعه عالم = ناصرالدین شاه: ۹۳.
- قبره کرانلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.
- قجر (طایفه ترک): ۷۲، ۷۴، ۱۰۷.
- قجر افشاری: ۷۳.
- قجق تانار [طایفه...]: ۶۲.
- قدم‌گاه حضرت امام رضا (ع) (درشمال غربی دهکده آهوان): ۲۲.
- قدم‌گاه خضر علیه‌السلام (درخسارچ شهر استرآباد): ۴۷، ۴۹.
- قدم‌گاه شاه عباس = کاروانسرای شاه عباسی سمنان: ۱۷.
- قرا باغ: ۷۹.
- قرا بلخان [طایفه...]: ۶۴.
- قرا تپه (در دوفرستگی نیکاح): ۳۸، ۸۷، ۸۸، ۹۰.
- قرا تیکان: ۶۱.
- قراچورلو [طایفه...]: ۹.
- قراچه داغی [طایفه...]: ۶۱.
- قرا داشلو [طایفه...]: ۵۹.
- قرا داغ: ۷۹.
- قرا سنگر [دهکده...]: ۴۶، ۵۷.
- قراسو: ۲۱۴.
- قراشور [طایفه...]: ۶۴.
- قرا شیخ: ۶۴.
- قراطغان [بلوک...]: ۹۷، ۸۹، ۱۰۰، ۹۰.
- قراقان (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال‌نشین): ۶۷.
- قراکلا [محله...]: ۱۱۷.
- قرا مسانلو [طایفه...]: ۷۲.
- قرخ کافلو [طایفه...]: ۱۸۳.
- قرن آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-رستاق استرآباد): ۵۵، ۶۴.
- قرناسن [طایفه...]: ۶۵.
- قرنجیک [طایفه...]: ۵۸.
- قراولخانه سنگی (از ساخته‌های نادرشاه در اراضی سردره): ۶.
- قراولخانه نادری (در اراضی سردره): ۶.
- قره‌العین (دختر حاجی ملاصالح، مجتهد قزوین): ۱۲۵، ۱۲۹.
- قرق [طایفه...]: ۶۳.
- قروتی [طایفه...]: ۶۲.
- قریه امین آباد: ۴.
- قریه بازه‌کی گوراب: ۱۶۵.
- قریه دزآش: ۱۹۱.
- قریه سرخک (از دهکده‌های سمنان): ۱۵.
- قریه شالکو: ۱۶۶.
- قریه کاکاوا: ۱۷۷.
- قریه کلشتر: ۱۸۱.
- قریه کومسار: ۱۹۱.
- قریه کبسم (از دهکده‌های لاهیجان): ۱۶۵.



۱۶۶. قصابعلی سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- قریه نیالا (از دهکده‌های ولایت هزار جریب): ۱۲۵.
- قصاب کلا [محلّه...]: ۱۱۷.
- قزاق [طایفه...]: ۱۰۸.
- قصبه (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- قصبه مومن: ۱۹۴.
- قصبه محلّه (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- قزاق چای: ۸، ۷.
- قلعه [محلّه...]: ۲۵.
- قزل باش (لقبی که شاه اسماعیل به هفت طایفه قاجار داد): ۷۲.
- قلعه ارادان: ۸، ۱۰.
- قزل باط (یکی از محلله‌های سکنای تکه آخال نشین): ۶۷، ۶۵.
- قلعه اسب چین = قلعه عثمان پاشا: ۱۴۶.
- قزل باط (یکی از محلله‌های سکنای تکه آخال نشین): ۶۷، ۶۵.
- قلعه استرآباد: ۴۷، ۴۸.
- قزلی [طایفه...]: ۹۰.
- قلعه الله ویردی (یکی از محلله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- قلعه ای قدیمی (در سرودخانه نمک آب رود - سر): ۱۴۶.
- قزوین: ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۴۸، ۱۷۳، ۱۷۴.
- قلعه‌ای قدیمی بر کوه زنبیل کوه سخت‌سر: ۱۵۱.
- ۱۸۸، ۱۷۵. ایلیات قزوین: ۱۷۳.
- قلعه بابا عرب (یکی از محلله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
۱۷۴. طایفه بهتوئی: ۱۷۶. طایفه باجلان:
- قلعه باقر (یکی از محلله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
۱۷۷. طایفه بای روند قلیج خانی:
- قلعه بن (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶، ۲۱۵.
۱۷۷. طایفه رشوند: ۱۷۷. طایفه جلیل - وند: ۱۷۵.
- قلعه‌بن (از بیلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
۱۷۴. طایفه چگینی: ۱۷۴. طایفه قیاس‌وند: ۱۷۴.
- قلعه تپه (محل منزل سرشناسان ارادان): ۸.
۱۷۴. طایفه کاکاوند: ۱۷۵.
- قلعه چک (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- طایفه کلهر: ۱۷۶. طایفه مافی: ۱۷۶.
- قلعه‌چقه ده نمک: ۱۲.
- قسه‌آق [طایفه...]: ۵۹.
- قلعه‌چقه سرخک: ۱۵.
- قشلاق (از دهکده‌های خوار که شامل پنج قریه است): ۶، ۷، ۱۱. آب انبار: ۷.
- قلعه خرابه (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- کاروانسرا: ۷. مسجد: ۷.
- قلعه خرابه (بر سر راه امغان به شاه‌رود): ۲۷.
- قشلاق جیرنده (قشلاق حاکم عمارلو): ۱۸۶.
- قشلاق نفر (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- قشون زندیه: ۸۱.
- قصاب خانه فرح‌آباد: ۱۰۹.
- قصاب سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

- قلعه خندان: ۴۷.
- قلعه دهکده تاش: ۳۱.
- قلعه دولت آباد: ۲۳.
- قلعه رودخان (ازدهکده‌های فومن): ۱۹۴، ۱۹۵.
- قلعه سر [محلۀ...]: ۸۹.
- قلعه سلطان آباد (قلعه‌ای درقوشه): ۲۳.
- قلعه شاهرود: ۲۸.
- قلعه شاه‌کو: ۳۳.
- قلعه شیخ طبرسی: ۱۲۹.
- قلعه شیشه: ۷۴.
- قلعه صلصال جادو: ۱۹۴.
- قلعه عثمان پاشا = قلعه اسب چین: ۱۴۶.
- قلعه عشق آباد (یکی از محله‌های تکه آخال-نشین): ۶۶.
- قلعه قشلاق: ۷.
- قلعه کل شانه‌یاور: ۲۵۷.
- قلعه کوشی (یکی از محله‌های سکناى طوايف تکه آخال نشین): ۶۶.
- قلعه لاس‌گرد: ۱۳، ۱۴.
- قلعه محمود (از دهکده‌های بلوک سدن-رستاق استرآباد): ۵۳.
- قلعه نو (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- قلعه یزید: ۴.
- قلندر عایش (از دهکده‌های بلوک سدن-رستاق استرآباد): ۵۴.
- قلندر محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- قلیچلی [طایفه...]: ۹۵، ۹۷.
- قلی‌خان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.
- قلی‌خان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- قلیخان یوزباشی: ۵۲.
- قنات سرخواجه: ۴۹.
- قنات شاهرود: ۲۹.
- قوانلو [طایفه...]: ۷۲.
- قوچان: ۶۵.
- قورخانه انزلی: ۲۰۰.
- قورخانه میان‌پشته: ۲۰۱.
- قوزک (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- قوزلق: ۶۷.
- قوشچی [طایفه...]: ۶۴.
- قوشن کربی (از دهکده‌های بلوک فخر عماد-الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- قوشه [دهکده...]: ۲۲. آب انبار: ۲۳.
- چاپارخانه: ۲۳. قلعه سلطان آباد: ۲۳.
- کاروانسرای شاه‌عباسی: ۲۳.
- قولر [طایفه...]: ۵۹.
- قوم (حدشمالی سکناى تکه آخال نشین): ۶۵.
- قونیل‌جو (از رودخانه‌های کسرگان رود): ۲۱۷.
- قونچه‌خان (یکی از خواین جعفر بای): ۷۰.
- قیاخلو [طایفه...]: ۷۲.
- قیاس‌وند [طایفه...]: ۱۷۴.
- قیتول [دهکده...]: ۱۷۸.
- قیر [طایفه...]: ۶۰.

## د

کارکنده (از دهکده‌های بلوک انزان

- استرآباد): ۵۴.
- کاروانسرای [محلّه...]: ۱۶۳.
- کاروانسرای استرآباد: ۴۹.
- کاروانسرای اشرف: ۸۱.
- کاروانسرای انوشیروان دهکده آهوان: ۲۲.
- کاروانسرای یارفروش: ۱۱۸.
- کاروانسرای سبزه میدان (در بسار فروش): ۱۲۵.
- کاروانسرای سیف‌الله میرزا (در سمنان): ۱۷.
- کاروانسرای سنگی (منسوب به انوشیروان): ۲۱.
- کاروانسرای شاه (از کاروانسراهای ساری): ۹۶.
- کاروانسرای شاهرود: ۲۹.
- کاروانسرای شاهرود (بانی آن حاجی ابو-طالب): ۲۸.
- کاروانسرای شاه عباسی (در محلّه پایین ایوان کیف): ۵.
- کاروانسرای شاه عباسی آهوان: ۲۱.
- کاروانسرای شاه عباسی دهکده قوشه: ۲۳.
- کاروانسرای شاه عباسی دهکده لاس‌گرد: ۱۴.
- کاروانسرای شاه عباسی ده نمک: ۱۲.
- کاروانسرای شاه‌عباسی سمنان = قدم‌گاه شاه عباس: ۱۷.
- کاروانسرای فرح‌آباد (از بناهای شاه‌عباس): ۱۰۸.
- کاروانسرای فومن: ۱۹۴.
- کاروانسرای قشلاق: ۷.
- کاروانسرای لاهیجان: ۱۶۳.
- کاروانسرای لنگرود: ۱۹۵.
- کاریز (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- کاس احمدان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کاسان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- کاسه‌گران [گذر...]: ۵۰.
- کاسه‌گر محلّه [محلّه...]: ۱۱۶.
- کاشان: ۷، ۱۰.
- الکاظم علیه‌السلام [امام...]: ۱.
- کاظم‌آباد (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.
- کاظم‌آباد (بر سر راه مشهدسر به بارفروش): ۱۱۵.
- کاظم‌خان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.
- کاظم‌خان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- کاظم‌خان (حاکم ماسال): ۱۹۸.
- کافرودین: ۶۱.
- کاکاوا [دهکده...]: ۱۷۷، ۱۷۸.
- کاکوستان (از دهکده‌های بام‌نصور عمارلو): ۱۸۷.
- کالچ [بلوک...]: ۱۳۷.
- کاله [محلّه...]: ۱۱۲.
- کام‌بر (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- کامپانی تاجر دولت روسیه: ۲۸.
- کاورقلعه: ۶۳.
- کبته (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- کیودجامه: ۵۰.
- کپ [بلوک...]: ۱۳۶.
- کپل (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

- کیورچال: ۲۰۲.
- کئل منجیل: ۱۶۹.
- کئلۂ چالچایان (دوفرستگی تاش): ۳۲.
- کتول: ۵۰.
- کتول (از بلوک استراباد): ۵۶، ۶۰.
- کتول [دهات...]: ۶۱.
- کتول [طایفه...]: ۵۲.
- کجور: ۸۸، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۹.
- بلوک: ۱۳۷. انگاز: ۱۴۰. پنجک.
- رستاق: ۱۴۰. چلندر: ۱۴۰. خیرود.
- کنار: ۱۴۰. زاند رستاق: ۱۴۰. شهر.
- کجور: ۱۴۰. فیروزکلا: ۱۴۰.
- کچلستان: ۱۴۰. کران: ۱۳۰. کوهپرا:
۱۴۰. لاشک: ۱۴۰. نارنجک بند: ۱۴۰.
- کجور [بلوک...]: ۱۳۷.
- کجوری [ملاعلی اکبر...]: (ضابط علوی - کلا): ۱۳۸.
- کچلستان (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- کچلک (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- کچلک (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- کچلک محله [محله...]: ۲۰۲.
- کدوستان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- کر [طایفه...]: ۵۸.
- کرادوین [صحرا...]: ۷۴.
- کرارود (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- کرافکوه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کرامی‌جان [دهکده...]: ۱۴۵.
- کران (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- کران (از دهکده‌های فومن): ۱۵۹.
- کرجی محله (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- کرد [طایفه...]: ۵۸، ۹۷.
- کردآباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین و کتول استراباد): ۵۶.
- کردآباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- کردان (بر سر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.
- کردبی جار (از دهکده‌های کسرگان رود): ۲۱۶.
- کرد جان بیگ‌لو (ساکنین قریه حمیدآباد): ۱۰۸.
- کردستان: ۱۴۰.
- کردل کلا (از قشلاق‌های نور): ۱۳۷.
- کرد محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استراباد): ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴.
- ۵۳، ۱۶۶. چا پارخانه دولتی: ۴۳.
- حمام: ۴۳. دکان: ۴۳. حمام: ۴۳.
- محله بالابلوک: ۴۳. محله پولکنی: ۴۳.
- محله تسوسکائیش: ۴۳. محله درازکله: ۴۳.
- محله سالی کنده: ۴۳. محله شیر - داربن: ۴۴. محله لاقوز: ۴۳. محله ملاکیله: ۴۳. مسجد: ۴۳.
- کردها [محله...]: ۳۵.
- کرکت محله (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- کسرگان رود (از رودخانه‌های طالش - دولاب): ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴.

- استرآباد): ۴۴، ۴۵، ۵۲. تکیه: ۴۵.  
 حمام: ۴۵. خندق: ۴۵. دکان: ۴۵.  
 دیوانخانه: ۴۵. مسجد: ۴۵.  
 کل [طایفه...]: ۵۸.  
 کلابره (ازدهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.  
 کلاته (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه  
 آخال نشین): ۶۶.  
 کلاته ایشاباشی (یکی از محله‌های سکنای  
 طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.  
 کلاجان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۴۶، ۵۳.  
 کلار: ۱۴۴.  
 کلارآباد [بلوک...]: ۱۴۹.  
 کلار رستاق: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۹.  
 کلار رستاق بیرون بشم [بلوک...]: ۱۴۴.  
 کلاهدشت: ۱۴۴، ۱۲۵.  
 کلاهدشت [بلوک...]: ۱۴۳.  
 کلاس (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۵.  
 کلا سنگیان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۴.  
 کلاک [دهکده...]: ۸۵.  
 کلام‌الله خط کوفی: ۱۹۳.  
 کلامون (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۴.  
 کلایه (از دهات ایل نشین رحمت آباد):  
 ۱۸۳.  
 کلاباد: ۳۵، ۷۴، ۸۵. بلسوک: ۷۸، ۸۹.  
 محلات: ۷۸.  
 کلاباد [بلوک...]: ۷۸، ۷۹.
- ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸. دهات: ۲۱۳، ۲۱۶.  
 ملک: ۲۱۱. ولایت: ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۴.  
 ییلاقات: ۲۱۷.  
 کرگان رود (از رودخانه‌های کرگان رود):  
 ۲۱۷.  
 کرگز [طایفه...]: ۶۴.  
 کُرو [طایفه...]: ۷۲.  
 کرمانشاهان: ۱۷۵.  
 کرم رود (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.  
 کرنند (از دهکده‌های خوار): ۱۱.  
 کره [طایفه...]: ۶۵.  
 کریم‌آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.  
 کریم‌آباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۳.  
 کریم‌خان زند: ۷۳، ۷۴، ۸۱.  
 کریم‌خان [میرزا...]: (تبولدار بلوک لفور):  
 ۱۲۱.  
 کریم‌خان سرتیپ [میرزا...]: (تبولدار  
 بلوک سوادکوه): ۱۲۱.  
 کسکوه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 کسما (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
 کسه [طایفه...]: ۵۹.  
 کسه‌حلقه [طایفه...]: ۵۹.  
 کشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
 کشته رود خان (از دهکده‌های فومن):  
 ۱۹۶.  
 کشته‌رود (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):  
 ۱۸۷.  
 کفشگیری (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق

- کلباد [محللات...]: ۷۸.
- کلباد [میرزا محمد خان...]: ۷۸.
- کله ده (از دهکده‌های لاهیجان): ۱۶۵.
- کلهر [طایفه...]: ۱۷۶.
- کله سر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کل بازخان (سر کرده طایفه قسراچورلو - خوار): ۹.
- کل بست (از بلوک بارفروش): ۱۲۲.
- کل بست [محلّه...]: ۱۱۵.
- کلته [طایفه...]: ۵۸.
- کلیم (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- کلیم [طایفه...]: ۵۸.
- کمال ده (از دهکده‌های بامنصور عمارلو): ۱۸۷.
- کمالج: ۱۷۷.
- کل خرابه: ۷۷.
- کما سی (از دهکده‌های بلوک استرآباد - رستاق استرآباد): ۵۶.
- کلیه جار (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- کلامرود (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- کلشتر (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳.
- کلفت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- کلوس فروش (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- کناره (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- کلوردده (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۶.
- کلوردز (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
- کلباش تپه [دهکده...]: ۵۷.
- کنار سفید رود: ۱۶۳، ۱۸۲.
- کلوندرود امین (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کنار (از دهکده‌های بلوک ارادان): ۸.
- کلوندرود هادی (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کنده (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- کلوندرود [دهکده...]: ۲۰۲.
- کنده آب (از دهکده‌های استرآباد): ۵۵.
- کلوندرود [دهکده...]: ۶۳.
- کنده سر (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- کنو (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- کنیزک: ۶۱.
- کوتی مجمن [طایفه...]: ۶۵.
- کوجک [طایفه...]: ۶۱.
- کوسه لی [طایفه...]: ۵۸.

- کوشک (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- کوش مغان [محلّه...]: ۱۹.
- کوک تپه (یکی از محلّهای سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۷.
- کوکجه [طایفه...]: ۶۳.
- کوکجه (یکی از محلّهای سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- کولی جان = گلیجان [بلوک...]: ۱۴۹.
- کوه آرسک (در سمت راست دهکده قوشه): ۲۳.
- کوه ابدال (در شمال سمنان): ۱۹.
- کوه الامل: ۱۴۴.
- کوه الند: ۱۴۴.
- کوه انجیلاب (در شمال شرقی سمنان): ۱۹.
- کوه بیارجمند (در شمال دهکده قوشه): ۲۳.
- کوه بیخ کوه (در شمال آهوان): ۲۲.
- کوهپر (از بلوک کجور): ۱۴۵.
- کوه پس‌داکو (در شرق عباس‌آباد): ۱۴۷.
- کوه چای شیرین (در شمال شرقی سمنان): ۱۹.
- کوه خاکتر دله (در غرب رادکان): ۳۴.
- کوه داکو (در جنوب شرقی عباس‌آباد): ۱۴۷.
- کوه دلیر: ۱۴۲، ۱۴۴.
- کوه دماوند: ۵، ۷.
- کوه دوازده امام: ۷.
- کوه دو هزار (در غرب عباس‌آباد): ۱۴۷، ۳۳، ۳۲.
- ۱۴۹.
- کوه دیاریان (در جنوب شرقی رادکان): ۳۴.
- کوه دیسو سفید (در جنوب غربی چلندر): ۱۳۹.
- کوه رادکان (مقابل کرد محلّه): ۴۳.
- کوه زر (در سمت قیله دامغان): ۲۵.
- کوه زرشک چال (در شرق رادکان): ۳۴.
- کوه زرشک خسوانی (در جنوب رادکان): ۳۴.
- کوه زرشک کوه (در غرب دهکده آهوان): ۲۲.
- کوه زنبیل کوه (در سخت‌سر): ۱۵۱.
- کوهستان غربی و شرقی [بلوک...]: ۱۴۴.
- کوه سرحر (در شمال ارادان): ۱۵.
- کوه سنگ (در شمال سمنان): ۱۹، ۲۲.
- کوه سوت کلوم: ۸۲، ۸۴.
- کوه سول‌خور (مقابل کاروانسرای انوشیروان دهکده آهوان): ۲۲.
- کوه سه هزار (در غرب عباس‌آباد): ۱۴۷.
- کوه سیاه کوه (سمت قیله ارادان): ۱۵، ۷.
- کوه شاه‌بار (در غرب دامغان): ۲۵.
- کوه شاه‌دار کوه (در غرب دامغان): ۲۵.
- کوه شاه‌علم‌دار (در بلوک کسلاره دشت کلارستاق): ۱۴۳، ۱۴۴.
- کوه شاه‌کو (در شمال دامغان): ۲۵، ۴۳.
- کوه شاه‌وای (در سمت شرقی دهکده تاش): ۳۳، ۳۲.

- کوه شفت: ۱۹۱.
- کوه شله کوه (در سمت شرق دهکده شاه-  
کو): ۳۳.
- کوه شولان (در نزدیکی سمنان): ۱۶، ۱۹.
- کوه صوردار (در جنوب سلده): ۱۳۶.
- کوه قالی باف (در شمال شرقی ارادان):  
۱۵.
- کوه کردکوه (در سمت شرقی دهکده شاه-  
کو): ۳۳.
- کوه کلرز: ۷.
- کوه کورما (در جنوب عباس آباد): ۱۴۷.
- کوه کوکوشان (در سمت جنوب دهکده  
تاش): ۳۲.
- کوه لاریج: ۱۳۶.
- کوه مارکو (در سخت سر): ۱۵۱.
- کوه متصل بوجنورد: ۶۵.
- کوه محمد حنقیه (در شمال دامغان): ۲۶.
- کوه ملوبند: ۱۴۵.
- کوه مران (بالا دست خرم): ۱۴۷، ۱۴۹.
- کوه مشکزار (در شمال رادکان): ۳۴.
- کوه مکرش: ۷.
- کوه ناتشکوه: ۱۵۸.
- کوه هزار جریب (در غرب سمنان): ۱۹.
- کوه های هزار جریب: ۹۴.
- کوه نمیر = نمیرداغی: ۲۱۴.
- کوه کاری (از دهکده های کمرگان رود):  
۲۱۶.
- لهدم: ۱۷۱، ۱۷۳.
- کوبیر حسینان: ۲۵.
- کهم (از دهکده های اسالم): ۲۱۵.
- کهمسار [بلوک...]: ۵۷.
- کهمک (از دهکده های خوار): ۱۱.
- کهمکه چین (از دهکده های بابا منصور  
عمارلو): ۱۸۷.
- کهمکنه [طایفه...]: ۶۲.
- کهمنه گوراب (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کهمنه لو [طایفه...]: ۷۲.
- کهمنه محله (بر سر راه فرح آباد به مشهد سر):  
۱۱۱.
- کیا آباد (از دهکده های رحمت آباد): ۱۸۳.
- کیاب (از محله های رشت): ۱۵۷، ۱۷۱.
- کیارستم: ۱۶۳.
- کیاسرا (از دهکده های اسالم و حاکم نشین):  
۲۱۵.
- کیا کلاه [بلوک...]: ۱۰۱، ۱۲۲.
- کیایان (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کیده دهنه (از رودخانه های کمرگان رود):  
۲۱۷.
- کیسم [دهکده...]: ۱۶۶.
- کشیستان (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- کیکاسر (از دهکده های اسالم): ۲۱۵.
- کیکاسر (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کیکلایه: ۱۵۸.
- کیل خوران (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- کیومرث (پادشاه کیانی): ۹۵، ۱۳۴.
- گالش (از دهکده های کمرگان رود): ۲۱۳.



۲۱۶. گالش محله (از دهکده‌های طالش دولاب):  
۲۰۵. گاما (نام یکی از گمی‌های روس در آشوراده):  
۳۸. گامیش بن (از بیلاق‌های کرگان رود): ۲۱۷.  
گاوبنه [محله...]: ۱۶۲.  
گاوخوس (از دهات ایل نشین رحمت آباد):  
۱۸۳. گاوکده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
گادوک فوزلی: ۳۳.  
گذر باغ پلنگک (در محله میدان استرآباد): ۵۰.  
گذر پای سرو (در محله نعلبندان استرآباد):  
۴۹. گذر چمن‌دیان (در محله سبزه مشهد استرآباد):  
۵۰. گذر تخیمه‌دوزان (در محله نعلبندان استرآباد):  
۴۹. گذر دباغان (در محله سبزه مشهد استرآباد):  
۵۰. گذر درب‌نو (در محله میدان استرآباد): ۵۰.  
گذر دوچناران (در محله میدان استرآباد):  
۵۰. گذر دوشنبه (در محله میدان استرآباد): ۵۰.  
گذر سریر (در محله سبزه مشهد استرآباد):  
۵۰. گذر سرچشمه (در محله سبزه مشهد استرآباد):  
۵۰. گذر سوخته چنار: (در محله سبزه مشهد
- استرآباد): ۵۰.  
گذر شیرکش (در محله نعلبندان استرآباد):  
۴۹. گذر عمارلو و خرگام: ۱۸۴.  
گذر کسسه‌گران (در محله میدان استرآباد):  
۵۰. گذر میخچه‌گران (در محله نعلبندان استرآباد):  
۴۹. گذر نقاره‌چیان (در محله سبزه مشهد استرآباد):  
۵۰. گرای لی [طایفه...]: ۸۸، ۹۰، ۹۷.  
گر به کوچه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
گرجستان: ۷۲.  
گرجی: ۷۵.  
گرجی (کندخداي محله یهودیهای بارفروش):  
۱۱۸. گرجی [نهر...]: ۶۰، ۶۱.  
گرجی محله (از دهکده‌های بلوک سدن—  
رستاق استرآباد): ۵۴.  
گرجی محله [محله...]: ۸۱.  
گرداب اوزن (از دهکده‌های کرگان رود):  
۲۱۶. گرد ویشه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.  
گران: ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۱۰۹.  
گزن (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.  
گل‌افزان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
گلستان [دهکده...]: ۸۹.  
گلدیان (از دهکده‌های رحمت آباد):  
۱۸۳.

- گل سران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- گلف پشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- گلفرود (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۶.
- گلفرود (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- گل محله (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- گلسو (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- گل‌ورز (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
- گلوزن (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۴.
- گلوگاه (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۳۶، ۷۹، ۸۱.
- گلوگاه [دهکده...]: (متعلق به ورثه حاجی علی حسن): ۲۰۲.
- گلیجان رستاق [بلوک...]: ۱۴۹.
- گمر کخانه آستارا: ۲۱۸.
- گمر کخانه جز: ۳۵، ۳۶.
- گمر کخانه مشهدسر: ۱۱۱.
- گمر کخانه قراتپه: ۸۷.
- گمرک لاهیجان: ۱۶۴.
- گمرک لنگرود: ۱۶۴.
- گنبدقا بوس وشمگیر: ۵۰.
- گنبد حسام الدوله (در شهر ساری): ۹۷.
- گنبد سلم و تور: ۹۸، ۹۹.
- گنبدقا ووس: ۶۳.
- گنج خانه (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
- گنجه: ۷۲، ۷۳.
- گنجه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- گنجه‌کان کونی (از ییلاقهای کرگان رود):
- ۲۱۷.
- گندیاب (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
- گوراب (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- گوراب پس (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- گوراب زرمخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- گوراب نصیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۱.
- گوهر رود [رودخانه...]: ۱۹۱.
- گوهر شاد خانم (دختر کیا رستم): ۱۶۳.
- گیاش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- گیرو (از دهکده‌های بامنسور عمارلو):
- ۱۸۷.
- گوکلان [ایل...]: ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۳، ۶۴.
- گیلان: ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹.
- ۱۷۰، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۳.
- گیلانات: ۱۴۸.
- گیلان کش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- گیل چالان (از دهکده‌های گیل دولاب):
- ۲۰۴.
- گیل دولاب: ۲۰۴، ۲۰۷. دهات: ۲۰۴.
- ولایت: ۲۰۳.
- گیل دولاب [دهات...]: ۲۰۴.
- گیل دولاب [ولایت...]: ۲۰۳.
- گیلک [طایفه...]: ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۳.
- گیل گسکر [حاکم نشین...]: ۱۹۸.
- گیل گسکر حاجی آقا: ۲۰۷.
- ل**
- لاتائی (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۰.
- لامخ بخاران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

- لاریجان: ۱۱، ۱۳۴.
- لاریم [محلّه...]: ۱۱۵.
- لاسک (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- لاسگرد (از دهکده‌های سمنان): ۱۳، ۱۴.
۱۵. آب انبار: ۱۴. امامزاده آقا سید رضا: ۱۴. امامزاده تقی: ۱۴. باغ: ۱۳.
- تکیه: ۱۳. چاپارخانه: ۱۵. چاه آب: ۱۴. حمام: ۱۳. قلعه: ۱۳، ۱۴.
- کاروانسرای شاه عباسی: ۱۴. مسجد: ۱۳.
- لاشک [بلوک...]: ۱۴۵.
- لاکسار (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- لاکه (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
- لاله‌آباد [بلوک...]: ۱۲۱.
- لالیم [دهکده...]: ۹۱.
- لامی لنگک (از دهکده‌های بلوک سدن‌دستاق استرآباد): ۵۳.
- لان (پسر حضرت آدم علیه السلام): ۱۶.
- لاومخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- لاویج (از زیلاقهای نور): ۱۳۶.
- لاویج [بلوک...]: ۱۳۷.
- لاهو [دهکده...]: ۱۴۳.
- لاهیجان: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶.
- اسطوخ: ۱۶۲، ۱۶۴. امامزاده آقامیرزا صادق جیر دکان‌بر: ۱۳۶. امامزاده میر ابراهیم: ۱۶۳. امامزاده آقامیر شهید: ۱۶۳.
- امامزاده آقامیر کریم: ۱۶۳. امامزاده پرد-سر: ۱۶۳. امامزاده پنج پیران: ۱۶۳.
- امامزاده تکیه آقا: ۱۶۲، ۱۶۳. امامزاده
- تکیه‌بر: ۱۶۳. امامزاده چهار پادشاه: ۱۶۳.
- امامزاده حاجی باقر: ۱۶۳.
- امامزاده عاقلیه: ۱۶۳. امامزاده غریب-آباد: ۱۶۲، ۱۶۳. امامزاده ملامؤمن: ۱۶۳.
- امامزاده میرشمس‌الدین: ۱۶۳.
- امامزاده محلّه خمیر کلایه: ۱۶۳. امام-زاده محلّه کاروانسرایبر: ۱۶۳. امامزاده محلّه گاوبنه: ۱۶۳. تازه کسی گوراب: ۱۶۵. تجن گوکه: ۱۶۵. حمام: ۱۶۳.
- خانه‌وار: ۱۶۳. دزدین: ۱۶۳. دیوشل: ۱۶۱. سیزه میدان: ۱۶۲، ۱۶۴. شهر لاهیجان: ۱۶۲. شیخ خونه‌بر: ۱۶۱.
- کاروانسرا: ۱۶۳. کله ده: ۱۶۵. کیسم: ۱۶۵. گمرک: ۱۶۴. لیل: ۱۶۲. لیارستان: ۱۶۱. محلّه اردو بازار: ۱۶۳. محلّه پردسر: ۱۶۲، ۱۶۳. محلّه خمیر کلایه: ۱۶۳. محلّه شعر باف: ۱۶۲، ۱۶۳. محلّه کاروانسرایبر: ۱۶۳. محلّه گاوبنه: ۱۶۲.
- محلّه میدان: ۱۶۲. مدرسه: ۱۶۳. مسجد: ۱۶۳. ملک چارقنه سر: ۱۶۱. ملک لاهیجان: ۱۶۲. مسوازی: ۱۶۴. ولایت لاهیجان: ۱۶۴.
- لایه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- لیان کش (از زیلاقهای کرگان‌رود): ۲۱۷.
- لپاوک [دهکده...]: ۱۴۲.
- لنی بار [محلّه...]: ۱۷.
- لزگی: ۷۲.
- لذرجان (از دهکده‌های سیاهکله‌رود): ۱۵۵.
- لزور [بلوک...]: ۱۳۷.

- لشت نشا [حاکم نشین...]: ۱۶۲، ۱۹۹.
- لشت نشا [ولایت...]: ۱۹۹.
- لش کنار (از بیلاقیهای نور): ۱۳۶، ۱۳۷.
- لطف الله میرزا [شاهزاده...]: (حکمران  
مازندران در سال ۱۲۷۵ ه. ق.): ۹۵.
- لفور [بلوک...]: ۲۲۱.
- لقه بندان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- لك [طایفه...]: ۱۴۳.
- لکتار سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- للدوین (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
استرآباد): ۵۳.
- لمتر (از دهکده‌های سخت سر): ۱۵۱.
- لمسک (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
استرآباد): ۵۳.
- لنگا = جور بند لنگا و جیر بند لنگا [بلوک...]:  
۱۴۹.
- لنگر کنان: ۱۷۰، ۲۱۹.
- لنگرود: ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰،  
۱۶۱، ۱۶۴. امامزاده: ۱۵۹. بل آجری:  
۱۵۹. حمام: ۱۵۹. کاروانسرا: ۱۵۹.  
گمرک: ۱۶۴. محله در مسجد: ۱۵۹.  
محله در ایشته: ۱۵۹. محله فیشکلی: ۱۵۹.  
مسجد: ۱۵۹.
- لوشان (از دهکده‌های عمارلو): ۱۷۴، ۱۸۴.
- ۱۸۶، ۱۸۷. اهل: ۱۸۷. جمال آباد:  
۱۷۴.
- لولمان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- لومده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- لومیر (از بیلاق اسالم و منزل حاکم): ۲۱۰.
- لوندویل (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸.
- لوه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- لوه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۸۹.
- لیاول (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- لی خرف [ایوان...]: (در بایگی روس  
در بندر جز): ۳۷.
- لیسار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶،  
۲۱۷.
- لیش پاره (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- لیف شاگرد (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- لیفکوخندان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۳.
- لیکژون (قورخانه بندر جز): ۳۷.
- لیل (از بخشهای لاهیجان): ۱۶۲.
- لیلاکوه: ۱۶۲.
- لیله کام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- لیمراس (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.
- لیمون چو: ۱۵۶.
- لیوان (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):  
۵۴، ۷۷. چا پارخانه دولتی: ۷۷.
- لیوانی [طایفه...]: ۵۳.
- م
- ماتروس: ۲۸.
- ماتک (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- ماچیان: ۱۵۶.
- مازندران: ۱، ۶، ۱۵، ۲۳، ۳۱، ۳۲،  
۳۴، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸،  
۸۷، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۹،  
۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲.

- ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۵۳، ۱۳۶، ۱۳۵  
مازندرانی: ۱۹۷.
- ۱۱۷  
محله اردوبازار (از محله‌های لاهیجان):  
۱۶۳  
محله اسب چین: ۱۴۶.  
محله استادسرا: ۱۶۸.  
محله اسفنجان (از محله‌های شهرستان): ۱۷.  
محله اصائلو (از محله‌های ساری): ۹۶.  
محله اوجاق‌بند (از محله‌های بافروش):  
۱۱۷  
محله اوطاق: ۱۵۴، ۱۵۶.  
محله او مال (از محله‌های نیکاح): ۸۹.  
محله بابل‌پشت (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.  
محله باب‌ناظر (از محله‌های بافروش):  
۱۱۷  
محله بادی‌له (از محله‌های بلوک‌اندروود): ۹۲.  
محله بازاررشت: ۱۶۸.  
محله بازارمحله (از محله‌های اشرف): ۸۱.  
محله بازارمحله (از محله‌های مشهدسر):  
۱۱۲  
محله باغ‌تنگه (از محله‌های مشهدسر):  
۱۱۲، ۱۱۱  
محله باغ‌زندان (از محله‌های شاهرود): ۲۹.  
محله بالا (از محله‌های قاسم‌آباد): ۱۵۴.  
محله بالابلوک (از محله‌های کردمحله): ۴۳.  
چاپارخانه دولتی: ۴۳.  
محله پیدآباد (از محله‌های بافروش):  
۱۱۷  
محله بی‌سرتکیه (از محله‌های بافروش):  
۱۱۷
- ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۵۳، ۱۳۶، ۱۳۵  
مازندرانی: ۱۹۷.  
مامطیر = بافروش = بافروش‌ده:  
۱۲۲  
مازوپشت (از دهکده‌های طالش دولاب):  
۲۵۵  
ماسال [حاکم نشین...]: ۱۹۸.  
ماسوله: ۱۹۴.  
ماشاتوک (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
ماش‌میان (از دهکده‌های عمارلسو): ۱۸۷.  
مافی [ایل...]: ۱۷۶، ۱۷۷.  
ماکلوان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.  
مالمان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
مأمون (خلیفه عباسی): ۱۱۲.  
ماوردیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.  
ماهان: ۱۷۷.  
مجید [میرزا...]: (مباشراً کل چهار فریضه):  
۲۵۲  
مجال اردبیل: ۲۱۳.  
مجال ری: ۹۸.  
مجال کلباد اشرف: ۷۴.  
مجال مازندران: ۷۷.  
محسن خان سورتیج: ۸۸.  
محسن میرزا (میرآخوردشاه): ۵.  
محلات کلباد: ۷۸.  
محله آستانه (از محله‌های بافروش): ۱۷۷.  
محله آهنگسر کلا (از محله‌های بافروش):  
۱۱۷  
محله ابومحله (از محله‌های بافروش):

- محلّه پایین (ازمحلّه‌های ایوان کیف): ۵.  
کاروانسرای شاه عباسی: ۵.  
محلّه پردسر (از محلّه‌های لاهیجان): ۱۶۲،  
۱۶۳.  
محلّه پولکی (ازمحلّه‌های کرد محلّه): ۴۳.  
محلّه پیاکلا (از محلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه تازه آباد: ۱۴۷.  
محلّه تروجن (برسراه اشرف به نیکاح):  
۸۸.  
محلّه تکیه ارباب (ازمحلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه توسکائیش (از محلّه‌های کردمحلّه):  
۴۳.  
محلّه جر: ۷۷.  
محلّه جز: ۳۵، ۳۹.  
محلّه جمشیدآباد: ۱۴۶.  
محلّه چاله باغ (از محلّه‌های ساری): ۹۶.  
محلّه چاله پل (برسراه اشرف به نیکاح):  
۸۹.  
محلّه چپکروود: ۱۱۱.  
محلّه چومسجد (ازمحلّه‌های شهر سمنان):  
۱۷.  
محلّه چهارشنبه پیش (ازمحلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه حصیرفروشان (ازمحلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه حوض کتی (ازمحلّه‌های چلندر): ۱۳۹.  
محلّه خادک: ۱۴۱.  
محلّه خمیران زاهدان: ۱۶۸.  
محلّه خمیر کلايه (ازمحلّه‌های لاهیجان):  
۱۶۳.  
محلّه خمیران کیاب: ۱۶۸.  
محلّه خوبان رزکا (بر سر راه خرم آباد به  
آب گرم سخت سر): ۱۵۰.  
محلّه خوریاب (ازمحلّه‌های دامغان): ۲۵.  
محلّه دازم کنده (از محلّه‌های قرح آباد):  
۱۸۰.  
محلّه دباغان (ازمحلّه‌های دامغان): ۲۵.  
محلّه دباغ خانه پیش (ازمحلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه درازکله (از محلّه‌های کردمحلّه): ۴۳.  
محلّه درمسجد (ازمحلّه‌های لنگرود): ۱۵۹.  
محلّه درویش خیل (ازمحلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه دریابشته: ۱۵۳.  
محلّه دوغانلی (ازمحلّه‌های نیکاح): ۸۹.  
محلّه راپشته (ازمحلّه‌های لنگرود): ۱۵۹.  
محلّه رزیاکلا (از محلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه رستم رود (برسراه محمودآباد هراز  
به سلده): ۱۳۶.  
محلّه رودگر محلّه (از محلّه‌های بارفروش):  
۱۱۷.  
محلّه زاهدان: ۱۶۸.  
محلّه زیربان (برسراه اشرف به نیکاح):  
۸۸.  
محلّه سادات محلّه (از محلّه‌های مشهدسر):

- محله شعر باف محله (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۲
- محله سالی کنده (از محله‌های کسرد محله):  
۴۳
- محله شعر باف محله (از محله‌های لاهیجان):  
۱۶۲، ۱۶۳
- محله شمشرگر محله (از محله‌های بار-  
فروش): ۱۱۷
- محله شهدا (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۷
- محله شیخ محله (از محله‌های بلوک اندرود):  
۹۲
- محله شیر کرز: ۱۴۸
- محله شی رود: ۱۵۰
- محله صفی محله (از محله‌های مشهدسر):  
۱۱۲
- محله صلاح‌الدین کلا: ۱۳۸
- محله صیقلان: ۱۶۸
- محله طوق داربند (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۷
- محله طیل نو: ۷۹
- محله علوی کلا (از محله‌های بلوک اندرود):  
۱۳۷، ۹۲
- محله علی آباد کوچک: ۱۳۸
- محله وراثت محله (از محله‌های اشرف): ۸۱
- محله فرح آباد (از محله‌های فرح آباد):  
۱۰۸
- محله فیشکلی (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹
- محله قادی کیاب (بر سر راه اشرف به نیکاح):  
۸۸
- محله قاضی کتی (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۲
- محله سبزه مشهد (از محله‌های استرآباد):  
۴۷، ۵۰، گذر چمن‌دیان: ۵۰. گذر باغان:  
۵۰. گذر سرپیر: ۵۰. گذر سرچشمه:  
۵۰. گذر سوخته چنار: ۵۰. گذر نقاره-  
چیان: ۵۰
- محله سرحمام بیج ناجی (از محله‌های  
بارفروش): ۱۱۷
- محله سرحمام کاظم بیگ (از محله‌های  
بارفروش): ۱۱۷
- محله سرحمام نسائی (از محله‌های  
بارفروش): ۱۱۷
- محله سر میدان (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۷
- محله سمیس کنده (از محله‌های بلوک اندرود):  
۹۲
- محله سوته (از محله‌های فرح آباد): ۱۰۸
- محله سی‌الم سر = سیلاب سر (از محله-  
های ساری): ۹۶
- محله سیدجلال (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۷
- محله سیلاب سر = سی‌الم سر (از محله‌های  
ساری): ۹۶
- محله شاه (از محله‌های دامغان): ۲۵
- محله شاه‌جو (از محله‌های سمنان): ۱۷
- محله شاه کلا (از محله‌های بارفروش):  
۱۱۷

۱۱۷. محلهٔ قراکلا (از محله‌های بار فروش):  
۱۱۷. محلهٔ قزلی (از محله‌های نیکاح): ۸۹، ۹۰.  
محلهٔ قصاب کلا (از محله‌های بار فروش):  
۱۱۷. محلهٔ قلعه (از محله‌های دامنان): ۲۵.  
محلهٔ قلعه سر (از محله‌های نیکاح): ۸۹.  
محلهٔ کاروانسرای (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۳.  
محلهٔ کاسه‌گر محله (از محله‌های بازار):  
۱۱۶. محلهٔ کاظم‌آباد (از محله‌های شهدس): ۱۱۲.  
محلهٔ کاظم‌آباد: ۱۴۷.  
محلهٔ کاله (از محله‌های شهدس): ۱۱۲.  
محلهٔ کردها (از محله‌های جز): ۳۵.  
محلهٔ کرم رود: ۱۵۰.  
محلهٔ کل بست (بر سر راه شهدس به بار-  
فروش): ۱۱۵.  
محلهٔ کوش منان (از محله‌های خارج شهر  
سمنان): ۱۹.  
محلهٔ کیاب: ۱۷۱، ۱۶۸، سبزه میدان: ۱۷۱.  
محلهٔ گاوبنه (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۲.  
امامزاده: ۱۶۳.  
محلهٔ گرجی محله (از محله‌های اشرف): ۸۱.  
محلهٔ لاریم: ۱۱۰، ۱۱۱.  
محلهٔ لئی بار (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.  
محلهٔ لنگرود: ۱۵۹.  
محلهٔ لیمراس: ۷۹.  
محلهٔ لیارستان (از دهکده‌های لاهیجان):  
۱۶۱. محلهٔ مرادیگ (از محله‌های بار فروش): ۱۱۷.  
محلهٔ مسجد جامع شنجریه (از محله‌های  
بار فروش): ۱۱۷.  
محلهٔ ملاکلا (بر سر راه فریکنار به محمود-  
آباد هراز): ۱۳۲.  
محلهٔ ملاکیله (از محله‌های کرد محله): ۴۳.  
محلهٔ میان دشت (از محله‌های شهدس):  
۱۱۲. محلهٔ میدان (از محله‌های استرآباد): ۴۸،  
۵۰. گذر باغ پلنگ. گذر درب نو: ۵۰.  
گذر دوچناران: ۵۰. گذر دوشنبه: ۵۰.  
گذر کاسه‌گران: ۵۰.  
محلهٔ میدان (از محله‌های لاهیجان): ۱۸۲.  
محلهٔ میرزا کوچک (از محله‌های بار فروش):  
۱۱۷. میرمشهد (از محله‌های ساری): ۹۶.  
محلهٔ نارنج‌بن: ۱۵۳.  
محلهٔ ناسار (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.  
محلهٔ نال کلا: ۱۱۶.  
محلهٔ نعلبندان (از محله‌های استرآباد): ۴۸،  
۴۹. گذر وپای‌سر: ۴۹. گذر خیمه-  
دوزان: ۴۹. گذر شیرکش: ۴۹. گذر  
میخچه‌گران: ۴۹.  
محلهٔ نقاش محله (از محله‌های شهر اشرف):  
۸۱. محلهٔ نودیک (از محله‌های نیکاح): ۹۰.  
محلهٔ ورزکتی (از محله‌های بار فروش):  
۱۱۷.



- محلّه و لاقوز (از محله‌های کرد محله): ۴۳.  
 محلّه هسکا کلا (از محله‌های بارفروش):  
 ۱۱۷.
- محمد [آقا...]، (کدخدای دهکده تاش):  
 ۳۲.
- محمد [امام‌زاده...]: ۷۹.  
 محمد [حاجی ملا...]، (مجتهد بارفروش):  
 ۱۰۶.
- محمدآباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.  
 محمدآباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-  
 رستاق استرآباد): ۵۵.  
 محمدآباد (دهی خراب بر سر راه شاهرود به  
 تاش): ۳۱.  
 محمد ابراهیم خان (حاکم شاهرود): ۲۸.  
 محمد اسمعیل خان (نوه فتحعلی خان و تیولدار  
 محلّه رستم رود): ۱۳۶.  
 محمد انلق [طایفه...]: ۵۹.  
 محمد باقر بیگ مهاجر هراتی (تحصیل‌دار  
 فرح‌آباد): ۱۰۸.  
 محمد باقر خان (رئیس طایفه انزانی): ۵۳.  
 محمد تقی [حاجی میرزا...]، (از مجتهدین  
 بنام ساری): ۱۰۶.  
 محمد تقی بیگ (نایب حاکم شاهرود):  
 ۲۸.  
 محمد تقی خان [حاجی...]: ۱۰۳.  
 محمد تقی خان (حاکم ولایت تولم در  
 ۱۲۷۶ ه. ق.): ۱۹۷.  
 محمد حسن [آقا...]: (تیولدار بلوک شیر-  
 گاه): ۱۰۴.
- محمد حسن خان (پدر آقا محمد شاه): ۸۱.  
 محمد حسن خان (پسر فتحعلی خان): ۷۳.  
 ۷۴.
- محمد حسن خان (پسر نصرالله خان): ۵.  
 محمد حسن خان (وزیر مازندران): ۹۶.  
 محمد حسن خان (از طایفه یخاری باش): ۷۴.  
 محمد حسن خان اشاقه باش: ۷۴.  
 محمد حسین [آقا...]، (بزرگ علوی کلا):  
 ۱۳۸.
- محمد حسین [آقا میرزا...]، (مجتهد ساری  
 و مالک محلّه لاریم): ۱۱۱، ۱۰۶.  
 محمد حسین [میرزا...]، (از پسران آقا میرزا  
 یوسف): ۱۴۷.  
 محمد حسین [میرزا...]، (کدخدای دهکده  
 لاس‌گرد): ۱۳.  
 محمد حسین مجتهد [آقا میرزا...]: ۱۱۰.  
 محمد خان [حاجی میرزا...]، (یکی از  
 واردکنندگان کارخانه شکر سازی بار-  
 فروش): ۱۱۸.  
 محمد خان (یکی از خوارین جعفر بای): ۷۰.  
 محمد خان افغان (سرکرده طایفه افغان در  
 قرآبه): ۸۷.  
 محمد خان بیگ (رئیس طایفه حاجی لرد):  
 ۵۳.  
 محمد خان سپه سالار [میرزا...]: ۱۳، ۱۵،  
 ۲۴.  
 محمد رحیم خان (پسر مهدی خان): ۱۰۲،  
 ۱۰۳.  
 محمد رضا [آخوند ملا...]، (مجتهد

- استرآباد): ۶۹. محمدعلی خان [آقا...]: (بزرگ علوی کلا): ۱۳۸.
۱۷۷. محمدعلی خان [میرزا...]: (حاکم لاهیجان): ۱۳۸.
۱۵۷. محمدعلی خان [میرزا...]: (صاحب اختیار لاهیجان): ۳۴.
- محمد قلی (پسر حاجی رمضان): ۱۱۵. محمد رضا خان (از سر کرده‌های ایل مافی): ۱۷۶.
- محمد قلی بیگ بلوک باشی: ۱۵۵. محمد رفیع [حاجی ملا...]: (از علمای رشت): ۱۶۸.
- محمدقلی خان (حاکم ولایت اسالم در ۱۲۷۶ ق.هـ): ۲۰۹. محمد شاه (سومین شاه قاجار): ۳.
- محمدقلی خان (یوزباشی خواجه‌وند): ۱۴۳. محمدصادق خان (رئیس طایفه کول): ۵۲.
- محمدقلی میزای ملک آراء (حاکم مازندران): ۳۴، ۹۵، ۹۷. محمد صادق خان کردمحلای: ۵۲.
- محمد کج دماغ [آقامیرزا...]: (مالک بلوک اهلستان آمل): ۱۳۳. محمد علی [آخوند ملا...]: (از علمای رشت): ۱۶۸.
- محمد کریم بیگ (نایب دامغان): ۲۴. محمد علی [آقا...]: (از طایفه شاه کوئی): ۵۲.
- محمد مهدیخان (پسر شاهقلی خان و رئیس طایفه عمرانلو): ۷۹. محمدعلی [حاجی...]: ۱۲۹.
- محمد ناصر خان ابشیک آقاسی باشی (پدر محمد ابراهیم خان حاکم شاهرود): ۲۸. محمدعلی [مشهدی...]: (کدخدای آستارا): ۲۱۸.
- محمد ولیخان (بیگلربیگی استرآباد): ۴۸، ۷۵. محمدعلی [مشهدی...]: (کدخدای محله لاریم): ۱۱۱.
- محمد باور [آقا...]: (از پسران میرزا یوسف): ۱۴۷. محمدعلی [میرزا...]: ۵.
- محمود [امامزاده...]: ۱۱۱. محمدعلی [میرزا...]: (داماد حبیب‌الله خان سرتیب و نایب حکومت تنکابن): ۱۴۹.
- محمودآباد (از دهکده‌های ورامین): ۴. محمدعلی بارفروش [حاجی ملا...]: ۱۲۵.
- محمودآباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲. محمود آباد هراز: ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴. ۱۲۲، ۱۲۸.
- قبرستان: ۱۳۳. مسجد: ۱۳۳. محمدعلی خان: ۵۲.
- محمود بیگ (ضابط چا پارخانه شاهی در سر کرده ایل رشوندقزوین):

- قشلاق و پسر مهدی بیگک تبریزی): ۷.
- محمود بیگک (مشول چایارخانه ده نمک): ۱۲.
- محمود خان (کلانتر طهران): ۱۲۹.
- محمودلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.
- مخدوم [طایفه...]: ۶۲.
- مخسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مدانلو (تیره‌ای از اکسراد ساکن سمیس-کنده): ۹۳، ۹۷.
- مدرسه استرآباد: ۴۹.
- مدرسه بارفروش: ۱۱۸.
- مدرسه ساری: ۹۶.
- مدرسه اشرف: ۸۱.
- مدرسه لاهیجان: ۱۶۳.
- مدو [طایفه...]: ۱۴۵.
- مدینه طیبه: ۱۱۲.
- مذهب بابی: ۱۲۵.
- مراد بخش (امام‌زاده استرآباد): ۴۹.
- مران (برسرراه تنکابن به طهران): ۱۵۰.
- مرتضی قلی بیگک (بزرگ ارادان): ۸.
- مرتضی قلی خان (پسر میرزا محمد خسان کتابادی): ۷۹.
- مرجان‌آباد (ازبیللاق رحمت‌آباد): ۱۸۴.
- مرجقه (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مرخال (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مرداب: ۲۰۲.
- مرداب انزلی: ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۸.
- ۲۰۴.
- مردقه (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- مرزن کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد-رستاق استرآباد): ۵۵.
- مرسال (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مرغ زار (حد شرقی سکنای طایفه غائی): ۶۵.
- مرکبه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مرو: ۷۲، ۷۳.
- مریان (ازبیلاق‌های آن‌ایولر): ۲۱۶.
- مریم‌آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-رستاق استرآباد): ۵۵.
- مزارلال شوی = حضرت معصومه = قباطمه: ۱۶۷.
- مزرعه (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکنول استرآباد): ۵۶.
- مزرعه اورنگک: ۱۴۵.
- مزرعه خوبان رزکا (برسرراه خردم‌آباد به آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.
- مزرعه شیرکوز (برسرراه خرم‌آباد به آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.
- مزرعه علوی کلا (برسرراه سمیس‌کنده): ۹۲.
- مزرعه لنگرود: ۱۶۱.
- مس (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مسجد آستارا: ۲۱۸.
- مسجد ارادان: ۸.
- مسجد استرآباد: ۴۹.
- مسجد اشرف: ۸۱.
- مسجد انزلی: ۲۰۰.
- مسجد ایوان‌کیف: ۶.
- مسجد بارفروش: ۱۱۸.

- مسجد جامع بارفروش: ۱۲۶.
- مسجد جامع دامغان: ۲۴.
- مسجد جامع ساری: ۹۶.
- مسجد جز: ۳۵.
- مسجد چی‌نی‌جان: ۱۵۸.
- مسجد حکیم اصفهان: ۱۷.
- مسجد رادکان: ۳۴.
- مسجد شاهرود: ۲۹.
- مسجد شاه سمنان (از بناهای فتحعلی شاه قاجار): ۱۷.
- مسجد شاه‌کو: ۳۳.
- مسجد فرح‌آباد (از بناهای شاه عباسی): ۱۰۸.
- مسجد قشلاق: ۷.
- مسجد کرد محله: ۴۳.
- مسجد کفشگیری: ۴۵.
- مسجد لاس‌گرد: ۱۳.
- مسجد محمودآباد هراز: ۱۳۲.
- مسکو [دارالسلطنه...]: ۱۱۸.
- مسگر محله (از محله‌های جز): ۳۵.
- مسیح مستوفی [میرزا...]: (مالک بلوک گلچیان رستاق مازندران): ۱۰۰.
- مشک عنبر (حدشرقی طایفه‌فرق): ۶۳، ۶۵.
- مشهدسبز (نام قدیم مشهدسر): ۱۱۲.
- مشهدسر: ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳.
- ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۱. بازار محله: ۱۱۲.
- بندر: ۱۱۱ سادات محله: ۱۱۲.
- گمر کخانه: ۱۱۱، ۱۱۲. محله بابل پشت: ۱۱۲.
- محله باغ تنگه: ۱۱۲. محله کاظم آباد: ۱۱۲. محله کاله: ۱۱۲. محله میان دشت: ۱۱۲.
- مصطفی [آقا...]: (از طایفه ساوری): ۵۲.
- مصطفی خسان (پدر رضا قلیخان صاحب اختیار کرد محله): ۴۲.
- مصطفی خان سورتیج [حاجی...]: (مالک بلوک زرین آباد): ۱۰۲، ۱۲۷.
- مطلب بیگ (کدخدای ایوان کیف و مباشر میرزا محمدعلی): ۵.
- مطلب بیگ (بانسی راسته بازار دامغان): ۲۴.
- معبر دیگچه گرگان: ۶۱.
- منداالدوله منوچهرخان (والی گیلان): ۲۱۳.
- معصوم آباد (از دهکده‌های بلوک استراباد - رستاق استراباد): ۵۵.
- معصومه [حضرت...]= فاطمه = مزار لال - شوی (خواهر حضرت اما رضا علیه السلام در شهر رشت): ۱۶۷.
- معبر الممالک [دوست علیخان...]: ۹۴.
- مغاره‌ای در کوه دزدین: ۱۶۱.
- مغاره‌ای در کوه درفک: ۱۸۵.
- مغاره رشی رودخان: ۱۸۵.
- مغان: ۲۱۵.
- مغلاوا (در غرب قزوین): ۱۷۵.
- مقام دیوسقید = چلندر: ۱۳۷، ۱۴۰.
- مقبره آفاسید ابراهیم ابوجواب با خواهرش (اولاد امام موسی کاظم علیه السلام): ۱۱۲.
- مقبره امامزاده سید حسین (در محله شی‌رود):

۱۵۰. مقبره دانبال پیغمبر (در پای کوه مدوبند):
۱۴۵. مقبره شاه غازی رستم (در شهر ساری): ۹۹.
- مقبره ملاعمادالدین (در محله طیل نوبلوك كلباد): ۷۹.
- مقبره ملامجداالدین (در بیرون دروازه ساری):
۱۰۶. مقصودلو [طایفه...]: ۵۲.
- مقصودلو [محمد باقرخان...]: ۵۲.
- مکش (از بیلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
- ملا [دهکده...]: ۲۷.
- ملارود (از رودخانه‌های طالش دولاب):
۲۰۴. ملاسرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- ملاعلی دره: ۱۷۴، ۱۷۵.
- ملاکیله [محلّه...]: ۴۳.
- ملامجداالدین [مقبره...]: ۱۰۶.
- ملك [کریلانی...]: (کدخدای کپورچال):
۲۰۲. ملك آرا [محمد قلی میرزای...]: ۹۷، ۹۵.
- ملك اسالم: ۲۱۱.
- ملك اشرف: ۸۵.
- ملك به‌پس: ۱۶۶.
- ملك جز: ۴۱.
- ملك خاله (از رودخانه‌های طالش دولاب):
۲۰۴. ملك چارقه‌سر: ۱۶۱.
- ملك خلخال: ۲۱۱.
- ملك دیلمان: ۱۶۲.
- ملك رانکو: ۱۵۸.
- ملك رحمت آباد: ۱۸۴.
- ملك روسیه: ۱۴۶.
- ملك ری: ۱۱۲.
- ملك طارم: ۱۷۷.
- ملك طالش دولاب: ۲۱۱.
- ملك کرگان رود: ۲۱۱.
- ملك فروان (در بلوك خالصه ارادان): ۹.
- ملك لاهیجان: ۱۶۲.
- ملك لیلاکوه: ۱۶۱.
- ملك ولیسه: ۱۵۸.
- ملوسکان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مداور (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- مداور (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- ممدوکان (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- ملك کهن آباد (در بلوك خالصه ارادان): ۹.
- منار بازار فومن: ۱۹۴، ۱۹۶.
- منار مسجد جامع دامغان: ۲۴.
- منبع گرگان: ۶۴.
- منجیل (از دهکده‌های عمارلو): ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶. امامزاده:
۱۷۸. یاد: ۱۷۹.
- منجیل [امامزاده...]: ۱۷۸.
- منجیلی‌ها (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- مندولک (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- منوچهر (شاه ایران): ۹۸، ۹۹.
- منوچهر خسان [معمدا السدوله...]: (والسی گیلان): ۲۱۳.

- منیه: ۱۹۱
- موازی (از بلوک لاهیجان): ۱۶۴
- مورحلی (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶
- موسی [آقا...]: (مالک دهکده شاه کسو): ۳۳
- موسی [ملا...]: (کندخدای آب گرم): ۱۵۱
- موسی بن جعفر علیه السلام [امام...]: ۱۶۱
- ۱۶۷
- موسی خان (از سرکرده‌های طایفه جلیل وند): ۱۷۵
- موسی کاظم علیه السلام [امام...]: ۴۲، ۹۶، ۱۱۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۸
- مونه (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۷
- مهر کلاته (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳
- مهدی [مشهدی...]: (کندخدای اورنگک): ۱۴۴
- مهدی آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲
- مهدی خان (پدر محمد رحیم خان): ۱۵۲
- مهدی خان [میرزا...]: (پدر میرزا یوسف خان حاکم اشرف): ۸۲
- مهدی خان [میرزا...]: (حاکم لنگرود و دورانکو، پسر میرزا عبدالباقی منجم باشی): ۱۶۰
- المهدی صاحب الزمان علیه السلام [امام...]: ۱
- مهدیقلی [میرزا...]: (میرزای حاکم شاهرود): ۲۸
- مهدیقلی بای (وزیر دوم دریاقلی خان، خان جعفر بای): ۷۰
- مهدیقلی میرزا (مأمور دفع فتنه بایها): ۱۲۸، ۱۲۹
- مهدی محله (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- مهران (از دهکده‌های خوار): ۱۲
- مهمان دوست [دهکده...]: ۲۷
- مهوزان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- مهین (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶
- میامی (حد شرقی شاهرود): ۲۸
- میان آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶
- میان پشته (جنوب انزلی): ۲۰۱
- میان درود [بلوک...]: ۸۹، ۹۷، ۱۰۰
- میان دره (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴
- میان دشت [محله...]: ۱۱۲
- میانده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶
- میان رود: ۹۴
- میان کاله: ۳۷، ۷۸، ۸۸، ۱۰۸
- میان کو (از ییلاقهای آن ایولر): ۲۱۶
- میان کو (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷
- میان کوله (بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۹
- میان محله (از محله‌های جز): ۳۵
- میان مزرعه: ۱۵۰
- میان نایه و مژدر دشت خسر م آباد [بلوک...]: ۱۴۹
- میان کوشک (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷
- میخچه گران [گذر...]: ۴۹

- میدان شاه سمنان: ۱۷.
- میران محله (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- میربازار (بر سر راه مشهدسر به بارفروش): ۱۱۵.
- میررود: ۱۱۱.
- میرزا آقا (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- میرزا خانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- میرزا علی [طایفه...]: ۶۵.
- میرسلطان احمد خان (حاکم و بزرگه آستارا): ۲۱۸.
- میرشمس‌الدین [بقعه...]: ۱۶۳.
- میرعظیم [امامزاده...], (مقابل خطیب‌سرا): ۲۱۶.
- میرمحله (از دهکده‌های بلوک استرآباد - رستاق استرآباد): ۵۵.
- میرمحله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- میل آجری رادکان: ۳۳.
- مینه رود (از بیلاقهای طالش دولاب): ۲۵۵.
- ن
- نایب (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
- نادرشاه: ۶، ۹، ۷۳، ۸۳.
- نارجه (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- ناردان (نام یکی از گمی‌های روس در آشوراده): ۳۸.
- نارنج‌آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد - رستاق استرآباد): ۵۵.
- نارنج‌بن (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- نارنج قلعه (در بیرون شهر سمنان): ۱۷.
- نارنجک باغ: ۸۹.
- نارنجک بند [بلوک...]: ۱۴۵.
- نارن ده (از دهکده‌های بام‌نصور عمارلو): ۱۸۷.
- ناسار (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- ناسار [محله...]: ۱۷.
- ناش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- ناصران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- ناصرالدین شاه: ۳: ۷۵، ۱۲۵، ۱۶۹، ۱۷۸.
- ناطق کلا (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
- نام تلو (از دهکده‌های بلوک فندرسک استرآباد): ۵۷.
- ناوان (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- ناوه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- ناوه (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه - آخال نشین): ۶۶.
- نبی = محمد (ص): ۱.
- نترسو (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- نجفقلی خان (پسر عموی محمد رحیم خان و نوه حاجی محمدتقی خان): ۱۵۳.
- نجور (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه - آخال نشین): ۶۷.
- ندامان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- نرگستان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- نسن [بلوک...]: ۱۳۷.
- نسو (از دهکده‌های بلوک استرآباد): ۵۵.
- نصرآباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد):

- دستاق استرآباد): ۵۵.
- نصرالله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- نصرالله آباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- نصرالله آباد (ملک یحیی میرزا): ۱۶۲.
- نصرالله‌خان (از سرکرده‌های ایل مافی): ۱۷۶.
- نصرالله خان (حاکم شاندمین): ۱۹۸.
- نصرالله خان (حاکم ولایت فومن): ۱۹۴.
- نصرالله خان (سرای دارباشی شاهی): ۵.
- نصفی (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
- نصیر محله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- نصیرالملک (مالک بلوک دابو و جلال ازدرک): ۱۲۲.
- نطنز: ۷، ۱۰.
- نظر خان بزرگ: ۹۰.
- نظر خان کوچک: ۹۰.
- نعمت‌الله خان (پسر حاکم و سرکرده  
فتنگچی ولایت شفت): ۱۹۱،  
۱۹۲.
- نعلبندان [محلّه...]: ۴۹.
- نعلکی (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- نعمتی (مذهب محله میر مشهد ساری): ۹۶.
- نعون (از ییلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- نفس خانی [فرقه...]: ۶۳.
- نفوت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- نقاره چیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- نقاره چیان [گذر...]: ۵۰.
- نقاره خانه: ۴.
- نقاش محلّه [محلّه...]: ۸۱.
- التقی علیه السلام [امام...]: ۱.
- نقیب کلا (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- نمرود تپه (در اراضی عباس آباد و رامین): ۴.
- نمه کوران (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۶.
- نمیر (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۴،  
۲۱۶.
- نمیر (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۴،  
۲۱۷.
- نمیر داغی = کوه نمیر: ۲۱۴.
- نمین: ۲۱۹.
- نو (از ییلاق اسالم): ۲۱۰.
- نوائی: ۱۳۴.
- نوائی [احمدخان...]: (تبولدا سرخ رود):  
۱۳۲.
- نوآرود (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۰، ۲۰۹.
- نوآرود (از رودخانه‌های اسالم): ۲۱۱.
- نوبر علی خان: ۵۲.
- نوجمن (از دهکده‌های سدن دستاق استرآباد):  
۵۴.
- نوخاله (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- نوده (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- نوده (از دهکده‌های بلوک استرآباد دستاق  
استرآباد): ۵۶، ۵۰.
- نوده (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین  
و کول استرآباد): ۵۶.
- نوده (از دهکده‌های بلوک فندرسک استرآباد):  
۵۷.
- نوده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- نوده (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۴.
- نوده غیر (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۲.



- نیشتا [بلوک...]: ۱۴۹.
- نیکاح: ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱. محله اومسال:
۸۹. محله دوغانلی: ۸۹. محله قزلی:
۹۰. محله قلعه سر: ۸۹. محله نودیک:
- ۹۰.
- نیکالو [طایفه...]: ۷۲.
- و
- وارسرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- واسکا (از زیلاقیهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- ۲۰۶.
- واسکام‌شان (از دهکده‌های طالش دولاب):
- ۲۰۵.
- واسکس [دهکده...]: ۱۲۸.
- وافسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- واقعه دشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- والی گیلان: ۲۱۳.
- وانکا (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- ورامین: ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹. آلوواک:
۵. ابراهیم آباد: ۵. اشرف آباد: ۴. ایوان
- کیف: ۵. خاتون آباد: ۴. خسوار: ۶،
۷. دیزک: ۶. شریف آباد: ۵. عباس آباد:
۴. فوزون آباد: ۴. کریم آباد: ۵. محمود-
- آباد: ۴. نمرود تپه: ۴.
- ورزکتی [محله...]: ۱۱۷.
- ورسن (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد):
- ۵۳.
- ورسن [امام زاده...]: = امام زاده پنج امام:
- ۴۶.
- وزرا محله (برسراه فریکنار به محمودآباد
- نودیکه (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
- استرآباد): ۵۳.
- نودیک [محله...]: ۹۰.
- نودیک (برسراه نیکاح به سیمس کنده): ۹۰.
- نودیک [دهکده...]: ۱۴۵.
- نوذرآباد (قریه‌ای در دوفرسخی فریح آباد):
- ۸۸، ۱۰۹.
- نور: ۸۸، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۲.
- نورعلی [طایفه...]: ۵۸.
- نورقلعه (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه
- آخال نشین): ۶۶.
- نورمحمد خان قجر [سرتیب...]: (سرکرده
- طوایف جان بیگ لو ومدانلو): ۹۰.
- نوروزخان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.
- نوروزخان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- نوروزعلی خان (پسر احمد خان و سرکرده
- طایفه قیاس وند): ۱۷۴.
- نوکنده (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):
- ۵۴.
- نوکنده (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۵.
- نوکنده (از رودخانه‌های طالش دولاب):
- ۲۰۴.
- نومل (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق
- استرآباد): ۵۵.
- نوبر (آخر محله انزلی): ۲۰۱.
- نه ده (از دهکده‌های عمالو): ۱۸۷.
- نهر گرجی: ۶۰، ۶۱.
- نیالا [دهکده...]: ۱۲۵.
- نیزم (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

- هراز: ۱۳۲.
- وزنه (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- وزیرچمنی: ۱۷۸.
- وسیسر (از دهکده‌های بلوک فخرعمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- وش: ۱۸۴.
- وطنا (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۵۴.
- وکیلی [طایفه...]: ۶۰.
- ولادش آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستان استرآباد): ۵۵.
- ولاقوز [محلّه...]: ۴۳.
- ولامندان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- ولایت آستارا: ۲۰۰.
- ولایت اردبیل: ۲۱۴.
- ولایت اسالم: ۲۰۹، ۲۰۰.
- ولایت استرآباد: ۷۱.
- ولایت انزلی: ۲۰۰.
- ولایت ایران: ۱۷۰.
- ولایت تنکابن: ۱۴۸.
- ولایت تولم: ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۸، شیلات: ۱۹۷.
- ولایت خراسان: ۱۰۱.
- ولایت خلخال: ۲۱۴.
- ولایت رحمت آباد: ۱۸۱.
- ولایت روم: ۱۸۶.
- ولایت زیتون رودبار: ۱۸۹، آب گرم: ۱۸۹.
- آستانه: ۱۸۹، اسفندیار مرز: ۱۹۰.
- اسکولک: ۱۹۰، الیزه: ۱۹۰، اهل: ۱۸۹، ایمن آباد: ۱۹۰، پشته: ۱۹۰، پیری: ۱۴۹.
۱۹۰. تعلیم: ۱۹۰. جوین: ۱۹۰. چریه:
۱۹۰. خولک: ۱۹۰. خولوم بو: ۱۹۰.
- دارستان: ۱۹۰. دوکاهه: ۱۹۰. راسته—
- بازار: ۱۸۹. راهدارپشته: ۱۹۰. رشته
- رود: ۱۹۰. سرخون: ۱۹۰. شمام: ۱۹۰.
- علی آباد: ۱۹۰. فیله: ۱۹۰. کاروانسرا:
۱۸۹. کام بر: ۱۹۰. کپته: ۱۹۰. کلاس:
۱۹۰. کرا رود: ۱۹۰. کلورز: ۱۹۰.
- کوشک: ۱۹۰. گزن: ۱۹۰. گنجه: ۱۹۰.
- لاکه: ۱۹۰. لوه: ۱۹۰.
- ولایت سمنان: ۲۰۱.
- ولایت شفت: ۱۹۱.
- ولایت طالش دولاب: ۲۰۳، ۲۰۰.
- ولایت فومن: ۱۹۴.
- ولایت کرگان رود: ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۱۴.
- ولایت گیلان: ۱۶۹.
- ولایت گیل دولاب: ۲۰۳.
- ولایت لاهیجان: ۱۶۳.
- ولایت لنگر کنان: ۸۹.
- ولایات مازندران: ۷۹، ۹۹، ۱۰۲، ۱۲۴، ۱۲۵.
- ولایت نور: ۱۳۶.
- ولایت هزارجریب: ۱۲۵.
- ولد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- ولقرا (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۵۴، ۴۱.
- ول موزی [دهکده...]: ۸۰.
- ولی خان (پدرحیب الله خان سرتپ): ۱۴۹.

هرا دشت (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.  
 هراز: ۱۳۲.  
 هراز آمل: ۱۳۳.  
 هزارپی و دابو [بلوک...]: ۱۳۳.  
 هری قلعه (یکی از محل‌های سکناى طوایف  
 تکه آخال نشین): ۶۶.  
 هزارجریب: ۱۸، ۹۲، ۹۴، ۱۰۰.  
 هزارجریب چهار دانگه: ۱۰۲.  
 هزارجریب چهاردانگه محسن خان:  
 ۱۰۳.  
 هزارجریب چهاردانگه نجفقلی خانى:  
 ۱۰۳.  
 هزارجریب دو دانگه: ۱۰۳.  
 هزارجریب مهدى خانى: ۱۰۳.  
 هزارجریبى [حاجى ملانقى...]: (از مجتهدین  
 بنام سارى): ۱۰۶.  
 هزارجریبى [رحیم خان...]: (مالك دهکده  
 کفشگیری): ۳۵، ۴۵.  
 هسکا کلا [محلّه...]: ۱۱۷.  
 هشاد کوه: ۷.  
 هشتیکه (از دهکده‌های بارک‌انزان استرآباد):  
 ۵۴.  
 هلاکو (امام‌زاده سمنان): ۱۸.  
 هلاوى (امام‌زاده سمنان): ۱۸.  
 همایون تپه شاه صفى: ۸۸.  
 همایون تپه صفى آباد اشرف: ۸۷.  
 هندوستان: ۹۹.  
 هنده خاله (از دهکده‌های تولم): ۱۹۷، ۱۹۸.  
 هنده کران (از دهکده‌های کرگان‌رود):

ولى خان (سرکرده نوکسر سوار عمارلو):  
 ۱۸۶.  
 ولى خانى شانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.  
 ولى خان سرهنگ (پسر بزرگ حبیب‌الله  
 خان سرتیپ): ۱۴۹.  
 ولىک آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-  
 رستاق استرآباد): ۵۵.  
 ونشوش تپه (از دهکده‌های بلوک انزان  
 استرآباد): ۵۴.  
 وهب بن منیه: ۱۹۱.  
 ویایه (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.  
 ویزا (نام چاهی است در دوفر سنگی شهر  
 سارى): ۹۷.  
 ویل (از زیلاقیهای کرگان‌رود): ۲۱۷.  
 وی به (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.  
 ه  
 هادى [آقا...]: (رئیس طایفه شاه کوئى):  
 ۵۲.  
 هادى خان [سرتیپ...]: (جد حبیب‌الله خان):  
 ۱۴۸.  
 هارون الرشید: ۲۴.  
 هاشم‌آباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق  
 استرآباد): ۵۳.  
 هاشم‌آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.  
 هاشم خان: ۹۰.  
 هاشم‌خان (از سرکرده‌های ایل مافى): ۱۷۶.  
 هاوزکو (از زیلاقیهای کرگان‌رود): ۲۱۷.  
 هدایت‌الله خان رشتى: ۱۵۴.

۲۱۶. استرآباد: ۵۳.
- هنده کران (از رودخانه‌های کرگان رود): ۶۲. بصواجی [طایفه...]: ۶۲.
۲۱۷. یعقوب [حاجی...]: (سرپرست کارخانه شکرسازی بارفروش): ۱۱۹.
- هوشنگ (شاه عجم): ۲۴، ۲۸.
- هنزلی (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- هنزلی (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۸. یموت [ایل...]: ۶۵. یلقی [طایفه...]: ۶۵.
- یموت استرآباد: ۶۷.
- بنقاف [طایفه...]: ۶۳.
- ی‌
- یاتری (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- یاراجی (یکی از محله‌های سکنای طسویف تکه آخال نشین): ۶۷.
- یارعلی [طایفه...]: ۵۸.
- هویق (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- هویق (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- یاستی‌بال (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- یالو (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- یان پی [طایفه...]: ۵۹.
- بانہ سر (حاکم نشین هزارجریب چهار-دانگه): ۱۰۳.
- یحیی (امامزاده...): ۹۶، ۹۸.
- یحیی میرزا (مالک دهکده نصرالله آباد): ۱۶۲.
- یخاری باش [طایفه...]: ۷۲، ۷۳، ۷۴.
- یخاری بوی لی [طایفه...]: ۶۵.
- یخچال ارادان: ۸.
- یزد: ۲۵.
- یزید ابن مهلب بنی عباسی: ۴۸.
- یساقی (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۱۳.
- استرآباد: ۵۳.
- بصواجی [طایفه...]: ۶۲.
- یعقوب [حاجی...]: (سرپرست کارخانه شکرسازی بارفروش): ۱۱۹.
- یلقی [طایفه...]: ۶۵.
- یموت [ایل...]: ۶۵، ۵۷، ۶۲، ۶۸.
- یموت استرآباد: ۶۷.
- بنقاف [طایفه...]: ۶۳.
- ینگلی قلعه (یکی از محله‌های سکنای طسویف تکه آخال نشین): ۶۶.
- یوزمهبین (یکی از محله‌های سکنای طسویف تکه آخال نشین): ۶۶.
- یوزش باش چاق: ۱۷۴.
- یوسف [آقا میرزا...]: (عموی حبیب‌الله خان سرتیپ): ۱۴۷.
- یوسف [حضرت...]: ۱۷.
- یوسف [مشهدی...]: (کدخدای فرح‌آباد): ۱۰۸.
- یوسف [مشهدی...]: (کدخدای ملاکلا): ۱۳۳.
- یوسف خان [حاجی میرزا...]: (گماشته قونسول دولت علیّه ایران): ۳۶.
- یوسف خان [میرزا...]: (حاکم اشرف): ۸۲.
- یوسف سلطان (پدرمیرزا محمد علی نایب حکومت تنکابن): ۱۴۹.
- یوکنم (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- پول کربیی (از پله‌سای سرراه ده نمک به لاس‌گرد): ۱۳.

- یهودی: ۱۹۹۰۱۱۸
- یهودمحلہ (ازمحلہ‌های بارفروش): ۱۱۷
- ییلاق آق‌ابولر: ۲۱۶
- ییلاق اسالم: ۲۱۵
- ییلاق اشکورات: ۱۵۴
- ییلاق برکسر: ۱۸۴
- ییلاق خطیب‌سرا: ۲۱۴
- ییلاق داماش (ییلاق حاکم عمارلو): ۱۸۶
- ییلاق رحمت‌آباد: ۱۸۴
- ییلاق سوادکوه: ۱۱۱
- ییلاق شفت: ۱۹۲
- ییلاق طالش دولاب: ۲۵۵
- ییلاق کرگان‌رود: ۲۱۷